

• واکاوی نقش زنان در شهر

• فضا، جنسیت و شهروندی؛
چند منزل در پیش است؟

• شهر پایدار، شهری امن برای زنان

• زنان و زیست شهری

• گزارشی درخشان از یک روز تیره در تاریخ

• جفا تبه گتوند، میزبان نخستین
بانوی شهردار

• بررسی جایگاه زنان در مدیریت شهری

• اسپانیا؛ پیش به سوی
«صفر تصادف» در ۲۰۲۰

• اوز، پیشرو در مشارکت زنان



تشریح و تفسیر

و

تشریح و تفسیر



محور اصلی:

شهر و زنان

طرح روی جلد: مربوط به محور اصلی
عکس پشت جلد: لباس سنتی اصفهان

صاحب امتیاز:

وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

مدیرمسئول: مهدی جمالی‌نژاد

زیرنظر: اسمعیل زیارتی نصرآبادی

سردبیر: حسین رجب صلاحی

هیأت تحریریه:

حسین ایمانی جاجرمی، عباس جلالی، حدیثه گرشاسبی،
محمد طولابی، عمار داوودی

ویراستار و نمونه خوان: فریده دارستانی فراهانی

طراح و صفحه آرا: محمد سدید شهلائی مقدم

چاپ: کامیاب

۱. مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً بیانگر دیدگاه‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها نیست.
۲. ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
۳. مطالب ارسالی به هیچ وجه بازگردانده نخواهد شد.
۴. استفاده از مطالب و طرح‌های ماهنامه تنها با ذکر مأخذ مجاز است.
۵. مقالات باید به نشانی پست الکترونیکی نشریه (در محیط word) ارسال شود.

ISSN:16 06 7495

<http://www.imo.org.ir>

ssafta.imo.org.ir

E.mail: shahrdariha91@gmail.com

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان نادری، پلاک

۱۷، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی

کدپستی: ۱۴۱۶۶۳۳۶۶۱

تلفن: ۳ و ۰۳۹۰۲۰۵۰۲ نمابر: ۰۳۹۰۲۰۵۲

۲..... یادداشت مدیرمسئول

۳..... سخن سردبیر

گزارش اصلی

۴..... - واکاوی نقش زنان در شهر/ عمار داوودی

اندیشه و پژوهش

۱۰..... - فضا جنسیت و شهروندی؛ چند منزل در پیش است؟/ پرویز پیران

۲۱..... - شهر پایدار، شهری امن برای زنان/ زهره فنی

گفتگو

۲۸..... - زنان و زیست شهری/ سمیه خسروی

۳۳..... مشاور حقوقی/ حسین پرستار

شهرداری‌ها به روایت اسناد

۳۴..... - گزارشی درخشان از یک روز تیره در تاریخ/ عباس جلالی

از نگاه شهردار

۳۸..... - چفت‌په گنوند، میزبان نخستین بانوی شهردار/ حدیثه گرشاسبی

دیدگاه

۴۳..... - سازمان یادگیرنده قلب بهبود مدیریت شهری/ هوشنگ عزتی امینی

تجربیات جهانی

۴۷..... - جایگاه زنان در مدیریت شهری با نگاهی به تجربیات جهانی/ معصومه قربانی

آموزش

۵۳..... - بررسی رویکردها و تجارب برنامه اسکان بشر ملل متحد در خصوص دسترسی زنان به زمین و مسکن/ سارا حبیبی، سارا ثابت

۶۵..... - جنسیت و احساس امنیت اجتماعی در فضاهای شهری/ آرمان مسلمی

۷۵..... رهاورد سفر/ مرضیه حصارى

۸۲..... گزیده پژوهش/ لیلا توکلی

۸۷..... گزارش ویژه/ خدیجه فقیهی‌نژاد

۹۲..... گزارش خبری

۹۴..... اخبار

۹۹..... معرفی کتاب

۱۰۰..... تازه‌های نشر/ رویا مدنی

۱۰۲..... فهرست لاتین



مهدی جمالی نژاد

معاون عمران و توسعه امور
شهری و روستایی وزارت کشور
و رئیس سازمان شهرداری ها و
دهیاری های کشور

بی شک یکی از الزامات تحقق شهر پایدار و یکی از مهم ترین شاخصه های توسعه یافتگی در زمینه مدیریت شهری، مشارکت پایدار تمامی اقشار و گروه های اجتماعی در راهبری امور شهری اعم از تمام طبقات اجتماعی، گروه های سنی فارغ از نگاه جنسیتی است. اگر بخواهیم مشارکت فعالانه شهروندان را در یک رویکرد عملگرایانه به عرصه برنامه ریزی شهری وارد کنیم، باید قبل از هر چیز، این مشارکت در محیط اجتماعی و اقتصادی و در همه ی رفتارها و فعالیت های روزانه افراد و ساکنان شهری تعیین و تبیین شود. بدیهی است که رویکردی اینگونه، بیش تر از آن که وابسته به دغدغه های شخصی مدیریت شهری باشد، نیازمند ایجاد ساز و کارها و تعریف فرآیندهای مشخص برای تسهیل و بسترسازی تحقق چنین مشارکتی است.

در این میان، نقش اساسی زنان به عنوان نیمی از سهم جمعیتی جامعه از یک سو و جایگاه و شان آنها در دین مبین اسلام و فرهنگ غنی ایران زمین از سوی دیگر، ضرورت و اهمیت بسیار دارد. زنان امروز علاوه بر نقش ارزشمند آموزشی، تربیتی و فرهنگی خود در نظام خانواده، همپای مردان، خود را به تخصص، دانش، بینش و نگرش در عرصه های مختلف، از جمله حوزه های بهداشت و درمان، صنعت، پژوهش و... تجهیز نموده اند و سرمایه های انسانی عظیمی برای تحقق توسعه پایدار شهری هستند و یقیناً حضور فعالانه و موثر آنها در برنامه های توسعه شهری می تواند فرآیند توسعه را بیش از پیش تسریع و تسهیل نماید. منطق پیشرفت نیز چنین حکم می کند که الزماً بایستی در فرآیند توسعه، از تمامی داشته ها و ظرفیت های جامعه به بهترین نحو بهره گیری شود.

امروزه در راستای بسترسازی برای حضور فعال و موثر زنان در جامعه، نقش مدیریت شهری بسیار پررنگ تر از قبل است. اقدامات مدیران شهری از طریق انجام تغییرات کالبدی، فضایی و مکانی در شهرها، زیباسازی و معنادهی رنگی و معنوی و ارتقای کیفیت طراحی اشکال محیطی و فضاهای عمومی و همچنین با ارتقای امنیت محیطی در شهرها، می تواند زمینه را برای افزایش بهره مندی از توان، ظرفیت و قابلیت های زنان جامعه فراهم آورد. مدیریت شهری در دوره کنونی همواره به اصل ضرورت استیفای شایسته بانوان در اداره شهرها باور عمیق داشته و به دنبال حذف موانع و چالش های حضور بانوان در مشارکت در امور مدیریت شهری است و در راستای فراهم آوردن فرصت های واقعی و عملیاتی برای مشارکت ایشان تلاش های بسیاری صورت گرفته است و حضور ۲۸۵۵ دهیار، ۱۱ شهردار و ۴۰۲۹ نفر از زنان در شورای اسلامی شهر و روستا نیز مؤید همین نکته است.

از منظر دیگر مدیریت شهری می تواند با ایجاد ظرفیت های محلی از توان بانوان خانه دار برای رکن قرار دادن در شورایی ها، سراهای محله، آپارتمان ها و خانه ها و واگذاری نقش های اجتماعی به آنها پس از آموزش و توانمندسازی آنها، وظایفی همانند پیشگیری و امداد و نجات اولیه، تفکیک از مبداء پسماند، فرهنگ شهروندی و... را از طریق آنان به خانواده منتقل نموده و اطمینان داشته باشد بازخورد و پاسخ مناسبی از سوی شهروندان دریافت خواهد نمود. چراکه بسیاری از اقدامات و برنامه های مدیریت شهری بیش از هر چیز، نیازمند فرهنگ سازی و آموزش است و خانواده اولین، مهم ترین و موثرترین کانون برای آموزش شهروندی است و نقش موثر و کلیدی زنان در این کانون، نیاز به شرح ندارد.

ماهنامه ی شهرداریها صد و سی مین شماره خود را به این مقوله پراهمیت اختصاص داده و تلاش نموده با همه ی کاستی ها و فشارهای جهانی و سرزمینی ناشی از ویروس کوید ۱۹ به نقش و جایگاه و انتظارات زنان در مدیریت شهری پرداخته و اهتمام ورزیده این موضوع را پیش کشد تا مدیران شهری با کاربست مطالب و مفاهیم آن از نیروی شگرف بانوان جامعه در عرصه های شهری و فرهنگی و حکمروایی حداکثر استفاده را نمایند.



حسین رجب صلاحی
معاون امور شهرداری‌های
سازمان شهرداری‌ها و
دهیاری‌های کشور

زنان پیش از ظهور اسلام در بیشتر تمدن‌ها و جوامع بشری محدودیت‌های فراوانی داشته و از جایگاه مناسب اجتماعی برخوردار نبوده‌اند؛ با ظهور اسلام و نگرش توحیدی آن به بنیان خانواده، تحول شگرفی در جوامع بشری ایجاد شد. زنان بعنوان مکمل مردان، عقاید و افکارشان محترم شمرده شد و نسبت به قبل از حقوق اجتماعی بیشتری برخوردار شدند. در کشور ما نیز این دیدگاه الهی در رعایت منزلت زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و همواره در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد کشور مورد تاکید قرار گرفته است.

در راستای عمل به بیانات مقام معظم رهبری (دام ظلّه) که معتقدند: «از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است» فراهم نمودن زمینه حضور بانوان در عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... بر دوش همه آحاد جامعه از جمله دست‌اندرکاران مجموعه مدیریت شهری است.

همانگونه که حضور موثر زنان در خانواده موجب آشنایی آنان با نیازها و شرایط یک خانه به عنوان مأمّن افراد و جایگاه تربیت نسل فرهیخته گشته، در عرصه‌ی عمومی شهرها نیز- بعنوان خانه بزرگ‌تر خود- به دلیل روح پاک و نکته بین بودن خویش، بیشترین توجه در سطح جزئیات را داشته و از نیازهای گروههای مختلف اجتماع به واسطه این ویژگی فطری، آگاهند. لذا ضرورت نیاز به حضور فعالانه و تأثیرگذار زنان در عرصه‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بیش از پیش احساس می‌شود. موثرترین عوامل در میزان رضایتمندی زنان از فضاهای عمومی شهری عبارتند از: امنیت محیطی، ایمنی، پاکیزگی، حس تعلق و وابستگی و زیبایی. شهرداری بعنوان نهاد عمومی و متولی فضاهای عمومی شهری با ارتقاء و بهبود هر یک از این شاخص‌ها نقش مهمی در مشارکت و فعالیت زنان در عرصه اجتماعی داشته و به تأمین سرزندگی و نشاط در شهرها که یکی از دغدغه‌های مهم مدیریت شهری در عصر حاضر می‌باشد، افزوده و حیات شهری را تداوم بخشند.

واکاوی نقش زنان در شهر



عمار داودی

پیشدرآمد:

زنان و مردان متناسب با نقش و مسئولیت‌شان از فضاهای شهری به شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کنند. در این میان، زنان همواره به طور مستقیم هم با خانواده و هم با جامعه در ارتباط بوده‌اند و می‌بایست در کانون فرآیند برنامه‌ریزی و ایجاد فضاهای شهری قرار گیرند. موضوع شهر و زنان اشاره به شهری مطلوب و مناسب دارد که در ابعاد وسیع و همه‌جانبه، مسائل و نیازهای زنان را شناسایی و در راستای حل مشکلات و کاستی‌های موجود برنامه‌ریزی داشته باشد. ماهنامه‌ی شهرداریها در این شماره، گام در این عرصه نهاده و با حضور صاحب‌نظران و اساتید این حوزه، میزگردی با عنوان «شهر و زنان» برگزار کرده است و در آن به طرح مباحث متعددی از جمله جایگاه زنان در شهر و نقش مدیریت شهری در فراهم کردن بستری مناسب به منظور ارتقای جایگاه زنان و افزایش امنیت برای حضور موثر زنان در برنامه‌های توسعه شهر پرداخته شده است. قبل از هرچیز مدعوین این نشست به صورت مختصر معرفی می‌شوند.

منا عرفانیان سلیم: دانش‌آموخته رشته معماری و دکترای گرایش طراحی شهری در حوزه‌ی زنان

سپه‌یلا میرشمس شهشهانی: دکترای انسان‌شناسی و بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی

شادی عزیزی: معمار و شهرساز، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

لیلا ارشد: مددکار اجتماعی فعال در حوزه‌ی زنان بخصوص زنان آسیب‌دیده و کودکانشان

مهدی شادکار: دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تهران

سیمین حناچی: دکترای مهندسی شهرسازی و استاد موسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس



شادی عزیزی

استقرار مراکز خرید و این که در کدام منطقه شهر باید ایجاد شوند، دقیقاً تابع تعاملات اجتماعی است. از سوی دیگر نوع رفتار شما در مراکز خریدی واقع در فضاها و مکان‌های متفاوت، متغیر خواهد بود. مثلاً در مراکز خرید شمال، مرکز یا جنوب شهر، تفاوت‌هایی در رفتار شهروندان وجود خواهد داشت. مثلاً بازار تهران یک ویژگی فقط تجاری ندارد بلکه بخشی از تاریخ و هویت شهر هم هست، به علاوه یک نهاد سیاسی نیز در کالبد آن وجود دارد و در آنجا اتفاقات دیگری هم رقم می‌خورد که در حقیقت در سایر بازارگاه‌ها این گونه نیست. برای همین من که در شمال شهر زندگی می‌کنم صرفاً برای تجربه‌ی بازار به بازار می‌روم. این تجربه کاملاً فرق می‌کند با آن شخصی که صرفاً برای خرید به بازار تهران می‌رود یا معماری که برای بررسی هنر معماری بازار به آنجا می‌رود. پس به این معنا، گروه‌های اجتماعی از جمله زنان سبک زندگی‌شان، نوع باورشان، خواسته‌هایشان در شکل‌گیری فضاهای شهری می‌تواند نقش‌آفرین باشد. جالب اینجاست بعد از اینکه فضا خلق شد، این بحث که چه گروه‌های اجتماعی در آنجا فعالیت می‌کنند نیز آن فضا را متفاوت می‌کند. مثلاً اگر در ساعات روز به پارک آب و آتش تهران تشریف ببرید، صرفاً پله‌هایی را مشاهده خواهید کرد که از آنها می‌روید بالا و یک کالبدی می‌بینید با یک ویژگی خاص خود. ولی اگر روز آنجا را ترک کنید و مجدداً در شب به آنجا تشریف ببرید، می‌بینید جماعتی آنجا هستند، با فضا و کالبدی متفاوت، به گونه‌ای که

بیشک فعالیت اجتماعی زنان و حضور موثر آنها در این فعالیت‌ها نیازمند الزاماتی از جمله فضاهای شهری مناسب است. آیا فضاهای شهری، همچون خیابان، کتابخانه، موزه، سینما، سالن تئاتر و ... متناسب با فعالیت‌های اجتماعی زنان طراحی شده است؟

عزیزی: اجازه می‌خواهم تا صحبتیم را با یک مثال شروع کنم. کالبد شهر از ساخت خانه‌ها در کنار هم شکل نمی‌گیرد، فضای شهری در حقیقت متأثر از انسان‌ها و اتفاقات اجتماعی درون خود است. در حقیقت فضای شهری، در نتیجه‌ی روابط اجتماعی که از طریق گروه‌های اجتماعی فعال انجام می‌شود، شکل می‌گیرد. مثلاً شکل‌گیری بازارها و مراکز تجاری و اقتصادی متعدد در نقاط مختلف شهر و گروه‌های اجتماعی که در آنجا زندگی می‌کنند، نمونه ملموسی از این نوع تعاملات و شکل‌گیری فضا براساس آن محسوب می‌شوند و اما نوع و ویژگی فضاهایی که در شهر شکل می‌گیرند تا حدود زیادی به روش‌ها و رفتارهای اجتماعی خاص آن جامعه ربط دارد. در واقع فضاهای شهری به گونه‌ای شکل و فرم می‌گیرند که مورد تقاضا و سلیقه‌ی گروه‌های اجتماعی خواهان آن فضا باشد. به عنوان مثال این که یک فضای تجاری حتماً باید پارکینگ داشته باشد یا لزومی به آن نیست، گرم باشد یا سرد، هرچا بخواهند بتوانند بشینند، غذا بخورند، خرید کنند و مواردی از این قبیل هستند که در مجموع ویژگی‌ها و موقعیت آن فضا را تعیین می‌کنند. همچنین محل

کالبد شهر از ساخت خانه‌ها در کنار هم شکل نمی‌گیرد، فضای شهری در حقیقت متأثر از انسان‌ها و اتفاقات اجتماعی درون خود است.



در واقع فضاهای شهری به گونه ای شکل و فرم می‌گیرند که مورد تقاضا و سلیقه‌ی گروه‌های اجتماعی خواهان آن فضا باشد.

دلیل آن این است که در شهری مثل ماریس، ماشین خیلی زیاد در آنجا تردد دارد و تعداد قابل توجهی از مردم از ماشین شخصی استفاده می‌کنند ولی در مقابل، شهر پاریس یک شهر پیاده است و مردم غالباً از مترو، اتوبوس و وسایل حمل و نقل همگانی استفاده می‌کنند. بر همین اساس پیاده‌روهای زیادی هم دارد. این نشان می‌دهد که شهرهایی که کمی مدرنیسم هستند و ماشین‌ها در آنها رسوخ کرده‌اند، طبیعت مردانه پیدا کردند. در آن خشونت مردانه بیشتر شده است و اتفاقاً می‌بینیم که در آنجا مثلاً هنر کم‌رنگ‌تر شده است، سینما و تئاتر کمتر است. همین‌طور شهرهایی که زیباترند، ویژگی زنانه را بیشتر دارند. پس مراد از شهر زنانه و مردانه را با ذکر این مثال‌ها فکر می‌کنم توانستم منتقل کنم.

سپه‌پهانی: یعنی با این حساب آیا شما تهران را شهری مردانه می‌دانید؟

شادکار: بله تهران را شهری مردانه می‌دانم.

سپه‌پهانی: گذشته از هرگونه یک‌سونگری، برخی معتقدند که فضاهای شهری ما یکسره مردانه هستند، زیرا که تاکنون شهرها را مردها می‌ساختند. چه در طراحی و چه در سرمایه‌گذاری و چه در اداره و مدیریت، لطفاً نظراتان را بفرمایید.

حناچی: شاید بشود واقعاً این طوری گفت که از گذشته بازیگران اصلی توسعه در هر سکونتگاهی اعم از شهر یا روستا، هم در بخش دولتی، هم در بخش خصوصی و هم در سازمان‌های مردم‌نهاد، غالباً مردان بوده‌اند. البته خود مردم هم نقش داشته و دارند و بسته به نوع ساختار اداری و سیاسی آن جامعه و نوع آن سکونتگاه و آن شهر متفاوت است. بسته به این شرایط می‌تواند نقش یکی از این‌ها (مرد یا زن) پررنگ‌تر باشد. در کشورهایی با مدیریت متمرکز شبیه کشور ما که به هر حال مدیریت شهرها هم از آن تاسی می‌گیرد و طبیعتاً بر فضاهای شهر و شهرسازی تأثیر داشته است. از آنجا که در گذشته حضور زنان در بدنه‌ی دولتی، به نسبت مردان کمتر بوده است، پس طبیعتاً در فرآیند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها هم مردان بیشتر از زنان حضور داشته‌اند. پس جواب شما کاملاً روشن است و از اول ما این بنا را داشته‌ایم که شهرها را برای مردان بسازیم. ولی امروزه نوع نگاه به مدیریت شهر و شهرسازی تغییر کرده است و در نظام مدیریتی، کالبدی، شهرسازی و امثالهم به تمامی اقشار جامعه توجه متناسب می‌شود، چون به هر حال این گروه‌های سنی، جنسی، قومیتی، مذهبی، صنفی و... هستند که بهره‌بردار اصلی شهر و کالبد آن هستند.

شما دچار تعجب خواهید شد. این نوع کنش در فضا، یک نوع فضای دیگری را خلق می‌کند. بنابراین پاسخ من به سوال شما آری است. یعنی یک فضای شهری، یک فضای عمومی، یا بهتر بگویم یک فضای نیمه‌عمومی در رابطه‌ی مستقیم با کنش گروه‌های مخاطب از جمله زنان است و نکته دیگر اینکه شکل و فرم فضاهای شهری دائماً قابل تغییر است و معانی متفاوتی را می‌تواند ایجاد کند.

گروه‌های اجتماعی از جمله زنان سبک زندگی‌شان، نوع باورشان، خواسته‌هایشان در شکل‌گیری فضاهای شهری می‌تواند نقش آفرین باشد.

سپه‌پهانی: من فکر می‌کنم این آدم‌ها هستند که شهر را می‌سازند و حتی بستگی به آن زمانی دارد که زندگی می‌کنند (از لحاظ مقطع تاریخی). همچنین به ساختار اجتماعی و سیاسی‌شان بستگی دارد. این که شهر را چه جوری بسازند یا مهم‌ترین مکان‌ها را کجا بسازند، تا حدود زیادی به ویژگی‌های شهروندان آن شهر ربط دارد و اینکه مراکز اقتصادی را کجا بسازند، قطعاً به ساختار اقتصادی شهر و ساکنین آن شهر و پیرامون آن ربط دارد. ببینید من شهر را با آدم‌ها تعریف می‌کنم، من از دید انسان به موضوع نگاه می‌کنم که الان این شهر در چه مرحله‌ای است. آیا شهر سوخته است؟ در شهر سوخته می‌بینیم یک کالبدی ساخته شده که مربوط به ۲۰۰۰ سال پیش است. همان‌طور که در مطلع عرایضم گفتم، بعد زمان و اینکه در چه مقطع زمانی در مورد شهر صحبت می‌کنیم هم، حائز اهمیت و توجه است. یک زمانی مرکز شهر در جایی است که بازار شهر آنجا است یا در جایی است که مسجد است یا جایی است که عدالتخانه است. در هر مقطعی، ساخت فضاهای شهری به‌گونه‌ای است که به نیازهای اجتماعی انسان‌های ساکن در آن شهر پاسخ بدهد.

سپه‌پهانی: آیا در شکل‌گیری فضاهای شهری ایران، زنان چه از دیدگاه نظری و چه در عمل سهمی داشته‌اند؟

شادکار: به نظر من انتخاب عنوان «شهر و زنان» برای میزگرد ماهنامه، خودش محل بحث است. چرا که در عمل شما مسئله‌ای را به یک گروهی نسبت داده‌اید که می‌تواند ناشی از یک نگاه مردانه به سوژه باشد. در حقیقت زنان نیمی از جمعیت هر شهر هستند و به صورت خودکار باید مدیریت شهری به تمام مسائل و نیازها و حتی قابلیت‌ها و توانمندی‌های آنها در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت شهر توجه داشته باشد. اصطلاحی در فرانسه هست، مثلاً می‌گفتند پاریس شهر زنانه است یا ماریس شهر مردانه.



سپه‌پهانی
سپه‌پهانی



اجتماعی را برای اینکه بتوانند خواسته‌ها، نیازها و مسائل‌شان را مطرح کنند، می‌بینم.

آیا در شوراهای شهر، شوراهای محله و شوراهای روستا نقش زنان کم‌رنگ‌تر از مردان نبوده است؟ مسلماً کم‌رنگ‌تر بوده است. ولی اینکه چقدر آن‌ها می‌توانند در اجرا و در عمل مداخلاتی بکنند خیلی مهم است.

شادکار: نحوه برخورد ملت‌ها با زنان و نقش و جایگاه آنان در جامعه، تا حدود زیادی تابع فرهنگ و آداب و سنن هر جامعه است. در برخی از فرهنگ‌ها زنان دارای شان و منزلت والایی بوده و بالعکس در برخی دیگر شاهد ناعدالتی و نابرابری جنسیتی هستیم. البته در برخی از این باورها هم به جایگاه زن و مادر بسیار توجه می‌شود. برون‌رفت از این تفاوت‌ها، الزامات ویژه‌ای را به لحاظ دیدگاه‌های جامعه‌شناسی طلب می‌کند. حالا پیشنهاد شما برای برقراری این عدالت اجتماعی چیست؟

در حقیقت زنان نیمی از جمعیت هر شهر هستند و به صورت خودکار باید مدیریت شهری به تمام مسایل و نیازها و حتی قابلیت‌ها و توانمندی‌های آنها در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت شهر توجه داشته باشند.

عرفانیان: در رابطه با موضوع زنان، بی‌تردید با توجه به گستردگی و گوناگونی مسایل، ما نمی‌توانیم نسخه‌ی واحدی را برای همه شهرها داشته باشیم. از اینرو، به نظر می‌رسد که مدیریت شهری باید کمی موشکافانه‌تر مسئله را پیگیری کند. همه ما به عنوان زن در تجربه‌های خود دغدغه‌های نبود امنیت را کمابیش داشته‌ایم و شاید مدیران شهری نیز به عنوان یک چالش عمومی در شهر به آن واقف باشند. ولی من می‌خواهم به مواجهه سطحی مدیریت شهری با مسایل و مشکلات برخی از اقشار و گروه‌های اجتماعی شهر اشاره کنم که سبب مغفول ماندن این مسایل، نادیده گرفتن برخی از اقشار و در یک کلام جمعیت زیاد و قابل توجهی از شهر در فرآیند توسعه شهر می‌شود و نتیجه‌ای جز توسعه ناموزون و ناهماهنگ شهری را در پی نخواهد داشت. در زمینه موضوع زنان هم ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که، برخی مواقع مسایل گروه‌های مخاطب در شهر، تفاوت‌های فاحشی با یکدیگر دارند و به همین دلیل در سطح سیاست‌گذاری ملی و نیز مدیریت شهری نمی‌توان نسخه‌ی واحد برای همه‌ی این مسایل پیچید. از سوی دیگر تعداد قابل توجهی لایحه و سند و قانون در حمایت از حقوق



مهدی شادکار

شراجیرا: آیا به راستی زنان به خاطر نازک بینی‌های زنانه و ملاطفت، شهرها و کالبد آن‌ها را ظریف، رنگین، کم‌مرتبه و کوتاه می‌خواهند؟ مانند بسیاری از شهرهای آمریکای لاتین، کوبا، اسپانیا. اگر چنین است، آیا در این باره زنان ایران حرفی برای گفتن داشته‌اند؟

عرفانیان: این موضوع سال‌هاست در کشور ما طرح مسئله می‌شود. ما می‌دانیم شهرهایمان از گذشته مردانه بوده‌اند و تصمیم‌گیری با زنان نبوده است. دنیا دیگر از کلمه زنان و شهر در ادبیات خود استفاده نمی‌کند. بحث جنسیت دارد بررسی می‌شود و جنسیت مثل چندین عامل دیگر، عاملی است که روی شهر اثر می‌گذارد. خانواده ترکیبی از زن و مرد است و شکل و ساختار مدیریت‌اش با بودن دوتای این‌ها معنی پیدا می‌کند. شهر هم در واقع ترکیبی از خانواده است، پس طبیعتاً طرح موضوعاتی همچون زن و شهر یا مرد و شهر درست به نظر نمی‌رسد چرا که شهر با تمامی ساکنانش هویت می‌یابد و متعلق به تمامی ساکنین خود است و لاغیر.

شهشهانی: شما سوال تان این بود که چگونه می‌توان شهر را بیشتر از قبل برای زنان قابل استفاده کرد. خوب الان هم زنان از شهر استفاده می‌کنند ولی مهم آن است که ببینیم این فضاهای عمومی مثل فضاهای عبور و مرور، مراکز خرید، مغازه‌ها، پارک‌ها و امثالهم تا چه حد برای حضور زنان مناسب، امن و متناسب با نیاز آنها است. تا چه حد شهرداری‌ها و محله‌ها، فضاهای دوستانه برای زنان ایجاد کرده است. این موجودیت محله‌ها و فضاهای عمومی است که باعث می‌شود که زنان با یک احساس امنیت از خانه‌شان بیرون بیایند و به شهروندانی فعال و موثر در فرآیند توسعه شهر تبدیل شوند.

این موجودیت محله‌ها و فضاهای عمومی است که باعث می‌شود که زنان با یک احساس امنیت از خانه‌شان بیرون بیایند و به شهروندانی فعال و موثر در فرآیند توسعه شهر تبدیل شوند.

ارشد: من مددکار اجتماعی هستم. ۱۶ سال است که در دروازه غار تهران به زنانی که آسیب دیده‌اند یا در معرض آسیب هستند، کمک و از آنها حمایت می‌کنم. شهر ما بایستی به این قشر از زنان جامعه که نیازمند حمایت بیشتری هستند توجه بیشتری داشته باشد. یعنی اینکه هرچند که زنان خیلی تلاش کردند اما شهر ما همچنان دشواری‌هایی را برای زنان دارد، جای خالی مشارکت

بحث زنان هم در کشور ما، هم در سایر کشورهای دنیا، بحث فرهنگی است که باید در باورهای افراد جامعه تغییر کند.



شهر یک ساختار ترکیبی از کنش های زن و مرد، پیر و جوان و همه ی گروه ها و اقشار مختلف و متنوع جامعه است.

ظرفیت سازی و توانمندسازی که با آموزش پیوند خورده است نیاز به صرف زمان بیشتری دارد.

آمادگی شهر برای حضور متعادل و عادلانه زنان و مردان در عرصه های مختلف از طریق یک فرایند رشد اجتماعی شکل می گیرد.

شادکار: ما می خواهیم چراغی را روشن کنیم. در برخی از شهرهای کشور اقداماتی شروع شده است و به عنوان مثال یک سری فضاها مختص به زنان دارند ایجاد می کنند؛ مثل پارک بانوان. کم کم این موضوع دارد تسری پیدا می کند به بقیه ی شهرهای کشور و تهران هم در این زمینه پیشگام بوده است. من خودم موافق شکل گیری این جور فضاها نیستم. چون باعث زنانه، مردانه شدن فضاها خواهد شد و به نظرم در درازمدت هم قطعاً پیامدهایی همچون نابرابری جنسیتی و نابرابری اجتماعی را در پی خواهد داشت. اگر دوستان موافق یا مخالف هستند، بفرمایند.

عرفانیان: من هم قطعاً با شکل گیری پارک بانوان در شهرهای مختلف که این روزها هم مد شده است، مخالفم. به خاطر اینکه فکر می کنم راجع به این صحبت کردیم که شهر یک ساختار ترکیبی از کنش های زن و مرد، پیر و جوان و همه ی گروه ها و اقشار مختلف و متنوع جامعه است. اصلاً بحث فقط جنسیت نیست. بنابراین محیطی که حرمت ها در آن رعایت شود، می تواند سرزندگی متعادلی داشته باشد. وگرنه خدا فقط زن و یا فقط مرد را می آفرید. بنابراین زنانه یا مردانه کردن هر فضایی در یک شرایط دایمی و مستمر به طور ذاتی کار درستی به نظر نمی رسد. ولی اساساً نمی شود الگوهای خیلی واحدی برای این موضوع در نظر گرفت. شهر را باید جامعه مدنی و خود جامعه بسازند. از این رو آمادگی شهر برای حضور متعادل و عادلانه زنان و مردان در عرصه های مختلف از طریق یک فرایند رشد اجتماعی شکل می گیرد. نقش مدیران شهری یا ارکان مدیریت شهری خیلی مهم است حتی برای حضور جامعه ی مدنی. یعنی اگر این فضا توسط مدیریت شهری برای حضور جامعه ی مدنی فراهم شود خود شهرداری ها را هم در برمی گیرد. دولت و حکمران محلی می تواند به عنوان تسهیل گر، حضور جامعه ی مدنی را تسهیل کند. به عبارتی، فرصت های خوبی را برای حضور همه گروه های جامعه فراهم کند تا خود جامعه مدنی تصمیم بگیرد که آیا می خواهد فضایی خاص زنان داشته باشد، آیا می خواهد فضای خاص سالمندان داشته باشد یا غیره. این چیزی است که خود

زنان در عرصه عمومی وجود دارد. آنچه مهم است، آگاه کردن مردم نسبت به این حقوق و نیز باور و اعتقاد همه گروه ها، چه زنان چه مردان به قوانین و مقررات موجود است. آنچه در درجه اول حائز اهمیت است، اصل عدالت اجتماعی است. به نظر من مدیریت شهری می تواند نقش بسیار مهمی در این آگاهی رسانی و روشنگری داشته باشد، حتی به مراتب پررنگ تر از نقش دولت و حاکمیت ملی. موضوع بحث زنان هم در کشور ما، هم در سایر کشورهای دنیا، بحث فرهنگی است که باید در باورهای افراد جامعه تغییر کند.

محیطی که حرمت ها در آن رعایت شود، می تواند سرزندگی متعادلی داشته باشد.

شادکار: جنبش های مدنی که در اروپا شاهدش هستیم چرا ضد سرمایه داری هستند؟ چون این سرمایه داری است که شهرهای ما را ماشینی می کند و مقیاس انسانی آن را از بین می برد. در فرانسه پل عابر پیاده اصلاً وجود ندارد. این جنبش های مدنی باید جلوی ساخت این ها را بگیرند. مسئله ی دیگر، بحث رویدادهای شهری و فستیوال های [= جشنواره] شهری است. بحث خیابان و پیاده رو در فضاهای عمومی خیلی مهم است. شهر معاصر تقریباً از اروپا و از پاریس شروع شد که فضای عمومی را به همه ی مردم اختصاص می داد و این اتفاقاً نگرش همگانی است.

حناچی: شاید موضوعی که شما انتخاب کردید ما را می برد به این سمت که جنسیت زنان را پررنگ کنیم، نگاه ما باید در زندگی اجتماعی بحث توانمندسازی، در کنارش بحث ظرفیت سازی و نهادسازی باشد. لطفاً در این جلسه دنبال رسیدن به راهکار ثابت و مشخص نباشیم. برای اینکه هر محله، راهکار خودش را پیدا می کند. ما بیابیم یکسری دیده بان های محلی را راه اندازی کنیم. بحث دیده بان محلی، اتفاقاً همین الان هم تقریباً راه افتاده و زنان نقش خوبی در این موضوع دارند. ما الان در دو سه منطقه ی شهرداری تهران این کار را شروع کرده ایم و از این ظرفیت در گام اول، برای شناسایی مسائل محله با بهره گیری از ظرفیت مشارکت ساکنین همان محله استفاده می کنیم. این گونه اقدامات را می توان نوعی نهادسازی برای تقویت مشارکت زنان و تمامی اقشار جامعه در امور شهر دانست. بی شک برای مشارکت فعالانه زنان در عرصه های مختلف شهر، باید قبل از هر چیز روی بحث توانمندسازی، ظرفیت سازی و نهادسازی متمرکز شویم. نهادسازی کمی راحت تر و سهل الوصول تر است ولی بحث



منا عرفانیان سلیم



بسیار مهم است. واقعیت آن است که در نهایت این صاحبان قدرت و تصمیم‌گیران هستند که تصمیم نهایی را می‌گیرند و اجرا می‌کنند و به این مقوله هم نمی‌توان بی‌توجه بود.

حیات شهری پویا و سالم با حضور موثر زن و مرد محقق می‌شود

حناچی: من در حوزه‌ی قوانین عام تخصصی ندارم. ولی در مجموع قوانین بسیاری اختصاصاً به خانواده و عدالت جنسیتی می‌پردازد از جمله: سند چشم‌انداز بیست ساله، سیاست‌های کلی برنامه ششم، ماده ۱۰۱ و آیین‌نامه مربوطه به آن در قانون برنامه ششم و همچنین منشور حقوق زنان را داریم که در آن منشور، به حقوق و جایگاه زنان در حوزه‌های خانواده، حرفه، صنعت و... پرداخته است و به طور کلی در همه‌ی شاخه‌هایی که می‌تواند زنان به هر حال از حقوق برخوردار باشند، اشاره شده است. البته این کافی نیست و قوانین فرادست از جمله سند چشم‌انداز نیز بایستی به طور خاص به زنان بپردازند. همچنین در منشور حقوق شهروندی نیز به جایگاه زنان توجه شده است و تاحدودی تکلیف را روشن کرده است.



لیلا ارشد

آنچه مهم است، آگاه کردن مردم نسبت به این حقوق و نیز باور و اعتقاد همه گروه‌ها، چه زنان چه مردان به قوانین و مقررات موجود است.

عرفانیان: یکی از آخرین قوانینی که در حوزه زنان به تصویب رسید، ماده‌ی ۱۰۱ برنامه ششم است که به بحث عدالت جنسیتی پرداخته است و با تلاش‌های خیلی زیاد معاونت ریاست جمهوری در حوزه زنان و خانواده، در این برنامه گنجانده شد که هدف آن در واقع تحقق و اجرایی کردن بحث عدالت جنسیتی در تمام سیاست‌های اجرایی کشور بود. خوشبختانه آیین‌نامه اجرایی این ماده قانونی نیز تهیه و در اسفندماه سال ۱۳۹۷ به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است. در وزارت راه و شهرسازی نیز با همه موانع و مشکلاتی که بود، ما با حمایت وزیر وقت و معاون حوزه زنان ریاست‌جمهوری خوشبختانه موفق شدیم در شورای عالی معماری و شهرسازی در مرداد ۹۷، تهیه سند عدالت جنسیتی در سیاست‌های توسعه شهری را مصوب کنیم و البته فرایند تهیه سند همچون سایر تجربه‌ها نیمه تمام باقی مانده است.



سیمین حناچی

جامعه‌ی مدنی می‌بایست درباره آن تصمیم بگیرد.
عزیزی: تجربه نشان داده که طی چهل سال اخیر، به خاطر اینکه دانشگاه‌ها و بحث سینماها و هنر و... فضای اسلامی‌تری را تجربه کرده‌اند، فضا برای حضور فعالانه‌تر دختران ایرانی در چنین عرصه‌هایی بیش از پیش فراهم بوده است. به‌ویژه برای خانواده‌های مذهبی. این یک واقعیت بسیار خوبی بوده است و نقش موثری در خودباوری، توانمندسازی و حضور موثر زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی داشته است. مگر طی دهه‌های گذشته حضور زنان در این گونه فضاها در کنار مردان مشکلی ایجاد کرده است. شهرهای ما هم باید فضاها را برای تفریح دائم و توأمان زن با کار و زندگی آماده کنند و فضاها بایستی به گونه‌ای باشد که زنان همپای مردان و در کمال امنیت و آرامش و حفظ جایگاه و شان خود و رعایت ملاحظات مذهبی و اعتقادی خود به ورزش، پویایی و شادابی خود نیز بپردازند.
نرجاریا: کاستی‌های قوانین مدیریت شهری درباره عدالت جنسیتی چیست؟ و چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟ اگر کم و کاست دارد آن‌ها را بگویید.

طی چهل سال اخیر، به خاطر اینکه دانشگاه‌ها و بحث سینماها و هنر و... فضای اسلامی‌تری را تجربه کرده‌اند، فضا برای حضور فعالانه‌تر دختران ایرانی در چنین عرصه‌هایی بیش از پیش فراهم بوده است.

شهشهانی: به محض اینکه در قوانین و مقررات خود، زنان را جدا می‌کنیم، مسئله شروع می‌شود. برای اینکه، اینگونه تعبیر می‌شود که بقیه موارد کلاً در رابطه با مردها بوده، به غیر از این مورد که برای زنان به طور خاص اشاره می‌کنیم! ما باید قبل از اظهار نظر در مورد کاستی‌ها، متن قوانین و مقررات شهری که شما به آن اشاره کردید را داشته باشیم تا بتوانیم راجع به آن و کم و کاستی‌های آن نظر بدهیم. این کار، کار خیلی دقیقی است و من نمی‌توانم در این جلسه و بدون بررسی دقیق و موشکافانه قوانین و مقررات اداره شهر، در مورد آنها قضاوت کنم. ولی در کل می‌توانیم به این تاکید کنیم که قوانین باید به‌گونه‌ای باشند که هم به زن و هم به مرد و نیازهای آنها پاسخگو باشد. قوانین خوب، قوانینی است که منطبق با نیازهای ذی‌نفعان بوده و به نیازهای آنها پاسخ بدهد. هرچند که بحث اجرای قوانین و تصمیم‌گیری‌ها در عرصه مدیریت شهری و سایر عرصه‌ها نیز

آمادگی شهر برای حضور متعادل و عادلانه زنان و مردان در عرصه‌های مختلف از طریق یک فرایند رشد اجتماعی شکل می‌گیرد.



فضا، جنسیت و شهروندی: چند منزل در پیش است؟

م پرویز پیران

چکیده

مقاله، نام بردن از دیدگاه‌های نظری پیونددهنده فضا و جنسیت، الزامی می‌گردد. نکاتی که با جمله معروف جان استوارت میل در سال ۱۸۵۹ میلادی ابعادی کاملاً نو به خود گرفته است. او تأکید دارد که نابرابری بین زن و مرد بهبود جامعه‌انسانی را به مخاطره‌ای ژرف دچار می‌کند. در واکنش به نظریه‌های جنسیت که مفهوم پیشاهنگ آنها مردسالاری است، سخن از فمینیسم و انواع آنکه کلید واژه جنبش‌های رهایی و برابری زنان است، نقل محافل علمی و سپس آنگاه جوامع انسانی می‌گردد که بخش قابل توجهی از آن جنبش‌ها، جنبش‌های شهروندی نیز به حساب می‌آیند. نگارنده در ادامه و چون همیشه از دیالکتیک عام و خاص یاد کرده که فقدان و بی‌توجهی بدان عامل بزرگی در عقب‌ماندگی کشور و سترونی علوم انسان چه فضایی (معماری، شهرسازی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری)، چه اجتماعی (جامعه‌شناسی، انواع انسان‌شناسی)، چه روانشناسی، اقتصادی و علوم سیاسی، به شمار می‌آید. با تأکید بر دیالکتیک یادشده، گرچه سخت گذرا، کوشش شده است شرایط امروزی جامعه ایران، توصیف و تحلیل شده، پاسخ به پرسش آغازین یعنی نگاهی به آینده و ضرورت‌های آن مورد بحث قرار گیرد. «تا چه قبول افتد و چه در نظر آید؟».



«زن، قوای آیت ماه‌شهر چکان! از سپهر بلند فرود آی و شب تار ما را نورباران کن. زن، تو ای مایه‌ی شادی آدمی! تویی که در زنانگی‌ات، رقص امواج دریای شیر محفوظ مانده که خدایان تو را از آن آفریده‌اند. ما ساکنان سه جهان؛ (کودکی، جوانی و پیری) گهواره پستان تو را سرچشمه‌ی سه نیروی مرموز زنانه می‌دانیم. هنگام کودکی، از آن شیر می‌خوریم، در میان راه زندگی آن را بالین سر می‌سازیم؛ و گاه پیری، بر آن می‌آرامیم و چشم به راه مرگ می‌مانیم.»

اساطیر هند و به زبان سانسکریت

(ترجمه از متن انگلیسی، صادق چوبک، ۱۳۷۰).

سخن بر سر فضا (شهر و سایر سکونت‌گاه‌های انسانی)، جنسیت و شهروندی است. بخش دوم عنوان نیز از راه پیش‌روی پرسش می‌کند تا دریابد که چند منزل طی شده و از راه چقدر باقی است. مهم‌تر آنکه اساساً راه را پایانی است؟ در گام نخست، برای پرداختن به آنچه گفته شد، معرفی مفاهیمی در دستور قرار می‌گیرد که نگارنده بر آنها مفاهیم پیشاهنگ نام نهاده و به معرفی مفاهیم عنوان مقاله و سایر مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع، اختصاص دارد. پس از معرفی مفاهیم، بیان شده است که گرچه جنسیت به هر دو جنس یعنی مرد و زن مربوط است، اما فوراً و صرفاً زنان، نابرابری آنان و ظلمی که بر نیمه ارزشمند و والامقام جامعه انسانی روا شده است را به ذهن می‌رساند. زنان گرانقدر که بخش بزرگی از آنان یا مادرند یا مادر می‌شوند. بر این بنیاد، مباحث حیطه‌هایی چون مطالعات زنان، جامعه‌شناسی زن و زن بودن، روانشناسی جنسیت با تأکید بر زنان و مقدم بر آنها، نابرابری جنسیت و... مطرح می‌گردد. این داستان گرچه تاریخی دور و دراز، پرفراز و نشیب و پر غصه دارد، کمی کمتر از دو قرن است که به بحث‌های علمی و سپس روزمره‌ی جوامع پیشرفته راه یافته و در چند دهه‌ی اخیر آن هم بر پایه ضرورت‌های زندگی انسانی در جوامع جهان سوم، نیز چنین شده است. پس آنگاه نوشته حاضر کوشیده است تا نگرش مردم‌محور و مردسالار به زن را در جامعه ایران، هرچند گذرا مورد بحث قرار داده، نشان دهد که فرودستی زنان در زندگی جمعی و به‌ویژه در بین مردان سرزمین عزیز ایران، یا در این یگانه خانه مشترک، به چه برداشته‌ها و باورهایی، جان بخشیده است. در حال و هوایی که چنین نگاهی در بین اندیشمندان از جمله عاشق‌ترین عاشقان، مولوی عزیز و دردانه شکل گرفته و بیش از او در نگاه عارفانی چون سنایی، رواج یافته است، تکلیف عامه مردم کوی و برزن معلوم است.

بحث اصلی با چنین مقدمه‌چینی مورد چند و چون قرار گرفته و از تفاوت جنس (Sex) و جنسیت (Gender) سخن به میان آمده، کوشش شده است تا مردانه بناشدن فضا و از جمله شهر مورد بحث قرار گیرد. بدیهی است که با چنین بحثی زندگی شهری و ارزش‌های آن که شاید شهروندی، مهم‌ترین ارزش از این دست باشد، با مسائل و مشکلات گوناگونی در هم می‌آمیزد. با چنین نکته‌ای، طرح یا به دلیل محدود بودن فضای



که بنیاد بحث حاضر، یعنی نابرابری جنسیتی آن‌هم در حیطه‌ای معین چون فضا را بر ساخته است. تا تحقق عینی و ملموس نگاه اول راهی دراز فرا روی گسترده است. خوشبختانه از یک قرن پیش تلاشی پایدار جریان یافته تا در عمل بدان آرزوی دلکش و ارزشمند، نزدیک و نزدیک‌تر شویم و بپذیریم که نیمی از جمعیت جهان، گرچه قرن‌ها در جوامعی مردانه بنا شده، زیسته، رنج کشیده، انواع پنج‌گانه‌ی خشونت را تجربه کرده و مورد ظلمی فاحش و روزمره قرار گرفته است، برکنار از تفاوت‌های زیستی طبیعی، حقوقی برابر دارد و پایمال کردن آن، درخور انسان نیست. گام‌های استوار برداشته شده گرچه ناکافی، گواه آن است که نکات یاد شده نه شعاری زیبا و نه آرزویی محال، بلکه چون عدالت، به همان سان و به همان میزان، ارزشی واقعی، زمینی و لازم‌الاجرا است. اجازه دهید با این مقدمه به مفاهیم پیشاهنگ نوشته حاضر پرداخته شود. فضا که به قول نگارنده اولین مفهوم پیشاهنگ بحث حاضر است بر حاکمیت بلامنازع زمان و به تبع آن تاریخ نقطه پایان گذارده و دور یا نوبت آن (Space of Turn) که در نوشته‌هایی نادرست، «چرخش فضا» ترجمه شده است، از راه رسیده و با ما باقی می‌ماند. پس باید در آغاز سخن، بر هانری له‌فور (Henry Lefebver) اندیشمند برجسته فرانسوی، آفرین گفت که با تلاش چندین دهه‌ی خود، برای فرارسیدن نوبت فضا جای تردیدی باقی نگذاشته است (نگاه کنید به فصلنامه هفت‌شهر، شماره ویژه‌ی «حق مشخص به شهر مشخص»، شهری که ساخته نشده و حقی که تحقق نیافته، شماره ۵۰-۴۹، بهار و زمستان ۱۳۹۴). تعریف ساده فضا در هر کتاب لغتی آن را «حیطه‌ای می‌داند سه‌بعدی بی‌انتهای و غیرقابل شمارش که تمامی اشیا و رخدادها در آن واقع و رخ می‌دهد» (Dictionary.com). این تعریف اولیه نشان می‌دهد که مفاهیمی چون شهر، (نمودی مشهود و ویژه از فضا)، جنسیت (Gender) (واقعیتی طبیعی و زیستی)، شهروندی، (ارزشی قابل توجه) و مجموعه‌ی حقوق و وظایف هر شهروند در مقابل شهروندان و ساکنان هر مکان، همگی دارای واقعیت و بعدی فضایی‌اند. از دوران باستان و به‌طور ویژه از زمان ارسطو، زمان یا تاریخ در توصیف و تحلیل تمامی پدیده‌ها، چنان جایگاهی به کف و به‌گونه‌ای پایدار، فربه‌تر و قدرتمندتر گردید که جایی برای مکان یا به‌طور کلی فضا، باقی نگذارد و غفلت از آن را تا عصر روشنگری تداوم بخشید. جالب و از جهاتی تأسف بار آنکه در تفکر ایرانی و سپس در اندیشه ایرانی-اسلامی غفلت یاد شده بسیار کمرنگ‌تر بود. مفهوم جایگاه، جایگه، جای در معنای جسمی و مجازی آن، نشان‌دهنده آگاهی از اهمیت مفهوم فضا بود «این

«... تا زور و افترا و زرق و افتعال زنان، بر رأی اعلی روشن گردد و به اقاویل و تخییل، و اباطیل و تسویل ایشان التفات نفرماید...»

(سندباد نامه، محمد بن علی بن محمد الظهیری السمرقندی، ۱۳۶۲: ۱۰۱-۱۰۰)



طرح موضوع

موضوع نوشته حاضر، درهم تنیدگی فضا و به‌ویژه فضای شهری، جنسیت و شهروندی است. آن‌هم در آغاز با سپاسی بی‌کران از یکایک خوانندگان عزیز و گران قدری که بر این نگارنده ناتمام منت تمام گذارده و آن را می‌خوانند. دو نقل قول بالا که در تضادی ژرف با یکدیگرند، دو نگاه به زن را آشکار می‌کنند. در نخستین آن دو، سخن از آرزویی است فاخر که تاکنون نیز آرزویی گران قدر باقی مانده است. نگاهی آکنده از مهر و محبتی آمیخته به احترام و قدرشناسی. در مقابل، دومین نگاه، به واقعیتی اشاره دارد



جایگاه داداست، این رفت ستم بر،...، جایگاه شادی و شادخوری، جایگاه آسمان، جایگاه اولیاء

هرگز نشان ز چشمه‌ی کوثر شنیده‌ای؟

در دل نیافت راه که آنجا مکان تست»

رواق منظر چشم من آشیانه‌ی تست

کرم‌نما و فروداً که خانه، خانه‌ی تست»

باید تأکید کرد که منظور استفاده صرف از فضا، مکان، جایگاه و واژه‌های مشابه نیست. زیرا در تمامی زبان‌ها، استفاده از چنان واژگانی امری بدیهی است. هدف تأکید بر مفهوم فضا و مکان به‌عنوان بُعدی مهم در تولید معنا است. کافی است به آثار ابوریحان بیرونی، فارابی، پورسینا و بسیاری دیگر از سر بصیرت نگریست تا موضوع به‌خوبی روشن شود جالب آن که در برخی از این آثار، اجتماعی ساخته‌شدن یا بناشدن فضا و مکان که امروزه به یاری اندیشه‌های فرا امروزی به‌تدریج جایگاه خود را می‌یابد و به بحث حاضر مربوط است، به‌روشنی قابل درک و ردیابی است.) البته در دوران معاصر و تحت تأثیر درک ناتمام، تحریف‌شده و بریده‌بریده از اندیشه غربی، غفلت از فضا به اندیشه معاصر ایرانی نیز سرایت کرده و جاگیر شده است.

به هر تقدیر جنسیت و شهروندی هر دو در فضا شکل می‌گیرند و فضا محصول ساختار، نهادها، سازمان‌ها، فرایندها و گروه‌بندی‌های اجتماعی است و تحت تأثیر آن‌ها، شکل، شمایل و ماهیتی خاص به کف می‌آورد. از این روی نابرابر بودن، شهروندی درجه دو، ناتوانی و... نسبت داده شده به زنان نیز اجتماعی شکل گرفته و بالیده و در فضا و مکان، از جمله شهر مندرج و مستتر شده است. زیرا مقدم بر تمامی موارد خاص، نابرابری یادشده در ذهن درونی نهادینه گشته و همواره می‌گردد.

جنسیت که معادل انگلیسی آن Gender یا Sexuality است، گاه به جنس نیز ترجمه می‌شود که معادل‌سازی‌ای مسأله‌آفرین است. زیرا جنس از نظر قواعد حاکم بر زبان پارسی، واژه‌ای خنثی است. ولی در ذهن اکثریت افراد به‌ویژه مردان به هنگام استفاده برای القای معنای زن، زن بودن و زنانگی بار معنایی و توصیفی منفی پیدا می‌کند. از این‌روی برای عدم انتقال بار معنایی منفی پیش‌گفته مفهوم Gender به شکل زیر تعریف می‌شود:

«جنسیت (Gender) بُعدی از ابعاد جهان‌شمولی است که تفاوت‌های منزلت یا جایگاه بر آن ساخته‌شده است. جنسیت برعکس جنس (Sex) که مفهومی زیست‌شناختی است، سازه‌ای اجتماع ساخته است و به‌طور مشخص نقش‌های تعیین‌شده‌ای را نشان می‌دهد، که مردان و زنان باید از آن‌ها تبعیت کنند.» (نگاه

کنید به Sociosite تحت عنوان Gender).

اجتماع بناشدن جنسیت کلید واژه بحث حاضر است. این نوع اجتماع بناشدگی، مردسالارانه شکل گرفته است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.



در بحث حاضر، سومین واژه پیشاهنگ شهروندی است. شهروندی موقعیت یا جایگاه شهروند شهر یا کشوری بودن به شمار می‌روند. برای اولین بار و به‌ویژه در سومر شهروندی در دولت شهرهای بین‌النهرین و سپس در شکلی محدود در یونان و به‌نحوی گسترده‌تر در روم باستان آن‌هم محدود به مساحت یا محدوده پولیس^۱ شکل گرفت. شهروندی با پیدایش سرمایه‌داری مدرن و شکل‌گیری کشورهای گوناگون با مرزهای مشخص، از مفهومی مرتبط به پولیس به مفهومی ملی یا کشور مبنای بدل گردید. شهروند نیز به شخصی گفته می‌شود که در محدوده‌ی ملی دارای حقوق و درمقابل آن دارای وظایف قانونی و تعریف‌شده است. نگارنده در شرایط فقدان شهروندی در ایران آن‌هم برای قرن‌ها در کنار حقوق و وظایف، از ضرورت درونی و نهادینه شدن شهروندی نیز یاد کرده است زیرا شهروندی چون هر ویژگی و ارزشی، چنانچه درون افراد و در جامعه نهادینه نگردد، صوری، ظاهری و زبانی باقی می‌ماند.

۱ بر اساس ترجمه‌ی ناقص آن در زبان انگلیسی به (City State)، در فارسی نیز دولت‌شهر ترجمه شده است که مقصود را نمی‌رساند. بدین علت نگارنده همواره از فارسی‌نوشت مفهوم به‌صورت پولیس استفاده می‌کند.



مردسالاری، جامعه و فضای مردانه بناشده

از گذشته‌های دور جوامع بشری که امروزه با تمامی کاستی‌های این عنوان، سنتی خوانده می‌شوند، پدیده‌هایی چون زور سالاری، پیرسالاری، پدرسالاری و مردسالاری به تدریج و براساس ویژگی‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماع ساخته و بالیده، درونی و نهادینه گردیده است. از آنجا که با گذر عمر افراد در مشاغل که به شکل استاد- شاگردی یا پدر-فرزندی انجام می‌گرفته است، از سویی تجربه کسب کرده و به قول معروف استادکار می‌شدند و از دیگر سو، به تدریج پیری با انبانی گاه فربه از تجارب، و ارزش‌های خانوادگی مبتنی بر احترام به بزرگ‌ترها، پیرسالاری را شکل داده است. فقدان سازوکارهای رسمی عدالت و ترکیب نامیمون زور و ثروت، زورسالاری را نیز قطعیت بخشیده است و تفاوت‌های زیست‌شناختی به‌ویژه توان بدنی از یکسو زورسالاری را تقویت و از سوی دیگر به مردسالاری جان داده است. برپایه چنین برداشت‌هایی که برای فرار از انواع تحریم و تنبیه، باید مورد پذیرش قرار گیرند، نقش‌های جنسیتی (Gender roles based) زاده شده‌اند. نتیجه این فرایندها، نابرابری بر پایه‌ی سن، جنس، امکانات در دسترس و نقش‌های اجتماعی است. این نابرابری تا به امروز حال درجایی سخت غلیظ و فربه و در مکان دیگری کمرنگ‌تر، به زندگی خود ادامه داده است. تا بدان جا که هنوز جامعه‌ای کاملاً عادلانه و برابر محور، امری نظری و انتزاعی است.

افرادی چون جامعه‌شناس مشهور آنتونی گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی خود (البته برداشت کتاب از جامعه غربی است)، تأکید دارند که رابطه‌ی مردسالاری و عوامل زیست‌شناختی گرچه موضوع پژوهش‌های فراوان بوده است، به آنچنان یافته‌های متناقضی ختم شده است که پذیرش قطعی رابطه یادشده یا عدم وجود رابطه، غیرممکن گشته است. گرچه بررسی‌های تاریخی-مقایسه‌ای به‌خوبی نشان داده‌اند که جنس مذکر حداقل در بسیاری از جوامع [و البته با چشم‌پوشی اقلیتی از زنان که در جنگ‌ها سرآمد بوده‌اند و نامدار شده‌اند] به‌ویژه در سال‌ها قبل از پیدایش سرمایه‌داری تجاری و بعدها انقلاب صنعتی، امور مربوط به شکار و جنگ، وظیفه و مسئولیتی مردانه یا مذکر به حساب می‌آمده‌اند. در نتیجه و براساس پژوهش‌های گوناگون، پرخاشگری در مردان تقویت شده تا بدان جا که آن را امری زیست‌شناسانه خوانده‌اند. این امر غلبه‌ی جنس مذکر بر مؤنث را پدید آورده، تداوم بخشیده و پذیرفته شده است (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۷۵-۲۱۶).

بعدها نظریه‌های تبیین‌کننده جنسیت، از زاویه دیگری به نابرابری زنان پرداخته و آن را تحلیل کرده‌اند. در بین نظریه‌های

تمامی مفاهیم و ابعاد حقوق شهروندی، باید در مورد زنان به همان اندازه که برای مردان وجود دارد و عمل می‌کند، نیز رواج داشته و با ضمانت‌های لازم همراه باشد با معرفی مفاهیم پیشاهنگ موجود در عنوان طرح‌شده، حال نوبت به تجزیه و تحلیل موضوع اصلی می‌رسد، تا مشخص گردد که فضا و از جمله شهر با جنسیت و شهروندی دارای چه نوع روابطی می‌باشند. نکته محوری در تجزیه و تحلیل رابطه‌ی سه مفهوم پیشاهنگ، جایگاه و منزلت نابرابر زنان است که متأسفانه برای قرن‌ها باز تولید گردیده و با پیشرفت فنی و علمی موارد جدیدی نیز بدان افزوده شده است. زیرا زنان چون گذشته، دیگر موجودی نیستند که باید در خانه و ترجیحاً در اندرون، بمانند. در اکثریت قریب به اتفاق جوامع، حداقل در جوامع شهری، مسئله تحصیلات برای اکثریت بزرگی از زنان پذیرفته شده است. اما همین حق طبیعی و بدیهی که به رسمیت شناخته شده است، امکانی برابر به زنان نبخشیده و عرصه‌های تبعیض را افزون‌تر و گسترده‌تر ساخته است. براین اساس مسأله‌ی مردانه شکل‌گیری فضا و شهروندی درجه دوم، پدید آمده و واقعیتی روزمره گشته است. از این روی باید به مردسالاری و دنیای مردانه بناشده اشاره‌ای شود.





یادشده در دهه‌های ۸۰ میلادی تا به امروز است.

فضا، شهر و نابرابری جنسیتی

حال که تا حد رفع تشنگی، از انبوه بحث‌های موجود در باب نابرابری جنسیتی استفاده شد، باید به انعکاس نابرابری یادشده در فضا و از جمله شهر پرداخته شود. امروزه کاهش نابرابری جنسیتی در فضا به‌ویژه در شهرها جزئی مهم از سیاست‌ها با ختم‌های شهری و کشوری در سراسر جهان است. برای آن‌که تصویر دقیق‌تری از جنسیت در فضا و از جمله شهر به دست آید، ابتدا باید به رشد دم‌افزون توجه به جنسیت در حیطه‌های علمی و در زندگی جوامع اشاره شود تا تمرکز بر شهر کامل‌تر گردد.

جنسیت عنوانی است که توجه عالمان به‌ویژه فمینیست‌هایی که در حیطه‌های علمی گوناگون به کار مشغول‌اند، از جمله جغرافیا، تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم‌سیاسی، شهرسازی، طراحی شهری، مطالعات شهری، برنامه‌ریزی و معماری، را به خود جلب کرده است. توسعه مفهوم یادشده با تمرکز بر زندگی زنان در شهرهای غربی و برزنان در شهرهای جهان جنوب یا کشورهای توسعه‌نیافته، در دو مسیر مجزا، دنبال شده است.



این دو مسیر که در منابع و متون مرتبط حداقل و چون همیشه منابع و متون عمده غربی با سوگیری‌ها متداول آن‌ها منعکس‌اند، جایگاهی رفیع به کف آورده‌اند. مسیرهای یادشده تحت عوامل مشخص به دنیا آمده، بالیده و توسعه‌یافته و به دستاوردهایی نیز منجر شده‌اند. بدیهی است که این دو مسیر در پرتو فراز و فرودهایی که از سر گذرانده‌اند، دگرگون نیز گشته‌اند. ولی علیرغم تمامی این دگرگونی‌ها، مفهوم شهر یا کلی‌تر از آن فضا، جایگاه خود را نه‌تنها حفظ کرده، بلکه جایگاه یادشده، ارتقایی چشم‌گیر را تجربه کرده و به مباحث متنوعی شکل داده و همه‌گیر ساخته است.

یکی از مهم‌ترین این مباحث، زنانه‌شدن فقر در فضاهای شهری است. امری که با شدتی که امروزه تجربه می‌شود، هرگز

مورد اشاره می‌توان به نظریه بحث‌برانگیز زیگموند فروید، نظریه نانسی چودروف، (Chodrow Nancy) و نظریه کارول گیلیگان (Gilligan Carol)، اشاره کرد. در بین این نظریه‌ها، نظریه گیلیگان که در واقع تکمیل‌کننده نظریه چودروف به شمار می‌رود، گستره‌ی تحلیلی قوی‌تر دارد. به نظر این بانوی فرهیخته از آن‌جا که زنان باردار می‌شوند و علاوه بر ماه‌های بارداری، مدت‌ها بعدتر برای شیردادن و رسیدگی به امور نوزاد خود به نگهداری تمام‌وقت از او می‌پردازند، سبب نهادینه شدن مراقبت و پرستاری به‌عنوان نقشی زنانه گردیده است و ایفای نقش به‌هنگار و به‌تبع آن به ارزشی مهم بدل شده، از سایر امور زندگی دورمانده، میدان را برای مردان و مردسالاری ناشی از آن خالی کرده‌اند. نهایت امر شکل‌گیری نابرابری و منزلت و جایگاه پایین‌تر زنان در جامعه گشته، به قول سیمون دوبووار متفکر فرانسوی و همسر ژان پل سارتر، «جنس دوم»، به دنیا آمده است و جا خوش کرده است. با به دنیا آمدن برداشت‌های گوناگون و نام‌گذاری‌ها و انگ‌زنی‌های متفاوت، از جمله جنس دوم دوبووار، آن‌ها به تدریج، واقعیت عینی تلقی شده و طبیعی جلوه‌گر می‌شوند. چنین گزاره‌ای مهم‌ترین گزاره دیدگاه‌های اجتماعی بنا کردن یا ساختن اجتماعی پدیده‌ها، فرایندها و نظام معانی است (Construction Social). به دیگر سخن، نابرابری‌ها از جمله نابرابری جنسیتی واقعیتی طبیعی تلقی شده، پیش‌فرض عینی (Objective) پژوهش‌ها و دیدگاه‌های گوناگون به حساب آمده‌اند. با بدیهی و طبیعی یا واقعی به حساب آوردن جایگاه فرودست زنان، ده‌ها نتیجه به‌ظاهر عینی در پژوهش‌های تجربه‌گرا اثبات می‌شوند. این جریان به جنبشی ضد آن تحت عنوان جنبش اجتماعی ساخته‌شدن یا بنای اجتماعی پدیده‌ها منجر گردیده که نوک‌تیز پیکان نقد خود را به‌سوی نگاه‌هایی نشانه می‌گیرند که خود را تجربی، پوزیتیوی و عینیت‌گرا (Objectivism) معرفی می‌کنند و به باور خود واقعیت‌هایی چون نابرابری زنان را مورد مطالعه‌ی تجربی قرار می‌دهند. نقدهای یادشده در سطحی بالاتر مفهوم دانش یا معرفت (Knowledge) تجربی را مورد پرسش قرار داده، آنچه در باب نابرابری زنان مطرح می‌شود را نوعی ایدئولوژی معرفی کرده‌اند (نگاه کنید به Gergen، ۱۹۸۵، Fitesimons, Alsop و Lennon، ۲۰۰۲). یکی از مهم‌ترین شاخه‌های نظریه‌هایی اجتماعی بناشدن، نظریه نقش جنسیتی است. تأکید بر قدرت و سلسله مراتب به‌عنوان علل اصلی شکل‌گیری و تداوم نابرابری زنان، از بحث‌های بنیادین نگاه یادشده است. انواع فمینیسم که در ادامه نوشته حاضر، گرچه گذرا معرفی می‌شوند حاصل نقدهای



محمد غزالی مرور شود تا ژرفای موضوع و عمومیت الگوها و نگرش‌های ناشی از آن‌ها، روشن گردد. فراموش نباید کرد که این موضوع گرچه کمرنگ‌تر در بین تمامی ملل عالم رایج بوده است. برای مثال در قرون وسطی انگلیس تحقیرکننده تحت عنوان «زنان بالکن نشین غیبت‌کننده دائمی»، در ونیز ایتالیا تنها نمونه‌ای از میان انبوه موارد مشابه است. بدین‌گونه مرد بودن و زن بودن، یکی برتر دیگری فروتر، شکل گرفته و بالیده است که دو روی سکه‌ای واحداند. زن بودن به نحوی خودکار جایگاه فرودستانه زنان در بسیاری از زمینه‌ها و نهادها و فرایندهای اجتماعی را به ذهن متبادر می‌کند. تحلیل محتوای زبان به بهترین وجهی ساخته‌شدن و بناگردیدن (Construction) زن بودن و مرد بودن را نشان می‌دهد. سازه‌هایی که بسیاری از تعارف‌های نابرابر را توجیه و مشروع می‌سازد. نابرابری‌هایی که جنسیت، اشتغال، قدرت و فضا را به ابعاد به هم مرتبط زن بودن، پیوند می‌زند و غیرممکن بودن مفهومی چون «زنانی چون مردان و برابر با آنان» را مورد تأکید قرار می‌دهد، ردپای شکل‌گیری «زن بودن» و ساخته‌شدن جنسیت آن‌هم گویی که این مفهوم تنها به زنان مربوط است را می‌توان به‌روشنی در تاریخ جوامع بشری به‌ویژه تاریخ نوشته شده، پیگیری کرد و تحلیل نمود. بدیهی است که هر چه از حالت طبیعی خارج از شهر که البته نابرابری زنان را بی‌پرده نشان می‌دهد به شهرها روی آورده می‌شود، ژرفای مسئله عیان‌تر می‌گردد. زیرا شهرها ابعاد و زمینه‌های نابرابری زنان را به‌شدت تشدید می‌کنند و هر چه شهرها پیچیده‌تر می‌گردند، نابرابری موردبحث نیز همراه آن پیچیده‌تر و تکثیر می‌شود. به نحوی که دل‌مشغولی با فضا به‌طور کلی و به‌ویژه درباره شهر، نمود و انعکاسی ویژه‌ی ساخته‌شدن یا بنا کردن جنسیت را بروز می‌دهد که در فضای شهر مندرج است. براین اساس جنسیت چه در شهر پس از وقوع مدرنیته و چه پیش از آن، از خلال راه و روش‌هایی موردبحث و گفتگو قرار می‌گرفت تا حد و اندازه جایگاه زنان در دو نقش زن بودن و مادر بودن، در فضای شهری تعریف و معنی شود. با فروپاشی قرون وسطی، گرچه در پرتو تحولات گوناگون سرمایه‌داری و رخدادهایی چون رنسانس و بعدتر، روشنگری، شرایطی از بنیاد دیگرگونه، شکل گرفت و بالید و حضور زن در عرصه‌های همگانی و پیش از آن در ساختار اشتغال، تحولی جدی و بی‌سابقه به خود دید، نابرابری برپایه‌ی جنس، نه تنها بازتولید شد، بلکه به علت همان تحولات، در ابعاد و اشکال تازه‌ای نیز آشکار گردید. بدیهی است که شهر در دنیای ماقبل مدرن آن‌هم بسته به ویژگی‌ها و تاریخ هر متن خاص، تعریف متفاوتی داشته است.

وجود نداشته است. نکته اساسی بعدی حضور نامتعادل و نابرابر زنان در بازار کار و نابرابری دستمزدها حتی در بین زنان متخصص و فرهیخته است، مسئله مهم بعدی که در جامعه ایران با معضلات گوناگون و گاه تحقیرکننده‌ای همراه است، حضور زنان در فضاهای همگانی شهری و برخورد گروهی از مردان با آنان است که به خود اجازه هر نوع توهینی را می‌دهند و برای برخورد با این پدیده‌ی ناخوشایند، فراتر از چند ماده‌ی قانونی کلی، سازوکارهای کارآ، قانونمند و دارای حمایت اجرایی، وجود ندارد.

مبحث مهم دیگر شکل‌گیری جایگاه شهروندی درجه دوم زنان و ترس و اضطراب‌های نهادینه شده، ناشی از این فرودستی است که به مردسالاری کاملاً ارتباط دارد. براین اساس منابع جدید از جغرافیای زنانه و فضای زنانه که آمیخته با مصائب گوناگون است، یاد کرده‌اند. در واقع نقش جنسیت در فضاهای شهری خود به موضوع بین‌رشته‌ای بسیار مهمی بدل شده است. در بحث نقش جنسیتی در شهر آن‌هم در شرایط شهروندی درجه دو بودن، فضای مردانه باید شناخته شود که در جوامعی چون ایران سابقه‌ای طولانی دارد. کافی است کتاب‌های گوناگون قدیمی چون سندباد نامه‌ی اشاره شده، گشوده و مرور گردد، تا مشخص شود که آن‌ها مملو از پندارهای ناروای جا افتاده و نهادینه شده نسبت به زنان است.



منابع یادشده با تناقضی غیرقابل درک همراه‌اند. زیرا به هنگام بحث از مادر از والاترین واژگان استفاده و بر آن‌ها تأکید روا می‌شود. ولی آدمی به هنگام مرور نگاه منعکس در منابع درباره زن، در می‌ماند که آیا پدیدآورندگان فراموش کرده‌اند که مادران در عین حال زن می‌باشند. چنین نکاتی به الگوهای پایدار شده، درونی گردیده و نهادینه‌ای جان داده‌اند که در آثار فرهیختگان برجسته نیز منعکس است. کافی است کیمیای سعادت اثر امام



توانمندی‌ها، نقاط قوت، کاستی‌ها و ناتوانی‌ها، از شهری به شهری دیگر، شکل، شمایل، اندازه و گستره‌ی دیگرگونه به خود می‌گیرد. اما نابرابری زنان در کلی‌ترین معنا و شکل، وجه مشترک شهرها به‌شمار می‌رفت و می‌رود. با برآمدن و بالیدن مدرنیته، داستانی از بنیاد دیگرگونه آغاز گردید. در آغاز صنعتی شدن و پیش از اشباع بازار کالا، نه‌تنها به کارگران مرد، بلکه به کار زنان و در مواردی کودکان و نوجوانان نیازی مبرم حس می‌شد. براساس این نیاز کار بیرون از خانه زنان، گرچه هنوز با محدودیت‌ها و شرط‌هایی، پذیرفته شد، اما در این حیطه نیز نابرابری جدیدی تولید شد که به دستمزد کمتر از مردان و گاه زمان کاری طولانی‌تر مربوط بود. با شکل‌گیری نخستین بحران ذاتی سرمایه‌داری که از اشباع بازار در اروپا پدید آمد، زنان اولین قربانیان بیکاری شدند. داستانی که تا به امروز و تقریباً در تمامی جوامع ادامه یافته است. تفاوت دستمزد تا به امروز بحث مناقشه‌برانگیزی بوده است. مطالعات متعددی که در بخش‌های نیازمند تخصص بالا، به‌ویژه در حیطه‌های سرمایه‌گذاری و مالیه، انجام شده به‌خوبی تفاوت چشم‌گیر زنان متخصص با مردانی با همان شرایط و حتی پایین‌تر از زنان را به‌خوبی ثابت کرده‌اند و بی‌پایه بودن یا سوگیرانه بودن تمامی توجیه‌های مردانه‌ای که در تلاش پوشاندن نابرابری با تأکید به توانمندی‌های کمتر زنان آن‌هم از دیرباز بازتولید و بازگو شده است را به‌روشنی آشکار ساخته‌اند. نتیجه آن که بحث از کار مزدبری، به یکی از جنبه‌های مهم جدل‌های اقتصادی و سیاسی و از منظری متفاوت از بحث‌های اقتصاد سیاسی رادیکال، بدل شده و تداوم یافته است و یکی از مباحث مهم حیطه‌ای تحت عنوان فرهنگ سرمایه (culture Capital) به شمار می‌رود (نگاه کنید به McDowell, 2008).

اساساً فضای شهری، ابعاد، اجزا و انعکاس‌های آن به اشکال و صور گوناگون از جمله فضاهای مردانه بناشده‌ی شهری همواره مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تنها به‌عنوان نمونه‌ای از انواع بسیار باید به فرهیخته و اندیشمندی که درعین‌حال نماینده مجلس قانون‌گذاری انگلستان نیز بوده است، یعنی جان استوارت میل (J. S. Mill) اشاره کرد که یک‌صد و پنجاه و هشت سال پیش چنین آورده است: «سلطه‌ی جنسی (مرد) بر جنس دیگری (زن) فی‌نفسه نادرست است و اکنون یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه به شمار می‌رود. چنین وضعی باید با نظام برابراهی بی‌نقصی، مجاز ندانستن هیچ قدرت و منزلتی در

McDowell, Linda. Capital culture: Gender at worth in the City

سوئی و ناتوانی در سوی دیگر، جایگزین گردد.» برخی معتقدند که همسر او هَریت تیلور میل (Mill Taylor Harrit) در نگارش کتاب پیشگام او به نام زیر سلطه بودن زنان، نقشی تعیین‌کننده داشته است. این گروه کتاب را کار مشترک آن دو می‌دانند. چنین جمله‌ای در زمان خود شگفتی‌آور بوده است. در جمله آورده شده از جان استوارت میل، کلیت مسئله نابرابری حقوقی زنان و آثار ناشی از آن یعنی سلطه مرد یا مردسالاری و بازتولید بی‌قدرتی و ناتوانی در زنان که تا به امروز ادامه یافته است. به زبانی ساده و با روشنی تمام بیان شده است. برابری حقوق زن و مرد گام نخست در سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی است که بر فرودستی و نابرابری زنان نقطه پایان می‌نهد. خطرناک‌ترین مسئله که در

نظام سرمایه‌داری و در دموکراسی نمایندگی به‌وضوح دیده می‌شود، مصادره موضوع مهم برابری تام و تمام زنان و فروکاستن آن به اقداماتی کم‌رنگ، صوری و ظاهری است. تا آن‌جا که منطق درونی سرمایه‌داری یعنی انباشت دم‌افزون برای سرمایه‌گذاری آن‌هم بی‌پایان، اجازه پرداخت دستمزد برابر برای شرایط مساوی و حتی شباهتی بیشتر زنان در مشاغل مشابه را نداده و نابرابری دستمزد را دائماً بازتولید کرده است.

فضای شهری و جنسیت

در سرمایه‌داری حداقل تاکنون توسعه فضای شهری و جنسیت به نحوی تنگاتنگ به هم مرتبط‌اند. اولین و ساده‌ترین مسئله کالبد یا جسم شهرها است که در اکثر موارد، شرایط زنان را نادیده می‌گیرد. براین اساس

منابع گوناگونی به‌ویژه منابع فمینیستی تأکید دارند که فضا و محیط مصنوع یا انسان‌ساخت (environment built) توسط جنسیت تشکیل شده و فضای شهری پس از شکل‌گیری نابرابری جنسیتی را بازتولید می‌کند. درعین‌حال باید تأکید کرد که فضای خصوصی خانه در این منابع به هیچ‌روی مورد توجه نبوده، کاملاً فراموش شده است. بررسی‌های گوناگون آن‌هم از زوایای مختلف از جمله موقعیت زنان در شهرها از آثار سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (2013) گرچه تأکید دارد که در شهری شدن کشورهای کمتر توسعه‌یافته، برابری جنسیتی حتی در شرایطی که دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هنوز از برابری جنسیتی فاصله دارند، رشد چشم‌گیری داشته است. علیرغم این





نکات مورد اشاره در باب نابرابری جنسیتی به چند گزاره مهم ختم می‌شوند که از سویی به وسیله کارپایه یا چارچوب‌های نظری مرتبط با مسئله جنسیت، تأیید شده‌اند و از دیگر سو همخوان با تجارب زنان در فرایندها و رخدادهای زنده و واقعی زندگی می‌باشند. اولین گزاره آن است که ساختار فضایی و ساختار اجتماعی به نحوی دوسویه یکدیگر را بنیاد می‌نهند و بازتولید می‌کنند. دوم آن که برکنار از پیشرفت‌هایی عمدتاً موردی و بی‌شک ارزشمند در جهت برابری جنسیتی، شهرها منعکس‌کننده و در همان حال تقویت‌کننده روابط جنسیتی موجود بوده‌اند. سوم آن که در واکنش به دو مورد اول و دوم، زنان از قرن پیش در کشورهای صنعتی و در پنجاه سال اخیر در کشورهای جهان سوم، بی‌وقفه در به چالش کشیدن ساختار و روابط تأیید و تقویت‌کننده نابرابری جنسیتی، تردید نکرده‌اند و برای لغو قوانین مردمحور و مردسالارانه و برقراری قوانین در حمایت از زنان کوشیده‌اند. آن‌هم بی‌توجه به میزان فراگیری این خواسته‌ها و چالش‌ها نزد زنان هر کشور که بدون تردید در همه‌جا البته با نسبت‌های متفاوت رو به افزایش بوده است و به جنبش‌های اجتماعی گوناگون در جهت احقاق حقوق زنان جان بخشیده است. هدف مهم بخشی از جنبش‌های یادشده به‌ویژه در کشورهای صنعتی به چالش کشیدن مهم‌ترین بحث برابری جنسیتی یعنی ایدئولوژی عرصه‌ها و فضاهای مجزا برپایه‌ی جنس بوده است که به‌شدت جا افتاده و برای قرن‌ها فعال مانده که از قضا با صنعتی شدن و گسترش فعالیت‌های خارج از خانه و شکل‌گیری عرصه‌های گوناگون شهری، جدی‌تر نیز شده است. جالب آن که ایدئولوژی عرصه و حیطه‌های مجزا بر پایه‌ی جنس، پس از جنگ دوم جهانی که شهرها در عصر پدروسالاری شدید شکلی نوین به خود گرفتند و با معماری مدرنیسم متأخر که در همان عصر گسترشی چشم‌گیر به خود دید، عمق یافته، گسترش قابل‌ملاحظه‌ای را تجربه کرده است. در پرتو این نکات باید به نکته‌ای اساسی و کمتر مورد توجه، اشاره کرد که قبلاً نیز بسیار گذرا از آن یاد شد. درست است که در قرن گذشته در تمامی جوامع حال شدیدتر یا کم‌رنگ‌تر، مباحث برابری جنسیتی دائماً مورد بحث قرار گرفته و چه از نظر حقوقی و چه از منظر زندگی روزمره و اشتغال پیشرفت‌های گاه چشم‌گیری به کف آمده است و در بیشتر عرصه‌ها و حیطه‌ها، حضور زنان به‌مراتب از گذشته پررنگ‌تر و تقویت‌شده است، ولی در مقابل با گسترش بی‌مانند فرصت‌های خارج از خانه، موانع دستیابی زنان به بسیاری از آن فرصت‌ها که مردانه تعریف شده است، محدودتر گردیده است.

نکته که البته از کشوری به کشور دیگر از نظر میزان و گستردگی گاه تفاوت‌های آشکاری دارد، موانع متعددی در زمینه‌های چون کشف و توسعه توانمندی زنان به‌ویژه در مناطق فقرنشین که نابرابری فضایی آن‌ها بسیار ژرف است، به چشم می‌خورد. نابرابری جنسیتی در دستیابی به سرپناه، خدمات شهری، دسترسی به اشتغالی مناسب با کرامات انسانی، استانداردهای زندگی و کار، دستیابی به سرمایه انسانی، دارایی‌های فیزیکی و مالی، امنیت در فضا، ایمنی شخصی، حضور در ساختارهای رسمی و اداره کردن دخیلان شهری (Urban Governance)، کاملاً مشهود است. بسیاری از منابع نابرابری‌های جنسیتی را کاملاً به سیاست فضا و توزیع نابرابر قدرت مرتبط می‌دانند، اساساً تمامی حیطه‌ها، از سیاست فضا و قدرت تأثیر می‌پذیرند و این دو مقوله حتی برکنار از نابرابری جنسیتی، در اکثریت قاطع کشورها خود زاینده انواع نابرابری از جمله نابرابری‌های فضایی است. اتفاقاً نابرابری‌های فضایی در ایران که در سخن پایانی بدان پرداخته می‌شود بسیار ژرف و چندبعدی است. نابرابری فضایی در فضای شهری بسیار جدی است که وجود تعداد قابل توجهی افراد حاشیه نشین در پیرامون شهرها، به ویژه کلانشهرها؛ که در اجتماع‌های سرپناه خودساخته که به اشتباهی فاحش و تکرارشونده، حاشیه‌نشینی خوانده می‌شود، گواه مشهود نابرابری یادشده است. نکته اساسی آن است که در بیشتر کشورهای کمتر توسعه‌یافته زنان از نظر جمعیت‌شناسی شهری جمعیتی بیش از مردان دارند و نسبت جنسی مهاجران به شهرها در کشورهای یادشده، به‌ویژه در امریکای لاتین بیش از پیش در حال زنازه شدن است (نگاه کنید به Chant و دیگران، ۲۰۱۳). نکته مهم دیگر ترکیب جنس و سن در نابرابری‌های جنسیتی است. بخشی از زنان پیر در کنار زنان سرپرست خانوار به‌گونه‌ای دم‌افزون در شرایط ناگواری زندگی می‌کنند و معضل یادشده، با توجه به پیرشدن جمعیت و عمر بیشتر زنان، در تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از کشورها، و در جمعیت معدودی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا جنوب، مسئله است که دائماً بر ابعاد منفی آن افزوده می‌شود.





زندگی انسانی، حداقل تا به امروز، جنسیت واسطه‌ای مهم بوده است. در نتیجه در منابع و متون شهرسازی و معماری، نشانی از پاسخ بدین پرسش که شهری خنثی از نظر جنسیت و یا ساخته شده برای تمامی تعاریف معنای جنس، چگونه شهری آن هم از جهت گوناگون از جمله از نظر جسم شهر یا کالبد، از آب درمی‌آید؟ نکته یافت نمی‌شود (نگاه کنید به Hayden¹، ۱۹۸۰ و Beebee Jaun²، ۲۰۱۶).

برکنار از جسم یا کالبد شهری که جنسیتی شکل می‌گیرد، شرایط اقتصادی زنان در شهرها نیز که نگارنده با وام‌گیری از ریاضی آن را نابرابری دوگانه زنان (of Inequality Dual Women) نام داده است، شرایط وخیمی را برای زنان و دختران به تصویر می‌کشد. فقط کافی است تا تأکید شود که سه پنجم یک میلیارد نفری که فقیرترین جمعیت جهان به حساب می‌آیند، زنان و دختران می‌باشند (Ur- Global HBITAT-UN (۲۰۰۹) Observatory ban). بخش عمده‌ای از زنان فقیر یادشده در سکونتگاه‌های اجتماعات «سرنپناه خودساخته»، زندگی می‌کنند که خود گویای نابرابری در فضای شهری است. سخن در این باب بسیار است. پس اجازه دهید با نگاهی هر چند سخت گذرا به نظریه‌های فمینیستی که هر یک از دید و منظری تلاش کرده‌اند تا نابرابری جنسیتی را تشریح کنند، افکنده و سپس به برخی پیشنهادها عام برای بهبود شرایط زنان اشاره شود و سخن با نگاهی به شرایط ایران به پایان آید. گرچه «حکایت همچنان باقی است».

نظریه‌های نابرابری جنسیتی

مردانه بناشدن زندگی انسانی علت پدید آمدن ذهنیت قربانی در زنان گردیده و تداوم احساس فرودستی نسبت به مردان به تدریج ناتوانی اجتماعی ساخته شده را در ذهنیت زنان تشدید کرده و خود زمینه‌ساز بازتولید ناتوانی است که در واقع از هیچ نگاه و زاویه دیدی قابل توجیه نیست. براین اساس تمایل به دگرگون ساختن شرایط مورد اشاره، همواره وجود داشته است. لیکن کوشش‌های سازمان‌یافته در این زمینه، سرگذشت دور و درازی ندارد و به قرن هجدهم میلادی باز می‌گردد. کوشش‌های یادشده به تدریج زمینه‌ساز جنبش زنان گردیده است که در مغرب‌زمین گاه تحت عنوان جنبش‌های فمینیستی معرفی شده‌اند. در مرحله نخست

نکته مهم دیگر که با مصادره بحث‌های برابری جنسیتی توسط سرمایه‌داری و تنزل دادن خواسته‌های زنان و صوری، موردی و ظاهری ساختن آن خواسته‌ها مسئله بسیار جدی گشته، تلاش برای تبدیل زن به شیء جنسی (object sex) و استفاده از تصویر زن و نمادسازی از جسم او برای تبلیغ مصرف و افزایش فروش کالا از سوی وادار کردن زن به مصرف انبوهی از لوازم آرایشی و پیروی دائمی از مد که سرعت تغییر آن روزمره شده است، شیء شدن یادشده شدت یافته و بخش مهمی از زنان کوی و برزن با اشتیاقی تمام از آن استقبال کرده و لذت می‌برند. ناگفته نماند که در مورد مردان نیز این امر گرچه با شدتی کمتر صادق است. اما دنیایی مردانه بناشده، شرایط زنان را سخت پررنگ‌تر نموده، انگ‌زنی بی‌پایه را رونقی تام و تمام داده است.

امروزه نماد آقا و خانم چونز که تمامی زنان و مردان باید کاملاً مشابه آنان شوند و الگوی مصرف دائمی آنان را تقلید نمایند، جهانی گردید و سخت جا افتاده است. بالاخره باید از دگرگونی مفهوم جنس نیز یادکرد که فرصت کافی برای پرداختن بدان وجود ندارد. زیرا امروزه جنس دیگر در زن و مرد خلاصه نمی‌شود (نگاه کنید به Spain, ۲۰۱۴).

نابرابری‌های جنسیتی به معضل دیگری جان بخشیده است که فضای شهری مسئول آن است. این معضل فقدان تمرکز جنسیتی در نظریه‌های فضای شهری و در رشته‌های شهرسازی است. مرور برنامه‌های درسی رشته‌هایی چون برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری حتی در دانشگاه‌های مطرح جهان گویای این حقیقت است که بخش عمده‌ای از فارغ‌التحصیلان رشته‌های یادشده حتی تا مقطع دکترا، در باب این موضوع که شهر چگونه باید ساخته شود تا نابرابری جنسیتی نه تنها تولید نگردد بلکه در صحنه شهری خود را نشان ندهد، تقریباً هیچ اطلاعاتی به کف نمی‌آورند. حتی در مباحث مهمی چون «حق خاص به شهر خاص» یعنی حقی که وجود ندارد و شهری که پدید نیامده است، اما باید ساکنان آن چه شهروند و چه ساکن، آن را پدیدآورند و بسازند و در این ساختن با شکوفا کردن توانمندی‌های خود، خود نیز ساخته شوند (نگاه کنید به پیران، ۱۳۹۴)، کمتر سخنی به میان آمده است و در این باب نیز که برای رسیدن به «حق مشخص به شهر مشخص»، ابتدا باید به تحلیل این موضوع مهم پرداخت که «حق» نیز جنسیتی تعریف می‌شود، نکته‌ای بیان نمی‌شود. تحلیل محتوای مکالمه‌های روزمره و دقت بر افعال، صفات، نام‌ها و سایر ویژگی‌های زبان، نشان می‌دهد که گفتگو روزمره نیز در مجموع مردانه بنا شده است. به بیان دیگر در تمامی وجوه

1 Beebee Joun, Yasminah. "Gender, Urban Space & the right to everyday life", Journal of Urban Affairs, p.323-324, Dec. 2016.

Hayden, D" (1980). What would a non-sexist city be like, "Signs 5 (Suppl.3).p.170-187.



انسانی یعنی خالی از قدرت، سلسله مراتب و ایدئولوژی‌های سلطه، است و از این زاویه باید بازنویسی شود. البته چنین خواستی صرفاً تمایلی روشنفکرانه و مدرسه‌ای نیست. زیرا نقد «ساخته شدن واقعیت‌ها بر پایه‌ی نگاه مردانه» یا شکل‌گیری جهان زندگی و فرهنگ مذکر، تنها گام نخست در توقف عملی سرکوب چندبعدی زنان و آغازی کم‌رنگ در رسیدن به هدف نهایی یعنی «رهایی زنان» و از آن مهم‌تر «رهایی انسان» است. زیرا مردان نیز گاه بیش از زنان و حداقل در روح و روان خود از نابرابری جنسیتی زیان می‌بینند و روح و روانی خشونت‌محور پیدا می‌کنند که متأسفانه در جامعه ایرانی به دلیل سرکوب و تحقیر مکرر تاریخی جایگاهی ستر، فربه و نهادینه دارد. جی پیلچر (J. Pilcher) در مقاله‌ای سخت‌آموزنده با عنوان «من فمینیست نیستم، اما... شناخت فمینیسم»^۱، (مرور جامعه‌شناسی، جلد سوم، شماره دوم، نوامبر ۱۹۹۳ - Sociology of Review). فمینیسم که بنیاد نظریه‌های نابرابری جنسیتی بر آن استوار است را چنین تعریف کرده است: «واژه فمینیسم که ریشه‌ای فرانسوی دارد [Femi-nisme]، از دهه‌ی ۱۸۹۰ میلادی به تدریج به کار رفت و معادلی برای رهایی زنان به شمار می‌آید» (Pilcher, ۱۹۹۳: ۹۴). بعدها مل‌چورتون در کتاب نظریه و روش، معتقد است که نظریه‌های فمینیستی حداقل به سه دلیل زن محوراند:

الف: چنین نظریه‌هایی بر نگاه و تجارب زنان در جامعه تأکید روا می‌دارند.

ب: چنین نظریه‌هایی، نگرش زنان در بررسی و مطالعه‌ی جهان اجتماعی یا سپهر زندگی را به کار می‌گیرند.
ج: این نظریه‌ها به نقد وضع موجود همت گمارده، بهبود شرایط،

1 Pilcher, J. "I am not a Feminist, but ... Understanding Feminism", Review of Sociology, Vol. 3, No 2. (NOV.) 1993.

جنبش‌های پیش‌گفته، حقوق برابر با مردان و اعتراض رسمی به نابرابری بر پایه‌ی جنسیت، تقاضای اصلی محسوب می‌شوند. مری وول استون (Stone Woll Mari) در اثر صف‌شکن خود به نام که در سال ۱۷۲۹ منتشر شد، تقاضای یادشده را مطرح ساخت و هشتاد و نه سال بعد کتاب مورد اشاره از جان استوارت میل که در فارسی دو ترجمه از آن با عنوان‌های کنیزک کردن زنان (ترجمه خسرو ریگی، انتشارات بانو، ۱۳۷۷) و انقیاد زنان (ترجمه علاءالدین طباطبایی، انتشارات هرمس، ۱۳۷۹) منتشر شده است، بر تقاضاهای یادشده مجدداً تأکید روا داشت (همچنین نگاه کنید به پیران، ۱۳۸۱: ۳۹). کوشش‌هایی که با چاپ آثار یادشده، آغاز گردیدند، به سال ۱۸۴۸ به سازمان یافته شدن جنبش اجتماعی آزادی زنان در ایالات متحده منتهی شد. اما این جنبش‌ها برای سال‌ها در مجموعه‌ی کلیسا و در قالب آن نهاد فعالیت می‌کردند و بیشتر بر شرایط زنان زندانی و مسئله‌ی روسپی‌گری تأکید داشتند به تدریج حق رأی زنان، اجازه تحصیل در آموزش عالی، لغو ممنوعیت تحصیل بردگان و بالاخره القای کامل بردگی در دستور کار قرار گرفت. محدودیت مصرف الکل نیز از جمله اولین گام‌های زنان در جهت مبارزه با خشونت خانگی بود. بعداً اصلاح محدودیت پوشش زنان، بحث فرصت‌های شغلی برابر، حق انتخاب در زمینه‌ی رفتار جنسی و مسئله سقط جنین به خواست‌های قبلی اضافه شدند که زمینه را برای جهانی شدن جنبش‌های زنان فراهم کرد.

نگاهی به خواسته‌های جنبش یادشده نشان می‌دهد که بخش مهمی از خواسته‌ها ماهیتی شهری دارند و بقیه نیز عمومی می‌باشند و لذا در شهر نیز موضوعیت پیدا می‌کنند. جنبش‌های یادشده به تدریج با توجه متفکران آگاه و ناخرسند از نابرابری جنسیتی به نظریه‌هایی جان بخشید که در زیر خلاصه‌ای از گزاره‌های اصلی آن‌ها عرضه می‌گردد. پیش از اقدام به چنین کاری، نگارنده باید اعتراف کند که مکتب‌سازی و نظریه‌پردازی علی‌رغم تمرکز بر موضوعی واحد و فواید آن، دارای ماهیتی گریزناپذیرند که واقعیتی پیوسته به تمامی وجوه زندگی را تکه‌تکه و از پیوندهایش تهی می‌سازند.

تمامی نظریه‌های نابرابری جنسیتی بر این گزاره مهم استوارند که جهان، واقعیت‌های تاریخی- اجتماعی و فرهنگ مادی و غیرمادی یا در یک کلام جهان زندگی از دریچه مردان تعریف، تولید و بازتولید شده است و دائماً می‌شود. پس باید باری دیگر، از دید زنان نگریسته و ارزیابی شود. البته در دهه‌ی اخیر دیگر تأکید نه بر مرد و نه بر زن، بلکه بازتولید همه چیز از دید انسان با نگاهی



موقعیت و زندگی زنان را خواهان اند (Chuiton, ۴۶۱, ۲۰۰۰).

مرزوبوم و تماشاچی بودن ساکنانش باز می‌گردد، وجود دره‌ای هولناک بین بیان، اطلاعات و ترجمه رفتاری و درونی شدن گفته‌ها و اعتقادات زبانی است که بگذار تا بگذریم. خوشبختانه شرایط زنان ایران در مقام مقایسه با سایر کشورهای همسایه و بیشتر کشورهای جهان سوم به مراتب بهتر است. اما دستاوردهای یادشده به هیچ‌روی کافی نیست. تربیت فرزندان سالم، با نشاط و آگاه پیش و بیش از هر چیز به شرایط مادران آنان، وابسته است. تلاش زنان ایرانی تحسین برانگیز است. اما باید در محیطی آرام با همدلی و براساس شرایط ویژه جامعه ایران، بر نابرابری‌های جنسیتی غلبه کرد تا نیمی از جامعه ایران زمین کاری انجام دهند کارستان. در آن تردید روا نیست.

سخن پایانی

سخن پایانی با طرح چند پرسش از خوانندگان عزیز مرد نوشته حاضر آغاز می‌شود. علیرغم دستاوردهای قابل ملاحظه زنان ایران زمین که نگارنده بیش از سی سال، آنان را به راستی پیشگامان توسعه واقعی ایران می‌داند، هنوز راه پیش‌رو طولانی است. نابرابری‌های حقوقی، تحصیلی (آن‌هم علیرغم آنکه روزبه‌روز تعداد دختران دانشگاهی از پسران بیشتر می‌شود)، اداری، دستمزد برابر، همچنان چشم‌گیر است بازتولید نابرابری نیز امری عادی است و درصدی از زنان ناخودآگاه بدان قوت می‌بخشند. خشونت خانگی، انواع خشونت در عرصه عمومی و... را نیز باید برشمرد. اجازه دهید برای لحظه‌ای بحث‌های مدرسه‌ای را کنار گذاشته و از خود پرسیده شود مردان ایرانی و البته هرگز نه تمامی آنان، که به راستی در برخورد با زنان، به چه می‌اندیشند و زنان را برپایه چه ویژگی‌هایی ارزیابی می‌کنند؛ به راستی و با صداقت، جایگاه زنان را چگونه تعریف می‌نمایند و برخورد روزمره مردان و البته بازهم نه تمامی آنان، با زن بر چه مداری می‌چرخد؟ اگر مردی را مشاهده کنند که با همسر خود انسانی برخورد می‌کند که بدیهی‌ترین برخورد است، او را چه می‌نامند؟ خارج از تقلیدهای تهوع‌آور بر «خانم‌ها مقدم‌اند» و مشابه آن‌ها، به چه میزان بر بدیهی‌ترین حقوق روزمره زنان پیرامون خود، پای فشرده، به آن‌ها معتقدند؟ باید تأکید کرد که پذیرش حقوق زنان هرگز بریده از تمامی وجوه زندگی، معنایی ندارد. گفته‌گران قدر نیچه بدان روی آورده شد تا تأکید گردد که محدود کردن هیچ مقوله‌ای در درون مکتب، نظریه یا سیستمی، تمامی واقعیت را نه تنها عیان نمی‌سازد، آن را مسخ می‌کند. اولین نکته در پذیرش برابری جنسیتی، درونی شدن آن در وجدان هر انسانی است. گرچه آموزش مهم است، اما تا آموزش‌ها درونی نگردد و به رفتار بدل و روزمره و عادی نشود، ارزش چندانی ندارد. یکی از معضلات جامعه ایران که به رنج‌های کهن سال این





شهر پایدار، شهری امن برای زنان

زهرا فنی؛

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه و بیان مسئله

بیانگر اهمیت نقش فضاهای امن عمومی شهر، در حضور و تردد راحت و بدون ترس زنان هستند.

درحالی که اغلب مطالعات نگارنده در این حوزه نشان داده (فنی و همکار، ۱۳۹۷ الف و ب)، فضاهای شهری ما در واقع، مردانه ساخته و پرداخته شده‌اند؛ یعنی شهرهای ما گرفتار «برنامه‌ریزی شهری غافل از بعد جنسیتی» شده‌اند. این موضوع با ضعف و شدت‌هایی در انواع کاربری‌ها و فضاهای شهری دیده می‌شود و در نتیجه با افزایش خطر خشونت علیه زنانی مواجه‌اند که در فضاهای عمومی بدون طراحی و تمهیدات موردنیاز و امن برای آن‌ها تردد می‌کنند. به عبارت دیگر، موضوع امنیت زنان در برنامه‌ریزی شهری دیده نمی‌شود و بندرت از سوی تصمیم‌سازان یا فرایندهای تصمیم‌گیری مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. امروزه این مسئله به مخاطره‌ای انسانی در شهرها تبدیل شده به طوری که تا حد زیادی این تفکر پذیرفته شده است که ارتقای امنیت برای زنان در فضاهای عمومی و کاهش خشونت‌ها علیه آن‌ها، وابستگی زیادی به «برنامه‌ریزی شهری حساس به جنسیت»^۲ دارد. برای نمونه در بخش تردد همگانی که مالکیت اتومبیل شخصی سبب تحرک بیشتر زنان شاغل است، زنان متأهل، بیش از مردان، به اتومبیل شخصی وابستگی دارند چرا که از عملکرد حمل‌ونقل عمومی (به دلیل نبود امنیت) رضایت چندانی ندارند (فنی و همکار، ۱۳۹۷ ب). این موضوع زمانی بغرنج و پیچیده‌تر می‌شود که دختران و زنان می‌خواهند در فضاهای عمومی شهر پیاده، تردد کنند، چرا که ترس از وقوع خشونت و جرم، مانع محدودکننده‌ی حق زنان در بهره‌مندی از پیاده‌راه‌های شهری و به تبع آن جنسیتی شدن فضای پیاده‌راه‌ها است (فنی و همکار، ۱۳۹۹).

همچنین پژوهش دیگری ثابت کرده است (فنی و همکار، ۱۳۹۷ ب)، زنان دارای کودک، غالباً روابط حساس‌تر و نزدیک‌تری با محیط‌های شهری خود دارند و عموماً به دلایل گوناگونی، اوقاتی را در خارج از خانه و در فضاهای اجتماعی شهری سپری می‌کنند.

با وجودی که شهرنشینی به‌عنوان فرصتی طلایی برای بهبود شرایط و زندگی اجتماعی-اقتصادی انسان‌ها و شهرها نقاط کلیدی فقرزدایی و تحولات جدید تلقی شده‌اند، هنوز برای بسیاری از ساکنان شهری، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر و زنان، این فرصت و شرایط، دست‌نیافتنی هستند. به عبارت دیگر، شهرنشینی، شمشیر دو لبه‌ای است که از یک‌طرف، پیشرفت و توانمندی اقتصادی-اجتماعی را شتاب می‌دهد و از سوی دیگر، چشم‌انداز بی‌ثبات و ناامنی را برای فقیرترین مردم ترسیم می‌کند. به گونه‌ای که با افزایش توانمندی و رفاه بخشی از ساکنان شهر، گروه‌های فقیر و ضعیف آن، به انواع محرومیت‌ها، نزاع‌ها، جرائم و آسیب‌های اجتماعی گرفتار می‌شوند.

توسعه‌ی پایدار، فرایندی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و محیط‌زیستی است که هدف اصلی آن توانمندسازی و رفاه پایدار و کامل برای همه‌ی انسان‌ها براساس آزادی و مشارکت با حفظ حقوق محیط‌زیست است. از این‌رو، توسعه پایدار بدون رعایت عدالت جنسیتی در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری با تأکید بر حضور و مشارکت زنان تحقق نمی‌یابد؛ حضور فعال آن‌ها در همه‌ی عرصه‌های زندگی و فعالیت، در خانواده و جامعه، امری بسیار ضروری و به معنای تأمین نیازها و الزامات خاص زنان و همراه با کاهش نابرابری‌های بنیادی، به‌عنوان یکی از اهداف بسیار مهم توسعه پایدار است (ر.ک به: فنی، ۱۳۸۷؛ سیدان، ۱۳۹۷ کتابی، ۱۳۸۴).

امروزه، شهرها که به دلایلی از جمله ساختار، روابط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی به‌سرعت در حال تغییر و تحول‌اند، برای پایداری بیشتر، نیازمند نگرش‌های جدید در مدیریت هستند. فضاهای شهر پایدار به‌عنوان تجلیگاه جنبه‌ی کالبدی شهر، نیازهای اجتماعی شهروندان را برآورده ساخته و بسترهای لازم در دسترسی و تأمین خدمات موردنیاز استفاده‌کنندگان را فراهم می‌آورند؛ همچنین شهر پایدار، شرایطی را ایجاد می‌کند تا همه ساکنان (اعم از مرد و زن) به‌گونه‌ای عادلانه از فضا استفاده کنند و از آن لذت ببرند. محمدی (۱۳۹۲) و نیازی (۱۳۹۰) نتایج پژوهش‌ها در سطح فضاهای عمومی مناطقی از شهر تهران، در این زمینه

1 Gender Blind Urban Planning

2 Gender-Sensitive Urban Planning



ضعیف و ناتوان (ر. ک. به: مامسن، ۱۳۸۷) اشاره کرد. بنابراین، شهرهای ما همچنان به افزایش سطح پایداری از طریق اقدام برای بهبود امنیت فضاهای عمومی و کاهش فضاهای بی‌دفاع و ناپایدار خود نیازمندند و آن‌ها را جستجو می‌کنند. در ادامه با تبیین مفهوم شهر پایدار و امن، سابقه و امکان تحقق آن به‌ویژه برای تردد و حضور زنان در جهان و ایران را مورد بحث و تحلیل قرار می‌دهیم.



مفهوم و اهمیت شهر امن، هوشمند و پایدار

به دنبال تحولات سریع و گسترده فناوری‌های جدید و نوآوری‌های گوناگون، شهرهایی شکل گرفته‌اند که به آن‌ها شهرهوشمند اطلاق می‌شود. شهرهایی که با استفاده از این اطلاعات و فناوری‌ها، در زمینه‌های اقتصادی، محیط‌زیست، اجتماعی و کیفیت زندگی و مدیریتی، به شهرهای پایدار، زیست‌پذیر، کاربردی و رقابتی تبدیل شده‌اند. به‌طورکلی، یک شهر امن برای همه ساکنان، شهری است که با استفاده از همه ابزارها و سازوکارهای مرتبط، کاهش انواع خشونت‌های جنسیتی را تسهیل و تأمین می‌کند و هم‌زمان فرصت‌های برابری برای حضور فعال مردان و زنان در همه فضاها و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی فراهم می‌آورد.

اگر نظام برنامه‌ریزی شهری، به دنبال تحقق شهر امن برای همه مردم است، درواقع به دنبال شهر هوشمند و پایدار است. هوشمندسازی شهر، یک راهبرد یا استراتژی شهری، برپایه واقعیت‌های روز شهری است که در آن همه‌ی امور شهر به‌صورت برخط [=آنلاین] مدیریت می‌شود. تفاوت اساسی آن با دیگر

بسیاری از وظایفی که لازمه‌ی آن در تردد در محیط شهری است، مانند بردن و آوردن فرزندان به مراکز آموزشی، بهداشتی، پزشکی، رسیدگی به فعالیت‌ها، برنامه‌ی تحصیلی کودکان و اوقات فراغت آنان، خرید و تهیه نیازهای روزمره خانواده و نظایر آن را زنان انجام می‌دهند و از این‌رو، بیشترین استفاده‌کنندگان از مراکز خرید و فضاهای شهری هستند؛ بر همین اساس با مسائل و مشکلات فضاهای شهری، نقاط ضعف و قوت‌ها آن‌ها به‌طور ملموس‌تری آشنایی دارند.

همچنین بررسی‌های تطبیقی نگارنده نشان داده که فعالیت‌های مولد زنان، به‌ویژه زنان توانمند با سطح آموزش بالا، برای ادامه حیات اقتصادی-اجتماعی شهر تا حدی مؤثر است که بدون آن‌ها، توسعه‌ی پایدار شهری تحقق پیدا نمی‌کند (فنی، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۳). زنان علاوه بر اینکه نیمی از جامعه شهری هستند، از تأثیرگذارترین گروه‌ها در شهرها به‌شمار می‌روند؛ در رشد و تربیت نسل نیز نقش اساسی دارند. بنابراین مطلوبیت مکان از دیدگاه زنان، نشاط و امنیت را در فضاهای شهری انتشار می‌دهند (Kirk, 2010). با این حال اغلب برنامه‌ریزان شهری و اقتصادی با دیدگاه، نگرش و نیازهای زنان بیگانه و در برنامه‌های خود، به دیدگاه‌های عدالت‌خواهانه بی‌توجه هستند. وقتی آن‌ها تضادهایی در برنامه‌ها ببینند، با مردان، جوانان، و یا جوامع چند فرهنگی مشورت می‌کنند اما اگر نتایج بررسی‌های آن‌ها با منافع در تضاد باشد، برای تأمین رضایت زنان، چندان خود را به زحمت نمی‌اندازند (Woods: 2005).

به‌طورکلی، زمانی که انسان شهرنشین با خاطری آسوده در فضاهای شهری قدم می‌زند، امور روزمره خود را انجام می‌دهد و هیچ‌گونه احساس ناخوشایندی پیدا نمی‌کند، بیانگر بالا بودن سطح زیست‌پذیری و پایداری شهر است. امروزه با وجود حضور زنان در خیابانهای شهرمان، هنوز فاصله زیادی تا احساس راحتی و امنیت برای آن‌ها، وجود دارد. بعضی از فضاهای عمومی، به خصوص در مناطق خاصی از شهر، به‌شدت تحت سلطه مردان قرار دارد. زنان در فضاهای شهری با خطراتی از جمله دزدی و کیف‌چاپی، گم‌شدن، متلک‌پرانی و انواع مختلف آزارهای جنسی (دیداری، کلامی و رفتاری) قرار می‌گیرند. توجه به این نکته ضروری است که ترس از جرم تأثیرات و محدودیتهایی را در رفتارهای اجتماعی بانوان در فضاهای شهری به دنبال دارد، که از آن جمله میتوان به خارج نشدن بانوان از منزل پس از تاریک شدن هوا، کاهش فرصت‌های رشد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و افزایش وابستگی بانوان به مردان و ایجاد دید کلیشه‌ای به زنان به‌عنوان موجودات



انواع فعالیت‌های انسان مدرن، تفکر و رویکرد تازه‌ای با تأکید بر مفهوم شهر پایدار و امن برای زیست‌پایدار انسانی، شهرهای هوشمند و مجهز به سطحی از فناوری‌های جدید به‌ویژه در سامانه‌های حمل‌ونقلی مطرح شده است. از آنجایی که هدف اصلی این نوشتار، تبیین علمی و تجربی شهر امن برای زنان است، تحلیل مفهوم شهر پایدار نیز در بردارنده رویکردی مؤثر به توسعه و تجهیز تکنولوژیک (هوشمندسازی) شهر از پایین است و در اینجا به سایر جنبه‌های شهر پایدار مانند اکولوژیک، پاک، کم‌مصرف و خوداتکا و.... بودن شهر نمی‌پردازیم. از این‌رو، مفهومی از شهر امن را در نمودار ۱، برپایه برخی از مهم‌ترین جنبه‌های هوشمندسازی (آنلاین) شهر به‌گونه‌ای تشریح و ترسیم شده است که بتواند مسیر بررسی‌ها و تحلیل‌های بعدی را هموار سازد.

مفاهیم و تعاریف مانند شهر الکترونیک در این است که مبتنی بر حل مسائل شهروندان از لایه‌های پایین جامعه به بالا است. کنترل هوشمندانه همه بخش‌های شهر و به‌کارگیری سیستم‌های جدید مدیریت امور شهر (GPS, GIS)، توسعه زیرساخت‌ها و ارائه خدمات همگانی و در نهایت صرفه‌جویی در همه منابع (ر. ک. به: اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸)، از ویژگی‌های شهر هوشمند پایدار است.

بنابراین هدف اصلی رویکرد و راهبرد شهر هوشمند، پایدارتر و امن‌تر شدن شهر برای همه مردم صرف‌نظر از جنسیت، از طریق افزایش کاربرد فناوری ارتباطات است. در سده‌ی ۲۱ میلادی، با افزایش کاربرد فناوری‌های جدید ارتباطی برپایه‌ی اینترنت، در



نمودار شماره ۱: ابعاد و جنبه‌هایی از مفهوم شهر امن پایدار، برپایه فناوری (نگارنده، ۱۳۹۹)



همچنین اینگونه نوشته‌اند که فضاهای شهری پایدار به‌عنوان عرصه اجرای کارکردهای اجتماعی و پویسهای نهادی جامعه، در دسترس همه شهروندان قرار دارند. افراد از وجود آن فضاها احساس رضایت و اطمینان خاطر می‌کنند، تمامی گروه‌های سنی و جنسی، توانایی استفاده از آن‌ها را دارند و در طراحی آن‌ها نکات ایمنی، روان‌شناختی، زیباشناختی و اکولوژیکی رعایت شده است (ر. ک. به: پورموسوی و دیگران، ۱۳۹۴). فضای شهری پایدار باید استانداردهای کیفیت زندگی شهری را داشته (فنی و همکاران، ۱۳۹۴) و تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت گروه‌های مختلف جامعه باشد. در واقع، امروزه میتوان میزان پایداری یک فضای شهری را با توجه به شمار زنان و مردان استفاده‌کننده و تنوع ویژگیهای افرادی که در این فضاها همراه با احساس امنیت و آسایش، فعالیت میکنند، ارزیابی و بررسی کرد (حاجی احمدی و دیگران، ۱۳۹۴).



معمولاً شهری که با هوشمندسازی یا شبکه‌بندی‌های مبتنی بر اینترنت، پایداری را تجربه می‌کند، مجهز به انواع امکانات و شرایط مساعد زیستی از جمله امنیت، برای همه مردم ساکن آن است؛ شهری که با استفاده از جدیدترین شیوه‌ها و ابزار الکترونیک، سعی در ارتقای امنیت، شرایط زندگی و فعالیت برای همه مردم به‌ویژه زنان دارد. به عبارت دیگر، برای داشتن شهری امن برای همگان و به‌ویژه زنان، ایجاد زیرساخت‌های هوشمند، مجهز به شبکه‌ی اینترنت و فناوری پیشرفته ارتباطات ضروری و پایه‌ای است. به این منظور، طراحی هوشمندانه فضاها و زیرساخت‌های شهری، باهدف تأمین برابری‌های اجتماعی و مناسب‌سازی فضای کالبدی شهر برای همه گروه‌های آسیب‌پذیر، در قالب طرح‌های بلند و میان‌مدت شهری در جهان به نتیجه

و بهره‌برداری رسیده‌اند. مفاهیم و اجزاء خرد سیستم شهر هوشمند و امن عبارت‌اند از: سامانه حمل‌ونقل هوشمند؛ دولت هوشمند؛ شهروند و آموزش هوشمند؛ اقتصاد و صنعت هوشمند؛ محیط‌زیست هوشمند؛ سیستم‌های زیرساختی و انرژی هوشمند؛ شبکه‌ی امنیت و بهداشت هوشمند.

امروزه اغلب نهادها و سازمان‌های جهانی مرتبط با موضوع شهر امن، با استفاده گسترده از فناوری‌های پیشرفته در اداره‌ی امور شهری و تأمین امنیت اجتماعی برای همه‌ی مردم به‌ویژه زنان، توانسته‌اند از فضاهای بی‌دفاع و کور شهری بکاهند. از نظر نهادهای جهانی مرتبط مانند Aid Action، در یک شهر امن، زنان و دختران می‌توانند بدون ترس از خشونت تردد کنند، پوشش خود را داشته باشند، بدون تبعیض و مشکل به مدرسه بروند، با خیال راحت و با حقوق شغلی مرتبط کار کنند. از خدمات عمومی از جمله آموزش، بهداشت، سرپناه و آب سالم بدون ترس و آزار و اذیت، بهره‌مند باشند؛ از فعالیت‌ها و فضاهای تفریحی لذت ببرند، به خدمات دادگستری و پلیس بدون هیچ‌گونه سوءظن، داور یا ترس، دسترسی داشته باشند؛ در برنامه‌ریزی‌های آینده‌ی شهر مشارکت و در مورد موضوعاتی که به آن‌ها مرتبط‌اند، صحبت کنند. در شهرهای امن، زنان و دختران در خانه، مدرسه، محل کار و تردد در اطراف محله خود در طول روز و شب احساس امنیت می‌کنند؛ خلاصه این‌که، آن‌ها احساس می‌کنند به‌طور برابر دیده و شنیده می‌شوند.

وقتی ادبیات موضوعی حوزه زنان و شهر مرور و بررسی می‌شود، علاوه بر پرداختن به اهمیت زیرساخت‌های هوشمند شهری در کاهش جرائم و خشونت‌های جنسیتی، می‌توان شدت و شیوع بالای خشونت نسبت به زنان در شهرها را دریافت، به‌طوری‌که پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه، آن را نوعی «اپیدمی جهانی» شمرده و به دنبال یافتن راهکارهایی برای کاهش شیوع آن بوده‌اند. به دنبال گسترش انواع خشونت‌ها و آسیب‌های جسمی و روانی در فضاهای شهری برای زنان و افزایش ترس آن‌ها از حضور در فضاهای بی‌دفاع شهری، برنامه شهرهای امن برای زنان، در دهه‌ی ۱۹۷۰ با تلاش گروهی از زنان کشورهای گوناگون جهان زیر نظر سازمان ملل متحد، و باهدف تأمین حقوق زنان در فضاهای عمومی شهری آغاز شد (Action Aid, of Secretariat International)

1- Safe Cities for Women Program



برنامه‌های شهری لحاظ نماید؛ همچنین دسترسی امن و مؤثر همه‌ی زنان و دختران به خدمات عمومی را تضمین کند. درحالی‌که سیاست‌گذاران معتقدند که زنان عمداً در سیاست‌ها مورد غفلت قرار نگرفته‌اند، بلکه زمانی از برنامه‌ها حذف می‌شوند که سیاست‌ها، از اشکال رایج محروم‌سازی، خشونت و نابرابری را در جوامع درحال توسعه غافل می‌شوند. در کشورهایی که برنامه‌ی شهر امن در حال اجرا است، برنامه‌ریزی یا سیاست‌گذاری شهری، شدت یا مقیاس خشونت علیه زنان یا تأثیر آن را بر زندگی آن‌ها را تشخیص نداده و بررسی نکرده‌اند (Secre- International Aid Action of tariat, ۲۰۱۴).

در تداوم برنامه‌ی شهر امن برای زنان، دپارتمان زنان سازمان ملل^۲ نیز طی دوره‌ای زمانی (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶)، باهدف ارتقای امنیت در شهرهای جهان، به تدوین و اجرای برنامه‌ای به نام «برنامه شهرهای امن جهانی برای زنان و دختران»^۳ اقدام و سپس آن را به‌صورت پایلوت در پنج شهر قاهره، کیگالی، دهلی‌نو، بندر مورسی و کیتو^۴، اجرا کرده است (Husain, ۲۰۱۱). اجرای آزمایشی این برنامه در کشورهای بنگلادش، پاکستان، مصر،

2- UN Women

3- Safe City Global Programme (SCGP) for Women and Girls

4- Cairo, Kigali, New Delhi, Port Moresby and Quito

۲۰۱۴). برنامه‌ای که منجر به شکل‌گیری سازمانی جهانی به نام Aid Action، با بیشتر از ۱۵ میلیون عضو در ۴۵ کشور جهان شده که برای فقرزدایی و ترویج عدالت تلاش می‌کند. این نهاد جهانی با طرح و ارائه سندی به دولت‌ها، برای شهرنشینی و توسعه شهری امن، انعطاف‌پذیر و پایدار، همچنین، نتایج فعالیت‌های گسترده این نهاد به برگزاری نشست‌های بین‌المللی در این زمینه مانند اجلاس پکن (۱۹۹۵)، CEDAW^۱ در لیبریا (۱۹۷۹) و سایر نشست‌های جهانی در برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران و صدور بیانیه‌های مهمی شد از جمله بیانیه‌ی مونترال در امنیت زنان (۲۰۰۲)؛ بیانیه‌ی بوگوتا در امنیت زنان (۲۰۰۴) و بیانیه‌ی دهلی در امنیت زنان (۲۰۱۰)، منجر شده است.

یکی از فعالیت‌های مهم این نهاد جهانی (Action Aid)، طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴، اجرای برنامه‌ی «شهر امن برای زنان و دختران» در کشورهای بنگلادش، برزیل، لیبریا و کامبوج بوده است.

برای نهاد Aid Action، برنامه‌ریزی شهری متعهد به جنسیت، زمانی محقق می‌شود که به نیازهای اساسی زنان و دختران توجه داشته و در طراحی، بودجه‌ریزی، اجرا و ارزیابی‌های

1- Convention to Eliminate all forms of Violence against Women



- رواندا، کنیا و هند سبب شده که انواع خشونت‌ها علیه زنان در فضاهای عمومی شهر کاهش یابد. به‌طور نمونه، میزان موفقیت برنامه را می‌توان براساس نتایج اجرای آن در شهر کیگالی رواندا شناخت که عبارت‌اند از:
- تدوین، تصویب و اجرای قوانین معین به‌منظور ارتقای امنیت و کاهش خشونت‌های اجتماعی و خانوادگی در شهر؛
 - تلاش‌های همه‌جانبه در استفاده از رسانه‌های جمعی برای افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه منع خشونت‌های جنسی و جسمی در فضاهای عمومی شهر؛
 - اجرای برنامه‌های توانمندسازی ویژه دختران و زنان این شهر به‌طوری‌که در مواردی، مجبور به انجام مشاغل غیراخلاقی نباشند؛
 - سهیم ساختن مردان در اجرای برنامه‌های پیشگیری از انواع خشونت‌ها در فضاهای شهری؛
 - تحریک و تشویق اجتماعات محلی به تغییرات مثبت اجتماعی؛
 - ظرفیت‌سازی برای ارتقای توانمندی جامعه محلی؛
 - آموزش نهادها و سازمان‌های شهری در زمینه پیشگیری از اقدامات خشونت‌آمیز در فضاهای شهری؛
 - افزایش حساسیت جامعه به‌ویژه زنان و دختران نسبت به
- حقوق انسانی خود از طریق آموزش‌های گوناگون؛
- ارتقای کیفیت طراحی و شکل محیط و فضاهای عمومی شهر؛
 - ارتقای وضعیت روشنایی معابر شهری و افزایش قابلیت نظارت بر آن‌ها؛
 - به‌کارگیری افراد مشخصی از سوی شهرداری و سایر نهادهای شهری، برای تأمین امنیت همگانی به‌ویژه زنان و دختران در فضاهای عمومی شهر (Ab- & Mutesi bott, ۲۰۱۳).
- حتی سازمان هیبتات نیز در سال ۲۰۱۶، به تدوین و ارائه چارچوب و سازوکارهایی برای تحقق «شهرهایی برای همه»، اغلب به‌عنوان «حق به شهر» برای تأمین امنیت همگانی اقدام کرد تا مجموعه‌ای قابل پذیرش برای همه کشورهای جهان باشد. با اجرای این راهنمای اقدام مشترک، همه ساکنان شهرها، از زندگی در شهرهای پایدار، احساس رضایت و لذت خواهند داشت. این سازمان امیدوار است که زنان بتوانند با تجارب و خواسته‌های خود، در تحقق چنین شهرهایی سهیم و شریک و به‌اندازه مردان، دسترسی و حضور فعال داشته باشند.





منابع

- فنی، زهره (۱۳۹۰)، *زنان در بازار کار شهری* (مطالعه تطبیقی: شهرهای تهران و مونترال)، اصفهان: مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۳(۱۱)، ۵۷-۷۴.

- کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت، فرخی راستیانی، زهرا (۱۳۸۴) *پیش‌شرط‌ها و موانع توانمندسازی، مطالعه موردی: زنان شهر اصفهان*، مجله‌ی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، جلد نوزدهم شماره ۱، ۲۰-۳۰.

- مامسن، ژانت. (۱۳۸۷)، *جنسیت و توسعه*، مترجم: زهره فنی، تهران: دانشگاه تهران.

- محمدی، جمال؛ مرادی، مریم (۱۳۹۲)، *بررسی احساس امنیت زنان در مناطق شهری نمونه موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان*، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۹، ۶۵-۸۱.

- نیازی، محسن؛ سهراب زاده، مهران؛ فرشاد فر، یاسمن (۱۳۹۰)، *عنوان تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان مطالعه موردی زنان ساکن در مناطق ۱ و ۲ شمال تهران و مناطق ۱۹ و ۲۰ جنوب تهران*، فصلنامه مطالعات اجتماعی، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۲۷، ۵۶-۷۰.

Husain, S. (2011) UN Women Safe Cities Free of Violence against Women and Girls Global Program me: Guidance Notes for Developing a Program me Design. New York: UN Women.

International Secretariat of Action Aid, (2014). Safe Cities for Women: From reality to rights, Netherland.

Kirk, Donald (2010). Women, Friendly Seoul Project, Available at www.biztechreport.com/story/423-Women-Friendly.Seoul

Mutesi, L. and Abbott, P. (2013). Kigali Safe City for Women and Girls: Baseline Survey report, Institute of Policy Analysis and Research –Rwanda, UN Women.

Pitner, R. O. and ManSoo, Y. and Brown, E., (2012). "Making neighborhoods safer: Examining predictors of residents' concerns about neighborhood safety", *Journal of Environmental Psychology*, 43-49.

Woods worth, Counciancilor Ellen (2005). Making Space for Women in Cities Available at <http://www.sparc.bc.ca/resources-and-publications/category/28;Start=1>.

- اسماعیل‌زاده، حسن، فنی، زهره و عبدلی، فاطمه (۱۳۹۸). *هوشمندسازی، رویکردی در تحقق توسعه پایدار شهری* (مطالعه موردی: منطقه ۶ تهران). تهران: پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۱(۱)، بهار. ۱۴۵-۱۵۷.

- پورموسوی، سیدموسی و صالحی، فرضعلی و علی‌زاده، سید دانا و بیرانونونزاده، مریم و مصطفی شاهینی فر (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر ساختار فیزیکی کالبدی فضاهای شهری بر امنیت محیطی»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۳(۴۷)، ۴۶۳-۴۷۶.

- حاجی احمدی، آذین، ماجدی، حمید و جهانشاهلو، لعل (۱۳۹۴). *بررسی معیارهای تأثیرگذار برافزایش میزان فعالیت زنان در فضاهای شهری*، (مطالعه موردی: محله ۲۰ متری گلستان پونک، تهران)، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری، ۱۴(۱)، ۶۰-۴۷.

- سیدان، فریبا (۱۳۹۷). *زنان و کیفیت زندگی: با نگاهی به کیفیت زندگی زنان در شهر، تهران: انتشارات تیسرا*.

- طلعت، تازیکی (۱۳۹۳)، *عوامل مؤثر برافزایش احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر، مطالعه موردی زنان ۱۸-۵۰ سال شهرستان بجنورد، دانش نظامی خراسان شمالی*، ۱(۱)، ۳۶-۴۸.

- فنی، زهره و احمدی، لیلا (۱۳۹۹). *زنان و جستجوی حق به شهر در پیاده راه‌های جنسیتی* (مورد پژوهی: منطقه ۶ شهرداری تهران)، دانشگاه شهید چمران اهواز: فصلنامه توسعه اجتماعی، بهار.

- فنی، زهره و فرج زاده، مژگان (۱۳۹۳). *توانمندسازی شغلی زنان و توسعه پایدار شهری؛ مطالعه موردی: زنان منطقه ۱۸ تهران، جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱(۱)، ۹۱-۱۰۲، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

- فنی، زهره و مقدم، شهرزاد (۱۳۹۷). *تأثیر سفرهای درون‌شهری در ایجاد محیط دوست‌دار کودک* (مطالعه موردی: شهر زنجان). دانشگاه تهران: پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۰(۲)، تابستان. ۲۹۵-۴۰۸.

- فنی، زهره و مقدم، شهرزاد، (۱۳۹۷). *الف*. تحلیل نقش جنسیت در الگوی رفت‌وآمد شهری، *مورد پژوهش شهر زنجان*. مطالعات شهری، ش. ۵، ۱-۱۲، سنج، دانشگاه کردستان.

- فنی، زهره و همکاران (۱۳۹۴). *سنجش کیفیت زندگی شهری با تأکید بر جنسیت* (مطالعه موردی: شهر قروه). تهران: دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال ۶ (۱۲)، زمستان. ۶۵-۷۸.



زنان و زیست شهری

گفتگو با دکتر فریبا نظری مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده
دانش آموخته دکتری جامعه شناسی



سمیه خسروی

در عرصه توسعه تبدیل شوند و ضمن آشنایی با حقوق، جایگاه و اختیارات خود، با وظایف، رسالت‌ها و مسئولیت‌های خود نیز به خوبی مطلع بوده و به نحو احسن نقش خود را ایفا نمایند.

تجربا: اگر مجموعه مدیریت شهری بخواهد از ظرفیت و قابلیت بانوان جامعه در فرآیند توسعه شهری، نهایت بهره را ببرد، چه پیشنهادهایی مطرح می‌کنید و چه بسترهایی باید در جامعه فراهم شود که حضور زنان در شهر بیشتر و پرنرنگ‌تر از قبل باشد؟ در صورت لزوم، موانع حضور زنان را نیز مطرح و راهکارهای رفع آنها را نیز بیان نمایید تا بر اساس آن بتوانیم شهری حامی زنان داشته باشیم و زنان در آن شهر احساس مسئولیت و ایفای نقش کنند و به عنوان یک کنشگر اجتماعی در فرآیند توسعه اثرگذار باشند.

نظری: جامعه برای رسیدن به توسعه‌ی همه‌جانبه باید از همه اقشار خود استفاده کند. اگر به گذشته برگردیم و شهرهای صد سال پیش در ایران را تصور کنیم، می‌بینیم با توجه به نقشی که در آن مقطع زمانی برای زنان متصور

این شماره از ماهنامه مطابق الزامات امروزی جامعه با محور قراردادن زنان، به بررسی نقش آنان در شهر و مدیریت شهری پرداخته و برای دستیابی به اهداف مدنظر به گفتگو با خانم دکتر نظری مشاور وزیر کشور در امور بانوان و خانواده می‌نشینیم.

بی‌شک هر کشوری که بخواهد در مسیر توسعه قرار گیرد و این مسیر را با سرعت و سهولت بیشتری بپیماید، الزاماً باید از تمام ظرفیت‌ها و داشته‌های خود استفاده کند. بخشی از این ظرفیت‌ها در سرمایه‌های فیزیکی جامعه است، مانند معادن، بافت‌های تاریخی، قابلیت‌های گردشگری و ... و بخش دیگر که مهم‌ترین سرمایه هر کشور هم محسوب می‌شود، سرمایه‌های انسانی و اجتماعی آن جامعه است. با توجه به سهم ۵۰ درصدی بانوان در جمعیت هر جامعه، نمی‌توان این ظرفیت عظیم انسانی را در فرآیند توسعه نادیده گرفت و از توان، قابلیت و نقش آنها در این مسیر غافل بود. امروزه برای تسریع در رسیدن به اهداف توسعه‌ای باید زنان جامعه به کنشگرانی فعال، اثرگذار، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو



شهرابریا: چنانچه مدیریت شهری بپذیرد و حتی بکوشد تا مسئولیت‌هایی را به زنان واگذار کند، آیا زنان امروز ما توانایی و شرایط پذیرش این نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید را دارند؟

نظری: در واگذاری مسئولیت‌های مختلف به زنان در جاهای مختلف از جمله مدیریت شهری، مدیریت صنعت، خدمات و تولید و ... همیشه این سوال و اما و اگرها وجود داشته و دارد که آیا جامعه زنان این قابلیت و توانایی را دارند که بتوانند مدیریت را به عهده بگیرند. من معتقدم هر موضوعی بر اساس مقتضیات زمان خودش مطرح می‌شود. اگر سی سال قبل مطرح می‌کردیم، موضوعی خنده‌دار به نظر میرسید، ولی شرایط و اقتضات جامعه و دنیای امروز در مقایسه با گذشته بسیار تغییر کرده است. به عنوان مثال الان به فکر آن هستند که شرایطی را فراهم کنند تا کودکان در حین بازی آسیب کمتری ببینند و امنیت داشته باشند. این‌ها اقتضاء زمان امروز است و براساس آن می‌بینیم که بحث "شهر دوستدار کودک" مطرح می‌شود.

البته این سوال و چالش در جامعه مردان هم مطرح است. بدینگونه که اگر بخواهیم بدانیم آیا در بخش هنری یا مدیریت هنری جامعه، واقعاً می‌توان تمایز قائل شد که مردان مدیران موفقتری هستند و یا زنان؟ هرچند اساساً من قائل به این مقایسه‌ها نیستم.

اما در پاسخ به سوال شما قاطعانه می‌گویم بله، بانوان در این مرحله که از زیست شخصی به زیست شهری گذار کرده‌اند، می‌توانند این نقش‌های جدید را به خوبی بپذیرند و دیدگاهم این است که جامعه فرصت تجربه‌اندوزی و آزمون و خطا را همان‌طور که برای مردان فراهم کرده است، و به آنها فرصت داده است تا بتوانند ممارست داشته باشند و توانمندی‌های خود را از قوه به فعل برسانند، این بستر را بایستی برای زنان نیز فراهم کند. نباید اولین اشتباه مدیران زن را به منزله آخرین اشتباه آن‌ها تلقی کنیم. بایستی به آنها فرصت تجربه‌اندوزی بدهیم و یادمان باشد مدیر در هر حوزه‌ای چه مرد و چه زن باشد باید یک ویژگی‌هایی داشته باشد، پاک دست باشد، توانمندی فکری داشته باشد، هوش هیجانی بالا داشته باشد، قدرت مدیریت مشارکتی داشته باشد و از قدرت همکاران استفاده کند.

شهرابریا: ما در مجموعه مدیریت شهری، شهر خوب را شهری می‌دانیم که پاسخگو باشد، شهری که بتواند به تمام

بوده‌اند و با در نظر گرفتن تعریف جامعه‌شناسی از نقش به عنوان "انتظاراتی که جامعه از افراد دارد" می‌بینیم که شهرهای صد سال پیش ما، محیطی مردانه بوده‌اند. چون اساساً تقسیم نقش‌ها اینگونه بوده که زن بایستی در زیست شخصی خود و در محیط خانه به ایفای نقش بپردازد و مردان بایستی علاوه بر ایفای نقش در زیست شخصی، وارد زیست شهری و حوزه عمومی و فضاهای عمومی شهر شوند. براساس تغییراتی که در این سده اخیر اتفاق افتاده، زن به عنوان نیمی از جامعه، رفته رفته از فضای زیست شخصی خود، وارد حوزه زیست شهری شده است و علاوه بر نقش‌های فردی، نقش‌های اجتماعی از جمله؛ نقش‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی، هنری و ... را هم پذیرفته است. چالش اساسی مدیران شهری آنجایی است که انتقال نقش زنان از زیست شخصی به زیست شهری صورت گرفته است، اما متناسب با آن، تغییرات شهری نسبت به شهر صد سال گذشته به صورت کامل انجام نشده و بستر و زمینه‌های سخت افزاری مناسب به طور کامل برای حضور این قشر از جامعه در زیست شهری فراهم نیست. پیشنهاد مشخص من این است که سیاست کلان و رویکرد اساسی مدیران شهری کشور بایستی این باشد که از ظرفیت همه افراد دارای نقش در زیست شهری، برای بهتر شدن شهر استفاده شود و برای تحقق شعار "شهر حامی زنان" و بالاتر از آن شعار "شهری برای همه" گام بردارند. کما اینکه هنوز شهرهای ما حتی برای ایفای نقش کامل همه مردان، از جمله مردان سالمند، معلول، جوانان زیر ۱۸ سال هم مناسب نیست. در مجموع اگر مدیران شهری بخواهند بسترسازی مناسب برای ایفای نقش کامل زنان در شهر انجام دهند بایستی نقص‌ها و کاستی‌هایی که در زیست شهری از گذشته تا به امروز وجود داشته، مرتفع شود، تا این رده از جامعه بتوانند نقش زیست شهری خود را به درستی ایفا نمایند.

سیاست کلان و رویکرد اساسی مدیران شهری کشور بایستی این باشد که از ظرفیت همه افراد دارای نقش در زیست شهری، برای بهتر شدن شهر استفاده شود و برای تحقق شعار «شهر حامی زنان» و بالاتر از آن شعار «شهری برای همه» گام بردارند.



شود و همراه با عدالت هم باشد، باید تمام چیزهایی که در زیست شهری باعث تبعیض می‌شود برطرف شود و این جزء تکالیف مدیر شهری است. وظیفه دیگر مدیران شهری این است که خدمات شهری که در راستای رفع تبعیض‌ها ارایه می‌شوند را به شهروندان اطلاع‌رسانی کنند. نمونه آن "اتاق‌های مادر و کودک" است که اقدام بسیار بسیار ارزشمندی است ولی بسیاری از مردم نمی‌دانند چنین فضاهایی برای زنان در نظر گرفته شده است.

به نظر من امروزه هیچ بهانه‌ای برای ضعف در آموزش و اطلاع‌رسانی به گروه‌های مختلف جامعه در هیچ حوزه‌ای وجود ندارد چون ابزارهای فراوان و متنوعی برای آموزش و اطلاع‌رسانی در دسترس همگان هست.



نیازهای شهروندان پاسخ دهد و برای نیازهای فرهنگی، معنوی، اجتماعی، زیست محیطی و حمل و نقل و... راهکار داشته باشد. شما به نمایندگی از جامعه زنان، وضعیت شهرهای ایران را تا چه حد پاسخگو و مناسب برای نیازهای زنان می‌دانید؟ بی‌شک حضور زنان در جامعه یک الزاماتی می‌خواهد، اگر وضعیت شهرها مناسب نیست، راهکارهای پیشنهادی شما چیست؟

نظری: از آنجا که پژوهش همچون چراغ راه مدیران است. برای پاسخ این سوال به نتیجه پژوهش انجام شده استناد می‌کنم. اخیراً یک طرح پژوهشی توسط مرکز مطالعات راهبردی وزارت کشور و به تقاضای حوزه زنان با عنوان "بررسی وضعیت موجود و مطلوب امنیت اجتماعی زنان" انجام شده است، که جامعه آماری این طرح زنان ۱۵ سال به بالا در شهر تهران بوده‌اند و بنابراین تا حدود زیادی می‌توان نتایج و یافته‌های تحقیق را به سایر شهرهای کشور نیز تعمیم داد.

امروزه هیچ بهانه‌ای برای ضعف در آموزش و اطلاع‌رسانی به گروه‌های مختلف جامعه در هیچ حوزه‌ای وجود ندارد چون ابزارهای فراوان و متنوعی برای آموزش و اطلاع‌رسانی در دسترس همگان هست.

شراریا: به نظر شما مهم‌ترین چالش‌های پیش روی

زنان برای حضور فعال در عرصه‌های شهری چیست؟
نظری: قبل از پاسخ به این سوال، نکته‌ای را یادآور می‌شوم و آن این است که امروزه ارتباط تنگاتنگی بین بحران‌های طبیعی با زیست شهری وجود دارد. به همین دلیل در شهرها ستادهای مدیریت بحران توسط شهرداری‌ها و استانداری‌ها به وجود آمده‌اند تا در مواقع بحران به وضعیت مردم رسیدگی کنند. باتوجه به اینکه بیشتر جمعیت شهر را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند و نیازهای خاص خود را دارند، در ابتدای سال ۱۳۹۷ درخواست دادیم که تمامی مدیران کل دفاتر امور زنان استانداری‌ها عضو ستاد مدیریت بحران باشند و با دستور وزیر محترم کشور این مهم انجام شد. این کار در راستای تأمین نیازهای گروه‌های مختلف از جمله نیازهای بهداشتی کودکان و زنان در مواقع بحران در کشور صورت گرفته است و نتایج بسیار خوبی را هم در پی داشته است.

اساساً مسائل حوزه‌های زنان همراه با یکسری تابوهایی [=پرهیزه] است که بیشتر آنها در ذهن و باور افراد است.

این پژوهش در دو بخش احساس ناامنی به صورت ذهنی و احساس ناامنی به صورت عینی در شهر مورد سنجش قرار گرفته است. مطالعه انجام شده گویای آن است که در بخش احساس ناامنی ذهنی، ناامنی زیست محیطی با ۹۴٪ بالاترین احساس ناامنی را برای زنان داشته است که این موضوع در ارتباط مستقیم با وظایف شهرداری‌ها است. احساس ناامنی در خانواده، ناامیدی از آینده، ناامنی شغلی و اقتصادی و ناامنی فضای سایبری در رده‌های بعدی احساس ناامنی ذهنی در بانوان بوده است. در بخش احساس ناامنی به صورت عینی نیز، ناامنی شغلی و اقتصادی بالاترین میزان ناامنی بوده است و باز هم ناامنی زیست محیطی با ۵۲٪ در رده سوم قرار داشته است. این موضوع ضرورت و اهمیت فضاهای شهری و اقدامات شهرداری‌ها در احساس امنیت زنان را به خوبی نشان می‌دهد.

در اینجا موضوع صیانت از حقوق شهروندی مطرح می‌شود. اگر می‌خواهیم حقوق شهروندی در شهر رعایت



نیست، بلکه زنان خانه‌دار هم سرمایه عظیمی هستند که از آنها غافلیم. زنان خانه‌دار بیشترین ارتباط را با فرزندان در محیط منزل دارند و نقش مهمی در آموزش و تربیت آنها دارند. برخی زنان خانه‌دار هم صاحب کسب و کار خرد خانگی هستند و در برخی موارد با کمترین امکانات، کارآفرینی می‌کنند و خانواده را به بنگاه تولیدی تبدیل کرده‌اند. به نظر من یکی از فضاهایی که مدیران شهری می‌توانند زنان را تشویق کنند که بتوانند در بحث فرهنگ‌سازی به مدیران شهری کمک کنند "شورایاری محلات" است. در شورایاری است که زن خانه‌دار احساس می‌کند، در محله‌ی خودش به او نیاز دارند و آدم مفیدی است و علاوه بر این که در خانه به عنوان مادر و یا همسر نقش کلیدی دارد، در محله هم، میتواند محور آموزش و ارتقای فرهنگ شهروندی باشد. به عنوان مثال می‌تواند به ساکنان آپارتمانشان آموزش بدهد که زباله را از مبداء تفکیک کنند و زباله خشک و تر را از هم جدا کنند و کمتر زباله تولید کنند، از پلاستیک کمتر استفاده کنند و یا در زمینه کاهش آلودگی صوتی و ... به مردم محله آموزش بدهند. بنابراین یکی از فضاهایی که مدیران شهری می‌توانند دست یاری به سوی زنان خانه‌دار دراز کنند و مطمئناً پاسخ بسیار خوبی خواهند گرفت، شورایاری‌ها است، چراکه شورایاری شروع مدیریت در حجم کوچک است و شهروند احساس مفید بودن دارد و شهروند خودش را در مدیریت شهر دخیل میداند و سعی دارد که شهر را به محیط بهتری برای خودش و خانواده‌اش تبدیل کند و این ظرفیت خیلی بزرگی است و از آنجایی که زنان خانه‌دار فرصت و وقت کافی دارند و ارتباط بسیار خوبی با سایر زنان خانه‌دار در آپارتمان یا در محله دارند، می‌توانند بسیار موفق باشند. همان‌طور که می‌دانید فرهنگ‌سازی زمانی موفق می‌شود که از لایه‌های پایین جامعه آغاز شود. فرهنگ آیین‌نامه بردار نیست، یا با دستورالعمل نمی‌توان کار فرهنگی کرد. در راستای همین موضوع می‌توانیم در فرهنگ‌سازی از زنان به ویژه از قشر زنان خانه‌دار در محله‌ها و در اجتماعات محلی استفاده کنیم. البته با یک شعار که "شهر خوب، شهری است که همه شهروندان، خود را در رشد و توسعه‌ی آن سهیم بدانند" و اگر مدیران شهری طوری برنامه‌ریزی کنند که همه شهروندان را در وظایف شهری و شهروندی (از جمله محیط زیست، پسماند، فرهنگ عبور و مرور، آلودگی صوتی) مشارکت دهند، به شهر بهتری خواهند رسید و در همین راستا می‌توانند از ظرفیت "فرهنگ‌سراهای محلات" برای آموزش استفاده کنند.

همین که عنوان کنیم در بسته‌های ارسالی برای مناطق سیل زده و زلزله زده، وسایل بهداشتی زنان و کودکان قرار داده شود، اوایل بسیار سخت بود و مقاومت می‌شد. ولی این موضوع را جا انداختیم و الان به هر حال موضوع تغذیه کودکان در زمان بحران، نیازهای بهداشتی زنان و حتی توجه به لباس‌های محلی و مناسب سنین مختلف افراد هم جا افتاده است. بی شک باتوجه به هویت قومی و مذهبی هر ناحیه، لباس‌های محلی هم متفاوت است و مثلاً لباس‌هایی که در زلزله کرمانشاه اهدا می‌شود بایستی با لباس‌هایی که در سیل گلستان توزیع می‌شود، فرق می‌کند.

از آنجا که ساختار و کالبد اغلب شهرها، هنوز توانایی کامل برای زیست شهری بانوان را ندارند، باید گفت که مدیریت شهری زمانی می‌تواند موفق باشد و ادعا کند "شهری برای همه" در جریان است که تبعیض‌ها و هرآنچه که باعث تبعیض می‌شود، برداشته شوند. همچنین نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی در حوزه جامعه‌شناسی نشان می‌دهد زنان در محیط‌های شهری چه به لحاظ روانی و چه به لحاظ جسمی، بیشتر در معرض آسیب هستند.

بنابراین بایستی کالبد شهرها مناسب‌سازی شوند با اقداماتی همچون؛ روشنایی کافی خیابان‌ها، امنیت کافی و ...

مدیریت شهری زمانی می‌تواند موفق باشد و ادعا کند «شهری برای همه» در جریان است که تبعیض‌ها و هرآنچه که باعث تبعیض می‌شود، برداشته شوند.

تجدید: واقعیت آن است که بسیاری از شهرداری‌ها به عادت گذشته، غالباً درگیر کارهای عمرانی و خدماتی شده و کمتر به ابعاد فرهنگی و اجتماعی شهر پرداخته‌اند. درحالی‌که، بسیاری از پروژه‌های عمرانی شهر هم نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. به عنوان نمونه در بحث پسماند امروزه شاهد افزایش حجم زباله در منازل هستیم و بحث تفکیک از مبدا آنگونه که انتظار داریم جا نیافتاده است. در این زمینه نقش زنان در ارتقای فرهنگ شهروندی کلیدی است. به نظر شما در زمینه ارتقاء فرهنگ شهروندی، جایگاه زنان چیست و چگونه می‌توانند در تسریع فرایند توسعه، به مدیریت شهری کمک کنند؟

نظری: منظور از توانمندی زنان، صرفاً اشاره به زنان شاغل



بانوان ایرانی "هفته سبا" همکاری خوبی با شهرداری‌ها داشتیم که خواهان ادامه این همکاری هستیم. در این هفته در پارک‌های عمومی و پارک‌های بانوان پایش سلامت انجام می‌شود.

مقوله دیگر زنان فعال اقتصادی هستند. در حال حاضر ۸۰٪ صنایع دستی کشور توسط زنان تولید می‌شود. ایران جزء یک تا ده کشور برتر دنیا در زمینه تولید صنایع دستی است. بسیاری از زنان شاغل هستند و بسیاری دیگر کارگاه‌های تولید کوچک خانگی دارند. ما در ایران شهر خلاق یونسکو را داریم. دو تا از آنها در انتهای سال ۹۸ ثبت شدند از جمله شهر رشت که به عنوان "شهر خلاق خوراکی جهان" ثبت شد، شهر اصفهان هم "بزرگترین شهر خلاق صنایع دستی" و سنج به عنوان "شهر خلاق موسیقی" ثبت شد که اینها برند جهانی هستند. شهرکرد را به عنوان "شهر خلاق گیاهان دارویی" پیشنهاد داده‌ایم و بایستی از این ظرفیت‌ها استفاده شود.

«شهر خوب، شهری است که همه شهروندان، خود را در رشد و توسعه‌ی آن سهیم بدانند»

نکته آخر اینکه، با قصد کمک به زیست شهری و با همکاری شهرداری‌ها جلساتی با نماینده یونیسف داشتیم، هشت شهر در مرحله بررسی نیمه نهایی "شهرهای دوست دار کودک" هستند که بایستی تمام مولفه‌های سبز بودن و امنیت داشتن و عاری از زباله و آلودگی و... را داشته باشند. ضمن تشکر از مدیران حوزه شهری در سراسر کشور، اولاً تقاضا دارم توجه ویژه‌ای به چند گروه از جمله گروه سالمندان، معلولین، نابینایان، خانم‌های باردار و... داشته باشند. ثانیاً از طریق ظرفیت‌هایی که در اختیار دارند اطلاع‌رسانی درخصوص سازمان‌هایی که خدمات اجتماعی ارائه می‌دهند اما مغفول هستند، مانند اورژانس اجتماعی بهزیستی با شماره ۱۲۳ و ۱۴۸۰ که مشاوره رایگان شبانه‌روزی به کودکان می‌دهند، را در دستور کار خود قرار دهند.

نورایلیا: از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید تشکر و قدردانی می‌کنیم.

نورایلیا: با توجه به مسئولیت شما، اهم کارهایی که در حوزه زنان برای کمک به حضور فعال زنان در تمام عرصه‌های اجتماعی انجام شده است را بیان بفرمایید؟
نظری: با توجه به باور قلبی و ذهنی که وزیر محترم کشور در این زمینه دارند، سیاست کلی وزارت کشور در حوزه زنان این است که بایستی شرایطی فراهم شود که توانمندی زنان به عنوان نیمی از یک جامعه استفاده شود. ایشان در همین راستا تبعیض و بی‌عدالتی را در رشد کمی و کیفی پست‌های مدیریتی زنان برداشتند و کمک کردند تا شرایط و بستری به وجود بیاید که زنان بتوانند نقش مدیریتی خود را ایفا کنند. در دولت دوازدهم با پیشنهاد حوزه زنان و دستور وزیر محترم کشور، دفاتر زنان و خانواده در شوراهای تأثیرگذار و مهم مانند ستاد بحران، شورای توسعه و برنامه‌ریزی، شورای آموزش و پرورش و در برخی استان‌ها حتی در شورای معاونین، حضور دارند و می‌توانند ایده و پیشنهاد دهند و از حقوق زنان دفاع کنند. در این سه سال اخیر بارها و بارها از مدیران عالی کشور شنیده‌ام که بیان می‌کنند "ما تاکنون این مسائل پیش آمده را این گونه نگاه نمی‌کردیم ولی این پیشنهاد و ایده بانوان باعث شده که ما بتوانیم نگاه و رویکردمان را تغییر دهیم". در این مدت رشد کمی و کیفی در انتصاب مدیران زن داشته‌ایم. در سه سال اخیر برای اولین بار در تاریخ سیاسی ایران، ۱۶ مدیر زن در وزارت کشور در بخش ستاد و استان‌ها داریم که جزء مقام‌های سیاسی هستند و هم‌تراز معاون وزیر محسوب می‌شوند.

مقوله دیگر توجه به نشاط زنان است و علاوه بر نقش‌های اجتماعی که انجام می‌دهند به سلامت خود هم توجه کنند. من معتقدم اگر مادر و پدر و فرزندان در درون خانواده تندرست باشند و نشاط داشته باشند، مجموع خانواده سالم است و وقتی که خانواده سالم باشد جامعه هم سالم می‌شود. با توجه به اینکه بحث خاص ما اکنون زنان است و تندرستی زنان مهم است به عنوان نمونه در هفته سلامت



پرسش‌ها و پاسخ‌های حقوقی

محسین پرستار

قابل اجرا خواهد بود. در این موارد شورا می‌تواند مجدداً مصوبه‌ای داشته باشد.

? اظهار نظر در خصوص اختلاف نظر در تفسیر ماده ۱۸ قانون سازمان برق ایران پیرامون مجاز بودن و مجانی بودن نصب وسایل انتقال و توزیع و همچنین عبور کانال خطوط برق از معابر عمومی شهرها و حریم اماکن و مستغلات.

بازگشت به نامه شماره ۳۰۰۴۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۱۱ در خصوص نصب وسایل انتقال و توزیع خطوط برق از معابر عمومی شهرها، به آگاهی می‌رساند؛ در صدر ماده ۱۸ قانون سازمان برق ایران، معابر و حریم اماکن خصوصی مطلقاً و دیوار اماکن و اماکن خصوصی مشروط به آنکه مشرف به معبر باشند و زمین‌های زراعتی مشروط به آنکه موجب خرابی و ورود خسارت نگردد برای نصب تأسیسات و ادوات انتقال و توزیع برق می‌توانند مورد استفاده سازمان برق قرار بگیرند و لفظ «همچنین» بیانگر حکم واحد برای موارد مذکور یعنی معابر و حریم اماکن و دیوار اماکن می‌باشد و فقط برای شمول و عدم شمول حکم بر موارد مذکور وجود شرط مقرر و تحقق آن یا عدم وجود شرط باید مورد توجه قرار گیرد، به عبارتی اجازه استفاده مجانی از معابر و حریم اماکن خصوصی مطلق و در مورد دیوار اماکن و اماکن مشروط به اشراف به معبر و در مورد اراضی زراعی منوط به عدم ورود خسارت می‌باشد.

? با توجه به قوانین سابق و قوانین جاری فعلی، معافیت اشخاص از عوارض شهرداری به چه نحو است؟

حکم تبصره ۳ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده بر لغو معافیت‌های برقرار شده تا تاریخ تصویب قانون مذکور دلالت داشته و تبصره ذیل ماده ۱۸۱ قانون برنامه پنجم توسعه نیز در حال حاضر بدلیل لغای مدت اجرای آن قابل استناد نمی‌باشد لذا بموجب حکم مقرر در قانون موخر، یعنی بند ت ماده ۲۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور تخفیف یا بخشودگی عوارض شهرداری‌ها توسط دولت ممنوع است اما این امر نافی برقراری تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض توسط قانون نمی‌باشد بنابراین با توضیحات مذکور، چنانچه بعد از حکم بند ت ماده ۲۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور معافیت یا تخفیفی توسط مرجع قانونی برقرار شود حکم آن قابل اجراء خواهد بود.

? در صورت بروز اختلاف بین شوراهای و هیاتهای تطبیق مصوبات نحوه اقدام به چه صورت می‌باشد؟

رفع اختلاف بین شورای شهر و هیأت تطبیق وفق ماده ۹۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران با هیأت حل اختلاف است و ارجاع به هیأت حل اختلاف منوط به اعلام نظر و اصرار شورا به مصوبه خود در مهلت قانونی است و در غیر این صورت مصوبه معترض‌عنه غیر

گزارشی درخشان از یک روز تیره در تاریخ

عباس جلالی



خازن الدوله. فروغ الدوله از زنان آزادیخواه روزگار جنبش مشروطیت ایران. از انگشت شمار شاعران روزگار خود که پس از ازدواج با علی ظهیرالدوله وزیر تشریفات دربار به درویش صفی‌علیشاهی گروید و با همسرش همسو شد. آنان دارای سه پسر و چهار دختر شدند. فروغ الدوله در مسلک درویشی چندان بی‌پروایی می‌نمود که همراه دو تن از دخترانش فروغ‌الملوک و مَلک‌الملوک بدون حجاب به جلسه‌های انجمن اخوت می‌رفت و سخنرانی می‌نمود. از وی و دو دخترش تصویری با کشکول در دست، بجا مانده است.

نامه‌های برجا مانده از فروغ‌الدوله که خطاب به برادرش مظفرالدینشاه، محمدعلیشاه و شوهرش و دیگر سیاستمداران نوشته، قدرت اندیشه، دیدگاه‌های آزادیخواهانه و انتقادآمیز وی به روشنی آشکار می‌گردد. وی از نفوذ خود برای شوهر دربندش و دیگر آزادیخواهان و مشروطه‌طلبانی که به دست قزاقان گرفتار آمده بودند، سود جست و در آزادی آنان نقش مهمی داشت.

این سند طلایی در واقع نامه‌ای است که فروغ‌الدوله در نهایت سادگی بسان گزارشنامه‌ای برای شویش نگاشته، زیر عنوان «مکتوب از تهران به رشت جمادی‌الثانی ۱۳۲۶». این سند بازتابی از وضعیت زنان وابسته به دربار که در قلب پایتخت قاجاری می‌زیستند و از نزدیکان محمدعلیشاه بودند (فروغ‌الدوله عمه‌ی محمدعلیشاه است). برای همین هم، عین سند را بی‌کم و کاست می‌آوریم. این نامه در کتاب «اسناد و خاطرات ظهیرالدوله» چاپ شده است.

یافتن سندی از زنان ایران که توانسته باشد در تاریخ اجتماعی و سیاسی این سرزمین نگاشته بماند، سخت نایاب و دشوار می‌نمود که چنین نیز هست. سندی که اینبار بدان خواهیم پرداخت، برگ زرینی از میان اسناد نه چندان پرشماری است که تا به امروز پاییده است. اهمیت سند از چند دیدگاه، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ اجتماعی و شهری در پیوند با زنان این سرزمین دارد؛ نخست آنکه سند، نگاشته‌ی شخصی است که خود قهرمان ماجراست. دوم آنکه نمایش نفس‌گیر از یکی از خونبارترین روزهای تاریخ شهری ایران؛ روز به توپ بستن مجلس در دوم تیرماه ۱۲۸۷ خورشیدی بدست قزاقان پالکونیک لیاخوف روس. سوم آنکه نگارنده‌ی سند تماشاگر نیست، خود در میانه‌ی کارزار و در میان صفیر گلوله‌ها ایستاده است. چهارم آنکه شاه مستبد؛ محمدعلیشاه برادرزاده‌ی اوست و همو با فرمان‌های کور دستور ویرانی خانه‌ی این شیرزن و غارت کاشانه‌اش را داده است. زنی آزاده که شاعر است و از پدرش ناصرالدینشاه لقب ملکه‌ی ایران را گرفته، با همسرش راه مشروطه‌خواهی را پیش گرفته و آنهم آشکارا در نزد برادرش مظفرالدینشاه و برادرزاده‌اش محمدعلیشاه. گواه این آزادگی، نامه‌هایی بازمانده از وی است که خود پژوهشی جداگانه می‌خواهد. در اینجا برای شناخت بهتری از سند، گذری بر زندگی او ضروری می‌نماید.

تومان‌آغا^۱ (فروغ‌الدوله) دختر ناصرالدینشاه قاجار از همسرش

۱ - واژه‌ای ترکی که همراه نام شخص و برای احترام به‌ویژه با نام زنان می‌آید، مانند: خانم‌آغا، آقاباجی، تومان‌آقا. «تومان» در زبان ترکی معنی ده‌هزار می‌دهد. «تومان‌آغا» می‌شود «هزاران بانو». امیرتومان به سرکرده ده‌هزار نفر گفته می‌شود.

دو ساعت به غروب مانده بعد از آن که مجلس را توب بستند و لابد ششده اید
تغیبتش راه غلامرضاخان و کت آمدند پشت حصیری گفتند عرض داریم گفتند
بگوئید گفتند الان يك كالسكه از دم خانه كت رد کردند. سید عبدالله و ظهیر السلطان
و سید محمد تویش بودند. اما هیچ کدام عمامه یا کلاه نداشتند. يك پیراهن و شلوار
نشان. از بس پاته تفنگ اینها را زده بودند به خاک و خون قاتی بودند. مقصود این
است که اینها را با این حال برون باغ شاه که بکشند. شما يك عریضه به شاه بنویسید
توسط ظهیر السلطان را بکشید. من گفتم ابدأ در این موقع عریضه من مشورتی نخواهد
بود به شاه چیزی نمی نویسم. اما به امیربهادر می نویسم که ظهیر السلطان جوان بود. اگر
خطائی کرده است شاه از کشتنش بگذرد. هر کار دیگر می خواهد بکند. دادم بردند.
اینها رفتند شهر. دیگر پیداست چه آشوبی است. تمام قزاقها و عراده های توب را هم
از خیابان ما می برند.

حکایتی بود که چه عرض کنم. من هم سیرده بودم این چند نفر نوکرها که هستند
احمد و مسعود و میرآخور و جلودار و علی اکبر دم در بنشینند. اگر کسی خواست وارد
باغ شود یا از این مقصودین خواستند پناه بیآورند نگذارند. شب شد خوابیدم. صبح
بیدار شدم. روزیست بود. برای شعا کاغذ نوشتم. تاها را خوردیم و فروغ الملوك رفت
حمام. نوکرها هم همه رفتند خانه هاشان که سری زده عصر بیاید. میرآخور و علی اکبر
دم در باغ بنشینند که کسی بیاید. پنج شش روز پیش هم هرجا فراول بود خواستند
برای دور باغ شاه. فراول هم نداشتیم. گفته بودم چهار ساعت و نیم به غروب مانده
دندان ساز بیاید و دندان را اصلاح کند. گفتند دندان ساز حاضر است. آمدم در اتاق
سفرخانه چادر سرم کردم. دندان ساز هنوز دور نشده میرآخور آمد پشت حصیری.
سیمین عنقا را صدا کرد. گفت بمملکه ایران عرض کنید ترسند. روی پشت بام های
انجمن احوت و عمارت بیرون و اندرون را تمام قزاق گرفته دو عراده توب هم آوردند
جلو انجمن احوت. یکی جلو عمارت اندرون. وقتی میرآخور داشت این حرف را می زد
يك گلوله تفنگ آمد توی سفرخانه جلو پای دندان ساز. دندان ساز ترسید گریخت که

بنای شلوک را از روی پیشانیام به عمارت اندرون و توی حیاط گذاشتند. من نگاه کردم
دور تا دور بام قزاق ایستاده بود. به اندرون بیخود تفنگ می انداختند. تا وقتی سیمین هم
خبر است از آن در سفرخانه که رو به باغ است قزاقها ریختند توی سفرخانه. تقریباً
دویست نفر. آمدیم بگریزم از پله ها برویم. سربازهای سیلاخوری شاید هزار نفر روی
پله ها و توی ایوان حیاط بودند و اسباب طلاها و اثاثها را غارت می کردند. من و چه
نفر کلفت بالا مانده بودیم. میان این همه قزاق و سرباز از هیچ طرف راه بائین آمدن
نداشتیم. جلو دهنه درب عمارت يك عراده توب نگاه داشته بودند. توی باغ قزاق و
سرباز بر بود که ریخته بودند کتابخانه و عمارت بیرون را غارت می کردند. آن چادری
که در وقت آمدن دندان ساز سر من بود يك قزاق از سر من کشید. نمی گذاشتم آخر
برداشت. من هم جسیدم تفنگش را گرفتم. لوله تفنگ دست من بود تهنش دست قزاق.
يك مرتبه توب اول را به عمارت انداختند. خوابگاه اثاث زمستانی خراب شد.
چهل تیراغ های تالار افتاد. يك توب دیگر به اتاق سفرخانه زدند که ما تویش بودیم.
گیلوه ریخت. چهل تیراغها افتاد و اثاث بر شد از دود و خاک و گرد. متصل هم از پشت
بام شلیک تفنگ به عمارت می کردند. بیچاره قناریها توی ایوان آویزان بودند. دیدم با
گلوله زدند نفس افتاد. يك عراده توب هم آوردند توی باغ برای خراب کردن عمارت
بیرون. دود گرد و خاک به هوا می رفت. قزاقها و مردم غازی دیدند عمارت خراب
می شود ترسیدند. يك مرتبه از اتاقها دویدند بیرون. من و دو نفر کلفت هم با آنها
آمدیم از پله ها بائین.

وقتی که آمدیم بائین مادر آقای بیچاره بچه ظهیر حضور را بغل کرده بود. آدمها
همه توی ایوان سر برهنه جمع شده بودند. فروغ الملوك و دو نفر که حمام بودند لغت با
يك قطیقه دم در سر حمام می خواستند بیایند بیرون. قزاقها برایشان تفنگ می انداختند.
می ترسیدند. من آمدم بائین يك سر دویدم سر حمام. فروغ الملوك را بیرون آوردم بغل
کردم. به آدمها گفتم ترسید بیاید بروم. خدا بزرگ است. فروغ الملوك همین طور
توی بغل من می لرزید. رفت توی حیاط. از يك قزاق پرسیدم ما چه کردیم! چرا خانه ما
را خراب می کنند!

حالا وقتی است که توی حیاط چشم چشم را نمی بیند. خود بالکونیک دم
صندوقخانه ایستاده بود. هر چه التماس کردیم يك چادر بدهید ما سرمان بکیم فحش
می دادند. ابدأ جواب نمی دادند. مادر آقا و آدمها همه وسط حیاط دور من جمع بودند.
تا يك گلوله می آمد این بیچاره ها می ترسیدند. می ریختند روی من. منم سر برهنه.
همین يك چادر نماز که دورم بیچیده بودم. فروغ الملوك لغت باك قطیقه به خودش بیچیده
بود و دیگر هیچ کدام کلفتها چادر نداشتند. يك قزاق از پیش بالکونیک آمد پیش من که
پیغام داده بودم چرا این طور می کشید. اگر می گوئید مقصر ما ئیم بگردد مقصر را بیاید
کنید ببرید. ما که خودمان هم ده پانزده نفر زن خلاقی نکرده ایم. اگر حکم شده که مملکه
ایران را بکشید من مملکه ایران هستم. مرا بکشید راه بدهید دخترم و کلفتها از این



خانه فرار کنند. گفتند راه فرار را ایدها ندانید. باید در همین خانه بمانید. این تدابیر راه بیرون رفتن بدهیم. اگر بگذاریم بروید بیرون، می‌روید سفارت اشکال پیدا می‌شود باید در همین خانه بمانید.

مادرآقا و آدمها که این حرف را شنیدند ترسیدند. خواستند التماس کنند گریه کنند من نگذاشتم. بفروغ الملوك گفتم بیا از در کارخانه بگیریم. همه آدمها را صدا کردم آمدیم. چون عصر بود آشپزها رفته بودند. در را از آن طرف قفل کرده بودند. آن اسباب‌های غازی را هم از پله‌ها بالاخانه می‌آوردند. بالا روی سینه‌ام می‌ریختند توی خانه اردشیرخان. برای این کار قزاق زیاد آن گوشه حیاط جمع بود. هرطور بود من و فروغ الملوك و کلفت‌ها از هول جان در آشپزخانه را از پشته درآوردیم. رفتیم توی حیاط آشپزخانه. آن در هم بسته بود. آن را هم کتک و دویدیم توی کوچه که برویم خانه اردشیرخان. توکر اردشیرخان راه نداد. توی حیاط اردشیرخان و روی سینه‌ام پر از قزاق بود. دیدیم بدتر شد. آمدیم توی کوچه پشت آشپزخانه. هر چه درپ خانه آتایک را زدیم التماس کردیم گفتند در را باز نمی‌کنیم. بجهت ظهیر حضور که بغل مادرآقا بود ترسیده بود. گریه می‌کرد. قزاق‌ها از روی بام صدای بچه‌ها را شنیدند. فهمیدند ما داریم فرار می‌کنیم. بنا کردند به توی کوچه تنگ خالی کردن، خواستیم برویم توی خیابان سوار و سرباز جلو ما را گرفتند که اگر در خیابان بروید شما را می‌کشیم. در این وقت کلفت‌ها خیلی ترسیدند. همه بلند گریه می‌کردند و به سربازها التماس می‌کردند. بهر جهت يك تردیام شکسته آنجا بود من و فروغ الملوك آن تردیام را به دیوار گذاشتم. اول فروغ الملوك و مادرآقا را فرستادم روی بام. هرچه استوار کردم چون تردیام شکسته بود کلفت‌ها جرأت نکردند بروند. دیدم اگر يك دقیقه معطل شوم سربازها با تنگ می‌زنند. خودم هم رفتم بالا. آدمها زیردست ویای اسباب‌ها را

رفتی رفتم بالا دیدم چاهان از توی کوچه پاره شد. از آن طرف حیاط توی که يك روز می‌زد بهصورت بیرون و آندرون و انجمن اخوت و سرانجام می‌گردد. صدای تنگ سربازها که تکیه می‌گردد و هر چه می‌کنند از کورجا هیچ نمی‌تود سربازها که قزاق‌ها گرفته بودند و در محراب بسته بودند. با يك قزاق گویا آشنا بود التماس کردیم فرار کرده بود خانه عمیدالدوله را خبر کرده بود. و خلاصه از روی بام رفتیم پشتبام خانه امین السلطان. حاجی ابراهیم‌خان و تمام برهانشان متوجهن توی باغ بودند. التماس کردیم که يك تردیام بگذارند ما بیایم پاشن. در خانه شما هم بیایم. از در خانه شما برویم بیرون. گفت جرأت نمی‌کنیم. اگر شما را راه بدهیم خانه ما را هم توب می‌نند.

ای وای! حالا مرا تصور بفرمایید. با ده دوازده نفر زن سر برهنه که همه می‌ترسیدند و بچه هم حیوانی ترسیده متصل گریه می‌کرد و از هر طرف مثل گلوله بر هوا صور می‌کند و می‌ریزد. فروغ الملوك بطور من ایستاد. می‌گفت گلوله به تو بخورد من هم خودم را از پشت بام پاشن خواهم انداخت که بمیرم. آنگاه هم در شدت گریاست. خواست آتایک را روی پاشن دیدم. التماس کردم. گفت می‌روم پیش بالکونک آدم می‌فرستم. اگر برضی گره شما را راه می‌دهیم. آن هم رفت آدم فرستاد. بهقدر يك ساعت و نیم طول کشید. ما روی پشت بام خانه خوبان را که حراف و غارت می‌کردند نگاه می‌کردیم. گاهی هم چند گلوله به اطراف ما می‌انداختند که از بالای سر و از پهلو ما می‌گشتند. دیگر تسلیم صرف شده بودیم و نباید خدا استاده بودیم. زانها تعجب در این است که چطور شد که يك گلوله به ما نخورد. جان از ضمیمه این دنیا خلاص شوم. مگر يك آدم تا چه اندازه طاقت دارد. خدا شاهد است الان که این کافه را می‌نویسم به اندازهای تنم می‌لرزد که قلم می‌خواهد از دست بیفتد. آخ! مسلمان نشود کافر شیده.

آنوقت که هنوز از تردیام بالا ترفته بودیم بدتر از کلفت‌ها گفت بروید به این قزاق‌ها التماس کنید نقری يك چادر نماز جیت هم باشد بگیرد. بیاروید سربازان کنیم. آن‌ها هم دلشانرا به دریا زدند. رفتند عوسه تا چادر جیت که سربازها کشمکش کرده بودند و باره بود با چه التماس‌ها گرفتند آوردند که وقتی روی بام خانه آتایک رفتیم آن‌ها را داشتیم. يك ساعت به غروب مانده چهار نفر صاحب منصب آمدند توی باغ آتایک این دادند که بهما راه بدهت بیایم پاشن. يك تردیام گذارند توی آشپزخانه آتایک ما را بردند توی دالان آشپزخانه. این آشپزخانه تردیام خانه اردشیرخان بود. چون قزاق‌ها اسباب‌ها را بیشتر آنجا می‌ریختند پسرک‌ها ما را دیدند. تا آنجا رفتیم ده یازده نیز تنگ عقب ما انداختند. ما توی دالان رسیده بودیم تصور کردیم که قدری نشستم. درضایالات که تاپ پلین است و دیاسفلی خانه کدخدای محله دولت با سی و چهل نفر از اهل اداره آمدند توی باغ. در باغ را هم باز کردند ما را بردند توی يك اتاق. يك زن فرنگی با چهار زن چادر چاقوچوری از اهل اداره آمدند پیش من که بیست

مرد میان ما باشند. ما را برگردانید زیر چادرها مان داشته پاشیم. ما را گذاشتند. گفتند حالا هر ما که می‌خواهد بروید... مسئله انگلیس را طلب انداختند. آن مرد که روزنامه نویس را هم گذاشتند ده یازده نفر دیگر را هم گذاشتند. گفتند که بیست نفر دیگر رفتند سفارت انگلیس. هنوز هم آن‌جا هستند.

ملکه ایران
نقل از کتاب دانش و خاطرات ظهیرالدوله



فروغ الدوله

پانویشت:

ظهیرالدوله؛ علی خان دولو (شمیران ۱۲۴۲-تهران ۱۳۰۲خ) ملقب به «صفاعلیشاه» و متخلص به «صفا» فرزند محمدناصر دولو قاجار، از رجال دربار ناصرالدینشاه بود. در سال ۱۲۵۵خ وارد خدمات دولتی شد. به صفی‌علیشاه ارادت یافت و در جرگه‌ی تصوف درآمد و از پیروان خاص صفی‌علیشاه شد و پس از مرگ او جانشین وی گردید. یکی از دختران ناصرالدینشاه - تومان‌آغا [=دهزار خانم] را به زنی خواست که به «ملکه‌ایران» آوازه یافت. از آنجا که علی‌خان با مشروطه‌خواهان همدلی می‌نمود در ۲۰ اسفند ۱۲۸۶خ، از سوی محمدعلیشاه به حکومت گیلان گمارده شد. در رخدادهای استبداد صغیر (۱۲۸۷خ) به دور از تهران، بیشتر با نامه‌های همسرش از پیش‌آمدهای آشکار و نهان دربار باخبر می‌شد. پسرش «ظهیر حضور» نیز که به فرمانداری انزلی گماشته بود با همه‌ی آزارها توانست تا دیماه ۱۲۹۰خ، بر آن کار بماند.

پایه نگاشته‌ها:

- ۱) عمید، حسن؛ فرهنگ عمید، تاریخ و جغرافیا، سازمان انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۴۶ خورشیدی.
- ۲) شاملو، احمد؛ کتاب جمعه، ص ۱۵۶، سال اول، شهریور ۱۳۵۸ خورشیدی.
- ۳) نامور، رحیم؛ برخی ملاحظات پیرامون تاریخ انقلاب مشروطیت، ص ۱۶۵، انتشارات چاپار، ۱۳۵۷ خورشیدی.
- ۴) کسروی، احمد؛ تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان، جلد دوم، ص ۴۶۵-۴۴۵، انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم، ۲۵۳۷ شاهنشاهی (۱۳۵۷ خورشیدی).
- ۵) اسناد و خاطرات ظهیرالدوله.
- ۶) جلالی، عباس؛ روزشمار یک سده رخدادهای بلدی و شهرداری، جلد یکم، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ یکم، ۱۳۹۸ خورشیدی.

چغا تپه گتوند

میزبان

نخستین بانوی شهردار

حدیثه گرشاسبی



صدیقه میری، متولد ۱۳۵۸، اندیمشک. دارای مدرک کارشناس ارشد مدیریت دولتی. وی به مدت ۴ سال رئیس کمیسیون محیط زیست شورای شهر اندیمشک بوده. اولین بانوی شهردار گتوند، که از ۲۴ آذر ۱۳۹۶ رسماً شهردار شد.

رودخانه کارون و جلگه خوزستان است و یک شهر کشاورزی است. بیشتر قومیت آنجا لر هستند. تعداد کمی هم عرب زبان و از قومیت شوشتری هم دارند.

تجزیه و تحلیل: وضعیت آب و هوای گتوند چگونه است. آیا مشکل ریزگرد وجود دارد؟

ریزگرد یک درد مشترک در تمام خوزستان است. ما سد گتوند را هم داریم که سدها خودشان یکی از آلاینده‌ها هستند.

تجزیه و تحلیل: جمعیت فعلی شهر چند نفر است؟

طبق آخرین آمار سرشماری سال ۹۵، حدود ۲۴ هزار نفر جمعیت دارد ولی الان شاید حدود ۲۷ هزار نفر جمعیت داشته باشد.

تجزیه و تحلیل: حالا این جمعیت که رشد کرده آیا به نظر شما جمعیت شهر، جوان شده؟

فکر می‌کنم یکی از شهرهای جوان استان خوزستان هستیم.

تجزیه و تحلیل: پس شما با یک مشکلاتی روبرو می‌شوید. مانند موضوع کار؟

بله. یکی از معضلات اصلی آنجا بیکاری است. البته کل استان دچار این مشکل است. بخصوص گتوند.

تجزیه و تحلیل: نزدیکترین شهر به شما شوشتر است. با این شهر چند کیلومتر فاصله دارید؟

بله. اول شوشتر بعد دزفول. فکر کنم نزدیک به ۳۰ کیلومتر.

تجزیه و تحلیل: به عنوان اولین سؤال تلفظ درست نام شهر را بفرمایید.

گتوند از دو بخش "گوت" و "وند" تشکیل شده که "گوت" به معنی "خان" است و "وند" هم پسوندی که برای تبار لر استفاده می‌شود.

تجزیه و تحلیل: گتوند از چه زمانی شهر شده است؟

از سال ۱۳۶۲

تجزیه و تحلیل: شما چندمین شهردار این شهر هستید؟

این را دقیق نمی‌دانم.

تجزیه و تحلیل: آیا بانوی دیگری غیر از شما تا بحال شهردار گتوند بوده است؟

خیر. شهردار خانم نبوده.

تجزیه و تحلیل: شما اولین زن هستید و این افتخار بزرگی است.

خواهش می‌کنم.

تجزیه و تحلیل: با توجه به اینکه گتوند شهر کمتر شناخته شده‌ایست لطفاً وضعیت جغرافیایی شهر را کمی مختصر توضیح دهید؟

شهر گتوند در شمال استان خوزستان قرار دارد، یک شهر رودخانه‌ای است و اولین جایی که رودخانه کارون وارد جلگه خوزستان می‌شود، گتوند است. در تلاقی رشته کوه زاگرس و



کردیم. این یعنی رقمی شاید بالغ بر ۱۳ میلیارد می‌شود. شاید این حجم از آسفالتی که ما انجام دادیم معادل ۲۰ سال کار شهرداری گتوند بوده. واقعیت راه‌اندازی این کارخانه آسفالت هم در توسعه عمرانی شهر به ما کمک کرد هم در بحث درآمدزایی. علاوه بر آن ما یک سیاست‌هایی برای جذب درآمدهای خودمان داشتیم که سیاست‌های تشویقی برای شهروندان بود. از آن محل توانستیم درآمدهایی را جذب کنیم و وضعیت مالی را بهبود بخشیم، بطوریکه شهرداری ما اکنون هیچ بدهی ندارد.

تربار: شما بارش‌های زیادی دارید که می‌تواند همه معابر را گل‌آلود و خراب کند. آسفالت کردن خیابان‌ها در رفاه مردم چقدر تأثیر داشته؟

بسیار زیاد مورد رضایت مردم بوده. معمولاً آنجا بارش زیاد است و تردد مردم و عدم وجود امکانات ابتدایی برای تردد. بسیار مشکل بود. بعضی از خیابان‌ها قبل از انقلاب آسفالت شده بود، آسفالت سرد ریخته بودند و برخی خیابان‌ها هنوز آسفالت نشده بود. و یکی از کارهایی که خیلی مورد قضاوت مردم قرار گرفت و نظرشان نسبت به من عوض شد همین آسفالت معابر بود.

تربار: آیا از کسی مشورت گرفتید؟ چون به لحاظ جنس زنانه و لطافت آدم فکر می‌کند شما دیرتر به سمت این قضایا می‌روید و بیشتر به مسائل دیگر ممکن است بپردازید و شما دقیقاً رفتید به سمت قیر و کارخانه قیر و آسفالت.

زمانی که شهردار شدم با توجه به مشکلات شهری، آسیب‌شناسی و نیازسنجی کردیم، مشکلات شهر را دسته‌بندی و اولویت‌بندی کردیم چیزی که خیلی مورد نیاز مردم بود، یکی آسفالت بود، یکی دیگر اماکن تفریحی و پارک‌ها بود. زمانی که من شهرداری را تحویل گرفتم مساحت پارک‌های شهر ۱۰/۵ هکتار بود، الان که با شما صحبت می‌کنم ما ۳۰/۵ هکتار پارک داریم. یعنی ۳۰۰ درصد رشد داشته‌ایم. اماکن تفریحی و پارک‌ها را ارتقاء دادیم و بخش زیادی از این پارک‌ها به بهره‌برداری رسیده و بخش دیگرش هم در دست ساخت است.

تربار: تعداد پارک‌ها را می‌توانید بگویید؟

از بدو تاسیس شهرداری از سال ۶۲ تا ۹۶، گتوند کلاً ۳ تا پارک داشته که این سه تا پارک هم هر سه ناقص بوده یعنی آن سه تا را هم که ناقص بوده داریم تکمیل می‌کنیم. جدای از آنها، سه پارک محله‌ای بنام‌های ارغوان، لاله و ولیعصر را هم از منابع جاری شهرداری ساختیم. دو پارک ارغوان و پارک لاله به بهره‌برداری رسیده و پارک ولیعصر هم تقریباً ۶۰-۷۰ درصد پیشرفت داشته که آنهم در دست ساخت است. از طرفی دو پارک گردشگری بزرگ داریم، یک پارک کوهستان، دقیقاً روی رشته کوه زاگرس در محل تلاقی‌اش با کارون است که فاز اولش با مساحت ۷ هکتار به بهره‌برداری رسیده. همینطور ۲۳ هکتار پارک ساحلی که اکنون در دست ساخت است، در واقع در امتداد همان پارک کوهستانی و دقیقاً دامنه کارون است.

تربار: از جاذبه‌های گردشگری و تاریخی گتوند برایمان بگویید؟

یک موردش را اشاره کنم آرامگاه دکتر قیصر امین‌پور در گتوند است. همچنین از آثار تاریخی می‌توان تپه باستانی چغا را نام برد.

تربار: چغا زنبیل؟

نه چغا، با ۳۵۰۰ سال قدمت در شهر گتوند، که البته متأسفانه هنوز توسط سازمان میراث فرهنگی کاوش نشده است.

تربار: این تپه چقدر با شهر فاصله دارد؟

دقیقاً در محدوده‌ی شهری گتوند قرار دارد.

تربار: اگر آنجا ساخت و ساز کنند و جاده بکشند؟!

اجازه نمی‌دهیم. در کنارش یک پارک ساختیم و یک سمتش جاده است و یک سمتش هم اراضی کشاورزی. ساخت و سازی در آنجا صورت نگرفته.

تربار: امکانات تفریحی و بهداشتی داخل شهر مانند بیمارستان، مدارس و... را بفرمایید؟

شهر یک بیمارستان و چندین مدرسه، مدرسه عالی و دانشگاه هم دارد.

تربار: با آموزش و پرورش برای ساخت مدارس، یا برای کتابخانه‌ها مشارکت دارید؟

نه نداریم. ما یک سهم قانونی داریم ۵ درصد از درآمد شهرداری به حساب آموزش و پرورش واریز می‌کنیم ولی در کارهای دیگر با آنها همکاری نداریم.

تربار: مردم در این مورد هیچ انتظاری از شهرداری ندارند؟

نه ندارند. چون وزارتخانه جدایی دارد به ما ارتباطی ندارد.

تربار: منابع درآمدی شهرداری گتوند مخصوصاً درآمد پایدار از چه راه‌هایی تامین می‌شود؟

از سال ۸۷ تا ۹۷ بودجه را بررسی کرده‌ام و متأسفانه شهرداری گتوند تا سال ۹۶ به طور مستقیم کسری بودجه داشت. از سال ۸۷ به بعد به ترتیب تا سالهای بعد: ۱۱، ۳۸، ۳۸، ۴۸/۶، ۶۹/۵، ۳۳/۳، ۲۶، ۲۳، ۳۸ درصد کسری بودجه داشتیم. در سال ۹۷ خوشبختانه ۴۲ درصد مازاد بودجه داشتیم. یکی از کارهایی که برای درآمدزایی انجام دادیم، این بود که یک کارخانه آسفالت متروکه داشتیم یعنی کارخانه‌ای که استفاده چندانی نداشته. از دهه ۸۰ آن را خریداری کرده بودند ولی استفاده خاصی از آن نکرده بودند. آن را تعمیر و تجهیز کردیم. یک سری امکانات مانند یک استخر قیر به ظرفیت ۱۵۰۰ تن آنجا ساختیم که قیرهایی که دریافت می‌کردیم و یا می‌خریدیم همه را آنجا ذخیره می‌کردیم و این کارخانه را وارد چرخه تولید کردیم.

تربار: اجاره دادید؟

نه، خودمان اداره کردیم. هم توانستیم آسفالت را بفروشیم و درآمدزایی کنیم و هم شهر را آسفالت کنیم. به نحوی که ما فقط در سال ۹۸ بالغ بر ۳۰۰ هزار مترمربع معابر شهر را آسفالت



تجزیه و تحلیل: در صنایع دستی، صنایع غذایی چطور، آیا هیچ کارخانه صنایع غذایی دارید؟

■ با اینکه گتوند یک شهر کشاورزی است ولی اصلاً صنایع تبدیل کشاورزی متأسفانه آنجا نداریم.

تجزیه و تحلیل: همانطور که گفتید بازتاب حضور شما به عنوان شهردار در جامعه ابتدا منفی بوده، الان چه وضعیتی دارد؟ برای آینده امیدی دارید؟

■ فوق‌العاده است شاید در ابتدا اصلاً تصور نمی‌کردم. زمانی که آمدم این مسؤلیت را پذیرفتم یک سری برنامه‌ها داشتم، یک افقی برای خودم ترسیم کرده بودم ولی وقتی کار شروع شد موفقیت خیلی بیشتر از چیزی بودم که تصور می‌کردم و این را جامعه به من می‌گوید. و حالا باز خورد مثبت بیشتر می‌گیرم.

تجزیه و تحلیل: انگیزه شما برای عضو شورای شهر شدن و سپس شهردار شدن چه بود و واکنش همسران را اگر می‌توانید بگویید.

■ من زمانی که عضو شورای شهر شدم شاید یکی از دغدغه‌هایی که داشتم علاوه بر اینکه می‌خواستم زنان را به میدان بیاورم که بتوانند آنها هم سهمی در مدیریت داشته باشند، فساد بود که در شهرداری بود. آن زمان من شورای شهر بودم، در شهرداری فساد و انواع مختلف بخصوص فساد مالی را می‌دیدم که خیلی معترض بودم. می‌گفتم یعنی شهرداری واقعاً نمی‌تواند سالم و بدون فساد کار بکند و کارایی داشته باشد. از طرفی سلیقه زنانه را در شهر خیلی کم می‌دیدم. شهر خیلی خشن شده بودند و بعد زیبایی‌شناسی در شهر مدنظر من بود.

تجزیه و تحلیل: یعنی در واقع شهر مردانه بود؟

■ شهر ما خیلی مردانه بود، حتی در مسائل ساده در رنگ آمیزی، نقاشی‌های دیواری و هر چیزی که می‌دیدم، حس می‌کردم شهر خیلی خشن است.

تجزیه و تحلیل: چه اقدامی کردید تا از این خشونت کم کنید و به لطافت زنانه اضافه کنید؟

تجزیه و تحلیل: این شماره از ماهنامه‌ی شهرداریها مربوط به شهر و زنان است. آیا شما توانسته‌اید در عرصه‌ی اجتماعی جایگاه‌هایی درخور زنان شهرتان باز کنید یعنی شما باعث شوید که زنان بیشتر به این عرصه بیایند. مثلاً ایجاد یک پارک مادر و کودک یا یک اتاق استراحت برای مادران شیرده ...

■ دقیقاً همین کار را انجام دادیم. پارک مادر را طراحی و مطالعاتش را انجام دادیم. همینطور تندیس مادر را امسال در روز مادر به افتخار مادران ایران زمین رونمایی کردیم. واقعیت اینست که اول که آمدم در شهرداری شاید تا ۶ ماه برای من واکنش منفی بود. شاید خانم‌ها بیشتر از آقایان با من مخالف بودند. خوشبختانه من روحیه جنگنده‌ای دارم که هیچوقت جا نمی‌زنم. ولی الان خانم‌ها و آقایان شهر آنقدر به من لطف دارند و دیدگاهشان نسبت به خانم‌ها عوض شده به نحوی که بعضی از شهروندان می‌گویند ای کاش همه مسؤولین مثل خانم میری بودند.

تجزیه و تحلیل: آیا حضور شما در بالاترین جایگاه یک شهر در فعال‌تر شدن مشارکت زنان در شهر اثربخش بوده؟

■ بله. دقیقاً شهرداری در واقع مامنی برای خانم‌ها شده است. به نحوی که یک موضوعی که آقایان نتیجه‌ای نمی‌گیرند، خانم‌ها ایشان می‌آیند و مسأله حل می‌شود. هر وقتی که خانم‌ها را دیدیم تشویق کردیم و خوشبختانه این روحیه به نظر من در زنان گتوند بوجود آمده که آن‌ها هم می‌توانند.

تجزیه و تحلیل: آیا به زنان اجازه می‌دهید وارد پیشه تاکسی سرویس بشوند. مائشین به آنها می‌دهید، امکانات می‌دهید؟

■ الان خانم‌ها آنجا تاکسی سرویس هستند.

تجزیه و تحلیل: چه تعداد شاغل زن دارید؟

■ متأسفانه آمار شاغلان زن آنجا خیلی پایین است. البته مشکل کل استان بیکاری است.



شهریار: الان بزرگترین چالش شما در شهرداری به عنوان شهردار چیست؟

بزرگترین چالش ما عدم وجود منابع درآمدی پایدار و بی‌ثباتی اقتصادی است که برنامه‌ریزی را برای ما سخت می‌کند. الان شاید نمی‌دانم امسال چه اتفاقی قرار است بیفتد. آیا برنامه‌ای که من تدوین کرده‌ایم در بودجه امسال محقق می‌شود یا نه؟!

شهریار: در دوره شهرداری خود چقدر موفق شدید شهرداری را به مردم و مردم را به شهرداری نزدیک کنید؟ چون شهرداری یک سازمان غیردولتی و مردمی است. در واقع شهرداری یک جای دولتی نیست مردم باید مشارکت داشته باشند.

هفته‌ای یک روز ملاقات عمومی دارم. در روز ملاقات عمومی معمولاً وقتی که مراجعه می‌کنند معترضند. مخصوصاً به پرداخت عوارض. اکثراً خواسته‌شان مشکلات مالی است و وقتی آنها را توجیه می‌کنم که ما هم از خود شما می‌توانیم دستگامی که شهر پول از مردم می‌گیرد و دقیقاً آن پولی که از مردم می‌گیرد صرف شهر می‌کند شهرداری است و این موضوع روی آنها خیلی تأثیر دارد.

شهریار: چه نمونه‌هایی را شما برایشان کار کردید که آنها باور کردند؟

همین تغییر چهره شهر و خدماتی که در شهر داریم مانند آسفالت معابر، ساخت پارک‌ها و نمادهای شهری. هر وقت به ما مراجعه می‌کنند می‌گوییم این پولی که گرفتیم صرف این کارها شده.

شهریار: آیا تاکنون به این فکر این افتادید که از هم‌جنس‌های خودتان تجمعی داشته باشید مانند سمن‌ها و از آنها برای پیشبرد مشارکت‌های شهری استفاده کنید؟

بله اتفاق افتاده که جلساتی را با خانم‌ها داشتیم البته نه خیلی جدی.

شهریار: یعنی زنان طبقات تحصیلکرده کم است یا هواخواه مشارکت نیست؟

نه مشکل از ما بوده که انجام ندادیم، جلساتی برگزار شده ولی نه به آن شکلی که باید باشد.

شهریار: ساختمان شهرداری گتوند برای چه زمانی است؟

این ساختمان مربوط به زمانی است که شهرداری احداث شده. ولی ساختمان جدیدی را طراحی نموده و آن شالوده به زودی می‌سازیم.

شهریار: حالا یک سؤالی که نیمه جغرافیایی است ولی مهم، شما چقدر با رودخانه حاشیه دارید؟

حدود ۶ کیلومتر در خود شهر گتوند.



رنگ‌ها، نورپردازی‌ها و... در واقع یک مقدار فضا لطیف‌تر شد. یک مقدار به سمت روحیه زنانه رفتیم. در ابتدا آقایان ایراد می‌گرفتند که شهر شکل مادرنگی شده ولی بعد پذیرفتند و خیلی تشکر کردند همچنین همسرم بزرگترین مشوقم در کار بود.

شهریار: ایشان همکار شما که نیستند؟

خیر، همکار من نیستند ولی خیلی تشویق کردند. اگر همسرم در کنارم نبود قطعاً نمی‌توانستم در این مسیر بیایم و ادامه بدهم و با وجود تمام سختی‌ها همیشه حمایت می‌کردند و دلداری می‌دادند، بخصوص اوایل که خیلی کار سخت بود با آن واکنش‌های منفی، ایشان واقعاً تقویت کردند. هم ایشان و هم سایر اعضای خانواده بخصوص مادرم. که البته مادرم از بچگی هم پدر بودند و هم مادر، کنارم بودند و هستند.

شهریار: شما زادگاهتان را نگفتید آیا متولد گتوند و بومی هستید؟

متولد اندیمشک هستم.

شهریار: این بومی بودن و یا غیربومی بودن سودهایی دارد و یک راهکارهایی را پیش پای آدم می‌گذارد و یک موانعی هم دارد. شما چه جور استفاده کردید؟ یعنی مثلاً دسته‌بندی‌هایی شد، برعلیه شما که اهل اینجا نیستید. دسته‌بندی‌های قومی معمولاً در شهرها وجود دارد و آنهايي که بومی هستند و شهردار بومی دارند یکی از گرفتاری‌هایشان اینست که از آنها توقع دارند.

دقیقاً همین است چون من خودم عضو شورای شهر بوم قبلاً دیدگاهم برای انتخاب شهردار یک شهردار غیربومی بود.

شهریار: یعنی به نظر شما شهردار باید همیشه غیر بومی باشد؟

بله، چون شهردار بیشترین ارتباط را با مردم دارد و توقعات از شهردار خیلی زیاد است، شهردار بومی جواب نمی‌دهد چون در معذورات قرار می‌گیرد. اتفاقاً ما تو گتوند همین مشکل را داشتیم. دو دور شهردار بومی داشتیم که مجبور بودند یک کارهایی را انجام بدهند که شاید خودشان هم راغب نبودند ولی برای من که غیر بومی‌ام و آنجا هیچ فامیلی و آشنایی ندارم این معذورات وجود ندارد.



تراپیا: یعنی کارشناسی نبود که بگوید باید رودخانه را لایروبی کنید؟

ما بخاطر بحران و پیش‌بینی سیل این کار را انجام ندادیم. منظر رودخانه خیلی بد شده بود. نيزار، گل و لای و... در واقع با لایروبی توانستیم جلوی سیل بنیان‌کن را بگیریم. متأسفانه مدخل‌های فاضلاب شهری که در رودخانه می‌ریزند چهره آن را نازیبا می‌کند. بیشتر شهرهای رودخانه‌ای، فاضلاب شهری وارد رودخانه می‌شود. آنها همه لایروبی شد و نی‌ها زدوده شد و همین هم موجب شد امسال با وجود بارندگی شدید خوشبختانه هیچ اتفاقی در گتوند نیافتاد و تنها شهر رودخانه‌ای استان خوزستان بود که دچار سیل نشدیم.

تراپیا: از وقتی که به ما اختصاص دادید بسیار متشکریم.

تراپیا: اینها را پاکسازی و لبه‌سازی کرده‌اید؟

بله. همین ۲۳ هکتار که برای ساخت پارک استفاده کردیم و ظرفیت بسیار جالبی است. اولین جایی که کارون وارد دشت می‌شود یعنی زلال‌ترین جای کارون، متأسفانه بستر به این خوبی، هیچ استفاده‌ای از آن نشده بود. جلسات متعددی با سازمان آب و برق داشتیم و توانستیم آن اراضی را از سازمان آب و برق بگیریم و برای استان طراحی و مطالعات انجام دادیم. از طریق سازمان برنامه و بودجه تامین اعتبار کرده و شروع کنیم به سدسازی.

تراپیا: در نظر دارید از این پایگاه به عنوان پایگاه گردشگری برای افراد غیربومی استفاده کنید؟

بله همین کار را انجام می‌دهیم. افق دید اینست که شهر گتوند را به شهر گردشگری استان خوزستان تبدیل کنیم.

تراپیا: اگر مطلبی جا مانده که مایلید در مورد آن صحبت بشود، بفرمایید؟

زمانی وارد شهرداری شدم، فضای سبز ۱۰/۵ هکتار بود الان ۳۱/۵ هکتار ما فضای سبز داریم. بیشتر از ۳۰۰ هزارمتر مربع آسفالت کاری انجام شده است و به طور مستمر انجام می‌شود. زیباسازی منظر شهری، نورپردازی و نصب المان‌های متعدد در جاهای مختلف شهر و اولین پارکینگ شهری ساخته شد. ساخت ساختمان آتش‌نشانی و پایانه مسافربری گتوند، لایروبی رودخانه کارون را قبل از آمدن سیل انجام شد و تنها شهری که تو حوزه کارون رودخانه‌اش در خوزستان لایروبی شده بود گتوند بود. همچنین اولین پمپ بنزین پیاده‌روی استان خوزستان در گتوند با مشارکت شهرداری و بخش خصوصی به بهره‌برداری رسید. مستندسازی اموال غیرمنقول شهرداری هم انجام شد. طرح‌های مطالعاتی برای بهسازی میادین، اصلاح ترافیکی و خیابان‌های مرکز شهر انجام شد. طرح مطالعاتی پارک مادر به پایان رسید. در تهیه طرح بافت فرسوده شهر گتوند عملکرد فوق‌العاده‌ای داشتیم. بیش از ۶۰ کیلومتر جدول کشی آب سطحی در بافت قدیم و جدید گتوند طی یکسال و نیم اخیر انجام شد. با این جدول کشی و سپس آسفالت، لوله‌گذاری و دفع آبهای سطحی، چهره شهر متحول شد. بهبود ساختار مالی را هم که خدمتتان عرض کردم بعد از ده سال که مدام تراز مالی منفی بود، سال گذشته به ۴۲+ رسانیدم و برای سال ۹۸ بودجه کاملاً محقق شده و کاملاً عمل شده است..

تراپیا: آیا از قبل به شما هشدار سیل داده بودند؟

خیر، خودمان پیش‌بینی کردیم.



سازمان یادگیرنده

قلب بهبود مدیریت شهری

هوشنگ عزتی امینی
دکتری مدیریت کسب و کار

مقدمه :

باشد؛ مثلاً فورد^۲ بیل گیتس^۳ گاندی^۴ یا.....
دیگر به هیچ وجه کافی نیست که تنها فردی از رأس سازمان یادگیرنده و سایر افراد سازمان پیرو دستورات آن « استراتژیست کبیر» باشند.

در آینده، سازمان‌هایی واقعاً سرآمد می‌شوند که کشف کنند چگونه و در همه‌ی سطوح از تعهد افراد و ظرفیت‌شان برای یادگیری بهره‌برداری نمایند.

سازمان‌های یادگیرنده، قابل تحقق هستند زیرا همه‌ی ما در باطن «یادگیرنده» هستیم هیچ کس به یک نوزاد یاد نمی‌دهد که «یاد بگیرد» در حقیقت هیچ کس نباید به نوزادان چیزی بیاموزد. آنها کنجکاو و یادگیرندگان متبحری هستند که یاد می‌گیرند راه بروند حرف بزنند و به مرور تمام وظایف خود را در خانواده انجام دهند.

سازمان‌های یادگیرنده دست یافتنی هستند زیرا که یادگیری نه تنها در ذات و نهاد ما هست بلکه ما عاشق یادگیری هستیم. اکثر ما، زمانی عضو یک تیم با عملکرد عالی بوده‌ایم گروهی از افراد که باهم عملکرد فوق العاده‌ای را از خود بروز داده‌اند افرادی که برهمدیگر اعتماد داشته‌اند و نقاط قوت هم را کامل و نقاط ضعف همدیگر را پوشش داده و جبران می‌کنند. کسانی که اهداف مشترکی داشته‌اند که از اهداف فردی‌شان بزرگتر بوده و نتایج استثنایی و خارق العاده‌ای را خلق کرده‌اند.

می‌توان نشان داد که کل جامعه، سازمان‌ها و کسب و کار جهانی در حال یادگیری جمعی و تبدیل شدن به یک جامعه یادگیرنده است. طغیان در مدیریت تا خلق سازمان‌هایی که قادر به برآورده کردن آرمان‌های عالی‌تر انسان – فراسوی غذا، سرپناه و تعلقات – هستند ادامه پیدا خواهد کرد.

شاید بارزترین دلیل برای خلق سازمان‌های یادگیرنده در این نکته نهفته باشد که ما تازه در آغاز راه فهم قابلیت‌های چنین سازمان‌هایی هستیم.

از کودکی به ما آموخته‌اند مشکلات را باید خرد کرد، جهان را باید تکه تکه و تقسیم کرد، این رویکرد در ظاهر مدیریت وظایف و موضوعات پیچیده را ساده‌تر می‌کند اما در باطن، ما هزینه‌ی هنگفتی را بابت آن می‌پردازیم. با این شیوه ما به هیچ وجه نمی‌توانیم پیامد اقداماتمان را درک کنیم و حس ذاتی پیوند با جهان بزرگ را از دست می‌دهیم. سپس وقتی تلاش می‌کنیم «تصویر بزرگتر یا کل» را ببینیم سعی خواهیم کرد آن تکه‌ها را در ذهن‌مان کنارهم قرار دهیم تا همه‌ی قطعات را مرتب نموده و سر و سامان دهیم اما همان‌گونه که دیوید بوهم^۱ فیزیکدان و پدر فیزیک کوانتوم می‌گوید: این کار بی‌هوده‌ای است!
مانند اینکه با کنار هم قراردادن تکه‌های یک آئینه شکسته، بخواهیم تصویر واقعی را ببینیم بنابراین پس از مدتی، از تلاش برای دیدن کل یکپارچه دست می‌کشیم.

ایده‌ها و ابزارهایی که در تئوری «سازمان یادگیرنده» مطرح می‌شود برای ازمیان برداشتن تصور غلطی است که می‌گوید جهان از نیروهای جدا از هم و نامرتب ساخته شده است. وقتی که این باور غلط را کنار بگذاریم می‌توانیم «سازمان‌های یادگیرنده» را خلق نماییم.

۱- سازمان‌های یادگیرنده چیست؟

در سازمان‌های یادگیرنده، افراد بصورت پیوسته ظرفیت‌شان برای ایجاد نتایج واقعاً دلخواه و مطلوب را توسعه می‌دهند. سازمان یادگیرنده، جایی است که الگوهای جدید و فراگیر فکرکردن پرورش می‌یابد. جایی که آرمان جمعی آزاد می‌شود و افراد بصورت پیوسته فرا می‌گیرند چگونه باهم یادگیرند. هنگامی که جهان دارای پیوندهای متقابل بیشتری می‌شود و مشاغل و کسب و کارها پیچیده‌تر و پویاتر می‌شوند کار باید «یادگیرانه‌تر» شود این اصلاً کافی نیست که یک فرد یادگیرنده، در سازمانی حضور داشته

2 Ford
3 Gates
4 Gandhi

1 David Bohm



و چگونگی اقدامات ما تاثیر می‌گذارند. بسیاری از اوقات ما از مدل‌های ذهنی‌مان یا اثراتی که آن‌ها بر رفتارمان دارند آگاه نیستیم. مثلاً وقتی می‌بینیم که همکارمان لباس شیک و تر و تمیز پوشیده با خودمان می‌گوئیم آن خانم طوری لباس پوشیده انگار اینجا باشگاه ورزشی محله‌شان است!

همچنین، مدل‌های ذهنی مرتبط با اینکه در موقعیت‌های مختلف مدیریتی چه اقداماتی را می‌توان انجام داد و چه اقداماتی را نمی‌توان در ژرفای ذهن ما مستحکم شده‌اند.

در بسیاری از موارد، شناخت کسب شده از بازارها و حوزه‌های جدید با شیوه‌های کهنه کار سازمانی، بواسطه تعارض با مدل‌های ذهنی ضمنی و قدرتمند ما، از رسیدن به مرحله‌ی اجرا با می‌مانند. فرمان کارکردن با مدل‌های ذهنی با چرخاندن آینه به سمت درون، یادگیری چگونگی بیرون کشیدن تصاویر درونی ذهن، آوردن آن به سطح و قراردادن در معرض شدیدترین موشکافی‌ها آغاز می‌گردد.

این فرمان، توانایی ادامه‌دادن به گفت و شنودهای یادگیرانه^۳ را نیز در بر می‌گیرد که در آن‌ها، افراد شیوه‌ی تفکر خود را به شکل موثری در معرض دید قرار می‌دهند، پذیرای افکار دیگران می‌شوند و بین حمایت از افکار خود و مورد سوال قراردادن آن‌ها تعادل برقرار می‌سازند.

۳-۲ چشم انداز مشترک^۴

زمانی که آرمان اصیل وجود داشته باشد (در مقایسه با بیانیه‌ی چشم انداز معروف) افراد یاد می‌گیرند و سرآمد می‌شوند نه بخاطر اینکه به آن‌ها گفته می‌شود بلکه بخاطر اینکه قلباً خواهان این ارتقا هستند.

بسیاری از رهبران آرمان‌های شخصی دارند که هرگز به آرمان‌های مشترکی که برای همه‌ی سازمان برانگیزاننده باشد تبدیل نمی‌شوند. اصل آرمان مشترک مستلزم کسب مهارت‌های آشکارسازی و شفاف نمودن «تصاویر آینده» در دیدگاه افراد است بنحوی که بتوانند تعهد اصیل را پرورش و ترویج نمایند و بتوانند جمع را مشتاقانه در مسیر هدف یا اهداف مشترک یکپارچه سازد نه اینکه بخواهد آنها مطیع و تسلیم باشند.

۴-۲ یادگیری تیمی^۵

چه می‌شود که حاصل کار تیمی متشکل از مدیران متعهد که هوش فردی هر کدام از آنها بالای ۱۲۰ است بهره‌ی هوشی گروهی ۶۳ را نشان می‌دهد؟ فرمان یادگیری تیمی به این معما می‌پردازد.

برای مدت‌های طولانی، تلاش‌هایی که برای خلق «سازمان‌های یادگیرنده» انجام می‌شد به مثابه‌ی جستجوی کورمال شیئی ریز در تاریکی مطلق بود، تا اینکه مهارت‌ها، حوزه دانشی و مسیر توسعه‌ی چنین سازمان‌هایی شناخته شد. اساساً آنچه که سازمان‌های یادگیرنده را از سازمان‌های کنترل‌گرای خودکامه متمایز می‌سازد. برتری چند فرمان اساسی و معین است به همین دلیل «فرامین و اصول سازمان یادگیرنده» حیاتی‌ترین عناصر این سازمان هستند.

۲- اصول سازمان یادگیرنده

پنج اصل برای سازمان یادگیرنده تعریف شده است که در کنار هم کلتی به نام سازمان یادگیرنده را رقم بزنند هریک از این اصول، یک بعد حیاتی در ساختار سازمان‌های یادگیرنده را ارائه می‌نماید که بتوانند حقیقتاً یاد بگیرند و قادر باشند بصورت پیوسته، ظرفیت‌شان برای تحقق بلندترین آرمان‌هایشان را ارتقاء ببخشند.

۱-۲ برتری یا مهارت شخصی^۱

برتری یا مهارت را می‌شود احراز برتری بر اشیاء و افراد تلقی کرد. برتری همچنین می‌تواند به معنی سطح خاصی از تخصص یا مهارت نیز باشد. یک صنعتگر حرفه‌ای بر سفالگری یا بافندگی تسلط ندارد.

افراد با سطح عالی مهارت شخصی قادر هستند بصورت منظم و پیوسته نتایجی که عمیقاً برای آنها اهمیت دارند را محقق سازند آنها در زندگی‌شان به گونه‌ای که یک هنرمند با اثر خود ارتباط برقرار می‌سازد عمل می‌کنند. آنها این کار را با متعهد شدن به یادگیرنده‌ی مادام‌العمر بودن انجام می‌دهند. برتری شخصی فرمان شفاف‌سازی پیوسته و تعمیق چشم انداز، تمرکز انرژی‌ها، توسعه‌ی شکیبایی و دیدن و فهم بی‌غرض واقعیات است.

با چنین رویکردی، فرمان برتری شخصی یک سنگ بنای اساسی در سازمان یادگیرنده است. در واقع رکن و شالوده‌ی روحانی سازمان یادگیرنده به حساب می‌آید.

فرمان برتری شخصی کارش را با شفاف‌سازی آنچه که واقعاً برای ما اهمیت دارد آغاز می‌کند. پس از آن باید زندگی‌مان را در مسیری قراردهیم تا در خدمت بلندترین آرمان‌هایمان قرار گیرد.

۲-۲ مدل‌های ذهنی^۲

مدل‌های ذهنی، پیش‌فرض‌های عمیقاً ریشه‌دار، احکام کلی یا حتی تصاویر و انگاره‌هایی هستند که روی فهم ما از جهان

3 Learning Conversation

4 Shared Vision

5 Team Learning

1 Personal Mastery

2 Mental Model



یادگیری را یکپارچه می‌سازد و آن‌ها را بصورت یک بدنه تئوری و عملی درهم می‌آمیزد؛ تفکر سیستمی سبب می‌شود سایر فرامین، ژست‌های بیهوده و جدا ازهم نگیرند و به عنوان آخرین تغییر سازمانی مدیران، تلقی نگردد.

۳- مراجع تئوری سازمان یادگیرنده

کتاب پنجمین فرمان اثر پیتر سنگه استاد ممتاز مدیریت دانشگاه ام.آی.تی^۲ در واقع مهمترین مرجع آشنایی با تئوری و پیاده سازی یادگیری سازمانی است. این کتاب در سال ۱۹۹۰ برای اولین بار چاپ شد. پس از تلاش سازمان‌ها و شرکت‌ها برای پیاده سازی و مواجهه آنها با چالش‌های مرتبط، «جامعه یادگیری سازمانی»^۳ در دانشگاه ام.آی.تی با همکاری و همفکری رهبران سازمان‌های موصوف اقدام به طراحی راهبردهایی برای مواجهه با چالش‌ها نمودند که حاصل آنها در کتاب‌های پنجمین فرمان در میدان عمل، رقص تغییر و در اختیار سازمان‌های سراسر جهان قرار گرفت.

پس از حدود ۲ دهه که از معرفی و پیاده‌سازی این تئوری گذشت کتاب پنجمین فرمان ویرایش جدید بوسیله پروفیسور پیتر سنگه آماده شد که بیش از ۲/۵ میلیون جلد فروش داشت. در این کتاب براساس تجارب رهبران سازمان‌های پیشرو استراتژی‌ها، پیاده‌سازی تبیین و فرموله گردید و نمونه‌های موفق به زبان خود رهبران دسته‌بندی گردید.

۴- نقش پیاده‌سازی تئوری سازمان یادگیرنده در مدیریت مطلوب شهری

شهرداری‌ها مانند همه‌ی سازمان‌های خدماتی بدلیل اینکه با طیف وسیعی از سودبران [=ذینفعان] مواجه هستند (مردم - سازمان‌های دولتی - شرکت‌ها و ...) نیازمند برخورداری از ویژگی‌های زیر هستند تا بتوانند ارائه دهنده‌ی خدمات مطلوب و مورد انتظار باشند.

۱- دارا بودن چشم‌انداز مورد اتفاق و مشترک میان کارکنان و مدیران همه سطوح و تعهدی اصیل به کسب رضایت ذینفعان

۲- بهره‌گیری از خلاقیت و مهارت کلیه‌ی کارکنان برای متناسب و منطبق ساختن سطح خدمات با نیازهای فزاینده جدید؛

۳- آسیب‌شناسی مدل‌های ذهنی موجود، جداسازی مدل‌های ذهنی ناکارآمد معلق سازی و جایگزینی آن با مواردی که

ما می‌دانیم تیم‌ها می‌توانند یاد بگیرند و این در ورزش‌ها، هنرهای نمایشی، علوم و یا حتی برخی مواقع در کسب و کارها ظهور و بروز دارد. همچنین می‌توان شواهد و مثال‌هایی مطرح نمود که با یادگیری تیمی، هوش تیمی از هوش فردی تک تک افراد گروه سبقت می‌گیرد. فرمان یادگیری تیمی با گفت و گو آغاز می‌شود ظرفیت اعضای تیم برای به حال تعلیق درآوردن پیش فرض هایشان و وارد شدن به گفتگوی اصیل مشترک و جمعی. امروز فرامین و شیوه‌های گفت و شنود در شرف بازکشف، بازبایی و قرار گرفتن در متن فرهنگ معاصر است این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که منظور از گفت‌وگو، بحث‌های رایج که توأم با کوبیدن و از میدان به در کردن طرف مقابل و به کرسی نشاندن حرف خود باشد نیست.

۲-۵ پنجمین فرمان یا تفکر سیستمی^۱

توده ابری جمع می‌شود، آسمان تیره می‌شود، برگ درختان در هوا پیچ و تاب می‌خورند. ما می‌فهمیم باران خواهد بارید همچنین می‌دانیم پس از بند آمدن طوفان آب جاری شده به آب زیرزمینی کیلومترها آن طرف تر ملحق خواهد شد.

همه‌ی این رویدادها از نظر زمان و مکان دور از هم هستند و از این رو همگی در درون یک الگوی یکسان باهم در ارتباط هستند. هریک از آنها روی بقیه تاثیر می‌گذارد، تاثیری که معمولاً از نظرها پنهان است.

تفکر سیستمی یک چارچوب مفهومی شامل یک بدنه دانشی و ابزارهایی است که در خلال پنجاه سال گذشته توسعه داده شده است تا بتواند الگوهای کامل روشن‌تری را ایجاد نموده و به ما در فهم و دیدن چگونگی تغییر موثر آنها یاری برساند. اگرچه این ابزارها جدید هستند؛ لیکن جهان‌بینی زیر بنایی آنها تقریباً قابل فهم و درک هستند آزمایش‌های صورت گرفته بر روی بچه‌های کوچک نشان می‌دهد که آنها تفکر سیستمی را بسیار سریع یاد می‌گیرند. وقوف به این امر حیاتی است که پنج فرمان یادگیری در قالب همخوانی یک کل یکپارچه، توسعه پیدا خواهد کرد. البته این یک چالش است چون بکارگیری یکپارچه ابزارهای جدید از جمله فرامین یادگیری بسیار سخت‌تر از بکارگیری تک تک آنهاست لیکن دستاورد و حاصل این چالش و بکارگیری یکپارچه ابزارها بسیار عظیم است.

این دلیلی است که تفکر سیستمی پنجمین فرمان نامیده می‌شود. تفکر سیستمی، فرمانی است که سایر فرامین

2 MIT

3 Society Of Organizational Learning

1 Systemic Approach



همه این افراد در «سازمان‌هایی» حضور دارند که هنوز قابلیت‌های بکر و دست نخورده‌ای برای خلق آینده‌شان دارند. همه‌ی این افراد احساس می‌کنند به فعلیت درآوردن آن توانایی‌ها مستلزم توسعه‌ی ظرفیت‌های خودشان یا همان یادگیری می‌باشد.

نتیجه گیری

شهرداری‌ها به عنوان دستگاه‌هایی اجرایی و خدماتی با طیف وسیعی از کارکردها می‌توانند با بهره‌گیری از **تئوری سازمان یادگیرنده** که هم‌اکنون و با گذشت بیش از دو دهه به جایگاه رفیع خود در میان تئوری‌های مدیریتی رسیده است موقعیت‌شان را ارتقا دهند و پیش‌تاز ارائه خدمات مطلوب باشند. هم‌اکنون SOL (جامعه یادگیری سازمانی) در بیش از ۳۰ کشور شعبه دارد و هماهنگ کننده اقدامات جاری در این زمینه است. گام‌های زیر می‌تواند به عنوان آغازی برای ورود به دنیای مدیریت مدرن «یادگیری سازمانی» باشد:

- ۱- برگزاری دوره‌های یادگیری سازمانی و تفکر سیستمی برای مدیران و سرپرستان
- ۲- بهره‌گیری از کتاب پایه (پنجمین فرمان ویرایش جدید)
- ۳- اقدام به پیاده‌سازی براساس مدل‌های تجدید نظر شده مندرج در کتاب

قابلیت سرعت بخشیدن و بهبود خدمات شان را دارا باشد.
 ۴- تمرین، یادگیری و فراگیر سازی کار هم‌افزای تیمی برای رسیدن به نتایج مطلوب‌تر و نیز کیفیت مناسب‌تر انجام کارها؛
 ۵- ایفا نمودن نقش موثر در مجموعه حکمرانی دولت به عنوان یک دستگاه اجرایی ارائه دهنده خدمات عمومی و کمک در رسیدن به ارتقای سطح سلامت و رفاه جامعه؛

تئوری سازمان یادگیرنده پاسخی بود به نیازهای جدید رهبری سازمان‌ها در اواخر قرن بیستم در جایی که دستورالعمل‌های مدیریتی پیشین پاسخگو نبودند. اصول سازمان یادگیرنده یکپارچه ساز و انسجام بخش آموزه‌های قبلی دانش مدیریت است. پروفیسور پیتر سنگه خود در این زمینه می‌گوید:

زمانی که نسخه اولیه کتاب پنجمین فرمان در دست چاپ بود بالغ بر چهار هزار نفر مدیر اجرایی در این کارگاه‌های آموزشی حضور پیدا کردند آنها در واقع «شنوندگان هدف» ما بودند و کتاب با همین رویکرد به رشته تحریر درآمد. پس از پشت سر گذاشتن این تجربیات و تمرکز اولیه بر روی مدیران ارشد اجرایی بنگاه‌ها دریافتیم که فرامین بنیادین تفکر سیستمی برای روسای سازمان‌های دولتی، مقامات رسمی، دانشجویان، اساتید و والدین هم مهم و کاربردی است. تمامی این افراد در جایگاه‌های رهبری متفاوتی قرار دارند که هر یک دارای اهمیت خاص خود است.

جایگاه زنان در مدیریت شهری با نگاهی به تجارب جهانی

معصومه قربانی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

چکیده

سالم و امنی را برای زندگی، اقتصاد، تولید و منافع اجتماعی برای گروه‌های مختلف و همچنین نسل آینده فراهم کنند. موفقیت در این امر به حکمروایی خوب و مشارکت و تعامل زن و مرد به عنوان شرکا و اعضای برابر برای تغییر بستگی دارد.

امروزه تقریباً نیمی از مردم در شهر زندگی می‌کنند (۱). نود و پنج درصد از رشد شهری در جهان در حال توسعه رخ می‌دهد (۲). در همین زمان نابرابری جنسیتی در شهرها مانع اساسی توسعه در بسیاری از کشورهاست و این موضوع در کشورهای در حال توسعه بیشتر صدق می‌کند. پیش‌بینی‌ها حاکی از آنست که نسبت جمعیت شهری تا سال ۲۰۵۰ به ۷۰ درصد افزایش یابد (۳) و در صورت ناموفق بودن دولت‌ها در مداخله موثر، تعداد زاغه‌نشینان به سرعت افزایش خواهد یافت. برای شهرنشینی پایدار، دولت‌ها و سیاستگذاران توسعه باید تأثیرات جنسیتی، مهاجرت‌های روستایی- شهری، مهاجرت بین‌المللی، زاغه‌نشینی و شهرنشینی سریع را درک کنند. هنگامی که طراحی و خدمات شهری - از جمله آب، بهداشت، حمل و نقل و بازارها - به تبعیض جنسیتی توجه داشته و فرصت‌های برابر را ترویج دهند، منافع اقتصادی و اجتماعی بیشتری می‌تواند حاصل شود (womanwatch).

برابری جنسیتی و شهرسازی پایدار نه تنها برای بقای شهرها ضروری است، بلکه برای تحقق اهداف و تعهدات جهانی از جمله رسیدن به اهداف توسعه‌ی هزاره، لازم و اجتناب‌ناپذیر است (womanwatch).

از دهه‌ی ۱۹۷۰ فعالیت‌هایی در راستای توجه به مسائل شهری، رویکردهای جنسیتی و عدالت آغاز شده است. از جمله این فعالیت‌ها در سال‌های اخیر می‌توان به "برنامه‌ی مشترک زنان سازمان ملل متحد" در سال ۲۰۰۶ با هدف اصلی‌سازی برابری جنسیتی در برنامه‌ریزی و برنامه‌نویسی ادارات محلی اشاره کرد. به موازات این فرآیند، شهرهای حامی زنان UNJP با هدف توانمندسازی ادارات محلی و سازمان‌های زنان به منظور ایجاد

از دهه‌ی ۱۹۷۰ فعالیت‌هایی در راستای توجه به مسائل شهری، رویکردهای جنسیتی و عدالت آغاز شده است. در این رویکرد به طور کلی بر ساختن شهرهای قابل پذیرش برای زنان، از طریق مشارکت آنها در سازوکارهای تصمیم‌گیری محلی و همچنین بهره‌مندی از خدمات محلی تأکید می‌گردد. در این نوشتار که از نوع پژوهش‌های موردی بوده و اطلاعات از طریق روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری شده است، سعی گردیده پس از نگرشی اجمالی به ایده‌ی شهر حامی زنان و ضرورت توجه به آن، به نمونه‌های شهر حامی زنان در جهان اشاره شود و در انتها به بررسی وضعیت شهرهای ایران از این جهت پرداخته شده است. نگاهی به نتایج و دستاوردهای مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از آنست که، به‌رغم توسعه‌ی این مفهوم در برخی کشورها، تاکنون پروژه و طرح جامع و کاملی برای تحقق ایده‌ی شهر حامی زن در ایران انجام پذیرفته است و بیشتر کارها به صورت پراکنده انجام گرفته است. مدیریت شهری در ایران، شهر حامی زن را بیشتر پروژه محور دیده است نه فرایندی و مسأله محور، به همین دلیل شاید بتوان در برخی از مناطق و شهرها در نظام شهری ایران فرم‌هایی از شهر حامی زن مشاهده کرد، لیکن این فرم‌ها با سیاست‌ها و بخشنامه‌های دستوری شکل گرفته و خیلی تأثیرگذار نیست. برای ایجاد شهر حامی زن باید به فرایندهای تولید فضاهای شهری پرداخته شود که این فرایندها بسیار عمیق و ریشه‌ای هستند.

کلیدواژه‌ها: شهر حامی زن، عدالت جنسیتی، تجارب

جهانی، تجارب ایران

۱. مقدمه

در حال حاضر، چالش جهانی در دنیای به شدت در حال توسعه‌ی شهری، اطمینان از این است که شهرها بتوانند، محیط



روی این تصمیمات تأثیر بگذارند.

به عنوان مثال، خدماتی مانند ساخت مکان‌هایی که زنان بتوانند در آن جمع شوند یا یک مهدکودک و یک مرکز مراقبت روزانه برای هر محله و غیره بطور کلی در برنامه‌ریزی و سازماندهی شهری اولویت ندارند. خیابان‌های کم نور، فقدان خدمات اتوبوس‌های عمومی به مناطق دور افتاده و شرایط نامناسب امنیتی موجود، مانعی برای آزادی رفت و آمد زنان محسوب می‌شود که این یکی از حقوق اساسی آنها است. زنان هنگام بهره‌مند شدن از امکانات فرهنگی، ورزشی و اوقات فراغت شهرها از جمله گروه‌هایی هستند که به شدت نادیده گرفته شده‌اند. علاوه بر این، سرپناه‌های زنان و خطوط پشتیبانی فوری، در صورت مواجهه با خشونت نیز موضوعات مهمی هستند که نباید در برنامه‌های اداره شهر صرف نظر کرد.

ایده و مفهوم شهر حامی زن حاصل تلاش برای حل مسائل و مشکلات زنان و ارتقاء و بهبود وضعیت آنان در زندگی شهری است. شهر حامی زن در مفهومی وسیع اشاره به شهری مطلوب و مناسب زندگی اجتماعی زن در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، کالبدی، بهداشت و سلامت و سایر امور زندگی اجتماعی شهری دارد. هدف از ایجاد شهر حامی زن، ایجاد فضا و امکاناتی در شهر و ابعاد مختلف زندگی شهری است که فعالیت زنان در شهر را تسهیل کرده و زندگی‌شان را درون فضای شهری آسان‌تر کند (فاضلی، ۱۳۹۴: ۶۴).

شرط اصلی ایجاد شهر حامی زنان این است که بتوانیم نیازهای زیرساختی، اجتماعی و مکانی زنان و دختران را به درستی

همکاری قوی بین آنها اقدام کردند. پس از اتمام مرحله اول در سال ۲۰۱۰، مرحله‌ی دوم برنامه مشترک شهرهای حامی زنان سازمان ملل در آوریل ۲۰۱۱ آغاز شد.

هدف اصلی این نوشتار - بر اساس بررسی نتایج مطالعات و پژوهش‌های مرتبط در این زمینه - تأکید بر لزوم و ضرورت ایجاد فضا و زمینه‌ای برای ایجاد شهرهای حامی زنان از طریق ایجاد برابری جنسیتی در فرآیندهای برنامه‌ریزی ادارات محلی در نتیجه‌ی فعالیت‌های محلی است که با سازمان‌های غیردولتی زنان، سازمان‌های مردمی، نهادهای دولتی چه در سطح ملی و چه در سطح محلی انجام می‌شود.

۲. ضرورت توجه به ایده‌ی شهر حامی زن

اگرچه زنان نیمی از جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند، اما آن‌ها نمی‌توانند به طور کامل و یکسان در فرآیندهای تصمیم‌گیری محلی شرکت کنند. با این وجود، زنان شرکای طبیعی هستند که باید توسط مدیران محلی انتخاب شده در مراحل برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشارکت داده شوند. تقاضای نمایندگی برابر زنان در سازوکارهای تصمیم‌گیری، یک حق اساسی و یک عنصر ضروری دموکراسی است.

به طور سنتی، برنامه‌ریزی شهری توسط مردان انجام می‌شود و نیازهای زنان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با این حال، تمام تصمیماتی که در مورد مسکن، امنیت، حمل و نقل، آموزش و مسائل بهداشتی گرفته می‌شود، مستقیماً بر زنان تأثیر می‌گذارد، زندگی آنها را تسهیل یا پیچیده می‌کند. از آنجا که زنان در مجامع محلی به طور مساوی نماینده نیستند، نمی‌توانند در صورت لزوم



- عمومی بهره‌مند گردند.
- خشونت علیه زنان و دختران نه در خانه و نه در خیابان اعمال نمی‌شود.
- زنان و دختران مورد تبعیض قرار نمی‌گیرند و حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان تضمین شده است.
- زنان و دختران در تصمیم‌گیری‌های مؤثر بر جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مشارکت می‌نمایند.
- حکومت، حقوق انسانی تمام مردم را بدون طرد کردن زنان و دختران تضمین می‌نماید.
- حکومت و دولت محلی اقدامات لازم برای توجه به خشونت‌ها علیه زنان و دختران، جلوگیری از آن و مجازات آن را انجام می‌دهد.
- حکومت و دولت محلی دسترسی زنان و دختران به عدالت را تضمین می‌نماید (Abada, 2013:9).

۴. اهداف و روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش موردی و روش کار به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است که به بررسی تجارب جهانی و اقدامات و برنامه‌هایی که در این شهرها به اجرا گذاشته شده پرداخته شده است.

تحلیل کرده و با تجزیه و تحلیل این نیازها به الف) طراحی خدمات شهری ویژه زنان و ب) ارائه کلیه خدمات با در نظر گرفتن برابری جنسیتی مبادرت ورزید. باید توجه داشت که این دو رویکرد را نباید به عنوان دو گزینه مجزا در نظر گرفت بلکه این دو رویکرد موازی و مکمل همدیگرند.

به طور خلاصه، اولین قدم برای ایجاد شهر حامی زنان این است که با زنان و دختران ساکن این شهر آشنا شویم و نیازها، مشکلات و فرصت‌های آنها را به درستی تحلیل کنیم. در پی این مرحله، برنامه‌ها و برنامه‌های استراتژیک حساس به جنسیت باید در شهرها تهیه شود و بودجه‌ریزی حساس به جنسیت باید در هنگام تنظیم بودجه استان مورد توجه قرار گیرد. برنامه‌ی مشترک شهرهای دوستانه زنان سازمان ملل متحد از ایجاد شهرهای حامی زنان که زنان به طور فعال در مدیریت و زندگی روزمره شرکت می‌کنند، حمایت می‌کند.

۳. تعریف مفاهیم

شهرهای حامی زن بدین گونه تعریف می‌شوند: «مکانی که در آن زنان از شمول اجتماعی، آسایش و امنیت برخوردارند و در آن می‌توانند رشد نموده، پیشرفت کنند و به طور مؤثر در توسعه شهر خود مشارکت نمایند».

در یک نگاه کلی و جامع، طبق تعریف ارائه شده از سوی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ سه مولفه اصلی "شمول‌گرایی"، "آسودگی" و "امنیت" در شهر حامی زن به گونه‌ایست که:

- زنان و دختران می‌توانند بدون ترس از مورد تجاوز واقع شدن از فضاهای عمومی و زندگی



۵. بررسی نمونه‌هایی از شهرهای حامی زن در جهان

۱- پروژه‌ی شهر فراگیر، مونترال کانادا

اولین پروژه‌ی شهر حامی زن در مونترال در سال ۱۹۹۷ آغاز شد. تمرکز این پروژه بر دو حوزه‌ی اساسی بود:

- مشارکت و حضور زنان در زندگی شهری
- مشارکت و حضور زنان در موقعیت‌های رهبری، تصمیم‌گیری و سایر مدیریت‌ها.

در این راستا مونترال در چهار موضوع اصلی به طراحی و اجرای راهبردهای پرداخت:

الف) مشارکت‌سیاسی: اجرای اقداماتی مانند

توسعه‌ی آموزش قانونی و راهبردی برای کاندیدهای زن در موقعیت‌های انتخاباتی، افزایش مشارکت زنان در موقعیت‌های انتخاباتی از طریق تماس نزدیک با شهرداری‌ها و سایر انجمن‌های زنان، نوشتن راهبردهایی برای تدوین دوباره‌ی ساختار شهرداری.

ب) اشتغال: طراحی یک برنامه‌ی استخدام برابر به

منظور افزایش تعداد زنان در موقعیت‌های مدیریتی و سایر مشاغل تخصصی، ایجاد امکاناتی برای کمک به زنان و مردان به منظور ایجاد تعادل میان مسؤولیت‌های خانوادگی و کاری مانند ساعت‌های کاری پاره وقت و مراقبت‌های روزانه در محل کار.

ج) امنیت: انتشار سه کتاب راهنمای امنیت در مورد

برنامه‌ریزی و طراحی امنیت محور، اجرای یک برنامه‌ی آموزشی درباره امنیت زنان در رابطه با مردان.

د) مسکن: اجرای طرح «ایجاد و توسعه پروژه‌های مسکونی

توسط زنان» به نحوی که مجتمع‌های مسکونی پاسخگوی نیاز زنان و ساکنان منطقه باشد (Abada, 2013: 42-43).

۲- پروژه‌ی شهر حامی زن سئول کره جنوبی

پروژه‌ی شهر حامی زن سئول که در سال ۲۰۰۷ آغاز شد، یک استراتژی فراگیر برای اجرای سیاست‌های شهری اتخاذ نمود تا برابری جنسیتی و رفاه زنان را افزایش دهد. در این پروژه به منظور بهبود زیرساخت‌ها در یک شکل حامی زن، اتاق‌های استراحت در خیابان‌ها، پیاده‌روه‌های و پارکینگ‌های حامی زن ایجاد شدند. در زمینه‌ی اشتغال زنان، این برنامه زنان را مجدداً به سرکارشان برمی‌گرداند و از طریق ایجاد فرصت‌های بیشتر شغلی که به زنان امکان برقراری تعادل میان نیازهای شغلی و خانوادگی‌شان را می‌داد، از مشاغل حامی زن حمایت می‌کرد.

همچنین طرح‌هایی مانند آموزش به منظور پیشگیری از تجاوز جنسی، وجود مرخصی زایمان یا نگهداری از فرزند، افزایش میزان زنان کارمند و قرار دادن بیشتر زنان در سمت‌های اجرایی اجرا شدند. بخش دیگری از برنامه‌های پروژه‌ی مربوط به استقرار حکمروایی حامی زن بود که مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری را تشویق می‌کرد. همچنین پروژه‌ی سئول به منظور بهبود سیستم حمل و نقل عمومی برای افزایش راحتی و امنیت زنان، اقداماتی مانند ایجاد تاکسی تلفنی‌های امن برای زنان، اتوبوس‌های حامی زن (تمرکز بر رانندگی امن، قرار دادن دستگیره‌های اتوبوس در سطح پایین‌تر)، تهیه نقشه امنیت زنان و ایجاد تغییرات محیطی را اجرا نمود (Abada, 2013: 59-62).

۳- پروژه شهر حامی زن استانبول

در سال ۲۰۰۷ «برنامه مشارکتی حمایت و توسعه‌ی حقوق انسانی زنان و دختران» تحت عنوان «شهرهای حامی زن» در شش ایالت مختلف در سراسر ترکیه اجرا شد. در این برنامه که تا سال ۲۰۰۹ به پایان رسید، برنامه‌های مختلفی اجرا شد. ایجاد تیمی بحرانی برای زنانی که اقدام به خودکشی کردند، واحدهای سلامتی سیار برای کارگران فصلی، آموزش برابری جنسیتی به مسؤولان و مدیران محلی از جمله برنامه‌های این پروژه بودند. همچنین کمیسیون‌های برابری جنسیتی در مجالس عمومی و انجمن‌های شهرداری استقرار یافتند. سایر اقدامات مانند ارتقای بودجه جنسیتی، مراکز جدید حمایت از زنان، ایجاد واحدها و هیأت‌های زنان در دولت و شهرداری‌ها نیز انجام شد. علاوه بر این به منظور حامی زن شدن شهرها مقرر شد برنامه‌های اجرایی، خدمات شهری را با در نظر گرفتن نیازهای خاص زنان مانند ایجاد مراکز حمایت از زنان، مراکز نگهداری از بچه و مراکز ویژه‌ی زنان ایجاد کنند. در این برنامه، امن ساختن شهرها، افزایش تعداد پارک‌ها و بوستان‌ها، امکان دسترسی زنان به خدمات و بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی زنان نیز مورد توجه قرار گرفت (GOZKE, 2009). دومین پروژه‌ی شهر حامی زن ترکیه در ژوئن سال ۲۰۱۱ آغاز شد. هدف نهایی این پروژه عبارت بود از ارتقا و حامی زن کردن محیط از طریق ایجاد جریان جنسیتی در فرایند برنامه‌ریزی محلی و گفتگوی محلی با سازمان‌های زنان، سازمان‌ها و نهادهای دولتی در سطح محلی و ملی (Woman friendly cities).

۴- پروژه شهر حامی زن کوچی هند

پروژه‌ی سابالا که در شهر کوچی هند اجرا می‌شود، از طریق طرح‌ها و برنامه‌های مختلف به دنبال حل بیشتر مسائل پیش



علاوه بر این، در فوریه سال ۲۰۱۴، پروژه‌ی امنیت زنان نیز با کمک دولت مرکزی به منظور تضمین امنیت زنان و بچه‌ها در کرالا آغاز شد. بر اساس برنامه پروژه، هر دولت محلی دارای ۱۰ داوطلب خواهد بود. این داوطلبان ملاقات‌های مکرر از خانه‌هایی خواهند داشت که زنان تنها، بیوه‌ها و افراد مسن زندگی می‌کنند. هدف چنین بررسی اینست که میزان رفاه آنان سنجیده شده و اگر این زنان نیاز به کمک پلیس داشتند، برایشان فراهم شود (Jisha, ۲۰۱۴).

۶. بررسی وضعیت شهر حامی زن در ایران

نگاهی به مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از آنست که به‌رغم توسعه این مفهوم در برخی کشورها، تاکنون پروژه و طرح جامع و کاملی تحت این عنوان در ایران انجام نشده است. به عبارت دیگر، مدیریت شهری در ایران، شهر حامی زن را بیشتر پروژه محور دیده است نه فرایندی و مسأله محور. به همین دلیل شاید بتوان در برخی از مناطق و شهرها در نظام شهری ایران فرم‌هایی از شهر حامی زن مشاهده کرد لیکن این فرم‌ها با سیاست‌ها و بخشنامه‌های دستوری شکل گرفته و خیلی تأثیرگذار نیست. برای ایجاد شهر حامی زن باید به فرایندهای

روی زنان و ایجاد یک شهر حامی زن است. برخی از اهداف پروژه عبارتند از:

- بسط مراقبت‌های پزشکی برای خانوارهایی که فقط اعضایشان زن هستند. هزینه‌های آموزشی چنین خانواده‌هایی نیز به طور کامل توسط این برنامه‌ها تأمین می‌شود.
- ایجاد امکانات سکونت جدید برای زنان در شهر به منظور تضمین امنیت زنان مسافری که با اهداف مختلف به این شهر می‌روند. علاوه بر وجود تیم کارکنان زن و محل‌های سکونت سایر امکانات مانند امکان رزرو آنلاین، تاکسی و سایر خدمات نیز تأمین شد.
- اتوبوس‌های ویژه زنان اقدام بدیع دیگری بود که در پروژه طراحی شد. بر اساس این هدف، همه اتوبوس‌ها دارای قسمت زنانه خواهند شد.
- به منظور مقابله با سو استفاده از کودکان، تیمی متشکل از سه مشاور در هر مدرسه مستقر خواهند شد تا دانش‌آموزان را از فسادهای جدید مانند جرایم اینترنتی و سو استفاده از دانش‌آموزان از طریق تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی راهنمایی و حمایت کنند (Usha, ۲۰۱۳).





تولید فضاهای شهری پرداخته شود و این فرایندها بسیار عمیق و ریشه‌ای هستند و با ایجاد چند پارک ویژه بانوان شهر حامی زن ساخته نمی‌شود.

در این راستا باید نگاه‌ها و فرهنگ اجتماعی و مدیریتی را تغییر داد تا بتوانیم شهری را مبتنی بر ظرفیت‌های اجتماعی - فرهنگی بانوان کشورمان برای آن‌ها و به دست خودشان ایجاد نماییم. لازم به ذکر است تا موقعی که این نگاه مهندسی و مردانه بر تولید فضاهای شهری ما حاکم است نمی‌توان انتظار داشت سیاست‌ها و برنامه به سمت ایجاد شهر حامی زن نیل کند. باید توجه داشت که ایجاد شهر حامی زن می‌تواند گامی بلند در راستای توسعه پایدار شهری و اجتماعی کشور باشد. چرا که نیمی از ظرفیت‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی کشور در قالب زنان یافت می‌شود و بدون بسترسازی و ایجاد فضاهای مناسب برای بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها نمی‌توان امید توسعه کلان کشور را داشت (فاضلی، ۱۳۹۴: ۶۴).

۷. نتیجه‌گیری

امروزه تقریباً نیمی از مردم در شهر زندگی می‌کنند و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که نسبت جمعیت شهری تا سال ۲۰۵۰ به ۷۰ درصد افزایش یابد. در این میان برابری جنسیتی و شهرسازی پایدار برای بقای شهرها و تحقق اهداف و تعهدات جهانی از جمله رسیدن به اهداف توسعه هزاره، لازم و اجتناب ناپذیر است. در این راستا تلاش‌هایی در سطح جهانی و در سطح ملی در کشور نیز صورت گرفته است و رواج رویکردهای جنسیتی و عدالت از دهه ۱۹۷۰ نیز مؤید این مسأله است. در این پژوهش تأکید بر لزوم و ضرورت ایجاد فضا و زمینه‌ای برای ایجاد شهرهای حامی زنان از طریق ایجاد برابری جنسیتی در فرآیندهای برنامه‌ریزی و مدیریت محلی با بهره‌گیری از تجارب شهر مونترال در کانادا، شهر سئول کره جنوبی، شهر استانبول در ترکیه، شهر کوچی هند بررسی گردید و در نهایت وضعیت شهر حامی زن در ایران مورد بررسی قرار گرفت.

تجربه شهر حامی زنان در مونترال کانادا نشان داده است که چهار اصل مشارکت سیاسی، فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال زنان، تلاش در راستای ایجاد فضای امن برای زنان و تسهیل دسترسی آسان به مسکن مناسب از شروط اصلی ترویج جایگاه زنان در سکونتگاه‌های شهری است. شهر سئول در کره جنوبی به منظور تقویت جایگاه زنان در فضاهای شهری بر بهبود زیرساخت‌های شهری، ایجاد فضاهای مناسب و همچنین ترویج و تشویق مشارکت در فرآیند تصمیم‌گیری از طریق استقرار حکمروایی در شهرها تأکید دارد. در کشور ترکیه نیز راهبرد

برنامه مشارکتی حمایت و توسعه حقوق انسانی زنان و دختران در شش ایالت مختلف این کشور با هدف ارتقاء جایگاه زنان در فضاهای شهری و بهبود محیط از طریق ایجاد جریان جنسیتی در فرآیند برنامه‌ریزی محلی و گفتگوی محلی با سازمان‌های زنان، سازمان‌ها و نهادهای دولتی در سطح محلی و ملی به اجرا در آمد. در شهر کوچی هندوستان از روش‌هایی از قبیل بسط مراقبت‌های پزشکی، ایجاد امکانات سکونت جدید برای زنان، ایجاد و گسترش زیرساخت‌های حمل و نقلی برای زنان و استقرار گروه‌های مشاورین در مدارس به منظور بهبود جایگاه زنان در عرصه‌های شهری بهره گرفته شده است.

در پایان باید گفت که تغییر نگاه و فرهنگ‌سازی اجتماعی و مدیریتی به منظور ایجاد شهری برای استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی - فرهنگی بانوان کشور متکی بر قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان ضروری است و باید توجه داشت که ایجاد شهر حامی زنان می‌تواند گامی بلند در راستای توسعه پایدار شهری و اجتماعی کشور باشد.

منابع:

1. UN-HABITAT estimates that by 2010, 50.6 per cent of the world population will live in urban areas. These figures will appear in the upcoming UNHABITAT report, *State of the World's Cities 2010-11*.
2. UN-HABITAT (2008) *State of the World's Cities 2008/2009: Harmonious Cities*, p xi.
3. UN-HABITAT (2009) *Global Report on Human Settlements 2009: Planning Sustainable Cities*, p. xxii.
4. UNCHS (2000) 'Women in Urban Governance', Nairobi: United Nations Centre for Human Settlements (Habitat).
5. GÖZKE, Özge.(2009) 'woman friendly cities'. www.bianet.org/.../118039-women-friendlycities
6. Woman friendly cities2. http://www.migm.gov.tr/en/PDF/WOMEN_FRIENDLY_CITIES_2.pdf
7. Jisha. "The 'Nirbhaya Kerala' Project to Inaugurate on Feb 15th".
8. <http://www.karmakerala.com/news/tag/women-safety/>. 2014
9. Usha. "Kochi to be a women friendly city". <http://www.karmakerala.com/news/2013/03/25/kochito-be-a-women-friendly-city/>. 2013

۱۱. فاضلی، نعمت الله، (۱۳۹۴)، "زنان شدن فضای شهری در ایران، با تکیه بر فضای کلان شهر تهران"، پژوهشنامه زنان، سال ششم بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ویژه نامه

بررسی رویکردها و تجارب برنامه اسکان بشر ملل متحد

در خصوص دسترسی زنان به زمین و مسکن

سارا حبیبی

دکتری شهرسازی، کارشناس ارشد سیاست ملی شهری
سارا ثابت
کارشناس ارشد طراحی شهری

مقدمه

نابرابری موجب ایجاد موانع توسعه در جهان شده است. بر اساس گزارش هیئات در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۹، هر هفته سه میلیون نفر به جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه اضافه شده و در این میان زنان اکثریت جمعیت فقیر را تشکیل داده‌اند (بیش از ۷۰ درصد در برخی از کشورهای آفریقایی). همچنین مشکلات و موانع زنان در اشتغال به خصوص در مشاغل غیر رسمی بیشتر بوده و حتی زمانی که مشغول به کار می‌شوند، حقوق به نسبت مردان کمتر است (Habitat-UN, 2012).

امروزه در اسناد بین‌المللی تأکید بسیاری بر «حق مسکن مناسب» و دسترسی همه مردم به آن شده است. در بند ۳۱ دستورکار جدید شهری هیئات ۳ در زمینه مسکن مناسب آمده: «ما متعهد می‌شویم نوعی از سیاست‌های ملی، فراملی و محلی مسکن را ترویج دهیم که از تحقق مترقی حق مسکن مناسب برای همه به عنوان بخشی از حق استاندارد مناسب زندگی پشتیبانی می‌کند و تمامی انواع تبعیض و خشونت را مورد هدف قرار داده، از تخلیه مستبدانه اجباری جلوگیری می‌کند و بر نیازهای افراد بی‌خانمان، افراد آسیب‌پذیر، اقشار کم‌درآمد و افراد دارای معلولیت تمرکز دارند و در عین حال مشارکت و دخالت اجتماعات محلی و ذی‌نفعان مرتبط را در برنامه‌ریزی و اجرای این سیاست‌ها ممکن می‌سازند.» (Agenda Urban New, 2016).

با این حال روند شهری شدن و همچنین تأمین مسکن و خدمات پایه متأثر از عوامل متعددی از جمله جنسیت، توان اقتصادی و ویژگی‌های اجتماعی است. مشارکت کمتر زنان و همچنین دسترسی کمتر آنها به منابع و دارایی‌ها سبب می‌شود تا دسترسی زنان به زمین و مسکن کمتر باشد (UN-Habitat, 2012).

رقابت شدیدی میان گروه‌های مختلف بر سر زمین و مسکن وجود دارد. در این رقابت زنان موقعیتی متفاوت داشته و دسترسی

چکیده

مسکن و زمین، به عنوان دو رکن اصلی شهرنشینی، نقش بسیار مهمی در برنامه‌ریزی شهری دارند. مسکن مناسب، حق تمامی انسان‌هاست و دسترسی به زمین نیز از پیش‌نیازهای آن است. زنان در زمینه زمین و مسکن، با تبعیض‌هایی در جهان مواجه‌اند که در برخی از موارد آن‌ها را به حاشیه رانده است. علاوه بر این مطالعات نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار، در دسترسی به زمین و مسکن غالباً آسیب‌پذیرتر هستند. این افراد در بازار کار معمولاً حقوق کمتری نسبت به مردان دریافت می‌کنند و کاهش قدرت اقتصادی در حق دستیابی به مسکن مناسب برای آنها اثرگذار است.

هیئات به‌عنوان حرکتی جهانی با تدوین استراتژی جهانی مسکن (GHS)^۱ تا سال ۲۰۲۵، به دنبال ایجاد رویکردی برای حمایت از حق مسکن مناسب است. در ارتباط با زمین نیز، رویکرد هیئات منجر به تدوین شبکه جهانی ابزار مرتبط با زمین (GLTN)^۲ شده است. هر دو این راهبردها و ابزارها به دنبال انطباق با شرایط گروه‌های مختلف از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر، افراد کم‌درآمد و زنان هستند. بر همین اساس، اسناد مذکور به دنبال تبیین و مشخص کردن وضعیت زنان و اتخاذ رویکردهای مناسب زمین و مسکن برای آنها هستند.

مقاله حاضر سعی دارد تا با معرفی سیاست‌های هیئات در خصوص زمین و مسکن، به تبیین جایگاه زنان در این برنامه‌ها بپردازد. پس از آن با معرفی رویکردها، راهبردها و پیشنهاداتی را با توجه به ویژگی‌ها و شرایط ایران ارائه نماید. تدوین سیاست‌های مناسب مسکن در طرح‌های شهری، توجه به ابعاد مختلف حقوقی، قانونی، اقتصادی و به‌کارگیری مشارکت زنان از مهمترین این پیشنهادات است.

کلمات کلیدی: زمین و مسکن، زنان، استراتژی جهانی

مسکن، شبکه جهانی ابزار مرتبط با زمین

1 Global Housing Strategy

2 Global Land Tool Network



آن‌ها به مسکن و زمین به مناسبات متعددی بستگی دارد. در سکونتگاه‌های غیررسمی نیز زنان و مردان با مسائل مربوط با سکونت و امنیت مالکیت روبرو هستند. زندگی در این سکونتگاه‌ها به خودی خود سخت است و زنان مجرد کم‌درآمد و زنان سرپرست خانوار محدودیت‌ها و مشکلات بیشتری در دسترسی به مسکن دارند. تغییر سکونتگاه‌های غیررسمی و تبدیل آن‌ها به مکان‌هایی برای زندگی و کار بهتر، تنها با مشارکت ساکنان از جمله زنان و دختران در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری میسر می‌شود (UN-Habitat 2012)

تمامی موارد ذکر شده، از اشتغال، درآمد، زمین و مسکن تا عدم مشارکت، از عوامل مهم ایجاد تبعیض علیه زنان در جهان هستند. در بسیاری از موارد ابعاد مختلف بر یکدیگر همپوشانی داشته و قابل تفکیک نیستند. در مقاله حاضر سعی شده با تمرکز بر ابعاد مسکن و زمین که از مهمترین مسائل حوزه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری هستند، رویکردهای هیبتات در خصوص زنان با تاکید بر مباحث زمین و مسکن مورد بحث قرار گیرد.

۱- اهمیت نقش زنان در موضوعات زمین و مسکن

مسکن یکی از مسائل اصلی گروه‌های مختلف از جمله زنان است. چرا که به طور عمده زنان مسئول حفظ و نگهداری خانه و خانواده هستند. با این وجود، اجرای حقوق زنان در زمینه مالکیت، زمین و مسکن یکی از چالش‌های پیچیده جهانی است. اگرچه به صورت کلی برخی از حقوق زنان در زمینه مسکن به صورت قانونی تأمین شده، اما برای اجرای واقعی حقوق زنان در موضوع زمین، مسائل مهمی از جمله نگرش‌های اجتماعی و شیوه‌های فرهنگی اثرگذارند. از مهمترین مسائل محدودکننده زنان در ارتباط با دسترسی به زمین و مسکن مناسب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تبعیض یکی از مهم‌ترین موانع در زمینه مسکن است. زنان گاهی به خاطر جنسیت و عواملی همچون فقر، سن، ویژگی‌های اجتماعی و قومی مورد تبعیض قرار می‌گیرند.
- قواعد فرهنگی و سنتی در جهان موجب می‌شود که زنان اغلب نسبت به مردان در مالکیت زمین و مسکن با مسائل پیچیده تری روبرو باشند.
- زنان مجرد سرپرست خانوار به صورت ویژه‌ای آسیب‌پذیرند، چرا که دسترسی به زمین و مسکن برای آنها اغلب به واسطه همسران و پدران بوده است. در این شرایط ممکن است به واسطه بیوه شدن و یا جدا شدن دسترسی خود به

زمین را از دست بدهند.

- زنان سرپرست خانوار غالباً فقیرترین افراد سکونتگاه‌های غیررسمی را تشکیل می‌دهند. (۲۶ درصد از مردم برزیل و ۲۰ درصد از مردم بوسنی و هرزگوین زنان سرپرست خانوارند و در مسکن نامناسب زندگی می‌کنند.) (UN-Habitat 2007)

- زنان دستمزد کمتری از مردان دارند. برخی از آنها در اقتصاد غیررسمی با درآمد کم یا حتی بدون درآمد کار می‌کنند. فقدان قدرت اقتصادی برای زنان شرایط سخت‌تری را به دنبال دارد و مانع دسترسی آنها به حق مسکن مناسب است. زنان سرپرست خانوار قادرند تا به شکل محسوسی از فرصت‌های درآمدزایی وابسته به تکه‌زمین کوچکی منتفع شوند. این زنان آسیب‌پذیرند و تأمین امنیت در حقوق زمین، برای زنان کشاورز و شاغل، بهره‌وری بهتر از زمین را برای آنها به دنبال دارد (UN-Habitat 2009).

تأمین حقوق زمین برای زنان، باری اقتصادی دارد و به صورت ضمنی راهی به‌سوی مبارزه با فقر است. همبستگی شدیدی میان بهبود وضعیت حق زنان بر زمین و کاهش فقر شهری وجود دارد. افزایش درآمد مالی زنان به تخصیص درآمد بیشتر به غذا، افزایش بهداشت کودکان، بهبود آموزش و در یک کلام بهبود رفاه و کیفیت زندگی خانواده خواهد انجامید (UN-Habitat 2009).

۲- اهمیت موضوع زنان در خصوص زمین و مسکن

هیبتات با اتخاذ رویکرد توسعه پایدارو در راستای حمایت از مسکن قابل استطاعت، به طور عمده بر بهبود « وضعیت سکونتگاه‌های غیررسمی»، ترویج «مشارکت مردمی» و حمایت از «نرژئی‌های تجدیدپذیر» در زمینه مسکن تاکید دارد. برنامه اسکان بشر ملل متحد در سندی تحت عنوان «راهنمای مسایل مرتبط با موضوع جنسیت، در زمینه مسکن و بهبود سکونتگاه‌های غیر رسمی» اهداف عملیاتی این رویکرد را چنین بیان می‌کند:

- افزایش شناخت در زمینه موضوعات مبتنی بر زنان و نیازسنجی آن در زمینه مسکن و ارتقا سکونتگاه‌های غیررسمی
 - ایجاد ظرفیت برای شناخت مسائل مرتبط با زنان
 - ایجاد چشم‌اندازها و اهداف مرتبط با زنان در برنامه‌ها، سیاست‌ها و پروژه‌های مرتبط (UN-Habitat 2013)
- برنامه‌های ویژه‌ای در هیبتات با موضوع زنان و دسترسی به مسکن مناسب تعریف شده است. چرا که در بسیاری از کشورها



بافت اطرافشان و نه به شکل به صورت جدا افتاده دیده شوند. این رویکرد، سبب می‌شود تا برنامه‌های ارتقا سکونتگاه‌های غیررسمی به سوی پیوند ساکنان با شهر حرکت کنند. «ارتقا سکونتگاه‌های غیررسمی در مقیاس شهر»^۱، رویکردی است که می‌تواند این دغدغه را پوشش داده و نگاهی جامع فراهم آورد.

راهنمای فوق در زمینه توسعه جوامع محلی رویکردی را تعریف کرده که رویکرد آن «بکارگیری رویکردی مردمی»^۲ در توسعه جوامع محلی است. این رویکرد به همستگی درونی جوامع و همبستگی در میان جوامع مختلف اشاره دارد و آن را پایه ایجاد جوامع محلی پایدار و دولت‌های محلی می‌داند. مراحل روند مردمی توسعه جوامع محلی به شرح زیر است:

- تحرک محلی و سازمانی
- برنامه اقدامات جامعه محلی
- ایجاد سیستم بانک جامعه محلی
- قراردادهای و توافقات جمعی
- نظارت محلی (UN-Habitat, ۲۰۱۳).

همانگونه که مشاهده می‌شود مقولات زمین و مسکن دارای جایگاه ویژه‌ای در نظام برنامه‌ریزی بوده و نقش زنان در آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. در ادامه سعی می‌شود تا رویکردهای مرتبط با زنان در این برنامه‌ها معرفی و بررسی شوند.

۲-۱- استراتژی جهانی مسکن ۲۰۲۵ (GHS)

۲-۱-۱- معرفی و کلیات

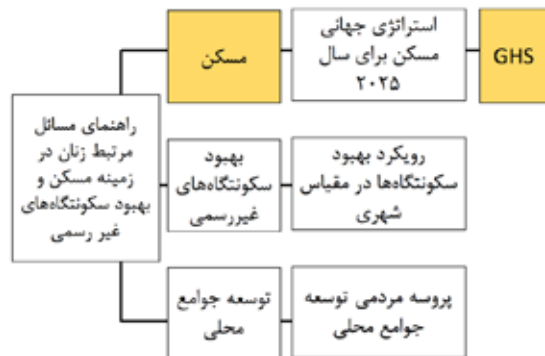
استراتژی جهانی مسکن برای سال ۲۰۲۵، حرکتی جمعی به سوی تهیه مسکن مناسب برای همگان و بهبود شرایط سکونت و زیست ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی است. این استراتژی دولت‌ها را در سازماندهی و به روز کردن استراتژی‌های ملی مسکن و مسائل وابسته به مسکن در سیاست‌های ملی توسعه شهری حمایت می‌کند و در حرکت به سوی حق مسکن مناسب گام برمی‌دارد. روش‌های پیشین در زمینه مسکن در برابر پیچیدگی واقعیت‌ها و نیازهای گروه‌های حاشیه‌ای همچون فقرای شهری، زنان سرپرست خانوار، مردم بومی، جوانان و سالمندان پاسخگو نبوده‌اند. در زمینه مسکن نیاز به تحلیلی چندجانبه در زمینه تبعیضات و پیچیدگی‌های موجود وجود دارد که به نظر می‌رسد این استراتژی ابزاری برای این درک چندجانبه به‌وجود می‌آورد.

- 1 Citywide slum upgrading
- 2 People process

هنوز مناسبات درست آن وجود ندارد. هیبتات در زمینه مسکن و بهبود سکونتگاه‌های غیر رسمی، برنامه‌های مبتنی بر زنان را در سه حوزه: «مسکن، بهبود سکونتگاه‌های غیررسمی و توسعه جوامع محلی» دنبال می‌کند (UN-Habitat 2013). نمودار شماره ۱ به صورت تصویری دیدگاه هیبتات در زمینه مسکن و بهبود سکونتگاه‌های غیر رسمی را نشان می‌دهد.

نمودار ۱: طبقه‌بندی موضوعات مرتبط با مسکن در

راهنماهای هیبتات



منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

در زمینه مسکن، راهنماهای موجود در هیبتات، تمرکز عمده خود را بر «استراتژی جهانی مسکن ۲۰۲۵» معطوف کرده‌اند. هیبتات در نظر دارد تا با کمک این استراتژی بتواند دولت‌ها را در زمینه تصمیمات مربوط به مسکن یاری کند. تصمیمات ملی در زمینه مسکن، موارد زیر را در بر می‌گیرند:

- اهمیت تدوین چارچوب‌های قانونی و ضوابط
- نیاز به برنامه‌ریزی شهری در سطوح محلی و حمایت از آن
- ایجاد سیستم‌های مشوق مالی
- سرمایه‌گذاری در ساختارهای اصلی
- نیاز به اطمینان از دسترسی به زمین، منابع مالی، ساختارها و خدمات در سطوح محلی (UN-Habitat 2013).

در خصوص سکونتگاه‌های غیررسمی و برای بهبود وضعیت آنها، رویکردهای مختلفی وجود دارد. اگرچه هر تغییرمبثتی در وضعیت این سکونتگاه‌ها پیشرفت و بهبود به حساب می‌آید، اما روشی موفق است که بتواند یک نگاه کلی‌نگر به ابعاد فیزیکی، قانونی، اجتماعی، سازمانی و محیطی داشته باشد و بتواند بین ساکنین، نهادهای دولتی، قدرت‌های محلی، سرمایه‌گذاران و گروه‌های محلی هماهنگی برقرار کند. نکته مهم دیگر در سکونتگاه‌های غیررسمی این است که لازم است تا در پیوند با



۲-۱-۳- استراتژی جهانی مسکن و پاسخ‌گویی به مسائل مرتبط با زنان

جنسیت، از جمله موضوعات مهمی است که در بر موضوعات مختلفی از جمله اقتصاد، مالکیت، سکونتگاه‌های غیررسمی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری اثرگذار است. استراتژی جهانی مسکن شامل هفت دسته موضوع اصلی است که در ادامه آمده‌اند.

- اقتصاد شهری و مسکن
- انواع مالکیت مسکن
- گروه‌های جنسی، بومی و جوانان
- بهبود سکونتگاه‌های غیررسمی
- مسکن پایدار
- مسکن قابل استطاعت (مالی)
- برنامه‌ریزی و مسکن (UN-Habitat, 2012).

در برنامه استراتژی جهانی مسکن، رویکرد هیبتات دو دیدگاه به مقوله زنان نگریسته است. اول اینکه زنان در این برنامه جزو گروه‌های اصلی جامعه هستند و علاوه بر این مسئله زنان، مسئله‌ای مشترک در حوزه‌های مختلف است. نمودار شماره ۳ نشان دهنده طبقه‌بندی اصلی و جایگاه مقوله زنان در مسائل مشترک است.

نمودار ۳: دسته‌بندی موضوعی و مسایل مشترک زنان در



(UN-Habitat 2012)

در توضیح نمودار شماره ۴ می‌توان گفت که روش استراتژی جهانی مسکن برای پاسخ به مسئله در سه سطح مدیریت دانش، مدیریت اطلاعات و تبادل اطلاعات عمل می‌کند. در سطح اول یا همان سطح مدیریت دانش به کمک پژوهش کاربردی مسئله

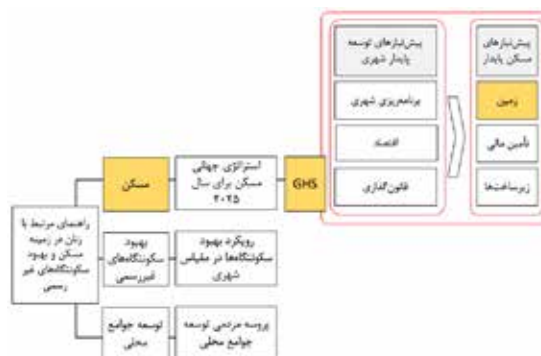
استراتژی جهانی مسکن به دنبال تغییر هدف از تولید مسکن، به خانه‌دار شدن مردم بوده است. این تغییر نشان‌دهنده آن است که استراتژی ۲۰۲۵، تمرکز خود را به جای «ساختن» بر «خانه‌دار کردن» معطوف کرده است. وجود میلیون‌ها واحد ساخته شده اما خالی از سکنه در بسیاری از شهرهای جهان، موجب این تغییر رویکرد بوده است. در واقع این استراتژی به جای مجموعه‌ای «خروجی محور»، به سوی مجموعه راهبردهای «نتیجه محور» جهت‌گیری نموده است. همکاران این برنامه دولت‌های ملی و محلی، دانشگاه‌ها، جوامع مدنی، بخش خصوصی و شرکای هیبتات را شامل می‌شوند.

هدف استراتژی جهانی مسکن توسعه‌ی راهبردهای ملی مسکن در میان همکاران بوده است. این برنامه روندی مشارکتی است که از مجموعه فعالیت‌هایی با سیاست‌های راهنما، برنامه‌ریزی مسکن، ارتقا سکونتگاه‌های غیررسمی و مداخلات پیشگیرانه تشکیل شده است. تمامی موارد ذکر شده در فرایند برنامه‌ریزی و روند مدیریت شهری جامع و مشارکتی، در چارچوبی قانونی و رسمی یکپارچه می‌شوند (UN-Habitat, 2014).

۲-۱-۲- جایگاه زمین در استراتژی جهانی مسکن

مسئله زمین، در استراتژی جهانی مسکن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در واقع، مسکن و زمین از یکدیگر جدایی ناپذیرند. مسئله زمین، به دلیل پیچیدگی‌ها و درگیر شدن با مباحث حقوقی و قانونی، مالکیت، قوانین و زیرساخت‌های فرهنگی و همچنین مباحث اقتصادی، یکی از موضوعات مهم زیرمجموعه مسکن محسوب می‌شود. چارچوب واگذاری مسکن و ارتقا سکونتگاه‌های غیررسمی که اساس شکل‌گیری این استراتژی بوده، برای مسکن سه پیش‌نیاز اساسی در نظر گرفته است. این پیش‌نیازها بر اساس اطلاعات استراتژی جهانی مسکن، در زمینه برنامه‌ریزی شهری عبارت است از «زمین»، در زمینه اقتصاد شهری عبارت است از «تأمین مالی» و در زمینه قانون‌گذاری «زیرساخت‌ها» هستند. در مجموع رویکرد هیبتات به این موضوع به شکل نمودار شماره ۲ قابل ارائه است.

نمودار ۲: ارتباط میان زمین و مسکن در رویکرد هیبتات



نگارندگان، ۱۳۹۷



موانع همچنان باقی مانده و اثربخشی قوانین و سیاست‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند. شبکه جهانی ابزار مرتبط با زمین یک شبکه بین‌المللی بوده و هدف آن اتخاذ رویکردی جامع در خصوص مسائل مرتبط با زمین است. هدف این شبکه حمایت از زنان و مردان در مقیاس‌های مختلف ملی و محلی است تا از ابزارهایی استفاده کنند که طرفدار گروه‌های کم درآمد و زنان بوده و در مقیاس‌های متفاوت قابلیت کاربرد داشته باشد. این شبکه به میزبانی هیئتات و با همکاری شرکای دولتی، نهادهای بین‌دولتی، جامعه مدنی و گروه‌های حرفه‌ای کار می‌کند.

شبکه جهانی ابزار مرتبط با زمین به دنبال ایجاد زنجیره‌ای از حقوق زمین، بجای تمرکز بر زمین شخصی، بهبود توسعه مدیریت زمین برای گروه‌های کم‌درآمد، ایجاد ابزار مالکیت زمین، به‌کارگیری خلاقیت‌ها، همکاری در تقویت شبکه زمین موجود، بهبود هماهنگی جهانی در خصوص زمین، همکاری در توسعه ابزار زمین و نشر دانش در زمینه امنیت مالکیت است. پاسخگویی به مسائل مرتبط با زنان یکی از ارزش‌های اصلی این برنامه است. اجرای حقوق مرتبط با زنان در امور مسکن، مالکیت و زمین نیازمند تدوین ابزارهای مناسب است. شبکه ابزارهای مرتبط با زمین یکی از ابزارهای موجود بوده و علیرغم تلاش‌هایی که در این راستا انجام شده، هم‌چنان نیاز به ایجاد ابزارها و روش‌های مناسب وجود دارد. علاوه بر این بسیاری از تجارب موجود مستند نشده و یا قابلیت اجرای آنها وجود ندارد.

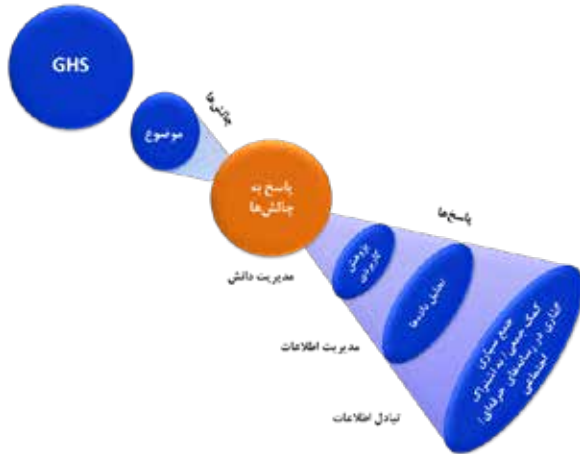
این برنامه از دیدگاه‌های متداول و ارائه طرح‌های کوچک در زمینه زنان فراتر رفته و رو به سوی توانمندسازی زنان دارد و این هدف را از طریق اجرای حقوق زمین و تنظیم مجدد روابط زمین و اقدامات مدیریتی به پیش می‌برد. در این زمینه این برنامه با چند سوال کلیدی مواجه است: نخست اینکه، چطور می‌توان به طور موثر امنیت و حقوق مرتبط با مالکیت زمین و مسکن را برای زنان و مردان در مقیاس‌های متفاوت تأمین نمود؟ پرسش بعدی آن است که ویژگی‌های مدیریت زمین و ابزارهای مدیریت آن چیست؟ چگونه می‌توان قضاوت کرد که آیا ابزار زمین به میزان کافی به نیازهای زنان و مردان حساس است؟ (Habitat-UN, 2009: 8p) اهداف سه‌گانه این برنامه در خصوص زنان عبارتند از:

- توجه به مقوله زنان در ابزارهای زمین موجود و یا
- ابزارهای در حال تدوین
- ارزیابی ابزارهای موجود

محور به سمت پاسخ‌دهی حرکت می‌کند. در سطح دوم یا سطح مدیریت اطلاعات، به تحلیل داده‌ها می‌پردازد و در سطح سوم یا تبادل اطلاعات، با روش جمع‌سپاری و به اشتراک‌گذاری به چالش‌ها پاسخ می‌دهد.

نمودار ۴: رویکرد پاسخ‌دهی به چالش‌های مرتبط با موضوع

زنان در استراتژی جهانی مسکن



(UN-Habitat 2012)

در واقع رویکرد هیئتات تدوین سند سیاست محور مشترک و تسهیلگری در زمینه آن است. به طور دقیق می‌توان گفت این رویکرد شامل موارد زیر است:

- تبادل دانش (بین بازیگران کلیدی و انتقال تجارب با روش‌های مبتکرانه و رسانه‌های جمعی)
- مطالعات کاربردی بر پایه شواهد (برای دستیابی به چالش‌های روز و بازبینی روش‌های قبلی در تحویل مسکن شامل برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، مالی و ...)
- اثربخشی در مقیاس‌های متفاوت
- کارایی به واسطه مشارکت (تدوین اهداف مشترک، برنامه‌ریزی و اجرای مشترک بین قدرت‌های محلی و ملی، دانشگاه‌ها، متخصصان، سرمایه‌گذاران، جامعه مدنی، بخش خصوصی و ...)
- توسعه ظرفیت‌های محلی و ملی (UN-Habitat 2012).

۲-۲- شبکه ابزارهای مرتبط با زمین با توجه به زنان (GLTN)

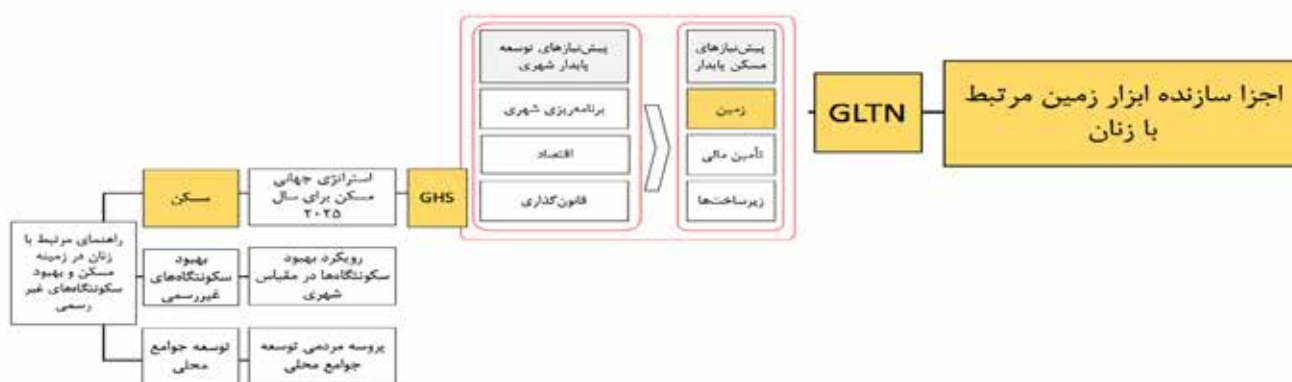
یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای مسکن پایدار، مسئله زمین است. زنان اغلب با تبعیضاتی در سیستم‌های معمول مالکیت زمین در جهان مواجه‌اند. تحقیقات گویای نشان دهنده آن است که با وجود تقویت حقوق زنان در زمینه قوانین و سیاست‌ها، این



- ۲- بهبود و توسعه ابزارهای مالکیت و مدیریت زمین
- ۳- افزایش دانش عمومی برای چگونگی برقرار شدن امنیت مالکیت
- ۴- برطرف کردن موانع پیش‌روی راهکارهای مبتکرانه
- ۵- کمک به تقویت شبکه‌های زمین موجود
- ۶- بهبود همکاری‌های جهانی زمین
- ۷- کمک به توسعه ابزارهای پاسخگو (UN-Habitat 2009).

- ایجاد ابزارهای جدیدی که پاسخگوی خلاهای شناسایی شده هستند (UN-Habitat 2009).
- اهداف عملیاتی شبکه جهانی ابزارهای مرتبط با زمین مجموعه‌ای از اهداف است که بر همبستگی میان موضوعات مرتبط با زمین تأکید دارند و عبارتند از:
- ۱- کمک به همکاران برای ایجاد پیوستگی حقوق زمین به جای تمرکز بر موضوع مالکیت زمین

نمودار ۵: ارتباط شبکه جهانی ابزار مرتبط با زمین هیبتات با مقوله زنان



نگارندگان، ۱۳۹۷





جدول زیر اهداف و اقدامات در حوزه زمین و با توجه به مقوله زنان را نشان می‌دهد. این اقدامات بر اساس هشت هدف راهبردی شکل گرفته‌اند. عمده این اقدامات به افزایش جریان مشارکت، ایجاد ظرفیت در نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مرتبط با زنان، شناسایی قوانین و بهبود آنها، مستندسازی، ارزیابی، ترویج و شناسایی مدل‌های مناسب اختصاص پیدا کرده است. این اقدامات با قرارگیری در بستر جغرافیایی مشخص و با توجه به مسائل خاص مرتبط با زنان، زمین و مسکن، قابلیت این را دارند که تغییر یابند و خود را با زمینه تطابق دهند.

جدول ۱: اهداف و اقدامات در حوزه زمین با توجه به زنان

ردیف	هدف	اقدامات
۱	ایجاد محیطی پاسخگو در زمینه زنان	جریان سازی در خصوص مسائل مرتبط ایجاد مدل‌های فراگیر مشارکتی ایجاد راهنماهای مرتبط با مسائل زنان و زمین افزایش مشارکت و ظرفیت‌سازی در میان زنان
۲	بررسی مسائل زمین مرتبط با زنان	شناسایی مسائل زنان جمع‌آوری اطلاعات بررسی تاثیر سیاست‌ها شناسایی قوانین و مقررات
۳	تدوین اهداف از طریق ارزیابی ابزارهای موجود	شناسایی روش‌های تحلیل ابزارهای مرتبط با زمین شناسایی مدل‌های تحلیل ابزارهای زمین در خصوص زنان تدوین متودولوژی برای ارزیابی ابزارهای مرتبط با زمین
۴	تدوین چارچوب اصول، ارزش‌ها و اولویت‌ها	شناسایی مسائل مرتبط با زنان و زمین بهبود مدیریت شهری از طریق ابزارهای موجود
۵	ایجاد فهرستی از راهنماهای مرتبط با زنان	مستندسازی راهنماها به اشتراک گذاری فهرست‌ها ایجاد راهنماهای نظارت
۶	انتخاب نمونه پایلوت و تعمیم‌دهی	انتخاب اولویت‌ها در زمینه راهنماهای زمین تعمیم دهی راهنماها
۷	ارزیابی راهنماهای مرتبط با زنان	تدوین ضوابط ارزیابی انتخاب روش‌های ارزیابی انجام ارزیابی
۸	بهبود مدیریت زمین	ارزیابی راهنماهایی برای سیاست‌گذاران ایجاد فرصت برای مشارکت ذینفعان برگزاری دوره‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی ترویج

(UN-Habitat 2012)

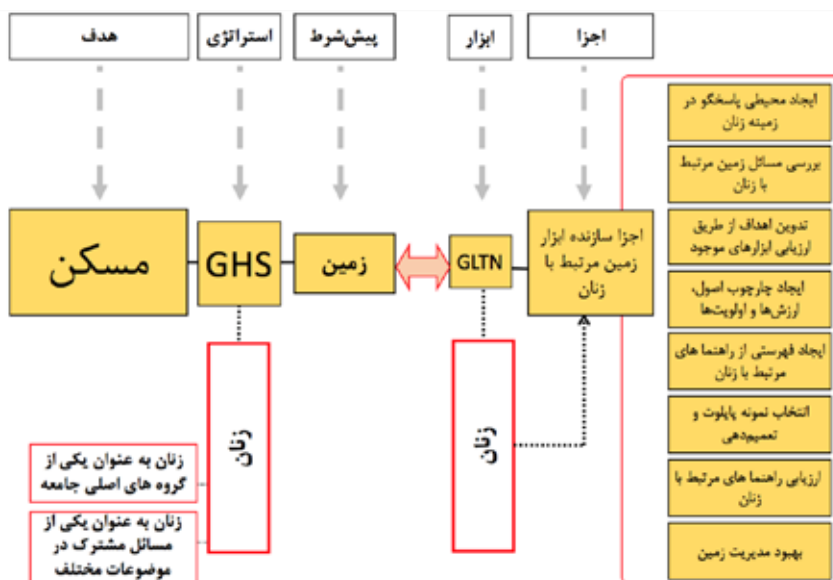
ابزارهای تدوین شده باید نوآورانه، قابل استفاده از مقیاس‌های مختلف و کارآمد باشند. این رویکرد از پایین به بالا موجب ایجاد پایگاه دانش شده و فرصتی برای آموزش به‌وجودمی‌آورد. این ابزارها باید در درون خود جامعه محلی تدوین شده و از پتانسیل تجارب بین‌المللی و ایده‌های متخصصین و سیاست‌گذاران استفاده نمایند. نقش متخصصین در تدوین ابزارهای زمین را نمی‌توان نادیده گرفت. تصمیم‌سازان از جمله متخصصین و همکاران توسعه شهری غالباً زمان و منابع بسیاری برای شناسایی، ارزیابی و ترویج ابزارهای مرتبط با زنان صرف می‌نمایند که در برخی موارد به دلیل کمبود هماهنگی میان همکاران اصلی به موفقیت مورد انتظار نمی‌رسد. شبکه ابزارهای مرتبط با زمین می‌تواند موجب ایجاد هماهنگی و توانمندسازی همکاران شده و امنیت مالکیت زنان را ارتقا دهد. امکان طی کردن این مراحل دشوار به تنهایی وجود ندارد. این امر نیازمند تدوین نقشه راه، کار جمعی و راهنمایی از سوی همکاران است. این سازوکار تلاش می‌کند تا رویکردها و راهبردهای ایجاد ابزارهای مرتبط با زنان را از مرحله تهیه و تحلیل تا مرحله انتخاب نمونه موردی و ارزیابی ارائه نماید.



۳- جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات

نمودار شماره ۶ دیدگاه هییتات به موضوع زمین و مسکن را در حوزه زنان از سطح هدف تا ابزار و اجزای آن شرح می‌دهد. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، هییتات از حق دستیابی به «مسکن مناسب» برای همگان، به عنوان یک هدف یادکرده است. در حوزه زنان، در برنامه استراتژی جهانی مسکن، رویکرد هییتات دو دیدگاه به مقوله زنان نگرینسته است. زنان در این برنامه جزو گروه‌های اصلی جامعه هستند و علاوه بر این مقوله زنان، موضوعی مشترک در حوزه‌های مختلف است. در این برنامه زمین، به عنوان یکی از پیش‌شرط‌های مسکن در نظر گرفته شده است.

نمودار ۶: رویکرد و اقدامات هییتات در زمینه موضوع زنان، مسکن و زمین



نگارندگان، ۱۳۹۷

از طریق ایجاد رویکردی یکپارچه و بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی می‌توان به جریان سازی در مورد مسائل مرتبط به زنان کمک کرد. لازم است تا تمامی سیاست‌ها و ابزارها با شرایط محلی انطباق یافته تا بتواند در خصوص توانمندسازی زنان موثر واقع شود. مهمترین این راهبردها و اقدامات در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲: جمع‌بندی راهبردها و اقدامات مرتبط با زنان در حوزه زمین و مسکن

ردیف	راهبرد	اقدامات
۱	تجزیه و تحلیل مسائل مرتبط با زنان در پروژه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، کمپین‌ها و سایر فعالیت‌های مرتبط	<ul style="list-style-type: none"> شناسایی موضوع طراحی اقدامات اجرایی سازوکارهای اجرایی نظارت و ارزیابی تدوین خروجی‌ها



ردیف	راهبرد	اقدامات
۲	افزایش داده‌ها و اطلاعات در خصوص مسائل مرتبط	<ul style="list-style-type: none">• استفاده از داده‌ها در بخش مسکن و سکونتگاه‌های غیررسمی• شناسایی داده‌ها و موضوعاتی که مورد غفلت قرار گرفته‌اند• شناسایی دقیق چالش‌های زنان و دختران• افزایش قدرت نهادهای محلی در زمینه توانمندسازی زنان و افزایش آگاهی آنها
۳	جریان‌سازی در خصوص مسائل با زنان در سیاست‌گذاری‌های ملی و محلی	<ul style="list-style-type: none">• شناسایی نابرابری‌ها در زمینه دسترسی به مسکن و مالکیت• تضمین حقوق مسکن برای زنان کم درآمد و ساکن در سکونتگاه‌های غیررسمی از طریق ایجاد ابزارهای مدیریتی• تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های پاسخگو به نیازهای زنان• تسهیل ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای زنان شاغل در بخش غیررسمی <p>و با استفاده از:</p> <ul style="list-style-type: none">- هماهنگی با سیاست‌های ملی و محلی- کمک‌های فنی- افزایش توان نهادهای محلی- ایجاد دوره‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی- افزایش ساز و کارهای مشارکتی در سیاست‌گذاری و نظارت- افزایش مشارکت میان نهادهای محلی و جامعه مدنی- افزایش آگاهی از طریق رسانه‌های جمعی
۴	تشویق مشارکت زنان و توانمندسازی آنها	<ul style="list-style-type: none">• تقویت سیاست‌های بین‌المللی و ملی برای ایجاد چارچوب‌های مناسب• بهره‌گیری از مشارکت زنان به حاشیه رانده شده• اصلاح ساختارها و سیاست‌های موجود• افزایش دانش و مطالعات در زمینه مسکن و سکونتگاه‌های غیررسمی برای دریافت حمایت‌های مالی و فنی• حمایت از گفتگوی میان زنان و مقامات ملی و محلی• فراهم نمودن تسهیلات و منابع مالی برای زنان کم درآمد و خانواده‌های آنها• به اشتراک گذاشتن برترین تجارب در سطح محلی، ملی و بین‌المللی



ردیف	راهبرد	اقدامات
۵	تشویق مردان برای افزایش نقش زنان	<ul style="list-style-type: none"> افزایش حمایت های اجتماعی از سوی همسران آموزش و افزایش آگاهی مردان
۶	ایجاد سازوکارهای نظارتی	<ul style="list-style-type: none"> تدوین ابزارهای نظارتی ظرفیت سازی زنان محلی و جوانان حمیت از جوامع محلی برای استفاده کارآمد از ظرفیت های موجود ایجاد فضای گفتگو میان نقش آفرینان مختلف افزایش آگاهی و اطلاعات میان ذینفعان مختلف از طریق انتشارات، دوره های آموزشی، سمینارها و تحقیقات
۷	ایجاد ابزارها، مدل ها و برترین تجارب در خصوص مسائل مرتبط با زنان	<p>ابزار شماره ۱: جریان سازی در چرخه برنامه و سیاست گذاری</p> <ul style="list-style-type: none"> درک کامل و صحیح تفاوت میان نیازها، اولویت ها و محدودیت های میان زنان و مردان درک تفاوت های سنی، درآمدی، قومی، جغرافیایی و ... مورد توجه قرار دادن مقوله زنان در برنامه ها و پروژه ها تخصیص بودجه برای بکارگیری متخصصین و آموزش <p>ابزار شماره ۲: ارزیابی به شیوه مشارکتی</p> <ul style="list-style-type: none"> ارزیابی کارایی تجارب و سیستم های موجود برای جریان سازی نظارت و ارزیابی پیشرفت تدوین محورهای اصلی درک و شناسایی چالش ها و خلاها پیشنهاد راهکارهایی برای پاسخگویی به خلاها و ارائه راهبردهای مناسب مستند سازی برترین عملکردها
۸	ایجاد زمینه های همکاری میان ذینفعان اصلی شهر مانند مسکن، شهر، وزارتخانه ها، شهرداری ها، مشاوران، نهادهای غیردولتی و زنان	<ul style="list-style-type: none"> مشارکت در برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزیابی برگزاری دوره های آموزشی برای افزایش آگاهی و ظرفیت سازی ایجاد همکاری میان نقش آفرینان اصلی و سیاست گذاری برای تامین خدمات و زیرساخت ها

نگارندگان، ۱۳۹۷

استراتژی جهانی مسکن ۲۰۲۵ بر قراردادن موضوع زنان، به عنوان رویکردی موضوعی و مشترک در اسناد مرتبط با زمین و مسکن تأکید دارد. پاسخ دهی به مسائل مربوط به زنان، نه به عنوان یک دغدغه موضوعی، بلکه به عنوان یک روش و رویکرد در مواجهه با دیگر مسائل، قابلیت مطرح شدن دارد. با توجه به موارد مطرح شده، پیشنهادات زیر در خصوص پیگیری سیاست های زمین و مسکن مرتبط با زنان در ایران قابل ارائه هستند.

تدوین سیاست های مسکن در جهت ایجاد حق مسکن مناسب، ایمن و امن برای زنان، یکی از پیشنهادات است. در این زمینه،



ارتقا حقوق قانونی مرتبط با مالکیت زمین و مسکن، یکی از اهداف پیشنهادی در این زمینه است. نیاز به توجه به تنوع اجتماعی، فرهنگی و از سوی دیگر تطابق با مسائل شرعی و احکام اسلامی پیش‌نیاز اصلی آن است.

در بعد اقتصادی، توجه به مقوله اشتغال زنان ضروری است. با توجه به اهمیت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، ایجاد طرح‌های خوداشتغالی زنان و مشارکت آن‌ها در صنایع پیشنهاد می‌شود. تضمین دسترسی به خدمات شهری و اشتغال برای زنان، از موارد دیگری است که در این زمینه راهگشاست. با توجه به حجم بالای زنان تحصیل‌کرده در کشور، این مبحث یکی از پتانسیل‌های ملی است که قابلیت پیشرفت و توسعه دارد.

در زمینه اقدامات تخصصی پیشنهاد می‌شود با تدوین راهنماهای مرتبط با مسائل زنان و بومی‌سازی آنها، موجب افزایش پاسخگویی به مسائل مرتبط با زنان شد. همین‌طور حمایت از ایده‌های جدید در زمینه برنامه‌ریزی مسکن برای پاسخگویی به نیازهای زنان، تدوین راهنما برای توسعه مجدد مناطق مسکونی، پروژه‌های بازسازی و نوسازی و توسعه مناطق جدید، مسیر مناسبی برای اقدامات بیشتر فراهم می‌کند. در بخش طراحی شهری، حمایت از توسعه کاربری‌های مختلط برای پاسخگویی به نیازهای روزانه زنان منجر به جلوگیری از معضلات محلی و ایجاد امنیت و نظارت بیشتر بر این محیط‌ها توسط زنان خواهد بود.

پیشنهادات فوق موجب برای تضمین دسترسی به مسکن‌افزایش پایداری جوامع خواهد شد. برای استفاده کاربردی از موارد ذکر شده ضروری است تا این موارد در بستر ملی، منطقه‌ای و محلی درک شده و به کار گرفته شوند. در واقع، تنها محلی شدن این پیشنهادات بر اساس ویژگی‌های کشور است که آن‌ها را قابل استفاده می‌کند.

تمرکز بر امنیت مالکیت و مسکن برای زنان آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده ضروری به نظر می‌رسد. ایجاد سیاست‌های یکپارچه در خصوص زمین و زنان، خصوصاً زنان سرپرست خانوار و سکونتگاه‌های غیررسمی به در نظر گرفته شدن حق آنها در خصوص داشتن مسکن مناسب کمک می‌کند.

مشارکت زنان، در مبحث زمین و مسکن، از دیگر موارد مهم در این زمینه است. توانمندسازی زنان مالک، مستأجر و دارای زمین در بافت فرسوده، و تشویق آن‌ها برای نوسازی یکی از پیشنهادات این بخش است. با توجه به همکاری زنان در بسیاری از امور روزمره، می‌توان با برنامه ریزی و استفاده از ظرفیت تسهیلگری مناسب در بافت‌های فرسوده، تجارب خوبی در این بخش ایجاد نمود. حمایت از زنان برای دسترسی به آموزش و مشارکت در تصمیم‌سازی در امر مسکن و زمین، پیشنهادی است که می‌تواند با برگزاری کارگاه‌های آموزشی یا برقراری تجارب گروهی انجام شود. اطمینان از روند مشارکتی تهیه و اجرای سیاست‌های مسکن به‌خصوص دربرگرفتن زنان آسیب‌پذیر در این طرح‌ها، موضوع مهمی در مبحث مشارکت زنان است.

پیشنهاد دیگر، توجه به مقوله زنان در زمان جمع‌آوری داده‌های مرتبط با مسکن، تحلیل و ساخت مسکن جدید توسط بخش خصوصی و سازمان‌های مرتبط است. لازم است که تحلیل‌های مرتبط با مسکن نسبت به شناسایی الگوی خانوارها و تغییرات آنها و نیز شناسایی مسائل گروه‌های مختلف زنان از جمله زنان سرپرست خانوار، زنان کم درآمد، سالخورده، جوان و یا کم توان، حساسیت بیشتری داشته باشد تا اهمیت این موضوع در مقوله مسکن پررنگ‌تر شود.

در زمینه ابعاد حقوقی و قانونی، بررسی قوانین مرتبط با حقوق زنان در خصوص مقولات زمین و مسکن، ضروری است. بهبود و





منابع و ماخذ:

- docs/6821_6041_GEAP_BrochureFinal.pdf(15 March 2018)
- UN-Habitat (2013) Gender issue guide, Housing and slum upgrading, United Nations Human Settlements Programme. Nairobi.
 - UN-Habitat (2014) Women and housing, Towards inclusive cities, United Nations Human Settlements Programme. Nairobi.
 - <http://habitat3.org/wp-content/uploads/NUA-English.pdf>(15 March 2018)
 - UN-Habitat (2013), Global Housing Strategy Framework Document, Nairobi. available at: http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/SHS/pdf/Workshop-Social-Inclusion_UN-Habitat.pdf (15 March 2018)
 - UN-Habitat (Undated), Information Sheet. Global Housing Strategy to the Year 2025. available at: (GHS2025) <http://www.urbangateway.org/system/files/documents/urbangateway/120816-Information%20Sheet%20-%20GHS%202025%20Global%20Housing%20Strategy%202025-Final.pdf>(15 March 2018)
 - UN-Habitat (2007), Policymakers Guide to Women's Land, Property and Housing Rights across the World, Nairobi, available at: http://www.globalprotectioncluster.org/_assets/files/tools_and_guidance/housing_land_property/By%20Themes/Womens%20HLP%20Rights/Policy_Makers_Guide_to_Women's_Land_2007_EN.pdf(15 March 2018)
 - UN-Habitat (2009), GLTN Gendering Land Tool Development, Nairobi, available at: <http://mirror.unhabitat.org/pmss/getElectronicVersion.aspx?nr=3272&alt=1>(15 March 2018)
 - UN-Habitat (2009) Achieving secure tenure for women and men, United Nations Human Settlements Programme. Nairobi, available at: <http://mirror.unhabitat.org/pmss/getElectronicVersion.aspx?nr=2837&alt=1>(15 March 2018)
 - UN-Habitat (2012) Gender Equality, for a better urban future, United Nations Human Settlements Programme. Nairobi, available at: <http://mirror.unhabitat.org/downloads/>





جنسیت و احساس امنیت اجتماعی در فضاهای شهری (مورد پژوهی شهر تبریز)

آرمان مسلمی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهیدبهشتی

چکیده

کم‌کم فاصله گرفته است و باعث ایجاد تناقضی شده است که نتیجه آن ناامنی زنان در فضاهای شهری است. زندگی زنان در شهرها همواره تحت تأثیر نبود امنیت شهری واقعی یا بالقوه است و این امر مانع دیگری برای زنان است که نتوانند شهروندان فعال همه‌جانبه باشند. فقدان یا پایین بودن امنیت اجتماعی زنان علاوه بر ایجاد عوارض جسمی و روحی و هزینه‌های درمانی و اجتماعی، پیامدهای جبران‌ناپذیری همچون بالا رفتن تنش، استرس و اضطراب و بیماری‌های روحی و روانی همچون افسردگی برای زنان را به دنبال دارد. زنان در گذشته اغلب اوقات خود را در منزل و جهت انجام فعالیت‌های خانگی صرف می‌نمودند، در حالی که امروزه بخش عمده‌ای از فرصت‌های آنها در محیط‌های اجتماعی و شغلی می‌گذرد و این وارد شدن به محیط‌های مختلف شغلی و اجتماعی با به جای گذاشتن اثرات قابل ملاحظه‌ای بر خانواده، تحولات اساسی در روابط، شکل و ترکیب آن ایجاد نموده است. به دلیل اینکه زنان همپای مردان به کار و فعالیت پرداخته و در زمان‌های بسیار، بیشترین وقت خویش را در خارج از خانه می‌گذرانند، در نتیجه امکان مواجهه با آسیب‌های اجتماعی برای آنان افزایش یافته است از این رو چنین به نظر می‌رسد که لازم است جدی‌تر مورد بحث قرار گیرد.

نقش و عملکرد زنان در توسعه، بیشتر به اهداف توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جوامع بستگی دارد ولی می‌تواند به عنوان عاملی بنیادی در تحولات جوامع انسانی، تبدیل شود (مامسن، ۱۳۸۷: ۲۱). بنابراین برای ایجاد احساس آرامش روانی و سرزندگی در شهروندان طراحی فضاهای شهری برای آن‌ها به دور از هرگونه مشکلات امنیتی و جنسیتی ضروری به نظر می‌رسد؛ فضاهایی که شهروندان در آنجا احساس آرامش و امنیت کنند. نبود احساس امنیت جنسیت در فضاهای شهری، مشارکت کامل ایشان را در اجتماع محدود می‌کند و علاوه بر آسیب‌های روانی بر فرد، خانواده و جامعه را نیز متأثر خواهد کرد. هدف از انجام این پژوهش، سنجش وضعیت احساس امنیت اجتماعی به تفکیک جنسیت در شهر تبریز است که در ادامه پس از بررسی پیشینه تحقیق و ادبیات پژوهش، به منظور آزمون فرضیه‌ها، داده‌های گردآوری شده، تحلیل خواهد شد.

امنیت از شاخص‌های اساسی زندگی انسان‌ها و احساس امنیت اجتماعی از مؤلفه‌های سرزندگی فضاهای عمومی محسوب می‌شود. آگاهی از وضعیت احساس امنیت ساکنان یک اجتماع نقش مؤثری در شناخت چالش‌ها و راهکارهای توسعه یک جامعه دارد. لذا هدف پژوهش حاضر سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی از منظر جنسیتی در فضاهای عمومی شهر تبریز است. روش تحقیق، از نوع اسنادی-پیمایشی است. داده‌ها با ابزار پرسشنامه و با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب از ۲۴۶ نفر از افراد ساکن شهر تبریز (۱۲۹ مرد و ۱۱۷ زن) گردآوری شده است. احساس امنیت اجتماعی در هشت شاخص امنیت احساسی، حقوقی، جنسی، قضایی، فکری، اخلاقی، شغلی و جانی سنجیده شده است. یافته‌های تحقیق گویای آن است که احساس امنیت جانی در زنان تبریزی بسیار کمتر از مردان بوده، در حالی که احساس امنیت اقتصادی در مردان پایین‌تر از زنان است. در سایر ابعاد احساس امنیت اجتماعی تفاوت معنی‌داری بین جنسیت وجود ندارد.

واژگان کلیدی: احساس امنیت، امنیت اجتماعی، جنسیت، فضای شهری، تبریز

مقدمه

یکی از انواع امنیت، امنیت اجتماعی است که از جایگاه و موقعیت برجسته‌ای برخوردار بوده و تولید و تامین آن و همچنین پایداری آن نیازمند مقدمات و زمینه‌های نسبتاً پیچیده‌ای بوده و آسیب‌پذیری و زوال آن نیز تحت تأثیر زمینه‌ها و متغیرهای متفاوتی است که شناخت و معرفت بر آنها نیز ضرورتی اساسی دارد (صالحی، ۱۳۸۷: ۲۵).

در برنامه‌ریزی شهری اوایل قرن بیستم شهرها بر اساس تفکیک کارکردها به شیوه‌ی سنتی مورد توجه بودند، یعنی زنان به حوزه‌ی خصوصی و مردان به حوزه‌ی عمومی تعلق داشتند (مولر، ۲۰۰۰: ۳۱). این تفکیک با وجود افزایش شهرنشینی، توسعه شهرها، تمرکز بالای جمعیت و فراوانی ماشین و ... همچنان باقی‌مانده است و شاخص‌های آرامش و امنیت فضای شهری



برای حفظ انسجام و اختصار پژوهش، تحقیقات پیشین به دودسته تقسیم خواهند شد ۱- پژوهش‌های صورت گرفته در ایران
۲- پژوهش‌های صورت گرفته در کشورهای انگلیسی‌زبان.

جدول (۱) پیشینه تحقیق

ردیف	محققین	پژوهش‌های انجام شده	نتیجه
۱	طلعت (۱۳۹۳)	عوامل مؤثر برافزایش احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر بجنورد	به این نتیجه دست‌یافت که خصوصیات محیطی، تصور فرد از خود، اعتماد اجتماعی، تجارب قبلی، آگاهی‌های اجتماعی، محل سکونت، احساس کنترل، نظم اجتماعی، پایداری اجتماعی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، ضمن داشتن رابطه معنادار به ترتیب بیشترین تأثیر را برافزایش احساس امنیت زنان دارند.
۲	محمدی و مرادی (۱۳۹۲)	بررسی احساس امنیت زنان در مناطق شهری نمونه موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان	بین شاخص‌های اجتماعی و کالبدی با میزان امنیت، رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد؛ یعنی هر چه این شاخص‌ها در حد بالاتری باشند، امنیت نیز افزایش پیدا می‌کند. مردم حضور پلیس و نیروی انتظامی را مهم‌ترین عامل در ایجاد حس امنیت می‌دانند.
۳	زین‌العابدین (۱۳۹۱)	مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت شهروندی در شهر رشت	میزان اثرگذاری مسائل اجتماعی - فرهنگی بر امنیت شهروندی در شهر رشت بیش از مسائل اقتصادی - سیاسی است.
۴	نیازی و فرشاد فر (۱۳۹۰)	بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان در شهر تهران	رابطه معناداری بین دو متغیر میزان اعتماد اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق جنوب شهر تهران در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد.
۵	Shunji Cui & Jiali (2011)	امنیت بخشی یا امنیت زدایی، سر حد امنیت در چین	به‌وسیله بررسی فرایند امنیت بخشی و امنیت زدایی در رویکرد چین نسبت به سر حدودمرز امنیت، دانشگاه کپنهاگ استدلال می‌کند که روی‌هم‌رفته استراتژی امنیت زدایی اثرات قابل‌اجرا و مؤثری دارد.
۶	Karakus (2010)	ترس از جرم در بین شهروندان ترکیه	تجربه ترس از قربانی شدن از سوی زنان تأثیر مهمی بر ترس آنان دارد و ساکنان شهرها نیز میزان بیشتری از ترس را نسبت به روستاییان گزارش کرده‌اند.
۷	Panzanis (2009)	نقش فقر بر میزان احساس امنیت	یافته‌ها نشان می‌دهد که مردمان فقیر بیشتر نگران قربانی شدن در برابر انواع جرم‌ها هستند و این امر نه تنها در مورد ناامنی‌های ناشی از جرم‌های گوناگون بلکه در مورد ناامنی‌های غیر جرمی مثل بیماری، ورشکستگی و ... صادق است. همچنین مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر احساس امنیت زنان سن است که زنان معمول در سنین بالاتر احساس ناامنی بالاتری دارند.
۸	Mwaz-vita & et al (2020)	شمول و توسعه جنسیت در فضاهای شهری عمومی آفریقای جنوبی	دولت آفریقای جنوبی به دلیل عدم توانایی مؤثر در پیشگیری اولیه از خشونت علیه زنان، مورد انتقاد قرار گرفته است. موارد مکرر از جمله روشنایی بد، ضعف بهداشتی و نبود فضای عمومی ایمن وجود دارد که تهدیدی جدی برای ایمنی زنان محسوب می‌کند و خطر خشونت جنسیتی را افزایش می‌دهد. استفاده از طراحی شهری و زیرساخت‌های شهری نقش سازنده‌ای در امنیت اجتماعی زنان دارد.



و عدم استفاده‌ی بعضی فضاها گاهی مربوط به ترس از حضور در آن فضاهاست (کارمونا، ۲۰۰۳: ۲۴۰).

زنان و احساس امنیت

جامعه‌شناسی تا نیمه دوم قرن بیستم در تحلیل مسائل و پدیده‌های اجتماعی کمتر به عامل جنسیت توجه کرد. ولی با رشد جنبش‌های فمینیستی، به‌ویژه در سال‌های ۱۹۷۰ به بعد و کمک به ایجاد تمایز بین تفاوت‌های طبیعی و نابرابری‌های جنسیتی مبانی نظری قابل‌توجهی در ارتباط با مسائل زنان پدید آمد (قادرزاده، ۱۳۹۰: ۲). رویکردهای نظری مرتبط با مسائل زنان (از جمله احساس ترس و ناامنی در فضاهای عمومی) را می‌توان ذیل رویکردهای فمینیستی و فضایی - محیطی دسته‌بندی کرد. دسته اول معتقدند که ترس و احساس ناامنی اغلب بر مناسبات جنسیتی قدرت و اسطوره‌هایی درباره امنیت زنان در جامعه و مکان‌های عمومی مبتنی است (Yavuz, 2010: 56). نظریه‌های فمینیستی به دنبال توصیف و ارزیابی انتقادی جهان از چشم‌انداز موقعیت‌ها و تجربه‌های زنان در جامعه است. در دیدگاه‌ها و جریان‌های فمینیستی، هویت و جنسیت زنان امری تاریخی و زمینه‌ای قلمداد می‌شود. داینا فاس بر این باور است که جنسیت و هویت زنان محصول ترتیبات اجتماعی و فرهنگی است (Lehtovuori, 2005). از منظر فمینیست‌های لیبرال، جنسیت و تصویری که زنان از خود دارند، به‌منزله مؤلفه‌ای از ساختار اجتماعی، نتیجه‌ی جامعه‌پذیری و همگون‌سازی "جنس و نقش" است. این اختلاف اساسی در جامعه‌پذیری برای نقش‌های جنسیتی از ابتدا حوزه‌ی فعالیت اجتماعی جنسیت را جدا و هر یک را برای حوزه خاصی تربیت می‌کند. همین مسئله از شکوفایی کامل ظرفیت‌های انسانی زنان جلوگیری و زمینه‌ساز جایگاه فرودست زنان در جامعه می‌شود (Jeffrey, 2010). جسی برنارد در چارچوب فمینیسم لیبرال و در ذیل مفهوم "نابرابری جنسیتی"، بر این باور است نه‌تنها جنسیت به طرز متفاوت، بلکه به‌طور نابرابر نیز در جامعه جای گرفته‌اند.

فمینیست‌های لیبرال بر حضور فراگیر ایدئولوژی جنسیت و تبعیض جنسی در زندگی روزمره تأکید می‌کنند که در نتیجه آن کل جهان به قلمروهای عمومی / خصوصی و جنسیت یافته تقسیم می‌شود (ریترز، ۱۳۹۲: ۳۴۲). در چارچوب این رویکرد می‌توان گفت که جداسازی زنان از اجتماع و همچنین فرودستی آنان بر احساس ناامنی آنان می‌افزاید.

در رویکردهای فضایی - محیطی به دنبال مفهوم‌سازی رابطه‌ی میان ساخت اجتماعی، هویت جنسی، مناسبات مبتنی بر

مبانی نظری

رابطه‌ی فضای شهری و احساس امنیت اجتماعی

با توجه به دیدگاه کسانی چون میتار، پست‌مدرن‌ها، روانشناسان اجتماعی، مکتب کارکردگرایی ساختاری (تئوری تعامل تمایز یافته) و نظر دورکیم (تئوری آنومی)، دیدگاه مربوط به محیط زندگی، نظریه‌ی پنجره‌های شکسته (نظریه نامدیت) و تئوری اختلال و بی‌نظمی اجتماعی که معتقد است فضای شهری از جمله عوامل تأثیرگذار بر احساسات افراد به‌ویژه احساس امنیت آنان است، افرادی که در فضای فیزیکی و اجتماعی سالمی به سر می‌برند، به لحاظ ایمن بودن محیط اطرافشان ضریب احساس امنیت بالایی را نسبت به کسانی دارند که فضای اطرافشان آکنده از اختلالات و بی‌نظمی‌هایی است که باعث به وجود آمدن احساس ناامنی در جسم و روانشان می‌گردد و ضریب احساس امنیت آنان را کاهش می‌دهد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳). علاوه بر نظریات بالا، فیکر هرگونه ناهنجاری در فضای شهری را مقدمه‌ی ناامنی به شمار آورده و انبوهی جمعیت جوان در شهرهای بزرگ را خطری برای امنیت پایدار شهری می‌داند. به نظر وی مسائل عامه‌ی کلان‌شهرها، مهاجرت فزاینده‌ی روستا - شهری و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، حاشیه‌نشینی و جمعیت فقیر شهری است که می‌تواند به ناپایداری امنیت منجر شود (رهنمایی و پور موسوی، ۱۳۸۵: ۱۸۱-۱۸۰). پیران علت ناپایداری امنیتی در کلان‌شهرها را معضل مسکن، آنومی اجتماعی و ظهور اجتماعات اسکان غیررسمی معرفی نموده است (پیران، ۱۳۸۱: ۱۴۵). بر اساس نظریه‌ی فشار اجتماعی که رفتارهای انحرافی را نتیجه‌ی فشارهایی می‌داند که بعضی از مردم را به کج‌روی و بروز ناامنی وادار می‌کند، تأثیر شرایط محیطی بر روی ابعاد امنیت اجتماعی؛ یعنی امنیت مالی، جانی و غیره یکسان و یک‌جهت نیست (بدار و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۲۲). همچنین در رابطه با شرایط محیطی و امنیت فضاهای شهری می‌توان به این نکته اشاره کرد که برخی از فضاها به‌گونه‌ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می‌آورد (ساروخانی، نویدنیا، ۱۳۸۵: ۸۰). عدم نور کافی در خیابان، خوابیدن ولگردان و معنادان در کنار خیابان و نبود پیاده‌رو در اتوبان‌ها از آن جمله‌اند. بر اساس نظریه اسکان نیومن (۱۹۷۳) فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آن‌ها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورند پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند (سویتزر، ۱۹۹۷: ۱۱). همچنین به گفته‌ی کارمونا درجایی که مردم احساس عدم آسایش می‌کنند و یا می‌ترسند، قلمرو فضای عمومی تنزل می‌کند



قدرت در فضا و ترس و احساس ناامنی هستند. از نظر تانکیس عمومی ترین نوع ترس زنان از جرم، ترس خاص آنان از تجاوز جنسی و حمله به قصد عمل جنسی و انواع دیگری از رفتارهای احتمالی ناخوشایند است (تانکیس، ۱۳۸۸: ۱۶۱). کاسکلا ترس زنان را بازتابی از ساختارهای قدرت جنسیتی جامعه می‌داند و ترس از جنایت را صرفاً ناشی از جرم نمی‌داند، بلکه آن را نشانه‌ای از مناسبات قدرت تلقی می‌کند (Moller, 2000). کارپ و یولز ماهیت جنسی شده فضای شهری را در نحوه عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک پذیری زنان می‌دانند و به لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری ارتباط دارد (Rendell, 2001). از نظر پین پیامدهای ترس زنان از جرائم خشونت‌ناک بر رفتار آن‌ها در فضا نه تنها ساختار روابط جنسیتی را منعکس می‌کند، بلکه آن‌ها را نیز تقویت می‌کند (Bunschoten, 2002).

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی است. جمعیت آماری تحقیق شامل زنان و مردان ۱۸ ساله و بیشتر شهر تبریز در زمان مطالعه است که برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از شهروندان تبریز انجام گردید تا واریانس صفت مورد مطالعه (احساس امنیت اجتماعی) مشخص گردد و سپس با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۲۴۶ نفر مشخص گردید. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده گردید. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه است. در این تحقیق از اعتبار محتوایی استفاده شده است. به همین منظور پرسشنامه‌ی تدوین شده به چند نفر از اساتید و متخصصان نشان داده شد و با استفاده از نظرات آن‌ها، پرسشنامه اصلاح گردید. برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده گردید. میزان آلفا برای احساس امنیت اجتماعی (۰/۸۷) به دست آمد. به منظور سنجش ابعاد احساس امنیت اجتماعی، با مروری در مطالعات انجام شده در این زمینه، ده بعد بررسی سنجش احساس امنیت اجتماعی در نظر گرفته شد.

جدول (۲) شاخص‌های تحقیق

منبع تأیید کننده	شاخص	ردیف
نوید نیا و ساروخانی (۱۳۸۵) دلاور و رضایی (۱۳۹۰)	احساس امنیت جانی	۱
	احساس امنیت شغلی	۲
	احساس امنیت مالی	۳
	احساس امنیت فکری	۴
	احساس امنیت اعتقادی	۵
باری بوزان (۱۹۴۰)	احساس امنیت اخلاقی	۶
	احساس امنیت فرهنگی	۷
	احساس امنیت احساسی	۸
چلبی (۱۳۹۰)	احساس امنیت جنسی	۹
	احساس امنیت قضایی	۱۰

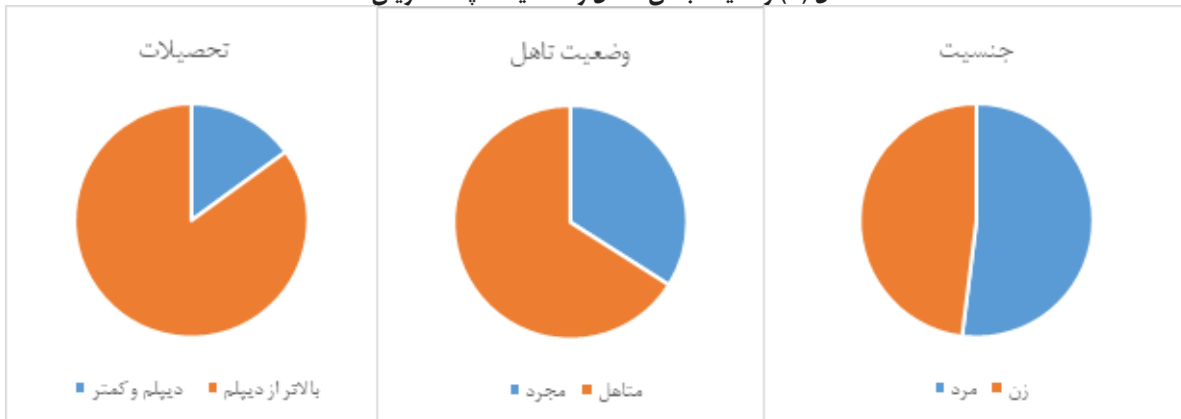
مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹



یافته‌های تحقیق

نتایج آماری بررسی ۲۴۶ پرسشنامه در جداول و اشکال زیر، ارائه شده است.

شکل (۱) وضعیت جنس، تأهل و تحصیلات پاسخگویان



مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹

جدول (۳) توصیف آماری متغیرهای منتخب (n=۲۴۶)

متغیرها	پایین (درصد)	متوسط (درصد)	بالا (درصد)
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۱۵/۴	۷۹/۷	۴/۹
منطقه شهر	۱۴/۶	۶۹/۵	۱۵/۹
میزان احساس امنیت	۱۴/۲	۸۴/۱	۱/۶

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹

پاسخگویان مورد مطالعه، به لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی، کیفیت منطقه سکونت و میزان احساس امنیت اجتماعی در ۳ گروه پایین، متوسط و بالا رده بندی شده اند که اکثریت پاسخگویان در این سه مقوله در رده میانی قرار گرفته اند. متغیر اصلی مطالعه حاضر میزان احساس امنیت اجتماعی و ابعاد دوازده گانه آن است که در جدول شماره (۴) اطلاعات توصیفی آن آورده شده است.

جدول (۴) آماره‌های توصیفی ابعاد احساس امنیت اجتماعی

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
احساس امنیت احساسی	۱۰/۲۲	۳/۷۳	-	۱۵
احساس امنیت حقوقی	۱۰/۴۶	۴/۳۳	-	۲۰
احساس امنیت جنسی	۱۲/۷۷	۴/۱۲	-	۲۰
احساس امنیت قضایی	۸/۵۳	۴/۴۳	-	۱۷
احساس امنیت فکری	۸/۷۵	۴/۹۹	-	۱۸
احساس امنیت اخلاقی	۹/۱۷	۴/۵۱	-	۲۰
احساس امنیت شغلی	۹/۱۱	۳/۹۷	-	۱۸
احساس امنیت جانی	۷/۷۸	۵/۳۳	-	۱۸

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹

چنانکه در جدول فوق مشاهده می شود، در میان ابعاد احساس امنیت اجتماعی، احساس امنیت جنسی با میانگین ۱۲/۷۷، بیشترین و بعد احساس امنیت جانی با میانگین ۷/۷۸ کمترین میزان را به خود اختصاص داده اند. همچنین به منظور بررسی رابطه میان ابعاد و با توجه به این که این متغیرها در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره (۵) گزارش شده است.



بر اساس اطلاعات جدول شماره (۶)، فقط میانگین میزان احساس امنیت جانی در زنان (۴/۹۲) به طور معنی داری ($P=0/000$) کمتر از مردان (۸/۴۵) بوده و در سایر ابعاد امنیت موجود در جدول، تفاوت معنی داری بین جنسیت وجود ندارد. در ادامه، سایر ابعاد احساس امنیت اجتماعی در جدول نشان داده شده است؛ چنانکه ملاحظه می شود در اینجا نیز تنها بعد اقتصادی احساس امنیت در بین جنسیت متفاوت است. زنان (۸/۸۴) به طور معنی داری ($P=0/002$) بیشتر از مردان (۷/۴۸) احساس امنیت شغلی دارند. در مورد بالاتر بودن احساس ناامنی شغلی در مردان نسبت به زنان می توان بیان داشت که این مهم با توجه به تجربه بیشتر مردان در فعالیت های اقتصادی و احتیاط بالاتر آن ها در امر سپرده گذاری و سرمایه گذاری در مؤسسات مالی مختلف و همچنین اعتماد پایین تر آن ها به خرید از فروشندگان خیابانی قابل توجه است. همچنین از یک سو با توجه به آنکه زنان متکفل امور اقتصادی نبوده و نقش مستقیمی در این رابطه ایفا نمی کنند نسبت به مردان در زمینه امور اقتصادی خیلی فعال نبوده و اگر هم فعالیتی هم داشته باشند حجم سرمایه گذاری های آنان کوچک است؛ پس احساس امنیت و ریسک بالاتری را خواهند داشت و از سوی دیگر مردان از نظر اقتصادی و نقش نان آوری و تصمیم گیری های اقتصادی تکلیف بیشتر و مسئولیت بالاتری دارند، لذا در این مورد نیز حساسیت های بیشتری دارند.

در حالت کلی بین میانگین میزان احساس امنیت اجتماعی جنسیت در ساکنان شهر تبریز تفاوت معناداری مشابه نگردید و جنسیت مورد مطالعه، تنها در بعد احساس امنیت جانی و اقتصادی از هم متفاوت بوده اند. بنابراین با استناد به یافته های به دست آمده و مطابق با رویکرد فمینیستی و آسیب پذیری به امنیت و احساس امنیت، میزان احساس امنیت جانی زنان کمتر از مردان و برخلاف چارچوب نظریات مورد استفاده، میزان احساس امنیت شغلی زنان بیشتر از مردان بوده است.

از جمله دلایل پایین تر بودن میزان احساس امنیت جانی در زنان شهر تبریز نسبت به مردان را می توان به فرهنگ غالب در ایران اشاره نمود که در آن هنوز قدم زدن به تنهایی در روز و یا شب برای زنان همانند مردان عادی تلقی نشده است؛ همچنین زنان به نسبت مردان از روحیه حساس تری برخوردارند و این باعث می شود به لحاظ جانی، خطر و ناامنی را بیشتر احساس نماید. شهر تبریز از قدیم به عنوان یکی از شهرهای دیرینه ایران شناخته می شد ولی در سالیان اخیر با تغییرات زیادی مواجه شده است. زنان در مقایسه با گذشته حضور چشمگیری در عرصه اجتماعی دارند، ولی این حضور همچنان با برخی نگرش های سنتی گره خورده است. به عبارت دیگر همچنان در مقایسه با مردان محیط بیرونی را فضایی مطلوب برای زنان به حساب نمی آورند. صادقی و میرحسینی (۱۳۹۲) نیز در مطالعه خود خاطر نشان می کنند زنان از مکان های خلوت، تاریک، ناشناخته، بن بست، پل هوایی، ماشین های شخصی مسافربری و حتی جاهای شلوغ می ترسند. ترس از جاهای شلوغ به دلیل سرقت و تنه خوردن و ترس از مکان های خلوت به دلیل آزارهای جنسی است. به زعم آن ها عواملی نظیر سالخوردگی، احساس آسیب پذیری، بیماری، معلولیت، مهاجرت، بارداری، مادری و ... در کنار طردهای مضاعف ناشی از جنسیت، عدم ادغام اجتماعی زنان و درک آنان از مناسبات قدرت جنسیتی که دائماً در حیطه ها و روابط فضایی - اجتماعی تولید و بازتولید می شود، شیوه متفاوتی از حضور در فضای شهری را برای زنان، نسبت به مردان به وجود آورده است. پاسخگویان مورد مطالعه به لحاظ میزان احساس امنیت اجتماعی با توجه به متغیرهای وضعیت تأهل، پایگاه اجتماعی - اقتصادی محل سکونت نیز مورد مقایسه قرار گرفتند که نتایج حاصل از آزمون فرضیات به شرح ذیل است:

جدول (۷) خروجی آزمون T تک نمونه ای جهت مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی افراد مجرد و متأهل

سطح معناداری	درجه آزادی	تی	انحراف معیار	میانگین	تعداد	مقولات	بعد
۰/۹۶۱	۲۴۴	۰/۸۷	۲۳/۱۰	۱۰۲/۹۳	۸۰	مجرد	احساس امنیت اجتماعی
			۲۴/۴۴	۱۰۵/۷۲	۱۶۶	متأهل	

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹

همان طور که از نتایج آزمون T مستقل و یافته های نمایش داده شده در جدول مشخص است، بین میانگین احساس امنیت اجتماعی افراد مجرد و متأهل ساکن شهر تبریز تفاوت قابل ملاحظه ای وجود ندارد. به منظور سنجش رتبه ای بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان و میزان احساس امنیت اجتماعی آنان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.



جدول (۸) ماتریس همبستگی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی

ابعاد احساس امنیت اجتماعی								
احساس امنیت اجتماعی	امنیت شغلی	امنیت اخلاقی	امنیت فکری	امنیت قضایی	امنیت جنسی	امنیت حقوقی	امنیت احساسی	امنیت جانی
۰/۰۲۷	۰/۰۲۶	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۹	-۰/۰۵۷	-۰/۰۷۴	۰/۰۵۴	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۹۰
۰/۶۷۰	۰/۶۸۰	۰/۸۰۰	۰/۷۶۵	۰/۳۷۶	۰/۳۴۶	۰/۳۹۶	۰/۹۲۰	۰/۰۰۶

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹

یافته‌های نمایش داده‌شده در جدول فوق نشان می‌دهد که تفاوتی در میزان احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان برحسب پایگاه اجتماعی - اقتصادی‌شان وجود ندارد. به عبارت دیگر با توجه به سطح معناداری آزمون‌های پیرسون، رابطه‌ی پایگاه اجتماعی - اقتصادی تنها با بعد جانی امنیت اجتماعی دارای همبستگی مثبت (البته ضعیف) و معنی‌دار است و با سایر ابعاد امنیت رابطه‌ی معنی‌داری ندارد. به عبارت دیگر افرادی که در پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتر هستند از نظر جانی میزان احساس امنیت بیشتری می‌نمایند. پس طبق یافته‌های پژوهش هر چه یک فرد از نظر تحصیلات، شغل و درآمد (که مؤلفه‌های ساخت پایگاه اجتماعی - اقتصادی‌اند) در وضعیت بهتری باشد از نظر قدم زدن به تنهایی در مسیر خلوت، تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی و مواردی از این دست (گویه‌های امنیت جانی) احساس ناامنی کمتری خواهد داشت. افرادی که از سطح تحصیلی، شغلی و درآمدی بالاتری برخوردارند عمدتاً به لحاظ طبقاتی در موقعیت بهتری قرار دارند. این افراد معمولاً با خودروهای شخصی تردد می‌کنند و به ندرت از خودروهای مسافرکش استفاده می‌کنند و یا ناچار می‌شوند در محلات تاریک به تنهایی قدم بزنند و به همین دلیل از این حیث نگرانی چندانی ندارند.

جدول (۹) خروجی آزمون تحلیل واریانس جهت مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی در بین ساکنان

منطقه بالا، متوسط و پایین شهر

متغیر	گروه‌ها	میانگین	میانگین مربعات بین گروهی	میانگین مربعات درون گروهی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
منطقه محل سکونت	پایین	۹۴/۴۷	۹۱۰/۶۵۸	۵۵۱/۹۷۰	۱/۶۵۰	۰/۱۹۰
	متوسط	۱۰۱/۹۹				
	بالا	۱۰۲/۳۱				

مأخذ: محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۹

با توجه به سطح معنی‌داری آزمون F (معادل ۰/۱۹۰) مشخص می‌گردد که بین میزان احساس امنیت اجتماعی ساکنان مناطق بالا، متوسط و پایین شهر تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.



نتیجه گیری

امنیت از بنیادی ترین ارکان حیات هر فرد و جامعه است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یکی از حقوق اجتماعی انسان و در ردیف آزادی است. منظور از احساس امنیت اجتماعی بعد روانی و ذهنی امنیت است که از حضور در فضاهای جمعی و تعامل با سایر افراد جامعه ناشی می شود و از آنجایی که جنسیت یکی از تاثیرگذارترین مقولات در میزان احساس امنیت اجتماعی در فضاهای شهری است لذا؛ هدف کلی پژوهش حاضر سنجش میزان احساس امنیت اجتماعی جنسیت در شهر تبریز است. بدین منظور احساس امنیت اجتماعی جنسیت در دوازده بعد در بین شهروندان تبریزی مورد مقایسه قرار گرفت.

بیشتر پاسخگویان از نظر احساس امنیت اجتماعی در گروه متوسط قرار گرفتند. در این زمینه لازم به توضیح است که شهر تبریز تا حدی ویژگی های سنتی و فرهنگی خود را حفظ نموده است لذا فضای مطمئن تر و امن تری را به خصوص در زمینه فعالیت های اقتصادی و صنعتی برای ساکنان خود فراهم آورده است.

یافته های حاصل از آزمون T مستقل برای مقایسه ابعاد احساس امنیت اجتماعی جنسیت نشان داد که برخلاف نظر محققان فمینیستی و برخی تحقیقات قبلی همچون جکسون و سانشاین، کیلیاس و دیگران، بیات، کرامتی بین میانگین احساس امنیت اجتماعی جنسیت شهروندان تبریزی تفاوت قابل ملاحظه ای وجود ندارد. این یافته با نظریات فمینیستی و سه دیدگاه تفاوت جنسیتی، نابرابری جنسیتی و ستمگری جنسیتی همخوانی ندارد. البته لازم به ذکر است که میانگین احساس امنیت جانی چنان که انتظار می رفت در زنان کمتر از مردان بوده است که همسو با یافته های بیات، کرامتی و جکسون و سانشاین می باشد. در این زمینه احساس امنیت شغلی اگرچه تفاوت معنی داری در بین جنسیت شهروندان شهر تبریز مشاهده گردید، اما برخلاف اندیشه فمینیست ها مبنی بر اینکه زنان در بعد اقتصادی و اجتماعی با

محرومیت ها و ناامنی های بسیاری مواجه اند، در این تحقیق چنین حاصل شد که زنان از نظر اقتصادی بیش از مردان احساس امنیت می کنند که این نتیجه تفاوت این پژوهش را با پژوهش های صورت گرفته نشان می دهد. یافته های مطالعه حاضر درباره عدم رابطه متغیرهای وضعیت تأهل و پایگاه اجتماعی - اقتصادی با میزان احساس امنیت اجتماعی با یافته های مطالعات خوش فر و نادری و دیگران هماهنگ است. کوتاه سخن آنکه در جهت حذف و یا کاهش تبعات شکل گیری و نضج احساس ناامنی اجتماعی در یک اجتماع، که خود از عوامل زمینه ساز و تسریع کننده عقب ماندگی و ایجاد تنش و بی عدالتی در یک جامعه است، باید پیشنهادهایی در سطح آموزشی، پژوهشی و اجرایی منظور گردد از جمله:

- میزان امنیت (جانی) به لحاظ جنسیت متفاوت است به طوری که این میزان در زنان کمتر از مردان است. برای افزایش احساس امنیت در بین زنان، برنامه ریزان فرهنگی (صداوسیما) با تولید برنامه های مختلف در جهت افزایش و توسعه احساس امنیت در بین زنان، نیروی انتظامی با تأمین امنیت اماکن عمومی مثل پارک ها، از طریق افزایش نیرو در این اماکن و یا تأمین امنیت خیابان ها در شب می تواند باعث افزایش احساس امنیت در بین زنان شود.
- مطالعات علمی و تخصصی در خصوص امنیت باید به صورت مقطعی تکرار شوند تا مشخص گردد در مقاطع زمانی مختلف احساس آرامش و امنیت اجتماعی در بین زنان نسبت به مردان چه تفاوتی کرده است.
- اتاق های فکر پیرامون آمایش و پایش احساس امنیت اجتماعی با حضور اندیشمندان رشته های عملی مختلف مانند جامعه شناسان، انسان شناسان، روان شناسان، اقتصاددانان، پزشکان، حقوق دانان و ... برگزار شود تا نخبگان و کارشناسان تراز اول ابعاد مختلف امنیت اجتماعی را مورد بحث و بررسی دقیق و نقادانه قرار دهند. مجریان نیز از مباحث مطروحه در جلسات اتاق های فکر، برای برقراری هر چه بهتر امنیت در جامعه استفاده کنند.



منابع

19. Carmona, Matthew, Tim, Heath, Oc, Taner & Steve. Tiesdell. (2003) *Public Places, Urban Spaces*, Oxford, Architectural Press
20. Cui, Shunji. (2011). *De(Securitising Frontier Security in China: Beyond the Positive and Negative Debate. Paper presented at the International Conference on "The Nexus of Traditional & Non-Traditional Security Dynamics: Chinese Experiences meet Global Challenges". 18-20 September, Hangzhou, China*
21. Hou Jeffrey (2010). *Insurgent Public Space: Guerilla urbanism and the remaking of contemporary cities, published 2010 by Routledge, London and New York.*
22. Jackson, J and Sunshine, J. (2007) 'Public Confidence in Policing: A Neo- Durkheimian Perspective', *British Journal of Criminology*, 47: 214-33.
23. Karakus, O.F., McGarrell, E and Basibuyuk, O (2010). "Fear of crime among citizens of Turkey", *Journal of criminal justice*, 38 retrieved from: www.science direct.com.
24. Killias, M. and Clerici, CH. (2000). *Different measures of vulnerability in their relation to different dimensions of fear of crime. The British Journal of Criminology*, 40: 437-450.
25. Moller, Bjorn, (2000). *National, Societal and Human Security Discussion – case study of the Israel – Palestine conflict.*
26. Moller, Bjorn. (2000). *National, Societal and Human Security Discussion, Israel, Palestine conflict.*
27. Newman, O. (1973) "Defensible Space: People and Design in the Violent City", London, Architectural Press
28. Pantazis, C. (2000). "Fear of Crime Vulnerability and Poverty British " *Journal of Criminology*, volume 40, Issue 3, pp: 414-436.
29. Panu Lehtovuori (2005). *EXPERIENCE AND CONFLICT: The dialectics of the production of public urban space in the light of new event venues in Helsinki 1993-2003, Helsinki University of Technology: Centre for Urban and Regional Studies Publications, Espoo, Finland.*
30. Rendell, J. (2000). *Introduction: Gender, Space, In Gender space architecture an interdisciplinary introduction, London and New York, Routledge, p 101.*
31. Yavuz, N., & Welch, E. W. (2010). *Addressing fear of crime in public space: gender differences in reaction to safety measures in train transit. Urban studies, Vol 47(12), 2491-2515.*
32. Dalu M.T.B., Manyani A., Masunungure C (2020). *Gender Inclusivity and Development in South African Public Urban Spaces. In: Massey R., Gunter A. (eds) Urban Geography in South Africa. GeoJournal Library. Springer, Cham*
۱. احمدی، حبیب؛ مرادی، گل مراد و آذر گون، زهره (۱۳۸۶) بررسی رابطه میان مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر اسلام‌آباد غرب)، فصلنامه توسعه انسانی، دوره اول، شماره ۴، صص ۹۱-۱۱۰
۲. بدار، لوک (۱۳۸۰)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران: ساوالان.
۳. بیات، بهرام (۱۳۸۸) احساس امنیت اجتماعی، نشر امیرکبیر، چاپ اول، تهران
۴. پیران، پرویز (۱۳۸۱) شرایط موجود کلان‌شهرهای کشور، چالش‌های فرارو و راهبردهای اساسی آینده، مجموعه مقالات همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، موسسه عالی آموزش و پژوهش، تهران
۵. تانکیس، فرن (۱۳۸۸)، فضا، شهر و نظریه اجتماعی، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
۶. رهنمایی، محمدتقی و پور موسوی، سید موسی (۱۳۸۵) بررسی ناپایداری‌های امنیت کلان‌شهر تهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۸، شماره ۵۷، صص ۱۷۷-۱۹۳
۷. ریتز، جورج (۱۳۹۲)، مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: ثالث.
۸. زین‌العابدین، یوسف؛ نظری، رضوان؛ احمدی، ابوطالب (۱۳۹۱)، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت شهروندی در شهر رشت، پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۷۶-۹۰.
۹. ساروخانی، باقر و منبزه نوید نیا (۱۳۸۵)، امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۰۶-۱۰۷.
۱۰. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷) ویژگی‌های محیطی فضای شهری امن، مرکز مطالعات و تحقیقاتی و معماری، تهران
۱۱. طلعت، تازیکی (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر افزایش احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر، مطالعه موردی زنان ۱۸-۵۰ سال شهرستان بجنورد، دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، شماره اول، صص ۳۶-۴۸.
۱۲. فنی، زهره (۱۳۹۰)، زنان در بازار کار شهری: مطالعه تطبیقی شهرهای تهران و مونترال، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۵۷-۷۴.
۱۳. قدار زاده، امید (۱۳۹۰)، تأثیر اشکال مختلف سرمایه‌بر هویت جمعی زنان، زن در توسعه و سیاست، شماره ۳، صص ۳۵-۶۵.
۱۴. کرامتی، مهدی (۱۳۸۵) بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان مراکز استان‌های کشور (پیمایش دوم)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا - مرکز مستندات اجتماعی، شماره ششم و هفتم.
۱۵. مامسن، ژانت. (۱۳۸۷)، جنسیت و توسعه، مترجم: زهره فنی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. محمدی، جمال؛ مرادی، مریم (۱۳۹۲)، بررسی احساس امنیت زنان در مناطق شهری نمونه موردی مناطق ۵ و ۱۳ اصفهان، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۹، صص ۶۵-۸۱.
۱۷. نیازی، محسن؛ سهراب زاده، مهران؛ فرشاد فر، یاسمن (۱۳۹۰)، عنوان تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان مطالعه موردی زنان ساکن در مناطق ۱ و ۲ شمال تهران و مناطق ۱۹ و ۲۰ جنوب تهران، فصلنامه مطالعات اجتماعی، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۲۷، صص ۷۰-۵۶.
18. Bunschoten Raoul. (2002) *Public Spaces, Black Dog Publishing, London*

اسپانیا؛ پیش به سوی صفر تصادف در ۲۰۲۰

مرضیه حساری



مقدمه:

برگزاری جلسات مشترک تعریف شد تا با همکاری مشترک وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، پلیس راهنمایی و رانندگی، اورژانس و آموزش و پرورش نسبت به تهیه نقشه راه و اجرای مدل ارتباطی برای کاهش تصادفات و مرگ‌ومیر کودکان اقدام شود و در نهایت با هدف استفاده از تجربیات کشور اسپانیا، با هماهنگی یونیسف و سفارت کشور ایران در اسپانیا، سفری چند روزه برای بررسی نحوه مدیریت ترافیک، نظارت بر عملکرد کاربران ترافیکی و مدیریت حوادث و امداد رسانی در کشور اسپانیا برنامه‌ریزی و انجام گردید.

زمان سفر: ۲۳ لغایت ۲۸ اکتبر ۲۰۱۷ میلادی - اول تا ۶ آبان ۱۳۹۶

نگاهی به کشور اسپانیا و شهر مادرید:

اسپانیا کشوری با جمعیت ۴۷ میلیون نفری با سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی ۳۴۰۰۰ دلاری جزو کشورهای با اقتصاد مناسب اتحادیه اروپا است. شهر مادرید پایتخت آن با جمعیت شهری ۳,۳ میلیونی و جمعیت کلانشهری ۶,۴ میلیون نفری سومین شهر بزرگ اروپا پس از لندن و برلین است. با جمعیت توریست ۷۶ میلیون نفر، تراکم جمعیتی مادرید ۵۴۰۰ نفر در هر کیلومترمربع است.

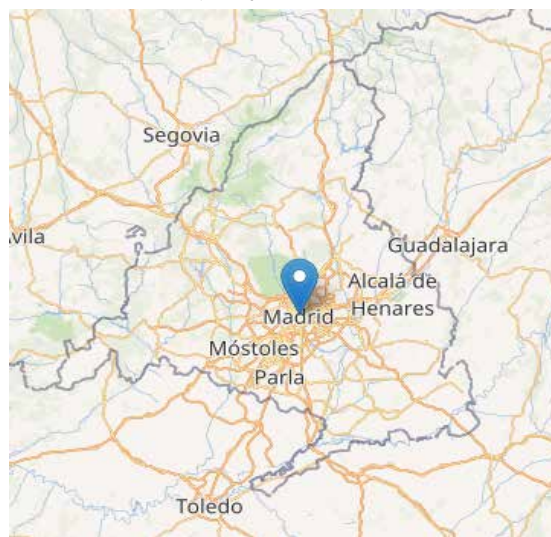
قربانیان و مجروحان ناشی از تصادفات، سال‌هاست که به معضلی در ایران تبدیل شده و صدمات انسانی، اجتماعی و مالی جبران‌ناپذیری را به کشور وارد کرده است. کشته شدن ۱۷۰۰۰ نفر و مجروحیت ۶۰۰ هزار نفر در تصادفات معابر و جاده‌های ایران به‌عنوان بحرانی که هر روز و هر ساعت در حال رخ دادن است، مطرح می‌گردد.

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO) در سال ۲۰۱۵، ایران به لحاظ تعداد تصادفات و صدمات ناشی از آن، در رده‌ی هشتم جهانی قرار داشته و نگاه جهانی را به خود معطوف نموده است. از طرفی طبق گزارش‌های منتشرشده، تصادفات اولین عامل مرگ‌ومیر جوانان در جهان مطرح گردیده است.

در سال ۲۰۱۵ با توجه به کشته شدن تعداد بالای کودکان در تصادفات، یونیسف آن سال را سال اقدام برای کاهش تعداد کودکان قربانی شده در تصادفات نامید و برنامه‌های مدونی را برای کاهش مرگ‌ومیر کودکان در تصادفات رانندگی طرح‌ریزی کرد. بر همین اساس، تفاهم‌نامه همکاری مشترک بین دفتر یونیسف در ایران و مرکز روابط بین‌الملل وزارت کشور بعد از



کشور اسپانیا



شهر مادرید

اطلاعات کلی ترافیکی این کشور:

تعداد کل وسایل نقلیه : ۳۳۶۵۰۳۹۲ دستگاه

تعداد خودروی شخصی: ۲۲۸۷۶۸۳۰ دستگاه

موتورسیکلت ۳۲۱۱۴۷۴ دستگاه

تعداد سفر سالانه: ۳۹۲ میلیون سفر

جاده اصلی : ۱۶۶۰۰۰ کیلومتر، جاده فرعی ۱۴۸۵۰۰ کیلومتر،

آزادراه ۱۵۳۳۶ کیلومتر

شبکه متروی مادرید: ۱۳ خط و ۳۰۱ ایستگاه، احداث در

سال ۱۹۱۹ و شبکه راه آهن حومه ای مادرید: ۹ خط و ۹۰ ایستگاه،

احداث در سال ۱۹۹۰

تعداد شهرداری: ۸۱۱۸ شهرداری (دهستان) و جمعیت شهرها

از ۳ میلیون نفر تا ۱۰ نفر

تعداد پلیس راهنمایی و رانندگی: ۱۰۰۰۰ نفر

تعداد افراد دارای گواهینامه رانندگی: ۲۶۵۱۴۰۲۶ نفر، ۶۷۳

راننده به ازای هر ۱۰۰۰ نفر ساکن



خطوط متروی مادرید



به طور مستقل نسبت به تنظیم قوانین و مقررات اقدام می کند. شماره گذاری خودرو، صدور گواهینامه، آموزش و ارتقاء فرهنگ ترافیک، سیاست گذاری، تهیه و تنظیم برنامه های جامع و خرد مرتبط با ایمنی، برخورد با متخلفان از طریق پلیس و ... از جمله اقداماتی است که توسط این اداره کل انجام می گیرد. زیرمجموعه این اداره ۱۷ اداره ایالتی و پلیس راهنمایی و رانندگی با تعداد کل ۴۳۰۰ نفر پرسنل است.

از نهادهای تابعه این اداره، شورای عالی ترافیک است که با عضویت نمایندگانی از وزارت راه، وزارت محیط زیست، وزارت صنعت و ... هماهنگی امور را بر عهده دارد و تصمیمات آن پس از تأیید اداره کل به هیأت دولت فرستاده می شود.

۵۷ درصد از تأمین بودجه این اداره از محل جرائم راهنمایی و رانندگی و مابقی از شماره گذاری خودرو، صدور گواهینامه، نقل و انتقال خودرو و ... به دست می آید.

بر اساس گزارش این نهاد، در سال ۱۹۸۹ تلفات ناشی از تصادفات کشور اسپانیا ۹۳۴۴ نفر بوده است که با اقدامات مناسب و همه جانبه این عدد در سال ۲۰۱۶ به ۱۸۱۰ کشته کاهش یافته است. همچنین کشور اسپانیا در کاهش تعداد مجروحان نیز بسیار موفق عمل نموده و در حال حاضر (۲۰۱۷) به ارائه برنامه عملیاتی برای دستیابی به هدف صفر کشته حوادث رانندگی در سال ۲۰۲۰ میلادی می پردازد.

۲- مرکز دیسپاچینگ پلیس شهر مادرید

پلیس شهر مادرید زیرمجموعه شهرداری مادرید بوده و تأمین امنیت شهر مادرید را در تمامی زمینه ها بر عهده دارد. در مرکز دیسپاچینگ پلیس شهر مادرید، با حضور اپراتورهایی از آتش نشانی، اورژانس و سرویس پلیس مادرید، مدیریت امنیت شهر مادرید و امداد رسانی به شهروندان انجام می شود. تلفن ۰۹۲، ۱۱۲، همچنین ۳۵۰۰ دوربین کنترل ترافیک و امنیتی، دوربین های نصب شده در ناوگان اتوبوسرانی، نیروهای پلیس سطح شهر و ... از جمله ابزار تأمین امنیت شهر مادرید است. در این سفر بازدیدی ۲ ساعته از این مرکز انجام شد.

۳- آشنایی با آموزش های ترافیکی در مدارس شهر مادرید

وظیفه کلیدی آموزش های شهروندی در زمینه های آسیب های اجتماعی، زیست محیطی و ترافیکی بر عهده شهرداری مادرید بوده که از طریق پلیس مادرید انجام می شود. بر اساس هماهنگی های انجام شده با حضور ۴ ساعته در یکی از مدارس مادرید، نحوه آموزش های ترافیکی به کودکان ۵ تا ۱۲ ساله تشریح شد.

۴- مرکز آموزش های پلیس شهر مادرید

این مرکز در شهر مادرید وظیفه آموزش های شهروندی به شهروندان مادرید را به طور مستمر و گسترده بر عهده دارد. گروه در یکی از برنامه های ۲ ساعته آموزش های ترافیکی مربوط به نوجوانان بالای ۱۲ سال حضور یافته و موضوع آموزش در این زمینه ارائه شد.



نمونه ی گواهینامه صادره در اسپانیا

ساختار دولتی اسپانیا در حوزه ی حمل و نقل و ترافیک:

- خلاصه ساختار دولت و نحوه مدیریت ترافیک در

کشور اسپانیا:

- کشور اسپانیا جزو ۴ کشور موفق اتحادیه اروپا در کاهش تصادفات و تلفات ناشی از آن بوده است و در سال های اخیر به استانداردهای ایمنی و جاده های آلمان و فرانسه نزدیک شده است.
- وزارت کشور اسپانیا مسؤلیت مدیریت ترافیک جاده های کشور را از طریق DGT بر عهده دارد.
- پلیس ترافیک شهری زیرمجموعه DGT و در شهرها زیرمجموعه شهرداری ها می باشد.
- وزارت راه و حمل و نقل مسؤلیت ایجاد کلیه زیرساخت های ملی را عهده دار است. اما تشخیص اولویت انجام بهسازی راهها با DGT است.
- شهرداری ها متولی کلیه امور در محدوده شهر هستند.
- استانداری ها زیر مجموعه وزارت کشور، مدیریت نواحی خارج از محدوده های شهری را از طریق ادارات ایالتی DGT عهده دار هستند.

- تشریح ساختار دولتی اسپانیا در حوزه ترافیک

۱- اداره کل ترافیک کشور اسپانیا (DGT)

اداره کل ترافیک کشور اسپانیا، ارگانی کاملاً مستقل بوده که زیر مجموعه وزارت کشور اسپانیا در سال ۱۹۵۹ تشکیل شده است. این اداره وظیفه سازماندهی وضعیت کل راه های شهری و برون شهری کشور را عهده دار می باشد و سیاست گذاری و اجرای تمامی موارد مرتبط با راه های اسپانیا بر عهده این سازمان می باشد. این اداره، ضمن پیروی از قوانین اتحادیه اروپا

1 Directorate- General of Teraffic



۵- مرکز دیسپاچینگ ایالت مادرید-۱۱۲ Dispatching

در تمامی اتحادیه‌ی اروپا در صورت بروز هرگونه حادثه یا اقدام تروریستی، افراد می‌توانند با شماره‌گیری ۱۱۲ به نزدیک‌ترین دیسپاچینگ ۱۱۲ متصل شده و امدادسانی برای آن‌ها انجام شود. بر همین اساس بازدید ۴ ساعته از مرکز دیسپاچینگ ایالت مادرید که زیرمجموعه وزارت کشور اسپانیا می‌باشد انجام شد. این مرکز وظیفه مدیریت کلیه حوادث ایالت مادرید را بر عهده داشته که با حضور اپراتورهایی از اورژانس شهر مادرید و استان مادرید، گارد ملی، پلیس شهر، سازمان جنگل‌ها و مراتع مادرید و آتش‌نشانی ضمن ایجاد هماهنگی بین ارگان‌ها، وظیفه‌ی امدادسانی در مدت‌زمان ۸ دقیقه را انجام می‌دهد. در تمامی ۱۷ ایالت اسپانیا یکی از این مراکز وجود دارد.



مرکز فوریت‌های ۱۱۲ شهر مادرید



ساختمان مرکز فوریت‌های ۱۱۲ شهر مادرید

۶- اورژانس شهر مادرید-SAMUR

وظیفه‌ی امدادسانی به مصدومان ناشی از حوادث رخ داده در اماکن و مسیرهای عمومی شهر مادرید را بر عهده دارد. همچنین وظیفه‌ی آموزش‌های پزشکی به نیروهای پلیس، شهروندان و نیروهای داوطلب بر عهده این نهاد است. در سال ۲۰۱۶، به ۱۳۷۴۹۹ نفر توسط "سمور" امدادسانی شده است. همچنین در حوادث رخ داده در اروپا و خارج از آن مانند سونامی اندونزی و زلزله پاکستان، "سمور" حضور یافته است. "سمور" ۷۱۷ کارمند و ۱۶۳۰ داوطلب دارد که ۴۹۰ نفر آن کارشناس اورژانس می‌باشند. تعداد کل پایگاه‌های امدادسانی در سطح شهر ۲۲ پایگاه است که از طریق ۹۸ آمبولانس، ۱۲ موتور، ۲۴ دوچرخه، ۷ کامیون مجهز، یک داروخانه متحرک، ۲۴ خودروی نظارت، ۳ خودروی مربوط به حوادث رادیواکتیو، امدادسانی صورت می‌پذیرد. در بازدید ۳ ساعته از این مرکز، ضمن آشنایی با شرح وظایف و ساختار آن، شاخص‌های عملکردی، آموزش‌های انجام شده و نحوه‌ی هماهنگی واحدها شرح داده شده و در پایان بازدید از مرکز اصلی آمبولانس‌ها و تجهیزات داخل آمبولانس‌ها انجام شد.

* این مرکز در ایالت مادرید و با اعتبارات ملی راه‌اندازی شده است.
* در این مرکز نمایندگانی از تمامی دستگاه‌های مرتبط حضور داشته و با شماره‌گیری ۱۱۲ در تمامی کشور اسپانیا به این مرکز یا مراکز مشابه آن در سایر ایالت‌ها ارتباط برقرار خواهد شد.
* سرویس ۱۱۲ در تمامی اتحادیه‌ی اروپا برقرار بوده و در هر ایالت مرکز آن در حال فعالیت است..
* اپراتورهای حاضر در این مرکز :
- اپراتورهای ساده جهت دریافت اولین تماس و اتصال آن به اپراتورهای تخصصی و یا مراکز درون شهر.
- آتش‌نشانی شهر مادرید.
- پلیس شهر مادرید.
- گارد ملی.
- فوریت‌های پزشکی شهر مادرید.
- جنگل‌بانی استان مادرید.
- سرویس‌های ایالت مادرید، پلیس و فوریت‌های پزشکی.
- در مواقع ضروری کابینه هم در این مرکز حضور خواهند داشت.



۷- پلیس شهر مادرید

پلیس شهر مادرید زیرمجموعه‌ی شهرداری مادرید بوده و در چارچوب ضوابط گارد ملی عمل می‌نماید. کلیه‌ی هزینه‌های پلیس توسط شهرداری پرداخت شده و وظیفه کنترل شهر مادرید را عهده‌دار است. در جلسه‌ای ۳ ساعته در مرکز پلیس مادرید، شرح وظایف و امکانات پلیس تشریح گردید.

۸- جلسه با سفیر ایران در اسپانیا

در جلسه‌ی برگزار شده اهداف و دستاوردهای سفر تشریح گردید. همچنین بر اساس پیشنهاد مدیرکل اداره DGT مبنی بر ایجاد خواهرخواندگی ترافیکی مابین ایران و اسپانیا، سفیر ایران اعلام نمودند که پیگیری موضوع را پس از انجام مکاتبات رسمی به طور جدی انجام خواهند داد.

اقدامات شاخص اسپانیا در حوزه‌ی ارتقای کاهش تصادفات و تلفات ناشی از تصادفات رانندگی:

اسپانیا اقدامات متعدد و همه‌جانبه‌ای را با هدف کاهش تصادفات رانندگی و تلفات ناشی از آن از سال ۲۰۰۶ تاکنون انجام داده است که از مهمترین اقدامات این نهاد می‌توان به:

- تنظیم و اعمال مقررات راهنمایی سختگیرانه،
- کنترل هوشمند راه‌ها و نظارت دقیق بر آن‌ها،
- آموزش و فرهنگ‌سازی بسیار گسترده و متمرکز
- و کاهش سرعت مجاز اشاره نمود.

همچنین از جمله برنامه‌هایی که این کشور برای کاهش تلفات ناشی از تصادفات رانندگی انجام داده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- در سال ۲۰۰۶: اجرای برنامه امنیت جاده‌ای که برنامه رانندگی بر اساس امتیاز منفی برای رانندگان متخلف بوده و در ۱۱ سال گذشته اجرا شده است و

به شرح زیر است:

- امتیاز در سال اول دریافت گواهینامه: ۸ امتیاز مثبت.
- و در صورت عدم انجام تخلف در سال اول: ۱۲ امتیاز مثبت.
- امتیاز در سال پنجم و در صورت عدم انجام تخلف: ۱۵ امتیاز در سال دوم.
- در صورت انجام تخلفات و رسیدن امتیاز به عدد صفر گواهینامه باطل شده و فرد باید گواهینامه خود را تحویل دهد.
- فرد می‌تواند جهت دریافت مجدد گواهینامه با گذراندن دوره‌های آموزشی و انجام امتحان‌های عملی و تئوری اقدام نماید.
- به‌طور مثال امتیاز منفی دنده عقب در آزاد راه و بزرگراه ۴ امتیاز منفی و امتیاز منفی عبور از چراغ قرمز ۳ امتیاز منفی می‌باشد.
- جریمه‌ی نقدی دنده‌عقب در آزادراه و بزرگراه ۶۵۰ یورو است.

۲- در سال ۲۰۰۴: ارسال برخی از تخلفات به

مراجع قضایی برای صدور حکم کیفری از قبیل:

- مصرف الکل و مواد مخدر.
- سرعت بیش از ۶۰ کیلومتر بر ساعت در شهر.
- این طرح از کشور فرانسه الگوبرداری شده و با توجه به اهمیت این تخلفات به لحاظ آسیب به امنیت اجتماعی به مراجع قضایی ارسال می‌گردند.

۳- برنامه‌ی تدوین شده برای کاهش قربانیان

تصادفات به صفر تا سال ۲۰۲۰:

- شورای عالی امنیت جاده‌ای کشور اسپانیا، استراتژی‌های ملی ایمنی راه‌های اسپانیا را تصویب و به شورای عالی وزیران برای تصویب و ابلاغ ارسال کرده است. این برنامه ۱۷۲ عملیات دارد و برای اجرا از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ تهیه شده است.
- برنامه‌ی مذکور برای موضوعات اصلی از جمله کودکان، جوانان، افراد مسن، عابران پیاده، موتورسواران، حمل‌ونقل بار و مسافر، الکل و مواد مخدر و سرعت تدوین گردیده است.
 - این برنامه در نظر دارد تلفات ناشی از تصادفات رانندگی را به رقمی کمتر از ۳۷ نفر به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت برساند.
 - مجروحان با وضعیت وخیم را تا ۳۵ درصد کاهش دهد.
 - میزان مرگ‌ومیر کودکان را به صفر برساند.
 - میزان مرگ‌ومیر عابران پیاده در تصادفات ترافیکی را ۳۰ درصد کاهش دهد.

- میزان مرگ‌ومیر در تصادفات شهری را به عدد صفر برساند.
- مرگ و جراحت‌های جدی ناشی از تصادفات رانندگی در موتورسواران را ۲۰ درصد کاهش دهد.

• و ...

۴- در نهایت ۱۷۲ فعالیت استراتژی تدوین شده، برای تحقق موارد زیر تعریف و در مرحله اجرایی شدن

هستند:

- آموزش و تمرین
- برنامه‌های ارتباطی
- رعایت کامل قوانین راهنمایی و رانندگی
- سلامت و ایمنی جاده‌ای
- ایمنی وسایل نقلیه



- زیرساخت‌ها و سامانه‌های هوشمند حمل‌ونقل و ترافیک ITS

- مناطق شهری

- رانندگی حرفه‌ای و مشاغل مرتبط

- قربانیان حوادث

- تحقیقات و مدیریت دانش و اطلاعات

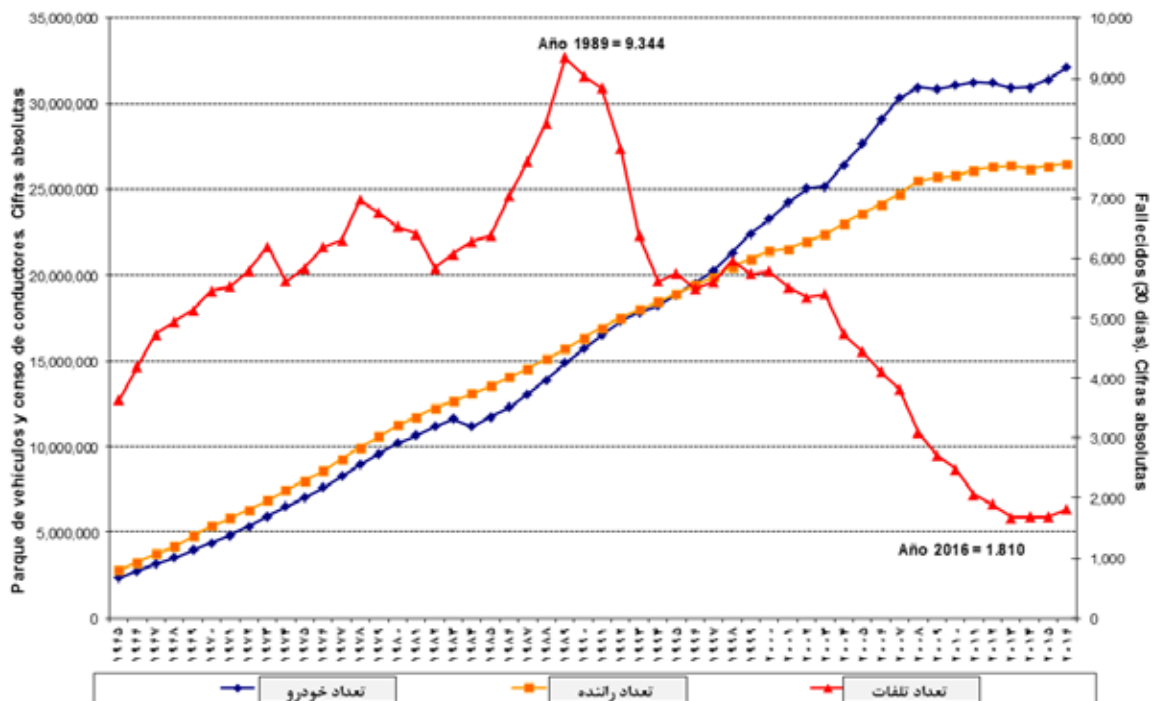
- هماهنگی و مشارکت

نتایج اقدامات کشور اسپانیا برای ارتقای ایمنی و کاهش تصادفات رانندگی

اقدامات اسپانیا در حوزه کاهش تصادفات رانندگی و تلفات ناشی از آن، توانسته تأثیر قابل توجهی این راستا داشته باشد به طوری که این امر منجر به کاهش تعداد تلفات از ۹۳۴۴ نفر در سال ۱۹۸۹ به تعداد ۱۸۱۰ نفر در سال ۲۰۱۶ شده است. همچنین این اقدامات به کاهش ۵۰ درصدی تلفات برون شهری و ۳۰ درصدی تلفات درون شهری ناشی از تصادفات رانندگی را در برداشته است. همچنین نمودارها نشان می‌دهد که رتبه کشور اسپانیا در خصوص تعداد تلفات ناشی از تصادفات رانندگی به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت را در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ از هشتم به پنجم کاهش یافته است. این بهبود رتبه نشان می‌دهد دولت اسپانیا تا چه اندازه در این حوزه موفق بوده است.

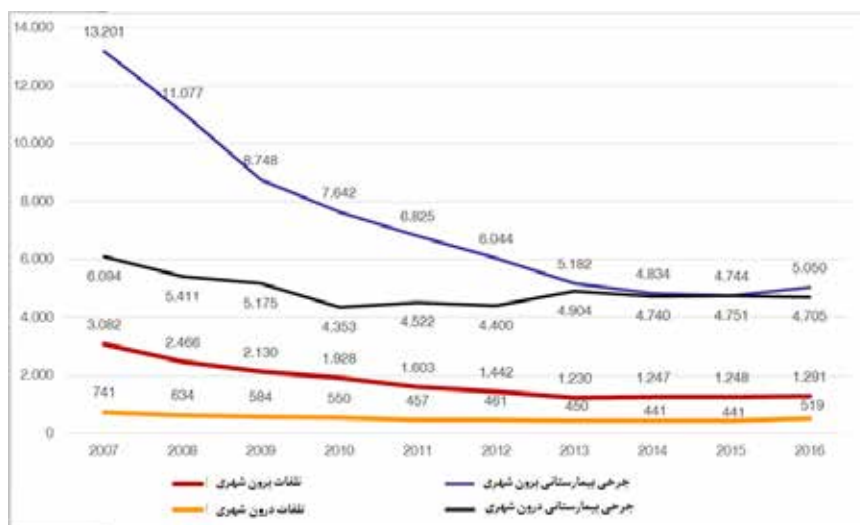


Evolution of the vehicle fleet, driver census and road traffic fatalities (30 days).

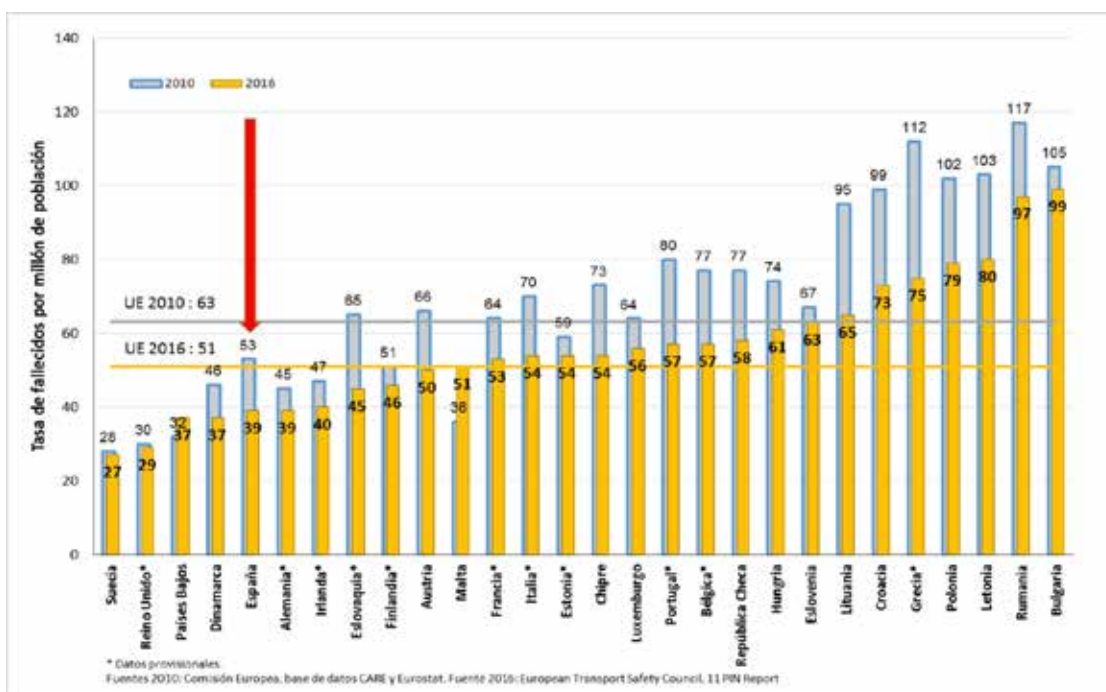


Including trailers and semi-trailers and excluding mopeds

تلفات ناشی از رانندگی، تعداد راننده و تعداد خودرو از سال ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۶ میلادی



تعداد کشته‌ها و مجروحان نیازمند به بستری در بیمارستان را در دو محدوده درون و برون شهری



تعداد تلفات ناشی از تصادفات رانندگی به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت را در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶

برآیند سفر:

با توجه به تجربه سفر و مشاهدات در خصوص برنامه‌ها و اقدامات دولت اسپانیا که منجر به کاهش تصادفات رانندگی و تلفات ناشی از آن شده است، آن‌ها توانسته‌اند با یک برنامه همه‌جانبه و فراگیر با جلب مشارکت تمامی نهادهای مرتبط، کاهش ۸۰ درصدی در میزان تلفات ناشی از تصادفات رانندگی داشته باشند و به یک الگوی موفق در اروپا و جهان تبدیل شوند. امید است با استفاده از تجربیات این سفر گرانمایه، ایران نیز پس از تدوین یک طرح جامع کاهش تصادفات و پیگیری مستمر آن تا افق برنامه‌ریزی شده، بتواند به یک پیشرفت ملموس در ارتقای ایمنی ترافیکی دست یافته و بدل به یک الگوی موفق آسیایی گردد. این امر میسر نیست مگر با تلاش مداوم، پیگیری و همکاری تمامی نهادها و ارگان‌های مرتبط، تا در آینده‌ای نزدیک برای "صفر تصادف" در افق طرح مدون خیز برداشته شود.

بررسی جایگاه شهروندی زنان در مدیریت شهری (پژوهش موردی: فضاهای باز شهری شهر کرد)

برگرفته از پایان نامه: کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد

استاد راهنما: احمد خادم الحسینی
دانشجو: لیلا توکلی هفشجانی

امن برای گروه‌های مختلف سنی زنان می‌تواند زمینه‌های لازم برای حضور بیشتر زنان در فضاهای باز شهری را افزایش دهد. در این تحقیق ضمن تعریف و تبیین نظرات و دیدگاه‌های مختلف در خصوص فضاهای شهری، حقوق شهروندی و... سابقه‌ی حقوق شهروندی زنان در فضاهای باز شهری در جهان و ایران مورد بررسی قرار داده و در ادامه در خصوص محدوده مورد مطالعه (فضاهای شهری شهر کرد) به بررسی و تحلیل حقوق شهروندی زنان که متأثر از جریان‌ات حاکم بر روند شهرسازی و مدیریت شهری و دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر طراحی فضاهای باز است، می‌پردازد.

پایان نامه "بررسی جایگاه شهروندی زنان در مدیریت شهری" در پی دستیابی به وجود رابطه بین ویژگی‌های فردی زنان و محدودیت‌های آن‌ها در فضاهای شهری می‌باشد.

چرا که اگر برابری در اجتماع را به ایجاد امکان زندگی، انتخاب و رضایت‌مندی برای تمامی افراد با توجه به تفاوت در خصوصیات و نیازهای آن‌ها معنی کنیم، در حال حاضر زنان به‌عنوان نیمی از جامعه انسانی از امکان حضور برابر با مردان در عرصه اجتماع محروم‌اند. برای تأمین این برابری، جامعه باید با درک تفاوت در نیازها، موقعیت و اهداف افراد، موانع محدودکننده را رفع کند و به آن‌ها امکان حضور و مشارکت اجتماعی برابر را بدهد. زنان خصوصیات بیولوژیک، مسؤولیت‌ها و نگاه متفاوتی در مقایسه با مردان دارند که در نوع ارتباط آن‌ها با فضا تأثیر می‌گذارد. آن‌ها تسهیلات خاصی را از فضا انتظار دارند که با خصوصیات جسمی و نیازهای عاطفی و روحی‌شان متناسب باشد و زندگی روزمره و فعالیت‌هایشان را تسهیل کند؛ در این حال انسانی که مرجع برنامه‌ریزی و تنظیم استانداردهای فضایی قرار می‌گیرد از نظر جنسیتی مرد است. به این ترتیب نیازهای پایه متبلور در استانداردها و ابعاد فضا پاسخگوی تمام نیازهای زنان نیست و همین خود بر نوع ارتباط و بهره‌برداری آنها از فضا تأثیر می‌گذارد. پژوهشگر در جواب به سؤال تحقیق سه فرضیه بیان می‌کند:

امروزه توجه به فضاهای باز در برنامه‌های توسعه‌ی شهری ضرورتی اساسی است، چرا که مهمترین نقش این فضاها تقویت تعامل اجتماعی - فرهنگی شهروندان است و از آنجا که شهروندان در استفاده از این فضاها حقوق برابر دارند، ایجاد فضاهایی مناسب برای گروه‌های مختلف، با در نظر گرفتن متغیرهایی همچون: جنس، سن، قومیت و... اهمیت زیادی دارد. با این حال شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری امروزی، با همه شعارهای برابری و عدالت‌خواهانه خود در ماهیت، خصلتی مردسالارانه دارد که در موارد بسیار نیازها و ارزش‌های زنانه را نادیده گرفته، در صورتی که دستیابی به یک جامعه‌ی پایدار و عادلانه بدون مشارکت و حضور فعال زنان امکان‌پذیر نخواهد بود. به همین دلیل در طول دهه‌های اخیر موضوع رابطه مدیریت شهری و جنسیت به یک گفتمان اساسی در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است و حضور زنان در فضاهای شهری، جزء حقوق اولیه آنان است، بنابراین با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرت‌گرا در جامعه‌ی مدنی و با رویکرد عدالت‌محور در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، زنان نیز همانند مردان باید از شرایط برابر برای حضور در فضاهای باز شهری برخوردار باشند. هدف این پژوهش بررسی جایگاه حقوق شهروندی زنان در طراحی فضاهای باز شهر شهر کرد است. روش پژوهش توصیفی - موردی است که برای آمار توصیفی از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن و گاما و برای آمار استنباطی One-Sample Test استفاده شده است.

بر اساس برنامه آماری spss ویژگی‌های فردی، شاخص‌های کارکردی و کالبدی جامعه‌ی آماری (۳۰۰ نفر) از زنان بالای ۱۵ سال شهر شهر کرد مورد بررسی قرار گرفت، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در شهر کرد برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای باز شهری با حقوق شهروندی زنان در ارتباط نیست و تأمین عواملی همچون پاسخگویی محیط به نیاز استفاده‌کنندگان، میزان تأمین نیاز خدماتی و جسمانی زنان و امکان مشارکت در فضاهای شهری، دسترسی راحت به فضاهای شهری و حمل‌ونقل عمومی



مدیریت شهری با ارتقای کیفیت و توزیع فراگیر این خدمات و نیز حل مسائل اجتماعی به موفقیتی بزرگ دست خواهد یافت در این راستا عدالت محیطی، عدالت را برای همه مردم تقاضا می‌کند و هرگونه تبعیض را به هر شکلی که اعمال شود محکوم می‌دارد. عدالت محیطی همچنین حق مشارکت مردم را در همه سطوح تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، ارزیابی نیازها و عملی ساختن طرح‌ها، یک حق طبیعی می‌داند.



مکتب جغرافیای رفتاری

جغرافیای رفتاری، یک مکتب میان‌رشته‌ای است و بیش از همه از روانشناسی اجتماعی و روانشناسی گشتالتی بهره می‌گیرد. در این مکتب، در رفتار فضایی، در دسترس قرار گرفتن امکانات از عوامل مؤثر به‌شمار می‌آید. در مطالعات تطبیقی به‌عنوان یکی از قلمروهای جغرافیای رفتاری تأکید در وابستگی متقابل میان شخص و مکان، در مشخصات فردی نظیر: سن، جنس، طبقه، عوامل قومی، نگرش‌های ارزشی، ارتباط با گروه‌های اجتماعی، نوع شغل توانایی‌های جسمی و ذهنی صورت می‌گیرد.

مکتب فرانکفورت؛ نظریه‌ای انتقادی

مکتب فرانکفورت معتقد است که جامعه‌ی خردورز، جامعه‌ای است که ما (همگی) در جهت دگرگون‌سازی و خلق محیط جدیدمان مشارکت داشته باشیم، جامعه‌ای که گروه‌هایی از مردم را از شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی محروم کند و یا به‌طور نظام‌مند گروه‌هایی از مردم را فاقد قدرت نماید، یک جامعه خردستیز خواهد بود. این مکتب روی جایگاه (حوزه عمومی) بسیار تأکید می‌کند. نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت، روی جنبه‌های انسان‌گرایی مارکسیستی با افزودن عوامل روانشناسی اجتماعی تأکید می‌کند. این مکتب کار خود را از تحلیل‌های فمینیستی (زن‌مداری) شروع می‌کند و در جنبش‌های اکولوژیک، کیفیت متعالی می‌یابد.

۱- به نظر می‌رسد بین ویژگی‌های فردی و عوامل ایجاد محدودیت برای حضور زنان در فضاهای باز شهری شهرکرد ارتباط وجود دارد.

۲- به نظر می‌رسد بین شاخص‌های کارکردی فضاهای باز شهری و میزان تحقق حقوق شهروندی زنان ارتباط وجود دارد.

۳- به نظر می‌رسد بین شاخص‌های کالبدی فضاهای باز شهری و میزان تحقق حقوق شهروندی زنان ارتباط وجود دارد.

- فصل دوم به مبانی نظری تحقیق اختصاص دارد. این فصل شامل بررسی منابع موجود، چارچوب نظری تحقیق، دیدگاه‌ها و نظریات موجود در زمینه تعریف مفهوم، مشخصات و ویژگی‌های فضا و انواع فضاهای شهری و... است.

چارچوب نظری تحقیق در قالب ۷ نظریه و مکتب در خصوص انواع برنامه‌ریزی و نقش انسان در مدیریت شهر مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد:

جنسیت و عدالت جنسیتی

چارچوب‌های تحلیل جنسیتی به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر برای درک نقش زنان و مردان در جامعه و عوامل خارجی که ممکن است برنامه‌ریزی را تحت تأثیر بگذارند مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنچه در برنامه‌ریزی برای توسعه بایستی مدنظر قرارگیرد این است که به زنان به‌عنوان عوامل فراهم‌کننده و نه فقط استفاده‌کننده توجه شود. برنامه‌ریزی جنسیتی هنوز در دنیا کامل نشده است و متدولوژی آن در حال تکوین است. اساس این برنامه‌ریزی مبتنی بر روابط انسانی است، در برنامه‌ریزی جنسیتی باید عوامل فرهنگی و حساسیت موجود به‌طور کامل و جامع در نظر گرفته شوند. در این خصوص، توجه کامل به نقش‌ها و نیازهای متفاوت زنان و مردان، درون بوروکراسی موجود نهادینه شود. تساوی در فرصت و ایجاد امکانات مساوی برای کنترل منابع و بهره‌گیری از آنها برای زنان و مردان، ایجاد تدابیری که منجر به بهبود زندگی همه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌گردد.

برنامه‌ریزی شهری انسان‌گرا و مکتب عدالت اجتماعی

از اواخر دهه ۱۹۶۰ مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی وارد ادبیات جغرافیایی می‌شود و مسائلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابری‌های شدید، فقر، شیوع امراض، نژادپرستی، قوم‌گرایی، جرم و جنایت، انتظار عمر، اصالت زن و آلونک‌نشینی که تا آن زمان در جغرافیا فراموش گشته بود به‌سرعت مورد توجه قرار گرفت است. عدالت اجتماعی از نظر شهرسازی، به معنی تأمین نیازهای گوناگون اجتماعی، خدماتی، رفاهی و فرهنگی است و



مکتب رادیکال

جغرافیدانان رادیکال، در زمینه جغرافیای فمینیستی (زن‌مداری) تحقیقات زیادی در حوزه‌های اکولوژی سیاسی فمینیستی، روابط تولیدی و جنسیت، سلطه طبقاتی و زنان، تقسیم کار میان زنان و مردان، محدودیت‌های دسترسی زنان به بازار کار، مسکن، بهداشت و درمان، توزیع قدرت، مالکیت و فرصت‌های برابر زنان و مردان انجام داده‌اند.

مکتب جغرافیای فرهنگی نو

جغرافیای فرهنگی بیش از همه مدیون نظریه‌پرداز معروف انگلیسی، ریموند ویلیامز می‌باشد. در سنت فکری وی همه پدیده‌های فرهنگی و چشم‌اندازهای جغرافیایی در مفهوم مادی‌اندیشی فرهنگی، از فلسفه‌های سیاسی و کارکردهای منشأ می‌گیرند و شکل جغرافیایی مکان را می‌سازند. در جغرافیای فرهنگی نو، دو نوع حقوق شهروندی در سازمان‌بخشی به مکان و فضا مورد توجه می‌باشد:

- حقوق شهروندی مثبت: شامل عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی، مشروع شناختن حق مالکیت مسکن، تقدس زندگی انسانی، دسترسی به فرصت‌های برابر اجتماعی و اقتصادی.
- حقوق شهروندی منفی: شامل نژادگرایی، تبعیض‌گرایی، جلوگیری از آزاداندیشی.

امروزه در قلمرو جغرافیای فرهنگی نو، مباحث عمده کثرت‌گرایی فرهنگی، نقش فرهنگ در زندگی جهان سوم‌ها، زنان، کودکان و رنگین‌پوستان، نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، جنسیت، قومیت، چشم‌اندازهای جغرافیایی به‌منزله یک متن، عدالت فرهنگی و حقوق فرهنگی جامعه می‌باشند.

مدیریت شهری با الگوی مشارکتی

پارادایم مدیریت شهری توجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی دارد، به‌طوری که این پارادایم (حکمرمایی خوب) در حال حاضر، به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری محسوب می‌گردد. در مقایسه با مفهوم حکمرمایی به‌طور عام، حکمرمایی خوب شهری باید دارای ۸ ویژگی عمده (مشارکتی، اجماع‌پذیر، پاسخگو، شفافیت، کارا و کارآمد، دربرگیرنده و پیرو قانون) باشد که مطلوبیت آن را تبیین کند.

حکمرمایی شهری نوعی فرایند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است که هم حکومت شهری و هم جامعه مدنی را در برمی‌گیرد و بر حقانیت و تقویت عرصه عمومی تأکید دارد. در واقع حضور زنان به‌عنوان یک شهروند در ساخت بافت مدنی

شهر مقوله‌ای مهم است که به تنظیم روابط فرهنگی و اجتماعی در حوزه شهروندی جهت عادلانه‌تری می‌بخشد از همین رو برای تعیین مطلوبیت حکمرمایی شهری تأکید محوری بر در نظر گرفتن و توجه به نیازها و خواسته‌های تمامی گروه‌های ذی‌نفع شهری است.

پژوهشگر پس از ارائه نظریات و تعریف‌های مختلف حقوق شهروندی، اصول حقوق شهروندی، برخی تجارب مربوط به حقوق شهروندی زنان در جهان به این نتیجه می‌رسد که باید شناخت و درک نیازهای زنان از یک طرف و ایجاد حقوق مدنی و قانونی در رابطه با حضور آن‌ها در فضاهای شهری به‌عنوان مهم‌ترین اصل در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری فارغ از بی‌عدالتی‌های جنسیتی و فضاهایی برای لذت تمام گروه‌های استفاده‌کننده مورد توجه قرارگیرد. بر این اساس پژوهشگر شاخص‌های حقوق شهروندی زنان در فضاهای شهری را در قالب موارد زیر مشخص می‌نماید:

۱- ارتباط آسان و دسترسی خوب

۲- راحتی و آسایش





۳- زیبایی منظر
۴- امنیت
۵- طراحی‌های متناسب با ویژگی‌های زنان
۶- انجام فعالیت‌های متنوع
۷- کیفیت بهتر محیط
۸- احساس آزادی
۹- سرزندگی
۱۰- معاشرت‌پذیری و قابلیت اجتماعی شدن
۱۱- انعطاف‌پذیری میلمان شهری
۱۲- پیاده‌روی راحت برای گروه‌های مختلف سنی

به‌طور خلاصه، در این فصل می‌توان نتیجه گرفت که فضاهای شهری بنابر نقش تعاملی و اجتماعی خود در باز تلفیق انسان در محیط و در جریان زندگی می‌توانند موجبات ترغیب انسان‌ها به ملاقات و بحث و گفت‌وگو فراهم آورند و ساکنان را از محیط‌های خصوصی و انزواگرایی به محیط‌های جمعی و پرنشاط دعوت نمایند و از این رهیافت نقشی مؤثر در تقویت و تداعی خاطرات گذشته و ایجاد تعلق خاطر برای نسل‌های آینده ایفا کنند. اما در سال‌های اخیر، زنان و مردان فضاهای شهری را به صورت‌های متفاوتی تجربه می‌کنند و زنان به‌طور یکسان با مردان از فضای شهری بهره‌مند نمی‌شوند. از طرفی ترس و آسیب‌پذیری زنان در محیط‌های عمومی یک موضوع مهم اجتماعی است.

فصل سوم درباره بررسی و تحلیل اجمالی از اکولوژی شهری شهرکرد است. در این فصل بعد از شرح موقعیت و ویژگی‌های شهرکرد، مشخصات جمعیتی، وضعیت سواد، نسبت جنسی و توزیع و تراکم نسبی جمعیت در شهر شهرکرد تحلیل شده است. در ادامه نویسنده فضای باز شهر شهرکرد را به سه دسته معابر، میدان‌ها و فضاهای سبز (پارک‌ها) تقسیم نموده و وضعیت هر کدام را تشریح می‌نماید. در این فصل سپس وضعیت مدیریت مشارکتی در شهر شهرکرد، نقش زنان و سازمان‌های مردم‌نهاد در این حوزه، مصوبات شورای اسلامی شهر در خصوص زنان مورد تحلیل قرار گرفته و به این نتیجه می‌رسد که با وجود جمعیت ۶۵۵۳۶ هزار نفری زنان شهر شهرکرد، مصوبات شورای شهر در حوزه ارتقاء نقش زنان در مدیریت شهر از نظر تعداد مصوبات رقم پایینی داشته است.

در فصل پایانی به تبیین روش تحلیل و سپس روش گردآوری داده‌ها و حجم نمونه تحقیق و روش استخراج داده‌ها و تجزیه و تحلیل آماری آنها می‌پردازد. در این فصل بر اساس مطالعات انجام شده حاصل از پژوهش‌های میدانی و تجزیه و تحلیل آماری در قالب جداول، نمودارها و ارتباط متغیرهای مختلف تحقیق، یافته‌های زیر ارائه می‌گردند:

۱- یافته‌های توصیفی
از بین ۳۰۰ نفر از زنان ۱۵ سال به بالا که حجم نمونه این پژوهش می‌باشند: ۲۵٪ (۷۵ نفر) در رده سنی ۳۵-۴۴ سال، ۲۳،۳٪ (۷۰ نفر) در رده سنی ۲۵-۳۴ سال، ۲۱،۷٪ (۶۵ نفر) در رده سنی ۴۵-۵۵ سال، ۱۶،۷٪ (۵۰ نفر) ۲۴-۱۵ سال و ۱۳،۳٪ (۴۰ نفر) بالای ۵۵ سال سن دارند.

نتایج حاصل از پرسشنامه میدانی حاکی از آن است که استفاده از فضاهای شهری برای ۹۱،۳٪ (۲۷۴ نفر) از بانوان به‌صورت اجباری و فقط ۸،۷٪ (۲۶ نفر) به‌صورت اختیاری استفاده می‌کنند. با وجود اینکه ۷۵،۳٪ (۲۲۶ نفر) از زنان در بین فضاهای باز شهری در پارک‌ها احساس لذت بیشتر دارند به‌طور معمول فقط





پایان این پژوهش به اثبات فرضیات و نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص دارد. در این پژوهش، هر سه فرضیه اثبات شده‌اند و در نهایت پژوهشگر در ساماندهی فضاهای شهری شهرکرد برای تقویت حضور زنان در سه حوزه خصوصیات فردی (۵مورد)، شاخص‌های کارکردی (۲مورد) و شاخص‌های کالبدی (۶مورد) را پیشنهاد می‌نماید. از جمله:

- تشکیل کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای آموزش حقوق شهروندی به زنان برای شناخت بهتر جایگاه حقوق شهروندی خود؛
- دخالت دادن زنان در مسؤولیت‌های مدیریت شهری در شهرداری و فعال نمودن کمیون زنان؛
- بسترسازی برای حضور فعال NGO های زنان و استفاده از پتانسیل‌های آن‌ها در بخش‌های مختلف مدیریتی؛
- توجه مسؤولان و طراحان شهری به طراحی میلمان متناسب برای گروه‌های مختلف سنی زنان در فضاهای باز شهری؛
- تجهیز فضاهای باز شهری به تجهیزات لازم از قبیل نیمکت، آبخوری، سطل و ...؛
- بررسی چگونگی توزیع فضاهای باز شهری در نواحی مختلف شهر و پیش‌بینی فضاهای مناسب رفاهی و تفریحی برای زنان در محلات محروم و توجه به عدالت جغرافیایی و جغرافیای جنسیت.

منابع

برای تدوین این پژوهش از ۱۵۶ منبع فارسی و ۲۴ منبع انگلیسی استفاده شده است که منابع این مقاله در دفتر ماهنامه موجود است.

۴,۳٪ (۱۳ نفر) پارک‌ها را برای حضور در فضاهای باز شهری انتخاب می‌نمایند و ۶۳,۷٪ (۱۹۱ نفر) خیابان و پیاده‌روها فضای انتخابی آنها می‌باشد.

- در هنگام حضور در فضاهای باز شهری ۸۹,۳٪ (۲۶۸ نفر) از بانوان شهرکرد با کسی همراه هستند.
- ۶۰,۷٪ (۱۸۲ نفر) از بانوان شهرکرد اظهار داشته‌اند در هنگام حضور در فضاهای باز شهری مسؤولیت مراقبت از فردی دیگر را هم برعهده دارند.
- ۷۷ درصد از بانوان اظهار داشته‌اند که در فضاهای شهری به تفاوت زن و مرد اصلاً توجهی نشده است.
- بیش از ۴۹ درصد از بانوان به میزان خیلی کم به حقوق شهروندی خود در فضاهای باز شهری آگاهی دارند.
- از نظر ۷۴/۷ درصد از بانوان وضعیت فضاهای باز شهری را برای زنان با شرایط خاص (باردار، سالخورده، بیمار و...) خیلی کم تناسب داشته است.

۲- یافته‌های استنباطی

- هر چه میزان تحصیلات بانوان بیشتر شود، تنوع‌طلبی در کارکردهای فضا و دسترسی‌های مناسب افزایش می‌یابد.
- هرچه میزان درآمد ماهانه افزایش یابد ترس از حضور در فضاهای شهری کمتر می‌شود.
- بیشترین شاخص کارکردی و لازمه محیط برای تحقق حقوق شهروندی زنان را عامل تأمین نیاز خدماتی و جسمانی زنان و پاسخگویی محیط به نیاز استفاده‌کنندگان تشکیل می‌دهند.
- بیشترین شاخص‌های کالبدی برای تحقق حقوق شهروندی و حضور در فضاهای باز شهری را عامل دسترسی به فضاهای باز و حمل‌ونقل امن تشکیل می‌دهند.



اوز پیشرو در مشارکت زنان

مخدیجه فقیهی نژاد

امروز می‌خواهیم شما را با شهری آشنا کنیم که احتمالاً تا چند وقت قبل اسمش را هم نشنیده بودید. این شهر طی سال‌ها با تلاش و کوشش شهروندانش توانسته است کالبد شهری خود را متناسب با نیاز روز جامعه توسعه دهد و هم‌زمان در بخش‌های متنوع فرهنگی-اجتماعی در کنار شهرهای بزرگ کشور مطرح شود.

اوز مرکز شهرستان اوز در استان فارس است که در ۳۶۵ کیلومتری جنوب شرقی شیراز (مرکز استان فارس)، ۳۰۰ کیلومتری بندرعباس، واقع در ۱۲۸۱ کیلومتری جنوب شرقی و جمعیت آن حدود ۲۵ هزار نفر می‌باشد.

مردم این شهر پیرو دین اسلام و فقه شافعی در اهل سنت هستند و با گویش لارستانی که ریشه در فارسی میانه دارد صحبت می‌کنند.

از نظر آب‌وهوا در شمار مناطق گرم و خشک و کم آب است. آب قابل شرب جاری یا زیرزمینی ندارد و مردم آن در گذشته آب آشامیدنی خود را از محل جمع‌آوری آب باران که در آب‌انبارهای سنتی ذخیره می‌شده تأمین می‌نموده‌اند. در سال‌های اخیر با شروع بهره‌برداری از آب سد سلمان فارسی استفاده از آب‌لوله‌کشی سالم در این شهر ممکن گردیده است. در سال ۱۳۸۹ اولین دستگاه آب‌شیرین‌کن توسط موسسه خیریه سلمان فارسی به نیابت از خیر احداث شده است. به دلیل کمبود آب، کشاورزی رایج نیست و جالیز صیفی‌جات و نخلستان‌های کوچک در اطراف شهر وجود دارد. مردم اوز بیشتر به کارهای خدماتی در شهر و تجارت کالا در کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه امارات متحده عربی می‌پردازند.

● مهاجرت یک ویژگی بی‌بدیل

مهاجرت از دیرباز در این شهر رواج داشته است. ویژگی مهاجرت در بین مردم این شهر در نسل‌های جدید ادامه یافته و به اروپا و آمریکا و کانادا هم رسیده است.

هدف مهاجرت پسران نوجوان و جوان و مردان به‌جای دور و نزدیک تا قبل از تأسیس مدارس صرفاً معیشتی بود. پس‌از آن انگیزه ادامه تحصیل موجب افزایش مهاجرت به شهرهایی با امکانات تحصیلی بیشتر شد.

مهاجرت به شهرهای دور و نزدیک داخل کشور از لار و شیراز و بندرعباس و بندرلنگه و اصفهان و کرمان و یزد و تهران و آبادان تا شهرهای خارج کشور مانند بمبئی و ابوظبی و شارجه و دبی و رأس‌الخیمه و عمان، فجیره و دمام و دوحه و کویت و بحرین مرسوم بوده است.

از دهه ۳۰ به مرور زمان، مردان مهاجر به کشورهای حوزه خلیج فارس شرایط سکونت خانواده‌های خود را فراهم کردند و شاهد بزرگ شدن نسل‌های بعدی در حوزه جغرافیایی فرامرزی بودیم. بسیاری از آنان در ادامه الگوی خانوادگی خود، رابطه عاطفی با زادگاهی که در آن زاده نشده‌اند را حفظ کرده و با یاری ساکنین در آبادانی شهر نقش دارند.

مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر داخل کشور عموماً همراه با خانواده بوده است و رفت‌وآمدهای خانوادگی میان زادگاه و محل سکونت تأثیرات همه‌جانبه‌ای را هم با خود می‌آورد و مردم را با سبک‌های متنوع زندگی آشنا می‌کرد که می‌توانست به‌نوعی فکر



باز و حق انتخاب آگاهانه را وارد فرهنگ ما کند.

در مواردی خانواده‌ها پسران نوجوان خود را برای کسب فن و مهارت به شهرهای بزرگ‌تر داخل و خارج از کشور می‌فرستادند. این گروه در برگشت به زادگاه، مشاغل جدیدی (کارگاه‌های کوچک حرفه‌ای) را ایجاد کردند.



خیّر ساخته شد و به دنبال آن مدارس بیشتری توسط نیکوکاران احداث شد و آموزش در سطح عمومی گسترش یافت. اولین دبیرستان اوز در سال ۱۳۲۸ شمسی به نام دبیرستان هوشیار، خیریه مرحوم محمد شریف هوشیار تأسیس شده است. به گفته مرحوم محمد شریف هوشیار پیشنهاد دهنده، مشوق و همراه ایشان در ساخت، تجهیز و رونق این دبیرستان همسر ایشان، مرحوم بانو بلقیس هوشیار بوده است. انگیزه اصلی این بانو جدا شدن مدارس دختران از پسران باهدف آسایش بیشتر دختران و افزایش میل بیشتر خانواده‌ها در تحصیل دختران بوده است. این زوج نیکوکار که در شیراز زندگی می‌کردند برای تمام موانع بازدارنده موجود در زمان خود، راه‌حل پیدا کردند و میزبانی ۳ معلم زن و ۵ معلم مرد را در منزل خود در اوز به عهده گرفتند.

● چرخه‌ای برای بازآفرینی

پس از آن زنان معلم در خانه‌هایی که مردانشان در سفرهای معیشتی طولانی به سر می‌بردند، همدم و هم‌خانه زنان اهل اوز می‌شدند که نوعی همزیستی و تبادل فرهنگی و درآمدزایی را برای خانواده‌ها به دنبال داشت.

نگاه احترام به حقوق زن در یادداشتی که از سال ۱۳۶۶ از زنده‌یاد محمد شریف هوشیار به‌جامانده است کاملاً نمایان است. ایشان می‌گوید:

«ترقیات جوامع بشری از ناحیه تعلیم و تربیت زنان آن جامعه به وجود آمده است. معتقدیم جوامع بشری هرگاه زنانشان دارای علم و تربیت و تحصیلات خوب باشند، فرزندانشان که بعداً مردان و زنان آن جامعه خواهند بود مترقی خواهند شد. از زمانی که جوامع بشری به‌سوی تکامل گام برداشته‌اند کارهای اجتماعی را با همکاری همگانی انجام داده‌اند.»

● آموزش آغاز رویش

آموزش همگانی موجب ایجاد مشاغل جدید برای زنان و مردان شد و اولین معلمان بومی زن که دانش‌آموخته همین مدارس بودند در آموزش و پرورش استخدام شدند و در کنار مردان جوانی که در شهرهای بزرگ‌تر تحصیل کرده بودند قرار گرفتند. به‌واسطه حضور کودکان در مدارس و لزوم ارتباط خانه و مدرسه زنان بیش از گذشته وارد جامعه شدند تا به امروز که بیش از ۵۰ درصد کارکنان آموزش و پرورش زن هستند.

مادران بخشی از دل‌تنگی‌های عاطفی خود در زمان دوری از همسر را با دقت بیشتر بر تربیت فرزندان به فرصتی سازنده

● زنان آغازگر یک زندگی اجتماعی نو

زنان اوز از دیرباز بارونق مشاغل خانگی در چرخه اقتصاد خانواده نقش داشتند. این مشاغل شامل صنایع دستی زری‌دوزی، گلابتون دوزی و انواع بافت‌های سنتی مثل خوص‌بافی، قیطان‌بافی، جوراب‌بافی (نوعی پاپوش زنانه و مردانه یا همان گیوه)، بافت‌های متنوع از برگ جوان نخل، خیاطی، فروش فرآورده‌های دامی و کشاورزی بودند. اکنون حدود ۱۵ درصد از جوازهای کسب‌وکار در صنوف مختلف به نام خانم‌هاست. با توجه به اینکه بسیاری از مشاغل خصوصی، خانوادگی مدیریت می‌شود و کارفرماها نیز از استخدام زنان استقبال می‌کنند در عمل ۴۰ درصد زن و ۶۰ درصد مرد فعالیت دارند.

قبل از تأسیس مدارس جدید، در مکتب‌خانه‌ها پس از ختم قرآن کریم برای پسران و دختران خوانش بوستان و گلستان سعدی رواج داشت. آموزش نوشتن در مکتب‌خانه‌ها، خاص پسران بود. در این دوره تعداد قابل‌توجهی از مردان جوان در شهرهای بزرگ‌تر سبک جدید سواد را آموخته بودند و در مواردی به زنان خانواده نیز آموزش می‌دادند.

نخستین مدرسه اوز در سال ۱۳۰۷ در منزل خیّر بزرگوار حاج عبدالله رحیم به‌صورت مختلط آغاز به کار کرد. تا سال ۱۳۱۷ که دبستان بدری به‌عنوان اولین ساختمان آموزشی برای پسران توسط



● **کانونی کوچک برای سلامت**

دل‌بستگی عاطفی ریشه‌دار به یک زن در مردان مهاجر، توانست دل‌بستگی به زادگاه را ریشه‌دارتر کند که قدرتی برای ساختن و آباد نگه‌داشتن ایجاد کرده است.



در سال ۱۳۲۷ ساختمان درمانگاه اوز توسط نیکوکار ارجمند عبدالله یزدانی بنا شد. این درمانگاه در سال ۱۳۲۹ دارای یک پزشک، یک پزشک‌یار، دو پرستار، یک خدمتگذار و یک سرایدار بوده و روزانه بین ۲۰ تا ۳۰ بیمار را پذیرش می‌کرده. بالا رفتن سطح بهداشت و درمان نقش مهمی در پایین آمدن آمار مرگ‌ومیر مادران باردار، نوزادان و کودکان داشت.

از آن پس سایر امکانات دنیای جدید هم‌زمان با برخی از شهرهای بزرگ کشورمان وارد اوز شد. در حال حاضر ۶۷ درصد از کارکنان شبکه بهداشت را زنان تشکیل می‌دهند.

در این دهه شاهد پیوندی سازنده بین نوگرایی و سنت در ابعاد مختلف هستیم که حضور فعال زنان را فراتر از نقش آنان در خانواده به همراه آورده است.

● **اوز نام شهر بر خود می‌گیرد**

تأسیس شهرداری (۱۳۳۴)، نقش مهمی در پیشرفت و مدیریت شهری به سبک جدید داشت.

الگوپذیری و الگوبرداری از دنیای جدید آهسته و پیوسته در سبک اداره شهر مؤثر افتاد و اوز را در دهه‌های مختلف از نظر اجتماعی شاخص کرده که البته چالش‌ها و پیچیدگی‌هایی هم به همراه آورده است.

یکی از ویژگی‌های شهر اوز حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و علمی است. آنچه امروز از نقش زنان در شهر

تبدیل می‌کردند. نقش پدری بر عهده مادران بوده و بسیار خوب از عهده‌اش برآمدند.

آنچه در اینجا مورد توجه ما قرار دارد، نوع بودن زنانی است که مردان خود را راهی سفر کرده و تمام مسئولیت‌های زندگی را به عهده می‌گیرند.

"غریب تندرست باشید" جمله‌ای دعایی است که از مادران چند نسل تاکنون هنوز رایج است که نشان از پذیرش مهاجرت از سوی اهالی این دیار دارد.

زنان در بستر زندگی یاد گرفتند که چگونه مستقل شوند و چگونه با همه سختی‌ها روی پای خود بایستند و مدیریت خانواده را در تمام ابعاد از نگهداری از نوزادان، مراقبت از فرزندان و پرورش آنان و حفظ سلامت جسمی و روانی خانواده گرفته تا مدیریت مالی را به عهده بگیرند.

تعهد و مسئولیت مادران به آنان نوعی اختیار می‌داد که عنصر مهمی در بقا و رشد خانواده محسوب می‌شد.

دور بودن اعضای خانواده از همدیگر، خألهای عاطفی سنگینی را ایجاد می‌کرد که گذر از آن جز با شکیبایی و امیدواری ممکن نبود. همه‌گیر بودن این درد مشترک در هر دو سو نوعی صمیمیت، همدلی و همکاری جمعی را تولید می‌کرد که در درازمدت عنصر مشارکت را در جامعه ما نهادینه کرده است.

شیوه‌های حل مسئله که ابتکار عمل را در حل مشکلات اقلیمی و محیطی و فردی و جمعی تقویت می‌کرد به ترتیب سبک زندگی را به سمت مشارکت بیشتر در خانواده، خویشاوندان و همسایگان می‌برد و برآیند آن به کل مردم برمی‌گشت. در واقع به طرز ساده و خردمندانه‌ای منافع عمومی از منافع شخصی والاتر می‌شد و ارتباطی برنده-برنده را بین اهالی هر محله پایدار می‌کرد.





● گام‌های تازه برای امروز

در سال ۱۳۷۹ اولین دفتر تاکسی تلفنی بانوان با کسب مجوز از شهرداری با تعداد ۱۰ راننده زن آغاز به کار کرد و دفتر دیگری نیز در سال ۱۳۸۲ با ۸ راننده زن افتتاح شد که هر دو همچنان فعال می‌باشند.

از سومین دوره انتخابات شورای اسلامی شهر اوز تاکنون حداقل یک زن وارد این شورا شده است و در آخرین انتخابات بالاترین رای مردم برای یک بانوی تحصیل کرده بود.

موسسه خیریه سلمان فارسی که از سال ۸۹ فعالیت خود را به‌عنوان یک انجمن خیریه آغاز کرده است نمونه‌ای از پیوند خیریه سنتی و فعالیت‌های مدرن می‌باشد. کمک به نیازمندان و بیماران، برگزاری دوره‌های حرفه‌ای و مهارتی با همکاری سازمان فنی حرفه‌ای همراه با گواهینامه معتبر و به دنبال آن وام بدون بهره برای ایجاد کسب‌وکار از نمونه‌های فعالیت‌های این انجمن است که ۹۰ درصد از اعضای داوطلب این انجمن زنان هستند. بخش دیگری از فعالیت‌های این موسسه خیریه که به کارهای ماندگار معروف است مانند احداث آب‌شیرین‌کن، احداث بخش دیالیز در بیمارستان، تکمیل وسایل اتاق عمل بیمارستان برای جراحی چشم، پیگیری احداث منبع آب ۵ هزار مترمکعبی شهر اوز از کمک‌های مردمی که با تلاش بانوان همکار داوطلب موسسه خیریه انجام پذیرفته است.

دیده می‌شود، به‌یقین بر پایه‌ای از نقش مادران و مادر بزرگ‌های آنان در گذشته استوار است و آنچه در آینده خواهیم دید، ادامه این روند تاریخی خواهد بود.

از امروز که به دیروز نگاه می‌کنیم می‌بینیم که سرمایه اجتماعی شهر اوز در ترکیب تلاش زنان و مردانی که مهاجرت کردند و شهروندانی که ساکن ماندند، موهبتی برای اوز شده است.

● نقش کنونی زنان در شهر

زنان در حال حاضر جدا از نقش بارز مادری، خواهری، فرزندی و همسری، نقش‌های متفاوتی در مدیریت شهری دارند، اگرچه عمدتاً در سطح مدیران میانی و حتی کمتر از آن سطح به کار گرفته شده‌اند. به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است که بتوانند نقش بیشتری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های بالاتر ایفا کنند.

در سازمان‌های مردم‌نهاد که آن‌هم ریشه در تفکر و پیشینه کار گذشتگان در امور خیر دارد، زنان در اقدامی مسئولانه و داوطلبانه نقش مدیریتی مؤثرتری را ایفا می‌کنند. در یک برآورد کلی می‌توان گفت آمار فعالیت‌های خیرخواهانه و داوطلبانه زنان در اوز از ۹۰ درصد کل فعالین هم بیشتر است.

آمار دانشجویان و فارغ‌التحصیلان از دانشگاه علوم دینی، دانشگاه پیام نور مرکز اوز، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشکده بهداشت هم نشان از بالا بودن درصد حضور زنان دارد.



به دلیل پیشینه مدیریتی انجمن در اجرای شاخص‌های بومی اوز- شهر دوستدار کودک، شهرداری اوز مطابق با دستورالعمل از این انجمن در مقام مشورتی شورای اجرایی شهر دوستدار کودک شهرداری اوز دعوت نموده است. طرح ملی شهرهای دوستدار کودک ایران در سطح کلان توسط کمیته هماهنگی شهرهای دوستدار کودک مستقر در امور بین‌الملل وزارت کشور مدیریت می‌شود و مدیریت بومی آن به عهده ادارات یا واحدهای دوستدار کودک در شهرداری‌هاست.

نقش زنان اوز در جامعه روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. تقویت نقش حمایتی زنان نسبت به هم‌دیگر و تمرین کار مشارکتی و گروهی فارغ از تمام تفاوت‌های فکری و فردی می‌تواند به رشد کیفی این حضور برکت دهد.

امیدواریم شهرستان نوپای اوز بتواند با شناخت کارشناسانه از این حضور حداکثر بهره را در منافع عالی شهر و مردم ببرد. مسئولیت ما زنان این است که در مقابل شتابی که همه دنیا را فراگرفته تکنولوژی را به خدمت در آورده و از غرق شدن در مصرف‌گرایی پیشگیری کنیم تا بتوانیم با استفاده از آموخته‌های خود و عمل به آن تغییرات متناسب با زمانه را در خود و به تبع آن در جامعه ایجاد کنیم.

زنان حضور قابل توجهی در کتابخانه‌ها، گروه‌ها و کمیته‌های ورزشی، هلال احمر و شورایاران محلات دارند. شهرداری اوز در برنامه‌های پایتخت کتاب و ... فعالیت دارد.

زنان در کلیه اقدامات پیشگیری، آموزش، تشکیل ستادهای مردمی، پشتیبانی، مراقبت و درمان در بحران جهان‌شمول انتشار ویروس کووید ۱۹ از سازمان‌های دولتی و غیردولتی در کنار مردان کوشا بوده و همچنان فعال هستند.

در سال ۱۳۸۶ جمعی از بانوان، آغازگر حرکتی نو در جهت زندگی بهتر کودکان شدند و در این راه توانستند مردان را نیز با خود همراه کنند. جمعی از این بانوان انجمنی بومی تشکیل دادند. انجمن دوستداران کودک اوز در سال ۱۳۸۷ فعالیت خود را آغاز کرده و به‌عنوان یک سازمان مردم‌نهاد (سمن) با موضوع تحکیم بنیان خانواده در وزارت کشور ثبت شده است. تمام اعضای هیئت مؤسس و هیئت‌مدیره این انجمن و بیش از ۹۰ درصد اعضای آن زن هستند.

از آنجاکه محور کار این انجمن زندگی بهتر برای همه کودکان است و با توجه به گستردگی حضور زنان در مراقبت از کودکان چه در خانواده و چه در جامعه، بیشترین ارتباط این انجمن با زنان است. هرچند که این انجمن تلاش می‌کند نقش پدران را در رشد همه‌جانبه کودکان پررنگ‌تر کند

● و سرانجام، دستاوردی درخشان

این انجمن توانست گروهی از بانوان را از سال ۸۷ حول محور زندگی بهتر برای همه کودکان منطقه گرد هم آورد. این گروه تحت عنوان بانوان دوستدار کودک در یک خودجوشی متعهدانه طی این سال‌ها در ترویج تفکر دوستدار کودک کوشا بوده‌اند. زنانی که در بعد مسافت از هم دور هستند اما عشق به زادگاه و کودکان منطقه دل‌های آنان را به هم نزدیک نگاه داشته است. این بانوان در حدود امکانات و توانمندی‌های خود از اجرای شاخص‌های اوز شهر دوستدار کودک حمایت می‌کنند.

در حال حاضر عمده فعالیت این انجمن همکاری در پیشبرد طرح ملی شهرهای دوستدار کودک با مدیریت شهرداری است. این طرح ملی طی دستورالعملی از سوی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به شهرداری‌های سراسر کشور ابلاغ شده است.





جلسه شورای پژوهش، آموزش و انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور برگزار شد

نماییم، گفت: با توجه به ارتباط مستمر مردم با خدمت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و افزایش انتظارات آنها، اعتقاد دارم تصمیمات، برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها باید از پشتوانه علمی و تحقیقاتی لازم و اجماع نظرات صاحب‌نظران برخوردار باشد.

جمالی‌نژاد همچنین بر ضرورت بهره‌گیری از یافته‌های علمی جدید در آموزش‌های ضمن خدمت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تأکید نمود و گفت: در این عرصه باید از ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و تجربیات کارکنان خبره و مجرب بدنه شهرداری‌ها به نحو مطلوب بهره گرفت. در ادامه دکتر پیروز حناچی شهردار تهران طی سخنانی با تأکید بر ضرورت ارایه آموزش‌های کاربردی و بیان مباحث اصلی و عمده‌ی مدیریت شهری برای کارکنان شهرداری‌ها و اعضای شوراهای هدف افزایش دانش شغلی آنان، موضوع فراهم نمودن زمینه‌ی ارزیابی و رقابت بین شهرها و تدوین شاخص‌های این موضوع را مطرح ساخت. وی همچنین با اشاره به اینکه مباحث جدیدی طی سال‌های اخیر به دلیل گسترش شهرنشینی و افزایش ساخت و سازها وارد ادبیات این عرصه شده که در قوانین موجود به آنها اشاره نشده است، گفت: با توجه به این تحولات، نیازمند مدیریت جدیدی برای وضعیت‌های جدید می‌باشیم و باید در پژوهش‌ها و مطالعات کاربردی به ابعاد مختلف آنها توجه لازم شود.

حناچی با اشاره به اینکه کلانشهرها یکسری مسایل و مشکلات مشابه در موضوعات حمل و نقلی، پسماندها و آتش‌نشانی و ایمنی دارند که مقیاس آنها با هم تفاوت دارد، گفت: یک تصمیم متمرکز می‌تواند این مشکلات را رفع نماید و اتفاقی که در عرصه اصلاح و تدوین قوانین باید رخ بدهد، لازمه‌اش انجام پژوهش و داشتن

جلسه شورای پژوهش، آموزش و انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با حضور دکتر جمالی‌نژاد رییس این سازمان، استاندار آذربایجان شرقی، شهرداران تهران و قم، معاونان عمرانی استانداری‌های خراسان رضوی و گلستان و جمعی از اساتید و پژوهشگران دانشگاهی در تاریخ ۲۴ تیرماه تشکیل شد. به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، مهدی جمالی‌نژاد در این جلسه با تأکید بر اهمیت پژوهش و آموزش‌های کاربردی در توسعه مدیریت شهری و روستایی و پیشبرد برنامه‌های این عرصه‌ها، اداره مطلوب شهرها و روستاها و افزایش رفاه و رضایتمندی مردم، تصریح کرد: ضرورت دارد جهت‌گیری و برنامه‌های پژوهشی حوزه کاری شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به سمت رفع نیازها و مشکلات این دو نهاد عمومی غیر دولتی باشد و از مباحث نظری صرف پرهیز نمود. وی با بیان اینکه مراکز پژوهشی شهرداری‌ها و مراکز علمی-تحقیقاتی کشور برای حل چالش‌های پیش روی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و حل مشکلات اصلی آنها از جمله در مباحثی نظیر شناسایی درآمدهای پایدار، اصلاح روش‌های انجام کار، افزایش بهره‌وری و توسعه خدمات الکترونیک می‌بایست راهکارهایی کاربردی تدوین نمایند، گفت: نتایج پژوهش‌های کاربردی باید در عرصه مدیریت شهری و روستایی کشور بیشتر به کار گرفته شود.

ایشان در ادامه با بیان اینکه همواره تلاش کرده‌ایم تا در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌سازی‌ها از نظرات و دیدگاه‌ها و پیشنهاد‌های استادان دانشگاه، پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه‌های مدیریت شهری و روستایی و حوزه‌های مرتبط استفاده



شهرها و روستاها و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در فرایند توسعه و برنامه‌ریزی برای ارتقای جایگاه مدیریت شهری در افکار عمومی و افزایش رضایتمندی مردم از این نهاد عمومی غیر دولتی تاکید نمود. وی افزود: باید در بحث آموزش شهرداری‌ها به دنبال آموزش‌های ضمن خدمت و تدوین متون آموزشی کاربردی ویژه کارکنان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها باشیم و نه توجه به تحصیلات دانشگاهی.

همچنین دکتر نامور حقیقی استاد دانشگاه هم طی سخنانی بر راه‌اندازی بانک اطلاعاتی و سامانه‌ای برای لحاظ شدن پژوهش‌های صورت گرفته در عرصه‌های مدیریت شهری و روستایی و درج مقالات تخصصی این عرصه تاکید نمود و گفت: باید با توجه به اقلیم و نیازهای بومی کشور برندهایی را برای شهرها و روستاها ایجاد کنیم. وی همچنین بر تفکیک وظایف شهر، شهروندان و مدیران شهری و برنامه‌ریزی هدفمند برای استفاده مطلوب از فضای مجازی در عرصه آموزش و پژوهش و انتشار کتب و نشریات تاکید نمود.

مهندس غراوی معاون عمرانی استانداری گلستان هم ضمن برنامه‌ریزی برای کاربردی شدن مطالعات در شهرهای میانی و کوچک، انجام پژوهش ملی در خصوص هزینه‌های اداره شهر و تامین درآمدهای پایدار و برنامه‌ریزی برای آموزش شهرداران پیش از آغاز به کار در سمت شهردار تاکید نمود.

دکتر بوجانی رییس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران نیز بر لزوم تقویت رابطه شهرداری‌ها و دانشگاه‌ها تاکید کرد و سامانه پژوهش‌یار را گامی در این زمینه و همچنین فرصتی برای به اشتراک‌گذاری تجربیات پژوهشی شهرداری‌ها دانست. وی همچنین بر لزوم تجمیع مراکز پژوهشی شورای شهر و شهرداری در کلانشهرها تاکید نمود و این اقدام را تجربه موفق در شهرداری تهران دانست.

در این جلسه همچنین اسماعیل زیارتی نصرآبادی رییس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور گزارشی از آخرین برنامه‌ها و اقدامات این سازمان در زمینه‌های پژوهش، آموزش شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و انتشارات بیان نمود.

در این جلسه مقرر شد کارگروه‌های تخصصی برای پیگیری موارد مطرح شده در این جلسه و انتظارات و نیازهای شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در حوزه‌های پژوهش، آموزش و انتشارات تشکیل شود.

مبانی نظری روشن و مشخص است که بتواند ضمن مشخص کردن جایگاه فعلی ما، چالش‌ها را شناسایی نموده و مشخص نماید که چه قانونی می‌تواند پاسخگوی رفع چالش‌ها باشد.

وی همچنین گفت: در توسعه فضای مجازی، شاهد اجتماعی شدن فضای مدیریت شهری هستیم و در این فضا مباحث خیلی زود علنی و در خصوص آنها تبادل نظر می‌شود و این امری است که دست‌اندرکاران مدیریت شهری باید به آن توجه و از ظرفیت‌های آن استفاده نمایند. همچنین دکتر سید مرتضی سقاییان‌نژاد شهردار قم هم طی سخنانی با اشاره به برخی مشکلات فعلی شهرداری‌ها و مطالبات مردمی از این دستگاه گفت: برخی ساختارهای فعلی شهرداری و مباحث درآمدی شهرداری از جمله مشکلات اصلی این حوزه است که پاسخگوی انتظارات برای اداره مطلوب شهر نیست.

وی بر ضرورت تغییر و اصلاح ساختار فعلی شهرداری‌ها، ضرورت برنامه‌ریزی جامع منطقه‌ای برای رفع مشکلات مدیریت شهری، اعمال تمرکززدایی در مدیریت شهری، پرهیز از مدرک‌گرایی در آموزش شهرداری‌ها، نزدیک شدن مراکز مطالعاتی شهرداری‌ها به یکدیگر به منظور انتقال تجربیات و دوری از موازی کاری‌ها و بکارگیری نتایج پژوهش‌ها و مطالعات کاربردی در عرصه مدیریت شهری و روستایی تاکید نمود.

دکتر پورمحمدی استاندار آذربایجان شرقی هم ضمن تاکید بر توجه به نظام شبکه‌ای به جای نظام سلسله‌مراتبی در عرصه برنامه‌ریزی کشور، گفت: نظام برنامه‌ریزی ما در برخی موارد سنتی و مغایر با اصول مدیریت شهری است که باید برای بکارگیری ظرفیت‌های مدیریت شهری در توسعه کشور، این نظام بازنگری و اصلاح شود.

در این جلسه همچنین دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشگاه تربیت مدرس، ضمن تایید مسایل و مشکلات برنامه‌های مطرح شده، بر این نکته تاکید کرد که بایستی چند موضوع ساده و واجد اولویت را مشخص کنیم و روی آن تمرکز داشته باشیم. وی همچنین بهره‌گیری از ظرفیت دانشجویان دکتری و آشنا کردن آنها با مسایل و مشکلات مدیریت شهری و روستایی را بسیار مهم و حائز اهمیت دانست.

دکتر حسین ایمانی جاجرمی استاد دانشگاه تهران هم طی سخنانی بر تدبیر برای رفع مشکلات کلانشهرها، اتخاذ تصمیم برای رفع مشکلات شهرداری‌های مناطق محروم، تعیین تکلیف سیاست ملی شهری و روستایی و مشخص شدن جایگاه



انعقاد تفاهم نامه همکاری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و بنیاد ملی خانواده

رییس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از امضای تفاهمنامه همکاری مشترک بین این سازمان و بنیاد ملی خانواده همزمان با سالروز ازدواج حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) با هدف محور قرار گرفتن موضوع خانواده و نهادینه‌سازی شاخص‌های خانواده‌محور در فعالیت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، مهدی جمالی‌نژاد با بیان این مطلب گفت: این تفاهم‌نامه در راستای اجرای اصل دهم، بیستم و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیاست‌های کلی خانواده و جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری، قانون تسهیل ازدواج جوانان، قانون حمایت از خانواده و به‌منظور تحکیم، حفظ و تعالی جایگاه خانواده و پیشگیری از آسیب‌های آن در سطح جامعه، فی‌مابین سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و بنیاد ملی خانواده منعقد شد. وی موضوع این تفاهم‌نامه را توسعه همکاری‌های متقابل و بهره‌مندی از ظرفیت‌های طرفین برای طراحی، اجرا و پیشبرد برنامه‌های مشترک در راستای ترویج و تسهیل امر تشکیل خانواده، تثبیت بنیان خانواده، افزایش بعدخانوار، سلامت و تعالی آن در جامعه ایرانی مبتنی بر معیارهای خانواده مطلوب اسلامی در شهرها و روستاهای کشور ذکر نمود.

جمالی‌نژاد، اهداف این تفاهمنامه همکاری مشترک را محور قرار گرفتن موضوع خانواده و نهادینه‌سازی شاخص‌های خانواده‌محور در فعالیت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، بهره‌گیری از امکانات و فرصت‌های اداری، اجرایی، رفاهی، فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، عمرانی و شهرسازی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برای تحقق اهداف و سیاست‌های نظام در حوزه خانواده مبتنی بر اسناد بالادستی و مشارکت در توانمندسازی، حمایت، تقویت، تامین زیرساخت‌ها، شبکه‌سازی و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مرتبط با خانواده و تسهیل اقدامات مرتبط اعلام کرد.

رییس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در ادامه محورهای همکاری این تفاهم‌نامه را تدوین فرایند و شاخص‌های اجرایی شهر و روستای دوستدار خانواده و استفاده از ظرفیت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برای تحقق اهداف طرح، ترغیب و هدایت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برای توسعه خانواده محور شهر و روستا و گسترش فعالیت‌های خانواده‌محور، حمایت از تشکلهای مردمی فعال در حوزه خانواده برشمرد.

جمالی‌نژاد، راه‌اندازی باشگاه شهرها و روستاهای دوستدار خانواده برای تبادل دانش و تجارب در قالب نشست‌های علمی، کارگاه‌های توانمندسازی و جشنواره‌های ترویجی و انگیزشی، فضا سازی و ایجاد جریان اطلاع‌رسانی در سطح شهرها و روستاهای کشور با استفاده از امکانات و زیرساخت‌های موجود برای انتشار محتوای موثر تبلیغی و تشویقی هدفمند در حوزه خانواده، طراحی و اجرای دوره‌های توانمندسازی و مهارت‌های زندگی و خدمات مشاوره به شهروندان و کارکنان با مشارکت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در مراکز اجتماعی و فرهنگی تحت مدیریت شهرداری‌ها و دهیاری‌ها را از دیگر محورهای همکاری دو طرف این تفاهم نامه اعلام کرد.



۱۲ شهر به عنوان شهرهای منتخب برای پایلوت شهر دوستدار کودک انتخاب شدند

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، حسین رجب صلاحی با بیان خبر فوق اظهار کرد: انتخاب ۱۲ شهر به عنوان شهرهای منتخب برای پایلوت شهر دوستدار کودک پیرو ابلاغ دستورالعمل "شهرهای دوستدار کودک، ضوابط راهنمای شهرداری‌ها" توسط رییس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در شهریور ماه ۱۳۹۷ و همچنین تشکیل دو کارگاه آموزشی مشترک با همکاری مرکز اطلاع‌رسانی و امور بین الملل وزارت کشور و یونیسیف ایران برای آموزش شهرداری‌ها در زمینه روش‌های دستیابی به شهر دوستدار کودک ایرانی، با هدف ترویج فضاهای دوستدار کودک در شهرهای کشور و ایجاد فضاهای امن شهری برای رشد و پرورش کودکان و نوجوانان کشور صورت گرفته است.

وی افزود: شهرهای تهران، تبریز، همدان، مشهد، یزد، شیراز، بندرعباس، گرگان، کرمان، رشت، سمنان و اوز در استان فارس به عنوان شهرهای پایلوت شهر دوستدار کودک توسط کمیته ملی شهر دوستدار کودک متشکل از نماینده سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، نماینده دفتر مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده، نماینده مرکز اطلاع‌رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور و نمایندگان یونیسیف ایران، انتخاب شدند.

رجب صلاحی در ادامه گفت: شاخص‌های انتخاب این شهرها که از بین بیش از ۵۰ شهر متقاضی انجام گرفت، شامل تشکیل ادارات یا واحدهای شهر دوستدار کودک، تشکیل شورای اجرایی فرابخشی دوستدار کودک، میزان انجام پروژه‌های عمرانی، ترافیکی، اجتماعی و فرهنگی دوستدار کودک اعم از پارک کودک، بازیگدها و فضاهای متناسب برای کودکان و نیز فعالیت‌های ترویجی و فرهنگی بوده است. وی همچنین عنوان کرد: شهرهای پایلوت طی تفاهمنامه سه جانبه‌ای که به امضای معاون عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزیر کشور و رییس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور و شهردار شهر پایلوت خواهد رسید، متعهد می‌شوند تا با راهنمایی و هدایت کمیته ملی برای تهیه برنامه عملیاتی شهر دوستدار کودک و اجرای اهداف و شاخص‌های آن اقدام نمایند. وی اضافه کرد: این شهرها در صورت اجرای موفقیت‌آمیز برنامه، پس از یک دوره ۳ تا ۵ ساله و در صورت تایید کمیته ملی به مرحله کاندیداتوری شهر دوستدار کودک یونیسیف و در مرحله آخر به اخذ نشان شهر دوستدار کودک نائل خواهند شد. رجب صلاحی در خاتمه گفت: این موضوع از برنامه‌های اولویت‌دار دفتر برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه شهری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور است که پس از ابلاغ دستورالعمل "شهرهای دوستدار کودک، ضوابط راهنمای شهرداری‌ها" با جدیت و با همکاری مرکز اطلاع‌رسانی و امور بین‌الملل وزارت کشور و یونیسیف ایران در حال اجراست.



برنامه‌های آموزشی کارکنان شهرداری‌ها و دهیاری‌های ۲۰ استان تایید و ابلاغ شد

رئیس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از تایید برنامه‌های آموزشی سال ۱۳۹۹ کارکنان شهرداری‌ها و دهیاری‌های ۲۰ استان کشور و ابلاغ آن به استانداری‌ها همزمان با هفته شهرداری و دهیاری خبر داد. به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، اسمعیل زیارتی نصرآبادی با بیان این مطلب گفت: برنامه‌های آموزشی استان‌ها در اولین کارگروه آموزش و توسعه منابع انسانی شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور مورد بررسی و تایید کارگروه قرار گرفت که برنامه‌های مذکور می‌بایست از طریق استانداری‌ها و مجریان ذی صلاح تا پایان سال جاری برنامه‌ریزی و برگزار شوند. وی اضافه کرد: برنامه آموزشی سال جاری کارکنان شهرداری‌ها و دهیاری‌های شامل استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، البرز، ایلام، اصفهان، تهران، کردستان، کرمانشاه، گیلان، زنجان، سمنان، لرستان، هرمزگان، قم، همدان، یزد، بوشهر، مازندران و قزوین است که به معاونین عمرانی استانداری‌های مربوطه جهت اجراء ابلاغ شد. وی یادآور شد: برنامه‌های آموزشی ۱۱ استان دیگر طی هفته آینده به استانداری‌ها ابلاغ خواهد شد. زیارتی نصرآبادی همچنین اظهار کرد: در اجرای برنامه‌های آموزشی، استانداری‌ها ضمن رعایت و توجه به ضوابط مندرج در بخشنامه بودجه سال ۱۳۹۹ شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، شیوه‌نامه هزینه کرد اعتبارات آموزشی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، رعایت کلیه ضوابط حقوقی و قانونی در انتخاب و عقد تفاهم‌نامه و قرارداد با مجری آموزشی، می‌بایست گزارش عملکرد دوره‌های آموزشی برگزار شده را هر سه ماه یکبار به مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ارسال نمایند. وی یادآور شد: با توجه به شرایط کنونی کشور، در اجرای دوره‌های آموزشی حتی القمدور استانداری‌ها تلاش نمایند دوره‌های آموزشی ترجیحاً به صورت غیر حضوری و با رعایت موارد بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت دستورالعمل‌های ستاد ملی مبارزه با کرونا اجرا شود.



پروژه جدول گذاری معابر مسکن مهر قشم

این پروژه به طول ۴ هزار متر و با اعتبار ۳ میلیارد و ۵۶۸ میلیون ریال آغاز شد که پیمانکار آن شرکت کاوان پی قشم و ناظر پروژه نیز واحد عمران و شهرسازی شهرداری قشم است. پروژه‌های در دست اقدام شهرداری در مسکن مهر قشم شامل سه پروژه تسطیح، جدول گذاری و آسفالت می‌باشد که اعتبار هر سه پروژه ۱۷ میلیارد ریال می‌باشد که این میزان از محل تملک دارایی و اعتبارات داخلی شهرداری قشم تأمین می‌شود. لازم به ذکر است شهرک مسکن مهر طولاً، هنگام بارندگی دچار آبگرفتگی می‌شود و بنابراین اقدامات شهرداری در بهسازی این شهرک مسکونی و تأمین رفاه شهروندان قابل تقدیر است. شهرک مسکونی مهر طولاً قشم دارای ۱۹ هزار و دوازده واحد مسکونی است که در حال حاضر بیش از ۷۰۰ خانوار در آن ساکن هستند.



شروع عملیات اجرایی احداث سلول جدید دفن بهداشتی پسماندها در سایت دفن و پردازش صفیره اهواز

قنواتی؛ مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند از آغاز احداث سلول جدید محل دفن صفیره، با هدف دفن بهداشتی و جلوگیری از مخاطرات زیست‌محیطی و بویژه پیشگیری از آتش‌سوزی‌های احتمالی در سایت دفن و پردازش پسماندها در صفیره خبر داد. با توجه به رویکرد جهادی شهردار اهواز و در پی آتش‌سوزی‌های چند ساله اخیر، دستور احداث سلول جدید محل دفن صفیره با روش فوکوئوکا صادر شد.

محمدرضا قنواتی، رئیس سازمان مدیریت پسماند شهرداری اهواز با اشاره به مشکلات مزمن محل دفن صفیره گفت: روزانه ۱۰۵۰ تن زباله به شکلی کاملاً مکانیزه در اهواز جمع‌آوری و به همراه پسماندهای شهرهای کوه‌عبدالله، و شیبان به محل دفن صفیره حمل می‌شود.

وی با توضیح این مطلب که ظرفیت سلول فعلی سال‌هاست که به اتمام رسیده، عنوان کرد: متأسفانه در طول سال‌های گذشته به شکل سنتی دفن پسماند صورت می‌گرفت که برخی مشکلات زیست‌محیطی و آتش‌سوزی‌های اتفاقی یا بعضاً عمدی اخیر را بدنبال داشته است.

قنواتی تصریح کرد: خط قرمز من مراقبت و محافظت محیط‌زیست و سلامت شهروندان از آلودگی‌های ناشی از پسماندها است بنابراین از روز نخست حضور در سازمان پسماند مقدمات آغاز مطالعات احداث سلول جدید را فراهم کردم که خوشبختانه کلیه مطالعات احداث این سلول با استفاده از توان بومی مهندسی واقع در سازمان مدیریت پسماند انجام شد.

قنواتی توضیح داد: سرمایه‌گذاری در زمینه احداث سلول را یک تکلیف برای مدیریت شهری می‌دانم و امیدوارم با عزم جدی شهردار اهواز و شورای پنجم، در زمینه تخصیص اعتبار لازم برای احداث سلول با سازمان پسماند همکاری لازم بعمل آید.

قنواتی توضیح داد: پس از طی فرآیند قانونی و با تسریعی که در این خصوص صورت گرفت، پیمانکار کارگاه را تجهیز کرده و می‌توان خبر آغاز فعالیت اجرایی احداث سلول جدید را با مبلغ اولیه ۸۶ میلیارد ریال و در مدت زمان ۸ تا ۱۰ ماه اعلام کرد. مدیرعامل سازمان پسماند شهرداری اهواز خاطر نشان ساخت: احداث سلول

مهندسی و بهداشتی تبدیل به یکی از مطالبات شهروندان و اعضای شورا شده بود که باید فرآیند اجرایی ساخت این سلول با نهایت دقت و سرعت صورت می‌گرفت که بی‌تردید با احداث بهره‌برداری از این سلول، تا چندین سال دغدغه‌ای از لحاظ دفن بهداشتی و ایمن پسماند در شهر اهواز وجود نخواهد داشت.

وی افزود: همچنین این نوید را می‌دهم که با استفاده از ظرفیت‌های قانونی این قرارداد، تکمیل سلول دوم پسماند صفیره که سال‌ها بلا تکلیف مانده بود نیز صورت می‌گیرد.

قنواتی در پایان گفت: با حمایت شهردار و شورای پنجم، در یک سال آینده تلاش می‌کنیم عقب‌ماندگی‌های چند سال گذشته را برطرف کنیم.



تندیس مرد سفالگر در میدان سرامیک‌سازان میبد نصب شد

به گزارش روابط عمومی شهرداری میبد، با حضور مهندس نقوی شهردار میبد، فاطمی مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان، اعضای شورای شهر و جمعی از مسئولین شهرستان میبد از المان سفالگر واقع در میدان سرامیک‌سازان رونمایی شد.

علیرضا نقوی شهردار میبد در این مراسم گفت: شهرداری و شورای اسلامی شهر میبد با هدف معرفی هنر صنعت سفال در میبد و قدردانی از هنرمندانی که سال‌های سال برای معرفی این هنر صنعت تلاش کردند ساخت این تندیس را در دستور کار خود قرار داد.

وی افزود: شهرداری برای این تندیس مجموعاً چهار میلیارد ریال هزینه کرده است تا هنر صنعت سفال میبد، بهتر از گذشته در عرصه ملی و جهانی به مسافران و گردشگران معرفی شود.

فاطمی مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان نیز در مراسم گفت: حرکت خوبی در نمادسازی فرهنگی و نمادهای شهری در میبد آغاز شده است و مطمئناً استفاده از تصاویر هنرمندان و تندیس‌هایی در حوزه صنایع دستی و حوزه‌های فرهنگی اقدام ارزشمندی به شمار می‌آید. وی این مساله را حمایت آشکار از حوزه صنایع دستی خواند و افزود: وقتی که به محوطه‌های صنایع دستی ورود پیدا می‌کنیم این تندیس‌ها به معرفی ظرفیت‌های میبد در حوزه سفال کمک می‌کند. مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری این تندیس‌ها را نماد شهری ماندگار توصیف کرد و اظهار داشت: میبد در سال‌های اخیر در زمینه فعالیت‌های حوزه صنایع دستی تحول خوبی داشته و ۲ سال پیش به عنوان شهر جهانی زیلو شناخته شد. وی میبد را شهر سفال و سرامیک عنوان کرد و ادامه داد: رونمایی از این تندیس‌ها در میبد ادامه دارد و تندیس بعدی در حوزه هنر صنعت زیلو خواهد بود. امیدواریم نام میبد به عنوان شهر سفال و سرامیک بلند آوازه بماند.



عضویت شهرداری گرگان در اتحادیه جهانی

شهرها و دولت‌های محلی

عبدالرضا دادبود، شهردار گرگان از عضویت گرگان در اتحادیه جهانی شهرها و دولت‌های محلی خبر داد و اظهار کرد: «یو سی ال جی» یک سازمان جهانی است که مخفف شهرها و شهرداری‌های متحد است و این سازمان بیش از ۱۹۰ عضو دارد که از همه قاره‌های جهان هستند.

وی تاکید کرد: اهداف این سازمان این است که شبکه‌ای از شهرهای جهان ایجاد کند که توسعه پایدار را در وسعت محلی پیگیری می‌کند و از طریق آموزش یا برگزاری مسابقات در این مسیر حرکت می‌کند.

شهردار گرگان گفت: از کشور ایران تهران، تبریز و گرگان عضو این مجموعه هستند و عضویت در این مجموعه برای شهرداری گرگان یک دستاورد تاریخی است.

دادبود بیان کرد: شهرداری گرگان این ظرفیت را دارد که در عرصه جهانی مطرح شود و عضویت در یو سی ال جی می‌تواند رسیدن به این هدف را هموارتر کند.

وی متذکر شد: دفتر مرکزی این مجموعه در شهر بارسلونا است و هر چند سال یکبار اعضا می‌توانند رئیس را انتخاب کنند.

گفتنی است، این عضویت در ادامه تلاش‌ها و اقدامات شهرداری گرگان در راستای توسعه روابط و مناسبات بین‌المللی برای شهر گرگان انجام شده است.

نام کتاب: **زنان، انقیاد قدرت، شهر: راهنمای طراحی فضاهای شهری برای زنان**

نویسندگان: **دکتر حمید پورحسین روشن، هنگامه علی اکبری**

نام ناشر: **نشر چهار درخت**

نوبت چاپ: **اول**

سال چاپ: **۱۳۹۸**

شمارگان: **۱۰۰۰**

تعداد صفحات: **۱۴۶**

حدیثه گرشاسبی

دانست بر نگاه به چگونگی حضور زنان در فضاهای شهری در ایران؛ قدمی آموزش گونه که در کنار قدم‌های دیگر لازم خواهد بود تا با آموزش و تبیین و بررسی نگاه‌های متعدد و متفاوت به تبیین آرایه‌های مؤثری بر حضور زنان در فضاهای شهری رسید. آرایه‌هایی که بتوانند تعاریف عمومی موجود در فضاهای شهری را با فعل حضور و با فعلیت یافتن عمومیت رفتار اجتماعی در این فضاها بازتولید نماید.

کتاب زنان، انقیاد قدرت، شهر؛ راهنمای طراحی فضاهای شهری برای زنان در چهار فصل تدوین شده است. در فصل اول کتاب به تعریف و تشریح مفاهیم اصلی شامل: جنس، جنسیت، الگوی جنسیت، الگوی جنسیت در فرهنگ ما، فضای عمومی، ابعاد فضای عمومی، فضای شهری و حضور در آن، جنسیت فضا، فضاهای مردانه یا زنانه، فضاهای مردانه و زنانه پرداخته شده است. در فصل دوم کتاب به مرور و بررسی نظریات مرتبط با موضوع زنان و فضاهای عمومی شهری پرداخته شده است. از جمله این نظریات می‌توان به فمینیسم رویکرد عدالت جنسیتی، رویکرد حکمروایی خوب، نظریات لوفور، تولید فضا، حق به شهر، حق زندگی روزمره و اخلاق مراقبتی اشاره کرد. در فصل سوم کتاب نیز به بررسی چستی‌های ابعاد مؤثر بر حضور زنان در فضا پرداخته شده است. مهمترین ابعاد مورد بررسی در این فصل عبارت است از: فضاهای عمومی شهری و نحوه حضور گروه‌های مختلف در آن، آموزش‌های جنسیتی، تفاوت‌های بیولوژیکی زنان و مردان در درک محیط پیرامون، عوامل مؤثر بر ادراک فضا، آموزه‌های فرهنگی اجتماعی در تعیین ادراک فضا، امنیت و نقش آن در چگونگی حضور زنان در فضاهای عمومی، چربی‌ها و چگونگی‌های تأثیر قدرت بر حضور زنان در فضا، تأثیر قدرت مردانه در خودکنترلی و دیگر کنترلی زنانه و آموزش و بازتولید قدرت. در فصل چهارم و آخر کتاب ابعاد طراحی فضا، شامل ابعاد کالبدی و ابعاد غیر کالبدی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.



برشمردن نام زن و نگاه به گستره معنایی فردی و اجتماعی که بار معنایی این واژه را ساخته است، از ابتدای سخن درگیر پس‌زمینه‌های فکری بوده و هست. زوایای متعدد و پیچیده‌ای در بستر این بحث قابل بازگشایی و بررسی است. در کتاب پیش رو در اولین قدم سعی شد تا با نگاهی اجمالی به چگونگی‌ها و تفاوت‌های فیزیولوژیکی زنان و مردان، کیفیات استفاده ایشان از فضاهای شهری، تحلیل شود.

از سوی دیگر با نگاهی ژرف‌تر به بسترهای فرهنگی موجود در زندگی زنان در ایران سعی شد تا بتوان با برشماری فضاهای شهری مؤثری که زنان در آن حضور می‌یابند، حضور ایشان و تفاوت‌های ماهوی با دیگر استفاده‌کنندگان فضاهای شهری را برشمرد. در طول چنین مسیری در بسیاری از لحظات بازه‌های متفاوت تأثیرگذاری‌های فرهنگی و قدرت‌های موجود در بطن جامعه در ماهیت چگونگی‌های استفاده زنان از فضا و محدودیت‌ها و موقعیت‌های ایشان در استفاده از فضاهای شهری مؤثر دیده شد.

روندی که در طول تحریر سطور کتاب پیشرو نقاط و نکاتی را ایجاد نمود که راهگشای صفحات کاربردی انتهای کتاب شد. در صفحات انتهایی کتاب سعی شد تا با برشماری و بررسی آنچه در روند تولید کتاب در باب حضور زنان در فضاهای شهری استخراج شد، با بیانی ساده و نکته‌گونه مهم‌ترین و مؤثرترین نکات مؤثر در حضور زنان در فضاهای شهری را به تصویر کشید. اگرچه لازم به ذکر است که این سطور و این صفحات تنها بر نکاتی تأکید داشتند که بیشترین تواتر را در نظر زنان در استفاده از فضای شهری به خود اختصاص داده‌اند و چه‌بسا صفحه‌ها باید به آن اضافه شود تا بتوان تمامی کیفیت تأثیرگذار بر حضور زنان در فضاهای شهری را تبیین نماید.

با تمام این اوصاف می‌توان کتاب پیش رو را جستجویی



"سارا نادری" تألیف و "انتشارات تپسا" در سال ۱۳۹۲ آن را چاپ کرد، نخست وضعیت پرتناقض و دوگانه زنان در جامعه‌ی امروز ایران را یادآوری می‌کند که با توجه به رشد قابل توجه شهرنشینی، افزایش سواد و به طور کلی سطح تحصیلات زنان پس از انقلاب، گسترش ارتباطات جمعی و افزایش چشمگیر آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی زنان که به چند برابر شدن آآمدگی آن‌ها به لحاظ کمی و کیفی برای مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منجر شده است، میزان مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی در نسبتی هم‌تراز با این رشد نیست و مجموعه شرایط از پایین‌تر و ضعیف‌تر بودن عاملیت زنان نسبت به مردان در فضاهای عمومی خبر می‌دهد.

مؤلف در این کتاب بر این باور است که به دست آوردن ابزارهای لازم برای سنجش و ارتقای مشارکت و توانمندسازی هر چه بیشتر زنان در زندگی فردی و اجتماعی مستلزم واکاوی تجربه زنان از تمامی لحظات زندگی و چالش‌های گاه شبیه و گاه متفاوت آن با تجربه‌های مردانه است.

مجموعه‌ی حاضر در کلیت خود تصویری از پیچیدگی‌ها، تناقض‌ها، محدودیت‌ها، واقعیت‌ها، باز نمایی‌ها و نیز بستر تاریخی زندگی در کلان‌شهر تهران را ترسیم نموده است. جهت‌گیری فرهنگی متون این مجموعه و نیز توجه به تهران به عنوان یک متن فرهنگی در وجوه مختلف کالبدی، ساختاری و نیز ارزشی و رفتاری آن، الزاماً وجهی تفسیری به غالب این مطالبات بخشیده است. از این رو، رویکرد فرهنگی در مطالعه‌ی شهر، وجه غالب آثار این مجموعه را شامل می‌شود که بر اساس طیفی از سنت‌های رشته‌های دانشگاهی مانند جامعه‌شناسی، معماری، روانشناسی محیطی و عمومی در فضایی چند رشته‌ای و گاه بین رشته‌ای، ضرورت‌های سیاسی و مدیریتی و تجارب زندگی روزمره در این شهر را شرح داده است.

کتاب حاضر، رویکردهای متنوعی برای فهم تجارب معاصر از شهر، تصویری نو از نگاه جایگاه زن ایرانی در محیط زیسته شهر تهران به تصویر می‌کشد، فضاهایی که با منطق فضاهای عمومی کلان جا معه و در واقع نبود تصاویری به هم پیوسته و جامع که مختصات هویتی حال حاضر زنان ایران زمین را ترسیم کند خودنمایی می‌کند.

آشنایی بیشتر با روایت و خوانش زنانه از شهر مهم‌ترین هدف کتاب حاضرست و با واکاوی به تجربه زیسته زنان شهر تهران از گذشته تا کنون، ضمن ترسیم خطوط مختصات این



م رویا سادات مدنی

در آمدی بر روایت زنانه از شهر/ کاوشی نظری در خوانش تجربه‌های زنانه از شهر / پدیدآور: سارا نادری/ به سفارش: اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران/ سال انتشار: تابستان ۱۳۹۲/ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه/ قیمت: ۸۹۰۰۰ تومان

تجربه‌ی زیسته و روبه‌رو شدن با تصاویر و تعاریف متناقض از زن در موقعیت‌های متنوع، از فعالیت‌های اجتماعی تا زندگی خصوصی و فردی در جایگاه زن ایرانی و همچنین مشاهده هم‌زیستی در کمال آرامش این تصویر هویتی کاملاً متضاد در زندگی روزمره، نویسنده را به کنکاش در کنش‌های زنان برانگیخت. یکی از شرط‌های اصلی تکوین متعالی فضاهای شهری و ارتقای کیفی حوزه عمومی در هر جامعه، حضور زنان در این فضاها است. اما چگونگی تحقق آن موضوعی به شدت بحث برانگیز است زیرا از حضور فعال زنان در عرصه‌ی عمومی جامعه‌ی مدرن مدت زیادی نمی‌گذرد. زنان وارد فضاهایی از پیش ساخته می‌شوند که باید به نوعی روح عاملیت خود را در آن بدمند و با عمل بر طبق قواعد آن یا برعکس، منافع خود را در فضاها جستجو کنند. براساس چنین نگاهی نگارنده این کتاب تجربه زیسته زنان در شهر تهران را از گذشته تاکنون واکاوی کرده است تا ضمن بررسی مختصات این تجربه در تمایز با تجربه‌ی زیسته مردانه در شهر، به شناسایی الگوهای منطقی و فناوری حاکم بر این تجربه و نیز عوامل مؤثر بر کیفیت آن بپردازد. در نهایت نیز راهکارهایی برای مدیریت شهری با هدف مطبوع ساختن هرچه بیشتر فضاهای شهری برای مشارکت و حضور زنان ارائه شده است.

در کتاب "درآمدی بر روایت زنانه از شهر" که توسط



مدرن است. با آزاد شدن زنان بطور کامل از قید الگوی مادر و پذیرش تام زنانگی تجویز شده از سوی الگوی پدر این معضل رو به بهبودی خواهد گذاشت. بر این مبنا وظیفه خطیر مدیریت و سیاستگذاران شهری این گونه ارزیابی می‌شود که آنان می‌بایست شرایط را برای خوانش زن با جسم زنانه خود در شهر به حداقل برسانند. به عبارت بهتر شرایطی فراهم کنند که زنان و مردان جدا از جنسیت خود بتوانند در تمام عرصه‌های مختلف اجتماعی در شهر مشارکت داشته باشند. در این راستا مدیریت شهری می‌بایست برای کاهش آسیب‌زا بودن جسم زنانه در شهر در راه تحقق زنان تبعیض در فضاهای شهری را بر اساس جنسیت از بین ببرد و برای افزایش امنیت برای جسم زنانه در شهر و کاهش عوامل تهدید کننده واقعی امنیت در شهر تلاش کند.

تجربه زیسته مردانه در شهر، که نگاه و تجربه غالب نسبت به شهر و فضاهای آن است به شناسایی الگوهای منطقی و رفتاری حاکم بر این تجربه و نیز عوامل موثر بر کیفیت این تجربه می‌پردازد. بر این مبنا پس از شناسایی الگوها و منطق حاکم بر تجربه زیسته زنان در شهر تهران، به بررسی نقش فضاهای شهری بر ارتقای کمی و کیفی حضور و مشارکت زنان در کلان شهر تهران پرداخته و در نهایت با در نظر گرفتن ذائقه‌های زنانه، استراتژی‌ها و راهکارهایی را برای مدیریت شهری در جهت مطبوع ساختن هرچه بیشتر فضاهای شهری برای مشارکت و حضور موثر زنانه ارائه می‌دهد.

در این کتاب شاید بهترین راهکار برای حل این معضل در زندگی روزمره این باشد که معضل ایجاد شده ناشی از قرار گرفتن زنان در ایران در شرایط گذار از الگوی زن سنتی به سمت زن



Contents

• Note	1
• The Main Report	
- Research on the Role of Women in the City/A.Davoodi	4
• Idea and Research	
- Space, Gender and Citizenship/P.Piran	10
-Sustainable City, Safe City for women/Z.Fanni	21
• Dialogue	
-Women and Urbanism/S.Khosravi	28
• Legal Counselor/H.Paraštar	33
• Municipality According to Document/A.Jalali	34
• Mayor's View	
-Gotvand Hosts the First lady Mayor/H.Garshasbi	38
• Comments	
-Learned Organization/H.Ezati Amini	43
• World Experiences	
-The Position of Women in Urban Management/M.Qorbani	47
• Education	
-A Review of UN Approaches to Women's Access to Land and Housing/S.Habibi S.sabet	53
-Gender and the Feeling of Security in Urban Spaces/Z.Fanni A.Moslemi	65
• Souvenir	
-Spain; Towards Zero Accident In 2020/ M.Hesari	75
• Excerpts From the Research	
-Investigating the Status of Women Citizenship in Urban /L.Tavakkoli	82
• Special Report	
-Evaz is a Leader in Women's participation/Kh.Faqihenezhad	87
• The Report	92
• New Publication	99

Address: No. 17, Naderi st. , keshavarz BLvd. Tehran

Tel: 021-63902053

Fax: 021-63902052

ISSN: 1606-7495

<http://www.imo.org.ir>

E.mail: shahrdariha91@gmail.com



ماهنامه شهر داریها دعوت به همکاری مریته

ماهنامه‌ی شهر داریها ضمن اعلام محورهای اصلی شماره‌های آنی، از کلیه‌ی دانشجویان علوم و تجربه دعوت می‌نماید تا مقالات علمی و آموزشی، گزارش‌های تخصصی، تجارب علمی (علمی و بین‌المللی) مرتبط با محورهای شماره‌های آنی ماهنامه را به آدرس پست الکترونیکی shahrdariha91@gmail.com ارسال و با شماره‌تلفن ۰۲۱-۶۳۹۰۲۰۵۰ تماس حاصل نمایند.

ردیف	محور اصلی ماهنامه	شماره ماهنامه
۱	شهر کارآزمین (مهندسی نوین)	۱۳۳
۲	شهر خلق	۱۳۴
۳	شهر و پیرامون	۱۳۵
۴	شهر و سیمای شهری	۱۳۶
۵	مشارکت خصوصی و عمومی	۱۳۷
۶	مکان‌های شهری ایران‌دیده شهریها	۱۳۸
۷	مدیریت شهری، برنامه‌ریزی، توسعه و بودجه، قرن جدید	۱۳۹
۸	زیست‌محیط‌های اجتماعی در شهر	۱۴۰
۹	توسعه علمی و مدیریت شهری	۱۴۱
۱۰	پسند شهری دانش‌پسندان	۱۴۲
۱۱	مدیریت شهری، سرمایه اجتماعی و رفاهیت شهروندی	۱۴۳
۱۲	فنون‌نگاری شهری، زمین و حکمروایی	۱۴۴

مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی

- Research on the Role of Women in the City
- Space, Gender and Citizenship
- Sustainable City, Safe City for women
- Women and Urbanism
- Gotvand Hosts the First lady Mayor
- The Position of Women in Urban Management
- A Review of UN Approaches to Women's Access to Land and Housing
- Spain: Towards Zero Accident In 2020
- Evaz is a Leader in Women's participation

